
یاد مہدی
علیہ السلام

بسم الله الرحمن الرحیم

یاد مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

نویسنده:

محمد خادمی شیرازی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

یاد مهدی علیه السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه : خادمی شیرازی، محمد، ۱۳۰۶ - ۱۳۷۸.

عنوان و نام پدیدآور : یاد مهدی علیه السلام/ محمد خادمی شیرازی.

مشخصات نشر : قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری : ۳۵۲ ص.

شابک : ۲۲۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۶۷۰۵-۷۶-۰ :

وضعیت فهرست نویسی : فاپا (چاپ چهارم)

یادداشت : چاپ اول: موسسه نشر و تبلیغ، ۱۳۵۶.

یادداشت : چاپ چهارم.

یادداشت : کتابنامه: ص. [۳۴۳] - ۳۵۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : محمدبن حسن(عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - .

موضوع : مهدویت

شناسه افزوده : مسجد جمکران (قم)

رده بندی کنگره : BP۲۲۴/۴/خ ۲۴ی ۲ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی : م ۸۱-۳۸۵۲

پیشگفتار

مرزهای جغرافیایی درهم ریزد، دنیا رنگهای دیگر گیرد، مصلح کل جهان، حامی مستضعفان، و ویرانگر کاخهای ستمگران، بنیانگذار حکومت واحد جهانی، حضرت حجه بن الحسن المهدی روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء ظهور کرده، کاخهای ظلم و استبداد را بر سر ستمگران فرو ریزد و شالوده ی حکومت واحد جهانی را بر اساس عدالت و آزادی استوار

سازد. بر فراز کره ی خاکی دیگر ستمی روی ندهد و در زیر آسمان نیلی از تبعیض و بی عدالتی نشانی نماند. فساد و تباهی از جهان رخت بربندد و معیارهای برجسته ی انسانی، ارزش واقعی خود را باز یابد.

و اینک یک هزار و یکصد و پنجاه سال است که دست نیرومند الهی در آستین «غیبت» فرو رفته، تا روزی پس از سپری شدن دوران غیبت، ظهور کرده، آفتاب عدالت را بر هر کوی و برزنی بتاباند و بر جنایتها و خیانتهای انسانها خاتمه دهد.

نوید ظهور آن مصلح بزرگ جهان، علاوه بر قرآن مجید، در تمام کتابهای آسمانی، چون انجیل، تورات و زبور آمده است.

اگرچه به جز قرآن

کریم، همه ی کتابهای آسمانی دستخوش تحریف

[صفحه ۶]

شده اند، لکن باز جملاتی از دستبرد تحریف گران مصون مانده، که در آنها از ظهور مصلح کل جهان گفتگو شده است. نظر به اینکه این نویدها به صورت پیشگویی و در ارتباط با حوادث آینده بیان شده، و مضامین آنها در قرآن کریم و اخبار متواتر و مسلم اسلامی وارد شده است، هیچ تردیدی نمی ماند در اینکه این عبارتها از منطق وحی سرچشمه گرفته، و در طول زمان در دستبرد انسانها مصون مانده است.

پیرامون همه ی ادیان، اعم از وثنیت، کلیمیت، مسیحیت، مجوسیت و اسلام، به استناد نویدهای کتب مقدس شان، در انتظار ظهور آن مصلح الهی به سر می برند. که قسمتی از این نویدها در بخش اول این کتاب آمده است. [۱].

سیری گذرا در نمونه های یاد شده در این کتاب برای اثبات اصالت مهدویت و جهانی بودن اعتقاد به ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا فداه کافی است.

اعتقاد به ظهور حضرت مهدی یکی از مسائل بنیادی و حیاتی اسلام به شمار می رود و با دیگر عقاید و احکام اسلامی پیوند ناگسستنی دارد.

بیش از یکصد و بیست آیه در قرآن کریم وارد شده که پیشوایان معصوم علیهم السلام آنها را به ظهور حضرت بقیهالله تفسیر نموده اند، از آن در بخش دوم این کتاب آمده است. [۲].

[صفحه ۷]

در لابلای روایات متواتری که از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و سایر پیشوایان دین صادره شده است، کلیه ی اوصاف و تمام جزئیات زندگی، ظهور، نهضت جهانی و قیام همگانی آن مصلح الهی و پایه گذار حکومت واحد جهانی بیان شده

است.

احادیث وارده در پیرامون حضرت بقیهالله ارواحنا فداه از طریق شیعه و سنی بیرون از شمار است. از این رهگذر ما فقط فهرست قسمتی از آنها را در ذیل از نظر خوانندگان گرامی می گذرانیم:

۱- در ۲۹۳ حدیث تصریح شده که او فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است.

۲- در ۹۰ حدیث گفته شده که او نوه ی امام هادی و نبیره ی امام جواد علیه السلام است.

۳- در ۹۵ روایت وارد شده که او چهارمین فرزند امام رضا علیه السلام است.

۴- در ۱۹۹ روایت وارد شده که او پنجمین فرزند حضرت موسی بن جعفر علیه السلام است.

۵- در ۲۰۲ حدیث وارد شده که او ششمین فرزند امام صادق علیه السلام است.

۶- در ۱۰۳ روایت وارد شده که او هفتمین فرزند امام باقر علیه السلام است.

۷- در ۱۸۵ حدیث آمده که او هشتمین فرزند حضرت سجاد علیه السلام است.

۸- در ۳۰۸ روایت وارد شده که او نهمین فرزند امام حسین علیه السلام است.

۹- در ۲۱۴ حدیث آمده است که او از تبار امیر المومنان علیه السلام است.

[صفحه ۸]

۱۰- در ۱۹۲ روایت وارد شده که وی از اولاد حضرت زهرا سلام الله علیها است.

۱۱- در ۴۸ روایت تصریح شده که وی همنام رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است.

۱۲- در ۱۳۶ حدیث تصریح شده که او دوازدهمین امام و آخرین پیشوا است.

۱۳- در ۹۱ روایت از غیبت طولانی او گفتگو شده است.

۱۴- در ۷ حدیث از کیفیت انتفاع مردم از آن حضرت در زمان غیبت سخن رفته است.

۱۵- در ۵۱ حدیث سیرت و صورت او توصیف شده است.

۱۶- در ۴۷ روایت تصریح شده

که در عصر او اسلام دین جهانی خواهد شد، و آیه ی شریفه:«لیظهره علی الدین کله» به دست او تحقق خواهد یافت.

۱۷- در ۱۲۳ روایت آمده که او شخصا عدالت اجتماعی را در پهنه ی گیتی برقرار خواهد کرد.

۱۸- در ۲۹۳ حدیث از تولد آن مهر تابان گفتگو شده است.

۱۹- در ۳۱۸ روایت عمر طولانی آن حضرت مطرح شده، و در برخی از آنها تصریح شده که عمر شریفش به قدری طولانی می شود که جز مومنان راستین، کسی در اعتقاد خود استقرار نمی ماند.

۲۰- در ۶۵۷ حدیث درباره ی ظهور و علایم ظهور بحث شده است. [۳].

متن ۳۶۹۲ روایتی که فهرست آنها در بالا گفته شده، به اضافه ی ۲۵۱۵ روایت دیگر در پیرامون آن حضرت در منابع شیعه، از پیشوایان معصوم به دست ما رسیده است و در کتاب پرارج «منتخب الاثر» جمع آوری شده است. در این کتاب جمعا ۶۲۰۷ روایت با ذکر مأخذ از ۱۵۴ کتاب معتبر

[صفحه ۹]

و دست اول شیعه استخراج و گرد آوری شده است.

روایاتی که پیرامون نهضت جهانی حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) در منابع معتبر اهل تسنن آمده است، دست کم از روایات شیعیان نمی باشد، و حتی در «صحاح ست» که معتبرترین کتابهای روایتی اهل تسنن است، روایات قائم آل محمد علیه السلام به شرح زیر آمده است:

۱- صحیح بخاری: کتاب الأحکام و باب نزول عیسی بن مریم علیه السلام.

۲- صحیح مسلم: باب الفتن، اشراط الساعه، و باب نزول عیسی علیه السلام.

۳- سنن ابن ماجه: باب خروج المهدی ارواحنا فداه.

۴- سنن ابی داود: کتاب المهدی ارواحنا فداه.

۵- سنن ترمذی: باب ما جاء فی المهدی ارواحنا فداه.

در

مسند احمد، پیشوای حنبلی ها و دیگر سنن و جوامع اهل تسنن، روایات حضرت مهدی علیه السلام مشروحا آمده است.

استاد «علی محمد علی دخیل» اسامی ۲۰۵ کتاب از بزرگان اهل سنت را در کتاب پرارج «الامام المهدی» آورده است که تعداد ۳۰ نفر آنها مستقلا درباره ی حضرت ولی عصر ارواحنا فداه کتاب نوشته اند، و ۳۱ نفرشان فصلی را در کتابهای خود به روایات حضرت مهدی ارواحنا فداه اختصاص داده اند و تعداد ۱۴۴ نفرشان به تناسبهای مختلف روایات حضرت مهدی روحی له الفداء را در کتابهای خود آورده اند.

اگر بخواهیم اسامی همه ی این کتابها را نقل کنیم، سخن به درازا می کشد، از این رهگذر فقط از کتابهایی که مستقلا در پیرامون حضرت ولی عصر ارواحنا فداه از بزرگان اهل سنت به رشته ی تحریر آمده، به ترتیب تهجی نام می بریم:

۱- ابراز الوهم من کلام ابن حزم، تألیف: احمد بن صدیق بخاری.

[صفحه ۱۰]

۲- الاحادیث القاضیه بخروج المهدی، تألیف: محمد بن اسماعیل امیر یمانی، متوفی ۷۵۱ ه.

۳- احادیث المهدی، تألیف: ابوبکر خثیمه.

۴- أحوال صاحب الزمان، تألیف: سعد الدین حموئی، متوفی ۷۲۲ ه.

۵-أخبار المهدی، تألیف حماد بن یعقوب رواجنی.

۶- أربعین حدیث فی المهدی، تألیف: ابو نعیم اصفهانی، متوفی ۴۳۰ ه.

۷- أربعین حدیث فی المهدی، تألیف: ابوالعلاء همدانی.

۸- ارشاد المستهدی فی نقل بعض الاحادیث و الآثار الوارده فی شأن الامام المهدی، تألیف: محمد علی حسین بکری مدنی.

۹- البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان ارواحنا فداه، تألیف: ملا علی متقی هندی، متوفی ۹۷۵ ه.

۱۰- البرهان، تألیف: محمد بن عثمان کراجکی.

۱۱- البیان فی اخبار صاحب الزمان علیه السلام، تألیف: محمد بن یوسف گنجی شافعی، متوفی ۶۵۸

ه.

۱۲- تحدیق النظر فی اخبار المهدی المنتظر علیه السلام، تألیف: محمد بن عبدالعزیز بن مانع.

۱۳- تلخیص البیان فی علامات مهدی آخر الزمان علیه السلام، تألیف: ابن کمال پاشا حنفی، متوفی ۹۴۰ ه.

۱۴- تلخیص البیان فی اخبار مهدی آخر الزمان روحی له الفداء تألیف: ملا علی متقی هندی، متوفی ۹۷۵ ه.

۱۵- التوضیح فی تواتر ما جاء فی المنتظر و الدجال و المسیح، تألیف: شوکانی.

۱۶- الجواب المقنع المحرر، فی الرد علی من طغی و تبحر، بدعوی انه

[صفحه ۱۱]

عیسی اوالمهدی المنتظر ارواحنا فداه، تألیف: محمد حبیب الله بن مایانی جکنی شنقیطی.

۱۷- الرد علی من حکم و قضی، ان المهدی (ارواحنا فداه) جاء و مضی، تألیف: ملا علی متقی هندی، متوفی ۱۰۱۴ ه.

۱۸- الرد علی من کذاب اللأحادیث الصحیحه الوارده فی المهدی (ارواحنا فداه) تألیف: محمد بن عباد.

۱۹- رساله فی المهدی (علیه السلام) تألیف: ابن حجر مکی، متوفی ۹۷۳ ه.

۲۰- رساله مهدی آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) تألیف: ملا علی متقی هندی، متوفی ۱۰۱۴ ه.

۲۱- صاحب الزمان (علیه السلام) ابوالعنبس محمد بن اسحاق بن ابراهیم کوفی، قاضی صمیره، متوفی ۲۷۵ ه.

۲۲- صفه المهدی (ارواحنا فداه)، ابو نعیم اصفهانی، متوفی ۴۳۰ ه.

۲۳- العرف الوردی فی اخبار المهدی (ارواحنا فداه)، تألیف: جلال الدین سیوطی، متوفی ۹۱۰ ه.

۲۴- العرف الوردی فی اخبار المهدی (ارواحنا فداه)، تألیف: یوسف بن یحیی دمشقی شافعی، متوفی ۶۸۵ ه.

۲۵- العرف الوردی فی دلایل المهدی (ارواحنا فداه)، تألیف: عبدالرحمن بن مصطفی.

۲۶- العطر الوردی، فی شرح القطر الشهدی، فی اوصاف المهدی (ارواحنا فداه)، تألیف: محمد بن محمد بن احمد بلبیسی، متوفی ۱۳۰۸ ه.

۲۷- عقد الدرر فی اخبار المهدی المنتظر (ارواحنا فداه)، تألیف: یوسف بن یحیی

دمشقی شافعی، متوفی ۶۸۵ ه.

۲۸- عقیده اهل السنه و الأثر، فی المهدی المنتظر (ارواحنا فداه)، تألیف: محسن بن عباد.

[صفحه ۱۲]

۲۹- علامات المهدی (ارواحنا فداه) تألیف: جلال الدین سیوطی، متوفی ۹۱۰ ه.

۳۰- الفتوی فی مسئله المهدی المنتظر (ارواحنا فداه)، تألیف: رابطه العالم الاسلامی مکه، زیر نظر: شیخ محمد منتصر کتانی.

۳۱- فرائد الفوائد، تألیف: مرعی ین یوسف مقدسی، متوفی ۱۰۳۱ ه.

۳۲- فوائد الفکر فی المهدی المنتظر (ارواحنا فداه)، تألیف: نامبرده.

۳۳-القطر الشهدی فی اوصاف المهدی (ارواحناه فداه)، تألیف: احمد بن احمد حلوانی شافعی، متوفی ۱۳۰۸ ه.

۳۴- القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر (ارواحنا فداه)، تألیف: شهاب الدین احمد بن محمد، ابن حجر مکی، متوفی ۹۷۳ ه.

۳۵- مرآه الفکر فی المهدی المنتظر (ارواحنا فداه)، تألیف مرعی بن یوسف مقدسی، متوفی ۱۰۳۱ ه.

۳۶- المشرب الوردی فی مذهب المهدی (ارواحنا فداه)، تألیف: ملا علی متقی هندی، متوفی ۱۰۱۴ ه.

۳۷- مناقب المهدی، تألیف: ابو نعیم اصفهانی، متوفی ۴۳۰ ه.

۳۸- المهدی، تألیف: ابن قیم جوزیه، متوفی: ۷۵۱ ه.

۳۹- المهدی، تألیف:ابوداود (صاحب سنن)، متوفی ۲۷۵ ه.

۴۰- المهدی، تألیف: ادریس عراقی مغربی.

۴۱- مهدی آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) تألیف: علی بن سلطان محمد هروی حنفی.

۴۲- المهدی الی ما ورد فی المهدی (ارواحنا فداه) تألیف: محمد ابن طولون.

۴۳-نبذه من علامات المهدی، تألیف: جلال الدین سیوطی، متوفی ۹۱۰ ه.

۴۴- النجم الثاقب فی بیان ان المهدی من اولاد ابی طالب.

۴۵- النظم الواضح المبین، تألیف: عبدالقادر بن محمد سالم.

۴۶- نعت المهدی (علیه السلام)، تألیف: ابو نعیم اصفهانی، متوفی ۴۳۰ ه.

۴۷- الوهم المکنون فی الرد علی ابن خلدون، تألیف: ابوالعباس بن عبدالمومن مغربی.

۴۸- الهدیه المهدویه، تألیف: ابوالرجا محمد هندی.

۴۹- الهدیه الندیه، للامه المحمدیه فیما جاء

فی فضل الذات المهدیه، تألیف: قطب الدین مصطفی بن کمال الدین حنفی، متوفی ۱۱۶۲ ه.

۵۰- ینابیع الموده، تألیف: حافظ سلیمان قندوزی. [۴].

در اینجا یادآوری این نکته لازم است که در کتابهای اهل سنت به نقل روایات کلی حضرت مهدی روحی له الفداء اکتفا نشد، بلکه از اوصاف و خصوصیات آن حضرت به تفصیل گفتگو شده است، مثلا در ۳۵ کتاب از دانشمندان سنی، تصریح شده که مهدی موعود علیه السلام فرزند بلافصل امام حسن عسکری (علیه السلام) می باشد. [۵].

از زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تا عصر اصحاب و تابعین، در هر عصری مسائل مربوط به حضرت مهدی ارواحنا فداه، در میان توده ی مردم مشهور و زبانزد خاص و عام بود و در هر بعدی از ابعاد آن کتابهای مستقلی نوشته شده است. اگر روزی بتوانیم کتابهایی را که در هر عصری پیرامون حضرت مهدی ارواحنا فداه نوشته شده، احصا کنیم، خود یکی از مستدل ترین راههای اثبات «اصالت مهدویت» خواهد بود.

نگارنده ی این سطور کتابی در دست تألیف دارد که در آن مشخصات بیش از یک هزار جلد کتاب را گرد آورده که از سوی علمای بزرگ در پیرامون

[صفحه ۱۴]

حضرت بقیه الله روحی له الفداء استقلالا نگارش یافته است.

در اینجا به عنوان نمونه از چند دانشمند بزرگ شیعه نام می بریم که پیش از ولادت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه در پیرامون غیبت آن حضرت کتاب نوشته اند:

۱- ابو اسحاق، ابراهیم بن صالح انماطی کوفی اسدی، از اصحاب حضرت موسی بن جعفر علیه السلام می باشد، که کتابی در «غیبت» نوشته، و ابن قولویه این کتاب را با

یک واسطه از او روایت کرده است. [۶].

۲- ابوالحسن، علی بن حسن بن محمد طائی جرمی شاطری، معاصر حضرت موسی بن جعفر علیه السلام، که کتابی بنام «الغیبه» نوشته است. [۷].

۳-ابوالحسن، علی بن عمر اعرج کوفی، از یاران حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و مولف کتابی به نام «الغیبه». [۸].

۴- حسن بن علی بن ابی حمزه ی بطاینی، که در عصر امام رضا علیه السلام می زیسته، و کتابی در پیرامون «غیبت» نوشته است. [۹].

۵- ابوالفضل عباس بن هشام ناشری، از اصحاب امام رضا علیه السلام و متوفی ۲۲۰ هجری و صاحب کتاب «الغیبه». [۱۰].

۶- ابو محمد، فضل بن شاذان ازدی، از اصحاب امام رضا علیه السلام و متوفی ۳۶۰ هجری، و صاحب ۱۸۰ جلد کتاب ارزنده در حمایت از حریم مقدس ولایت، که یکی از آنها کتاب «الغیبه» است. [۱۱].

۷- همچنین کتابهای فراوانی از معاصرین امام حسن عسکری

[صفحه ۱۵]

علیه السلام مانند «ابراهیم بن اسحاق» [۱۲] و معاصرین نواب اربعه، مانند «محمد بن قاسم بغدادی» متوفی ۳۳۲ ه. به نام «الغیبه» به یادگار مانده است. [۱۳].

فهرست بالا مربوط به کسانی است که پیش از ولادت حضرت مهدی کتاب مستقلی در موضوع «غیبت» نوشته اند. و گرنه در صدها کتاب پیش از ولادت آن حضرت موضوع غیبت مطرح شده است. مثلا «حسن بن محبوب» یکی از محدثین مورد اعتماد، صد سال پیش از ولادت حضرت مهدی ارواحنا فداه، احادیث مربوط به غیبت را در مشیخه ی خود آورده است. [۱۴].

کتاب حاضر:

کتابی که در پیش رو دارید نخستین جلد از مجموعه ی آثار مولف عالی قدر، در پیرامون نهضت جهانی مصلح غریبی حضرت حجه بن الحسن

المهدی روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء است، که مولف گرانقدر جلد اول را به سبک کتاب پرارج «کمال الدین و تمام النصحه» تالیف کرده، و به پیروی از شیخ بزرگوار مرحوم صدوق، روایات رسیده از هر معصومی را در یک بخش قرار داده است. یکی از مزایای این شیوه، امکان بررسی سیر تکاملی احادیث مهدی موعود ارواحنا فداه در عصر معصومین علیهم السلام می باشد. این شیوه در کتابهای عربی معمول بود ولی در کتابهای فارسی معمول نبود و شاید این کتاب، نخستین کتاب فارسی باشد که بر این شیوه استوار است.

[صفحه ۱۶]

از دیگر مزایای این کتاب، آوردن متن عربی احادیث، و اعراب گذاری آنهاست که هر طبقه ای را سودمند خواهد بود و گفتار معصومین علیهم السلام دلهای مومنان را نورانی خواهد نمود، که کلامشان نور، رشد و هدایت است.

در ترجمه ی احادیث تلاش بر این بود که با حفظ امانت در ترجمه، ترجمه ها ساده و روان باشد.

ناشر محترم ادیت کردن این کتاب را به نگارنده پیشنهاد نمود، نگارنده برای عرض ادب به پیشگاه حضرت بقیه الله روحی له الفداء و برای ادای قسمتی از حقوق فراوانی که مولف بزرگوار بر گردن او داشت، با اشتیاق فراوان پذیرا شد و تا جائی که بضاعت علمی حدودش اجازه می داد در تهذیب و تنظیم آن کوشید و اینک این خدمت ناچیز را به پیشگاه یکتا بازمانده از حجتهای پروردگار، حضرت حجه بن الحسن المهدی روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء تقدیم می نماید.

مولف گرانقدر:

مولف بزرگوار یکی از خدمتگزاران صدیق آستان مقدس پیشوای انس و جان، حضرت بقیه الله امام زمان

ارواحنـا فـداه می باشـد، که چون عاشـقی دلسوخته از درد هجران می نالـد و دو چشم انتظار با یک دنیا امیـد به کوی معشوق دوخته، در انتظار فرا رسیدن لحظه ی موعود ثانیه شماری می کند.

مولف جلیل القدر از پرورش یافتگان مکتب والای اهل بیت علیهم السـلام، و دست پرورده ی اسـتاد گران قدری چون مرحوم آیت الله حاج شیخ بهاء الدین محلاتی (قدس سره) می باشد، که عمری را در شهر ادب پرور شیراز به ارشاد و هدایت مردم در سنگر محراب و منبر سپری نموده، عاشقان شیدایی تربیت نموده، که شعاع تربیت او از محدوده ی شیراز تجاوز کرده،

[صفحه ۱۷]

شاگردانی را در قم و تهران به سوی خود جذب کرده است.

مولـف بزرگـوار از نیـک بختـانی است که مکرر سـعادت تشـرف به پیشـگاه کعبه ی مقصود و قبله ی موعود را پیـدا کرده، و داسـتانهای جالب و ارزنده ای دارد که در کتمان آنها می کوشد، و گوشه ای از آنها توسط دوسـتانش که در برخی از تشرفها شرکت داشـته انـد، به ما رسـیده است. و اینکه برای حسن ختام این سـطور، یکی از داسـتانهای جالب ایشان را از کتاب پرارج «ملاقات با امام زمان علیه السلام» در اینجا می آوریم:

اسـتاد معظم، دانشـمند گرانقدر حضـرت حجهالاسـلام و المسلمین جناب آقای حاج سید حسن ابطحی، موسس کانون بحث و انتقاد دینی مشهد مقدس، صاحب تألیفات گرانقدری چون:«پرواز روح»، که از دوستان نزدیک مولف بزرگوار است در کتاب پرارج: «ملاقات با امام زمان علیه السلام». چنین می نویسد:

در سال ۱۳۵۳ هجری شمسی که به مدینه منوره مشرف شده بودم نیمه شبی که شهر مدینه کاملا خلوت

بود و ساختمانهای قسمت باب السلام را خراب کرده بودند و هنوز سایبان های فعلی آن قسمت را نساخته بودند.

میدان وسیعی که از دیوارهای حرم تا خیابان مقابل مسجد غمامه امتداد داشت وجود پیدا کرده بود و من در خدمت آقای حاجی خادمی چون در آن آخر شب هنوز درهای حرم را باز نکرده بودند پشت دیوارهای مسجد النبی صلی الله علیه و آله نشسته بودیم و ایشان طبق معمول که دائما بیاد مولای خود هستند و همیشه سخن از آن حضرت می گویند و اظهار عشق به آن وجود مقدس می نمایند آن شب هم از هر دری درباره حالات حضرت حجه بن الحسن علیه السلام

[صفحه ۱۸]

سخن به میان آورده بودند و اظهار علاقه به آن حضرت می نمودند، ضمنا گفتند: از شما سوالی دارم؟

گفتم: بپرسید.

گفتند:آیا ممکن است حضرت بقیه الله ارواحنا لتراب مقدمه الفداء در مدینه منوره منزلی نداشته باشند؟

گفتم: چرا ممکن نباشد لازم نیست که آن حضرت در هر شهری خانه ای داشته باشند بخصوص با توجه به اینکه خانه دوستانشان متعلق به ایشان است.

معظم له گفت: نه من معتقدم که آن حضرت در مدینه منوره خانه ای دارند.

گفتم: آن خانه کجاست؟

فرمود: اگر من خانه ی آن حضرت را می دانستم که اینجا نمی نشستم؟ (من می دانستم که وقتی این حالات برای محبین آن حضرت پیش می آید با مختصری پیگیری می توان استفاده های زیادی نمود لذا گفتم:)

من اگر این اعتقاد را می داشتم یعنی معتقد بودم که حضرت بقیهالله ارواحنا فداه در مدینه منوره خانه ای دارند در این چند روزی که در مدینه بودم تمام درهای خانه های

مدینه منوره را می زدم و از اسم صاحب منزل سوال می کردم تا خانه آن حضرت را پیدا کنم، و اضافه کردم که اگر این عمل با جدیت و پشت کار داشتن صحیحی انجام بشود نهایت پنج الی شش روز بیشتر طول نمی کشد تا آنکه انسان خانه آن حضرت را پیدا می کند مگر مدینه چه قدر خانه دارد و این مدت زحمت و خجالت کشیدن احتمالا از مردم فحش و ناسزا شنیدن برای رسیدن به این هدف مقدس ارزش دارد.

و حال آنکه من معتقدم غیرت و لطف و محبت حضرت بقیه الله

[صفحه ۱۹]

ارواحنا فداه اجازه نمی دهد که دوستش برای رسیدن به او تا این حد زحمت و خجالت بکشد و طبعا نمی گذارند پس از یکی دو در خانه زدن بیشتر معطل شوید و خانه را به شما نشان می دهند.

ولی چون من معتقد نیستم یعنی یقین ندارم که آن حضرت در مدینه منوره خانه ای داشته باشند این عمل را انجام نداده ام.

خلاصه به قدری در این باره با معظم له حرف زدم که ایشان در همان نیمه شب از جا برخاست و ایستاد من هم ایستادم و متحیر بود که از کجا و از کدام طرف شروع کند، و به اطراف نگاه می کرد، من در هر لحظه منتظر لطفی از طرف حضرت بقیه الله ارواحنا فداه بودم.

ناگهان در صورتی که در سراسر میدان وسیع پرنده ای پر نمی زد همه مردم در خانه ها به خواب بودند سکوت عجیبی همه را جا گرفته بود صدائی از خیابان مقابل مسجد غمامه به گوش می رسید که شخصی به زبان

فارسی صدا می زند «از این طرف. از این طرف» ما به طرفی که صدا می آمد نگاه کردیم از دور شخصی را که نمی توانستیم خصوصیات قیافه و لباسش را تشخیص دهیم دیدیم که ظاهرا ما را صدا می زند.

آقای حاجی خادمی گفتند: ما را به طرف خانه ولی عصر علیه السلام صدا می زنند و اشک از دیدگانش جاری شد و بدون معطلی به آن طرف حرکت کردند.

من که در این جریانات خیلی دیر باورم با خود گفتم: حتما یکی از ایرانی ها خیال کرده که ما رفقای او هستیم و راه را گم کرده ایم او ما را به آن طرف صدا می زند و راهنمایی می کند ولی آن شخص پس از آنکه ما را صدا زد به طرف کوچه هایی که در آن حدود بود رفت و ما دیگر او را ندیدیم.

آقای حاجی خادمی در طول راه تا محلی که آن شخص ایستاده بود می فرمود استشمام عطر عجیبی می کنم.

[صفحه ۲۰]

بالاخره پس از ده دقیقه به آن محل رسیدیم ولی باز در آن محل سر سه راهی متحیر بودیم که باید از کدام طرف برویم.

این تردید چند لحظه بیشتر طول نکشید که صدای موتور دنده ای قویی آرامش خیابان را به هم زد و موتور سواری از انتهای خیابانی که مقابل مسجد غمامه است پیدا شد وقتی که به ما رسید از سرعتش کاست و توقف کوتاهی نزد ما کرد و اشاره به خیابان فرعی که پشت فندق الحرم است نمود و به زبان فارسی گفت:

«از این طرف.. از این طرف..» و با سرعت از ما دور شد.

در این

جا من هم می خواستم کم کم احتمال بدهم که این راهنمایی ها طبیعی نیست.

زیرا اگر فرد اول به حسب تصادف آن صـدا را زده بود، دیگر این موتوری که معمولا ایرانیها در مدینه موتور سوار نمی شوند عادی نبوده به خصوص که این موتور سوار نزدیک ما توقف کرد و ما را دیـد و ممکن نیست که ما را با رفقای خودش اشـتباه کرده باشد.

به هر حال آقای حاجی خادمی با اشک ریزان و ذکر یا صاحب الزمان علیه السلام به طرف آن خیابان فرعی به راه افتاد من هم بهت زده با ایشان می رفتم هنوز ده قـدمی بیشتر در آن خیابان نرفته بودیم که دیـدیم جمعی حـدود ده نفر جوان اطراف مرد با شخصـیتی را که لبـاس عربی در برداشت گرفته بودنـد و سـخنان او را گوش می دادنـد و خوب روشن بود که از خانه ای تازه خارج شده اند و می خواهند به جایی بروند و آهسته و آهسـته به طرف ما می آمدند وقتی به ما رسـیدند آن مرد بزرگوار و با شخصیت نگاهی به ما کرد و گفت (سلام علیکم) ما جواب دادیم ولی این سلام و آن نگاه به قدری دلربا بود که ما را مبهوت کرده بود.

حـاجی خادمی به دیوار تکیه زده بود و اشک می ریخت و پشت سـر آنها نگاه می کرد من به فکر افتادم که ببینم آنها از کجا بیرون آمده اند وقتی به پشت سر نگاه کردم دیدم چراغ خانه ای روشن

[صفحه ۲۱]

است و کاملا مشخص است که آنها از این خانه بیرون آمده اند در منزل چوبی بود و به

جای شیشه روی در میل گردهایی به فاصله سه انگشت از هم جدا نصب شده بود.

خانه کاملا قدیمی و بدون تشریفات ظاهری بود داخل منزل پشت در چراغی روشن بود و شخصی که ظاهرا خادم آن خانه بود زیر آن چراغ ایستاده بود.

بالای در خانه تابلویی نصب بود و چراغ نسبتا پر نوری روی آن تابلو روشن شده بود که کاملا تابلو و مقداری از سطح خیابان را منور کرده بود.

روی این تابلو با خط طلائی برجسته ای نوشته شده بود:

«منزل المهدی الغوث»

البته ترتیب نوشته باین نحوه بود که کلمه «منزل» بالای تابلو قرار گرفته و در سطر دوم کلمات «المهدی - الغوث» به همین نحوه که اینجا نوشته شده قرار داشت وقتی آقای حاجی خادمی این تابلو را دید یقین کرد که با سهولت به مقصد و هدف خود رسیده و خانه پرنور حضرت بقیه الله ارواحنا فداه را پیدا کرده است و لذا او پشت در خانه مختصری نشست ولی من هنوز می خواستم از موضوع بیشتر تحقیق کنم خود را پشت میل گردهای آن در چوبی رساندم و از مردی که زیر چراغ در داخل منزل ایستاده بود به زبان عربی پرسیدم:

صاحب البیت فیه.

یعنی صاحب خانه در خانه است او با کمال محبت با لبهای متبسم به من جواب داد و گفت «الان راح» یعنی همین الان تشریف برد.

من دانستم که آقایی که با جمعی در خیابان می رفتند صاحب خانه است و نامش مهدی است و لقبش الغوث است ولی آیا حقیقتا او حضرت بقیه الله الاعظم امام زمان علیه السلام بوده یا شخص دیگر

[صفحه ۲۲]

به حسب تصادف با این نام

و لقب در اینجا زندگی می کند؟

خلاصه پشت آن در نشسته بودیم کم کم مستخدم آن خانه چراغ داخل منزل را خاموش کرد و مثل آنکه رفت بخوابد.

ولی من در باطن آن چنان دچار طوفان فکری عجیبی شـده بودم که نزدیک بود قالب تهی کنم با خود می گفتم مگر می شود مثل منی لیاقت به این فیض عظمی پیدا کند.

از طرف دیگر با توجه به اینکه آن موتور سوار به فارسی ما را راهنمایی کرد و دیگر آنکه معمولا اهل سنت نام مهدی از روی خود نمی گذارنـد و حتی شـیعیان مـدینه هم از باب تقیه کمتر این نام مقدس را دارا هسـتند مرا امیدوار می نمود که شاید این لیاقت نصیبم شده باشد.

به هر حال حدود یک ساعت پشت آن در نشـستیم و آقای حاجی خادمی حال خوشـی داشت سـپس حرکت کردیم و به محل اقامتمـان رفتیم صـبح آن شب قافله ما عازم مکه بود و من در آن سـفر نتوانسـتم دو مرتبه به در آن خانه بروم ولی در سـفرهای بعـد که موفق به زیارت مدینه منوره شده بودم به آنجا رفتم چند خانه شبیه یکدیگر در آنجا بود ولی آن تابلو روی هیچیک از آن درها نبود اما آقای حاجی خادمی می گفتند من در هر سـفر که مشـرف شده ام آن خانه را با همان تابلو زیارت کرده ام... [۱۵].

آنانکه از نزدیک با مولف بزرگوار آشـنا هسـتند به خوبی می دانند که در شبانه روز بیشترین ساعات عمر با برکتشان را با «یاد مهدی» سپری می شود و چه قدر متناسب است که عنوان سری آثار خود را «یاد مهدی»

نامیده اند، و

[صفحه ۲۳]

به همین دلیل مطالب کتاب از کشش و جذبه ی خاصی برخوردار است، زیرا این مطالب از قلبی سرشار از عشق مولی، و دلی خونبار از درد هجران سرچشمه گرفته، و همراه با قطرات اشک بر روی صفحات کاغذ نقش بسته است. که امیدواریم خواننده ی گرامی نیز در وضع مشابهی حقایق مندرج در آن را مطالعه نماید و با مطالعه ی هر سطری بر مراتب ولائی او افزوده شود و با مطالعه ی هر سطری گامی به مولی و پیشوای خود نزدیکتر شده، از عوامل بازدارنده دورتر گردد، تا در حومه ی مغناطیسی او قرار گیرد و همراه دیگر ذرات عالم در پیرامون هسته ی مرکزی جهان آفرینش، خورشید فروزان امامت، و هدف اعلای جهان خلقت به گردش در آید.

و اینک دامن سخن فرا می چینم و همراه دیگر خوانندگان گرامی پای سخنان مولف گرانقدر می نشینم. امید آنکه پیش از پایان یافتن این کتاب، فرمان ظهور فرا رسد و خلعت ظهور به اندام رسای حضرت بقیه الله ارواحنا فداه پوشانیده شود و دیدگان نگران ما با دیدار آن جمال الهی منور گردد و پرچم حق بر فراز کره ی خاکی به اهتزار در آید و توفیق جهاد در محضر آن پیشوای دادگستر نصیبمان گردد.

دهم شوال المکرم ۱۴۰۴ ه.ق.

علی اکبر مهدی پور

[صفحه ۲۷]

پاورقی

[۱] برای توضیح بیشتر به کتابهای: بشارتهای عهدین، او خواهد آمد، و سیمای امام زمان (ارواحنا فداه) در آئینه ادیان، مراجعه شود.

[۲] برای تحقیق بیشتر به کتابهای: المحجه فیما نزل فی القائم الحجه (علیه السلام) المهدی فی القرآن، موعود قرآن، شواهد التنزیل و سیمای امام زمان (ارواحنا فداه) در

آئینه قرآن مراجعه شود.

[۳] او خواهد آمد، چاپ هشتم ص ۷۷.

[۴] او خواهد آمد، ص ۸۴ - ۷۹.

[۵] اسامی آنها را در کتاب «موعود که جهان در انتظار اوست» ص ۴۸-۵۱ بخوانید.

[۶] رجال نجاشی ص ۲۸ و فهرست شیخ طوسی ص ۷۵.

[۷] فهرست شیخ طوسی ص ۱۱۸، رجال نجاشی ص ۱۹۳ و رجال شیخ طوسی ص ۳۵۷.

[۸] رجال نجاشی ص ۱۹۴.

[۹] قاموس الرجال ج ۳ ص ۱۹۳، رجال نجاشی ص ۲۸ و فهرست شیخ طوسی ص ۷۵.

[۱۰] رجال نجاشی ص ۲۱۵، رجال شیخ طوسی ص ۳۸۴ و فهرست شیخ طوسی ص ۱۴۷.

[۱۱] رجال شیخ طوسی ص ۴۲۰، فهرست شیخ طوسی ص ۱۵۰ و رجال نجاشی ص ۲۳۵.

[۱۲] رجال نجاشی ص ۱۵ و فهرست شیخ طوسی ص ۲۹.

[۱۳] الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۱۶ ص ۸۰.

[۱۴] اعلام الوری، ص ۴۱۶.

[۱۵] ملاقات با امام زمان علیه السلام ص ۴۱ -۳۷.

اهداء

به یاد مهدی علیه السلام

بیا بیا که سوختم زهجر روی ماه تو

تمام عمر دوختم دو چشم خود به راه تو

این ران ملخ به پیشگاه تو:

- ای سلیمان جهان هستی!

- ای آخرین سفیر اعظم الهی!

- ای جان جانان!

- ای بنیانگذار عدل و داد آسمانی!

- ای پرچمدار تقوی و بنیانگذار سعادت نوین بشر!

- ای منتقم ستمدیدگان و شهیدان!

- ای یادگار احمد مختار!

- ای آئینه ی جمال و کمال همه ی انبیاء و اوصیاء و اولیاء!

- ای پیاده کننده ی حکومت «الله» و در هم کوبنده ی حکومت ستمگران!

- ای مهدی! ای مظلوم! ای اسیر آل محمد! ای زندانی فاطمه!

- ای امید بیچارگان و ریشه کن ساز فقر و تهیدستی!

[صفحه ۲۸]

- ای منتظر! ای غائب!

- ای زنده کننده ی حق

علی و دیگر معصومین!

با امید قبول تقدیم می گردد.

[صفحه ۲۹]

پیشگفتار مؤلف

بسم الله الرحمن الرحیم

السلام علی المهدی الذی وعدالله عزوجل به الأمم، ان یجمع به الکلم و یلم به الشعث، السلام علی الحجه المنتظر، الامام الثانی عشر، روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء.

نیاز به وجود یک قائد و رهبر الهی که بر پا دارنده ی عدالت در سرتاسر گیتی باشد،بر هیچ انسانی پوشیده نیست. جهان هستی منهای آن قائد الهی و بدون قوانین حیاتبخش اسلام، روی آرامش و آسایش نخواهد دید. دنیای متمدن و مترقی کنونی با آن همه رهبران پیشتاز سیاسی، مغزهای متفکر جهانی، مجامع بین المللی، از سازمان ملل گرفته تا سازمان عضو جهانی، همه و همه با طرحها و برنامه های گسترده ی خود، که با تلاشی طاقت فرسا و کوششی بی نظیر برای بازگردانیدن آرامش و آسایش به جهان، مشغول فعالیت هستند، میزان موفقیتشان در ایجاد سعادت و امنیت جهانی برای همگان روشن است و نیازی به توضیح ندارد.

[صفحه ۳۰]

جنگهای خانمانسوز الجزائر، ویتنام، اعراب و اسرائیل، آوارگی ملت فلسطین اشغال افغانستان و جنایات رژیم پلید بعث، همه و همه سند رسوائی سازمانهای بین المللی و ناتوانی آنها از بازگردانیدن صلح و آرامش در جهان امروز است.

بررسی جنایتها و خیانتهای زمامداران ممالک اسلامی و تجاوز. آنها به حقوق ملت خود، برای منافع شخصی و یا تأمین مصالح ابر قدرتها، هر انسان هشیار و با انصافی را از اصلاح جهان به دست این اصلاح طلبان مأیوس و ناامید می کند و او را مطمئن می سازد که مصلح باید آسمانی باشد، از طرف خداوند دانا و توانا تعیین گردد، و به قدرت ناپیدا

کرانه ی حضرت احدیت متکی باشد. و او کسی جز ویرانگر کاخهای ظلم و استبداد، بنیانگذار عدل و داد «مهدی منتظر ارواح العالمین له الفدا» نمی باشد.

سلام بر مهدی منجی انسانها.

سلام بر مهدی زنده کننده ی شرایع آسمانی.

سلام بر مهدی منتقم خون شهیدان.

سلام بر مهدی احیاء کننده ی تعالیم عالیه ی اسلام.

سلام بر مهدی بر پا دارنده ی حق در سراسر جهان.

واسطه ی فیض

خداوند از دیده ها پنهان است و انسان خاکی توانائی گرفتن فیض از آن فیاض علی الاطلاق را ندارد. از این رهگذر نیاز مبرمی به یک واسطه ی فیض هست که فیوضات الهی توسط آن واسطه ی فیض به جهان آفرینش سرازیر شود. از این رهگذر قانون لطف ایجاب می کند که گروهی از بندگان شایسته ی خداوند عهده دار این مسوولیت بزرگ بشوند. پیامبران عظیم الشأن و جانشینان والا ـ قدر آن سفیران الهی، یکی بعد از دیگری این مسوولیت حیاتی را بر عهده گرفتند و چون مشعل فروزانی گمگشتگان وادی ضلالت

[صفحه ۳۱]

را به شاهراه سعادت رهنمون شدند.

پیامبران سلف یکی پس از دیگری همه ی رنجها و ناملایمات را به جان خریدند و رسالت سنگین خود را به نحو احسن به پایان بردند- که درود حق بر آنان باد- و اینک نوبت به اشرف کائنات و مفخر موجودات حضرت ختمی مرتبت (صلی الله علیه و اله و سلم) رسیده است، که همه ی رنجها را تحمل کرده و بیش از هر پیامبری شکنجه و آزار دیده، و از زبان مبارکش این جمله صادر شده که «ما اوذی نبی مثل ما اوذیت» (هرگز پیامبری چون من آزار ندید).

پس از تحمل رنجهای فراوان،پیک اجل فرا

رسیده، دیدگان نگرانش از این جهان فرو بسته می شود. دیدگان مبارکش نگران امت نوپای اسلام است که این امانت الهی را چگونه پاسداری خواهند کرد، این آئینه پاک که ضامن خوشبختی انسان درد و سر است به چه کسی باید سپرد، که شایستگی تربیت این طفل نوزاد را داشته باشد؟! کدام دامن پاکی است که بتواند این تازه مولود را در آغوش خود پرورش دهد؟! مگر هر دامن آلوده و بشر فرومایه ای می تواند چنین در گرانمایه ای را قدر بشناسد و دست اهریمنان را از حریم پاکش کوتاه نماید و سرپرستی آن را به عهده گیرد؟! نه، هرگز.

این خداست که باید برای سرپرستی آئین مقدسش، اتمام رسالاتش، ایصال فیوضاتش، رهبرانی را برگزیند که شایستگی پرورش آئین مقدس و قطع دست بیگانگان را از حریم شریعت اقدس و ایصال فیوضات الهی به جهان آفرینش را داشته باشند.

انتخاب رهبر

برنامه ی بعثت انبیاء با نهضت جهانی خاتم انبیاء حضرت محمد بن

[صفحه ۳۲]

عبدالله (صلی الله علیه و آله و سلم) پایان یافت. دیگر پیامبری برانگیخته نخواهد شد و پس از قرآن کتابی نازل نخواهد شد، که این کتاب آسمانی، زنده ی جاوید است و پاسخگوی نیازمندیهای انسان در تمام قرون و اعصار. دیگر پرسشی در مسائل اقتصادی، سیاسی،نظامی، علمی و اخلاقی برای جهان بشریت پیش نخواهد آمد، جز اینکه پاسخ آنرا در این کتاب مقدس خواهد یافت، تنها چیزی که لازم است پیشوایان معصومی است که جاه و مقام این جهان آن را فریب ندهد و در برابر زر و زور و تزویر تسلیم نشوند، تا رهبری امت را به عهده گرفته، این قوانین عالیه را

پیاده کنند، و سعادت واقعی هر دو جهان را برای جهان بشریت تأمین نمایند.

آیا بشر می تواند برای خود رهبری انتخاب کند؟!

آیا انسان با بینش محدود و دانش ناچیز خود قادر است رهبری انتخاب کند که بتواند جهان را اداره کند و در برابر تمایلات نفسانی و از آن چشم نپوشد. باطل را بشناسد و هرگز در برابرش تسلیم نشود؟! یا برای این منظور انسانی لازم است که از دانش نامحدود حضرت احدیت برخوردار باشد و به قدرت بیکران او متکی باشد و همه ی جهان هستی با تمام فریبندگی هایش در دیدگان او بی فروغ نماید و همه ی قدرتهای اهریمنی در نزد او بی مقدار باشد و اگر جهان را از کران تا کران در اختیار او بگذارند که خسی را از مورچه ای بگیرد، نپذیرد. با اطمینان بتواند ادعا کند که هر چه می خواهید از من بپرسید که من به راههای آسمان آشناترم تا راههای زمین؟!

طبیعی است که گزینش های بشری هرگز نمی تواند این منظور را تأمین کند. اگر تاریخ را ورق بزنیم، قسمت اعظم صفحات تاریخ پر از جنایات رژیمهای خون آشامی است که بشر به خیال خود آنها را برای تأمین صلح و صفا برگزیده است. اگر گفتارها و نوشتارهای مردم را در رابطه با ندامت و پشیمانی خود جمع کنیم که چرا فلانی را به فلانی سمت برگزیدم، مثنوی

[صفحه ۳۳]

هفتاد من کاغذ شود. برگزیدگان حضرت موسی (علیه السلام) همگی دچار عذاب الهی شدند. انتخابات سقیفه ضربه های جبران ناپذیری را به پیکر اسلام فرود آورد که هم اکنون نیز زخمهای آن را بر پیکر امت مسلمان لمس

می کنیم. و اگر تاریخچه ی انتخابات جهان را بررسی کنیم با نتایج مشابهی روبرو می شویم.

با این مقدمه ی کوتاه و در عین حال مستدل، به سراغ انتخاب خدایی می رویم، که عملکرد انبیا و اوصیای منتخب الهی صفحات زرین تاریخ بشری را به خود اختصاص داده اند.

تاریخ پیشوایان منتخب بشری، مملو از مکر، حیله، چپاول، خونریزی، تجاوز، سوء استفاده، اختلاس، و...می باشد.

ولی تاریخ پیشوایان منتخب الهی، پر از ایثار، مساوات است، خدمت، از خود گذشتگی، صفا، مهر و عواطف انسانی است. پیروان ادیان آسمانی هیچ اختلافی ندارند در اینکه باید پیامبر از طرف خدا تعیین شود و هرگز مردم حق انتخاب پیامبر را ندارد.

ما بر اساس مطالب گذشته و به دلایل دیگری که همه ی پیروان ادیان آسمانی در مورد انتخاب پیامبر گفته اند، معتقدیم که باید امام نیز از طرف خداوند متعال تعیین شود که امامت امتداد رسالت است. و امامی که از طرف مردم و به استناد اکثریت آراء برگزیده شود از برگزیدگان حضرت موسی (علیه السلام) بهتر نخواهد بود. و بر اساس دهها آیه و صدها روایت قطعی و متواتر معتقدیم که دوازده تن امام معصوم، از طرف خدا تعیین و توسط پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) اعلام شده اند که اول آنها پیشوای پرهیزکاران و امیر مومنان علی بن ابی طالب علیه السلام و آخرین آنها بنیانگذار حکومت واحد جهانی بر اساس عدالت و آزادی حضرت حجه بن الحسن المهدی روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء می باشد. که یازده تن از آنها عمری را با فضیلت و تقوی سپری کرده، دیده

[صفحه ۳۴]

از جهان

فرو بسته اند و واپسین آنها که یکتا باز مانده از حجتهای حضرت پروردگار است یک هزار و یکصد و پنجاه سال پیش در پگاه نیمه ی شعبان ۲۵۵ هجری دیده به جهان گشود در پشت پرده ی غیبت انتظار فرا رسیدن فرمان الهی را می کشید تا از پرده برون آید و بر جنایتها و خیانتها خاتمه دهد و حکومت واحد جهانی را بر اساس عدالت و آزادی واقعی بنیان نهد.

(ان شاء الله)

و اینک به امید این که این ران ملخ در پیشگاه سلیمان زمان مقبول افتد و عاشقان راه او را مفید باشد، به پیشگاه آن کعبه ی مقصود و قبله ی موعود، تقدیم می گردد.

[صفحه ۳۵]

سیمای پیشوایان در قرآن

صدها آیه از قرآن کریم به پیشوایان معصوم از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام تأویل و تفسیر شده است که حتی فهرست آن نیز از حوصله ی این کتاب بیرون است. عبیدالله حسکانی دانشمند معروف اهل سنت در قرن پنجم هجری، کتابی در این رابطه تألیف کرده و آن را «شواهد التنزیل» نام نهاده است. وی ۲۱۰ آیه از قرآن، در حق امامان معصوم علیهم السلام آورده، که به استناد ۱۱۶۳ حدیث از طریق علمای خودشان اثبات کرده که آیه های یاد شده در حق علی بن ابی طالب علیه السلام و یازده فرزند آن بزرگوار نازل شده است. ما در این جا فقط به چند نمونه از آنها برای تبرک اشاره می کنیم و علاقمندان را به مطالعه ی کتاب گرانقدر «شواهد التنزیل» توصیه می کنیم:

۱- «یا ایها الرسول! بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته، و

الله یعصمک من الناس، ان الله لا یهدی القوم الکافرین».

یعنی: «ای پیامبر؟ آنچه از پروردگارت به تو نازل شده تبلیغ کن، اگر

[صفحه ۳۶]

انجام نـدهی، رسالت او را تبلیغ نکرده ای، خداوند ترا از مردم محافظت می فرماید. به راستی خداوند قوم کافر را هدایت نمی فرماید.» [۱].

در این آیه ی شریفه به پیامبر امر شـده که فرمان خدا را برساند و اگر انجام ندهد همه ی زحمات ۲۳ ساله اش تباه شده است. و به او وعـده داده شـده که از گزنـد مردم بـدخواه در امان خواهـد بود و خبر داده شده که قوم کافر شایسـتگی هدایت را پیدا نخواهد کرد.

در این آیه نکاتی چند به چشم می خورد که در خور اهمیت است.

۱- تهدید بی سابقه نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که حاکی از اهمیت بی نظیر مورد مأموریت است.

۲- تضمین حفاظت از جان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در برابر خطرات احتمالی.

۳- سلب شایستگی هدایت از کافران.

این آیه به اتفاق مفسران در «حجه الوداع» یعنی آخرین سال زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و در حدود ۷۰ روز پیش از رحلت آن حضـرت نازل شده است. آنچه مسـلم است اینست که همه ی احکام شـریعت تا به آن روز ابلاغ شده بود و چیزی از احکام عالیه ی اسلام ناگفته نمانده بود.

پس چه مطالبی باقی مانده بود که برای اسـلام سـرنوشت ساز باشد و جنبه حیاتی داشـته باشد، که اگر آن ابلاغ نمی شد، همه ی زحمات ۲۳ ساله ی پیامبر تباه می شد؟!.

علمای اهل سنت نیز چاره ای نداشتند

جز اینکه اعتراف کنند که این آیه مربوط به مسئله ی رهبری است و متعلق «بلغ» چیزی جز خلافت و ولایت مولای متقیان امیر مومنان علی علیه السلام نمی باشد. [۲].

[صفحه ۳۷]

۲- «الیوم اکملت لکم دینکم و اتمت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا».

«یعنی امروز دین شما را کامل نمودم و نعمتم را برای شما به اتمام رسانیدم، و اسلام را به عنوان دین برای شما برگزیدم». [۳].

این آیه کی نازل شده؟! چه روزی دین کامل شد و نعمتها به اتمام رسید؟! آنروز چه چیزی بر احکام قبلی اسلام افزوده شد که با افزایش آن دین خدا کامل گردید و بدون آن ناقص بود؟!، جای تردید نیست که این آیه در روز غدیر خم نازل شده و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پس از نزول آن، خلافت بلافصل امیر مومنان علیه السلام را اعلام نموده است. [۴].

مشروح داستان غدیرخم را مرحوم علامه ی امینی (رضوان الله علیه) در دائره المعارف بزرگ «الغدیر» در بیش از ۲۰ جلد از منابع معتبر اهل سنت گرد آورده است.

[صفحه ۳۸]

۳- «یا ایها الذین آمنوا! اطیعوالله و اطیعو الرسول و اولی الامر منکم».

یعنی: «ای کسانیکه ایمان آورده اید از خدا اطاعت کنید، از پیامبر و صاحبان امر که از شمایند، اطاعت نمایید». [۵].

مطابق صدها روایتی که از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام رسیده است واژه ی «اولی الامر» در این آیه مخصوص دوازده امام معصوم است، و خرد نیز به آن داوری می کند، زیرا در این آیه به صراحت به اطاعت «ولی الامر» امر شده، و اطاعت اولی الامر با اطاعت پیامبر

اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مقرون گشته است، که از همین اقتران و عدم تکرار کلمه ی «اطیعوا» نسبت به «اولی الامر» معلوم می شود که اطاعت «اولی الامر» مثل اطاعت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به طور مطلق واجب است. لذا از این لحاظ و از جهت اینکه امر به اطاعت «اولی الامر» مطلق است، استفاده می شود که مراد از «اولی الامر» اختصاص به معصوم دارد و شامل غیر معصوم نمی شود. [۶].

در میان صدها آیه ای که طبق روایات شیعه و سنی به پیشوایان معصوم علیهم السلام تأویل و تفسیر شده، به سه نمونه ی یاد شده بسنده می کنیم و علاقمندان را به کتب تفسیر و حدیث ارجاع می کنیم. و اینک وقت آن فرا رسیده است که سیمای تابناک آخرین خورشید امامت، یکتا باز مانده از حجتهای حضرت احدیت، واپسین وصی حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله و سلم، حجه بن الحسن المهدی روحی و ارواح العالمین

[صفحه ۳۹]

لتراب مقدمه الفداء را از دیدگان قرآن و دیگر ادیان آسمانی مورد مطالعه قرار دهیم.

شیراز- محمد خادمی

[صفحه ۴۳]

پاورقی

[۱] مائده: ۶۷.

[۲] از جمله ی مدارک و منابع مهم اهل سنت که تصریح می کند این آیه در مورد امامت و ولایت امیر مومنان علیه السلام نازل شده، کتابهای زیر است:

۱- الدرالمنثور، ج ۲ ص ۲۹۸

۲- الخصائص، ص ۲۹

۳- اسباب النزول،ص ۱۵۰

۴- فتح القدیر، ج ۳ ص ۵۷

۵- تفسیر کبیر، ج ۳ ص ۶۳۶

۶- الفصول المهمه، ص ۲۷

۷- روح المعانی، ج ۲ ص ۲۴۸

٨- تفسیر المنار، ج ۶ ص ۴۶۳

٩- ینابیع الموده، ص ١٢٠

١٠- شواهد التنزیل،ص

.۱۹۳-۱۷۸

[۳] مائده:۳.

[۴] در صدها کتاب معتبر اهل سنت آمده است که این آیه روز عید غدیرخم، در سرزمین غدیر (جحفه ی امروز)، و در رابطه با اعلام خلافت حضرت علی علیه السلام نازل شده است. و اینک به چند نمونه اشاره می شود:

۱- الاتقان، ج ۱ ص ۳۱

۲-الدرالمنثور، ج ۲ ص ۲۵۹

۳- تاریخ بغداد، ج ۸ ص ۲۹۰

۴- العمده (ابن مغازلی) ص ۵۲

۵- شواهد التنزیل، ص ۱۶۰-۱۵۶

۶- المناقب، ص ۹۴-۸۰

۷- تذکره الخواص، ص ۱۸

۸- فرائد السمطین، ج ۱ ص ۷۳

۹- تاریخ ابن کثیر، ج ۵ ص ۲۱۰

۱۰- تفسیر ابن کثیر، ج ۲ ص ۱۴.

[۵] نساء: ۵۹.

[۶] آیه الله صافی (دبیر فقهای نگهبان) می نویسد: تفسیر اولی الامر در این آیه بر غیر ایشان هر کس باشد حتی «فقها» تفسیر به رأی و مورد تهدید «من فسر القرآن برأیه القرآن فلیتبوء مقعده من النار» می باشد.(معرفت امام ص ۵۹).

مهدی علیه السلام از دیدگاه دیگران

اشاره

خوشتر آن باشد که سر دلبران

گفته آید در حدیث دیگران

سیری گـذرا در کتب مقـدسه ی ادیان و مـذاهب مختلف جهان، هر پژوهشـگر با انصافی را به پـذیرش این حقیقت ناگزیر می سازد که اعتقاد به ظهور مصـلحی که در آخر الزمان ظهور کرده، جهان را پر از عـدل و داد خواهـد کرد، یک اعتقاد جهانی و همگـانی است و همه ی پیـامبران از طرف آفریـدگار توانا به قوم خود نویـد داده انـد که سرانجام مصـلحی غیبی ظهور کرده، طومار جنایتها و خیانتها را در هم پیچیده حکومت واحد جهانی را بر اساس عدالت و آزادی واقعی بنیاد خواهد نهاد.

از این رهگذر پیروان راستین همه ی ادیان آسمانی در انتظار آن مصلح بزرگ دقیقه شماری می کنند و

نویـد ظهور آن انقلابگر پیروز در همه ی کتابهایی که از نظر پیروانشان «کتاب آسـمانی» شـناخته می شود، یافت می شود، که در اینجا به چند نمونه ی کوتاه اشاره می کنیم:

زبور

قرآن کریم تعبیری را از زبور نقل می کند که در زبور فعلی عینا موجود است. قرآن کریم می فرماید:

[صفحه ۴۴]

«ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الأرض یرثها عبادی الصالحون»:

«علاوه بر ذکر-تورات - در زبور نیز نوشتیم که بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد». [۱] و اینک متن زبور:

«زیرا که شـریران منقطع خواهنـد شـد، و اما منتظران خداونـد، وارث زمین خواهند شد. هان بعد از اندک زمانی شـریر نخواهد بود، در مکانش تأمل خواهی کرد و نخواهد بود. و اما حلیمان وارث زمین خواهند شد... زیرا که بازوان شـریر شکسـته خواهد شد. و اما صالحان را خداوند تأیید می کند. خداوند روزهای کاملان را می داند و میراث آنها خواهد بود، تا ابدالاباد». [۲].

و در جای دیگر می فرماید:

«قومها را به انصاف داوری خواهد کرد. آسـمان شادی کند و زمین مسرور گردد. دریا و پری آن غرش نمایند. صحرا و هر چه در آن است به وجـد آیـد. آنگـاه تمـام درختـان جنگـل ترنم خواهـد نمود به حضور خداونـد. زیرا که می آیـد. زیرا که برای داوری جهان می آید. ربع مسکون را به انصاف داوری خواهد کرد». [۳].

نویـدهای مصلح غیبی در زبور بسـیار فراوان است، طـالبین می تواننـد به متن «مزامیر» که در ضـمن «عهـد عتیق» چـاپ شـده، مراجعه فرمایند.

پاورقی

[۱] انبیاء: ۱۰۵.

[۲] مزامیر، مزمور ۳۷ جمله های ۱۲-۹ و ۱۸-۱۷.

[۳] مزامیر، مزمور ۹۶ جمله های ۱۳-۱۰.

تورات

نویـدهای مصـلحی که در آخر الزمان ظهور کرده جهان را پر از عـدل و داد کنـد در تورات و دیگر کتابهای منـدرج در «عهد عتیق» بسیار فراوان است که به سه نمونه ی کوتاه بسنده می

کنیم:

[صفحه ۴۵]

در کتاب اشعیا نبی می خوانیم: «مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد...گرگ با بره سکونت خواهد کرد، پلنگ با بزغاله خواهد خوابید... و در تمامی کوه مقدس من، ضرر و فسادی نخواهد کرد، زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد شد». [۱].

و در کتاب دانیال نبی می خوانیم که خداوند خطاب به حضرت دانیال می فرماید: «و در آن زمان میکائیل، امیر عظیمی که برای پسران قوم تو «ایستاده» (قائم) است خواهد برخاست... و بسیاری از آنانکه در خاک زمین خوابیده اند، بیدار خواهند شد... آنانکه بسیاری را به راه عدالت رهبری می نمایند مانند ستارگان خواهند بود تا ابدالاباد. اما تو ای دانیال! کلام را مخفی دار و کتاب را تا آن زمان مهر کن. بسیاری به سرعت تردد خواهند نمود... خوشا به حال آنانکه انتظار کشند». [۲].

و در کتاب حبقوق نبی آمده است: «اگرچه تأخیر نماید برایش منتظر باش، زیرا که البته خواهد آمد و درنگ نخواهد کرد...بلکه جمیع امتها را نزد خود جمع می کند و تمامی قوم ها را برای خویشتن فراهم می آورد». [۳].

پاورقی

[۱] کتاب اشعیا نبی، فصل ۱۱ جمله های ۱۰-۴.

[۲] کتاب دانیال نبی، فصل ۱۲ بندهای ۵-۱ و ۱۳ -۱۰.

[۳] کتاب حبقوق نبی، فصل ۲ جمله های ۵-۳.

انجیل

بیشتر نویدهای انجیل به تعبیر «پسر انسان» است، که این تعبیر طبق نوشته ی مستر هاکس آمریکائی، بیش از ۸۰ بار در انجیل و ملحقات آن (عهد جدید) تکرار شده که فقط ۳۰ مورد آن با حضرت عیسی علیه السلام قابل تطبیق است. [۱] و ۵۰ مورد دیگر آن از نجات دهنده ای سخن می گوید که

در آخر زمان ظهور خواهد کرد. عیسی علیه السلام نیز با او خواهد آمد و او را جلال خواهد داد. و اینک چند نمونه از متن اناجیل:

[صفحه ۴۶]

«همچنانکه برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر می شود، ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد...آنگاه علامت پسر انسان در آسمان پدید گردد و در آن موقع جمیع طوایف زمین سینه زنی کند و پسر انسان را ببیند که برابرهای آسمان با قوت و جلال می آید... اما از آن روز و ساعت هیچ کس اطلاع ندارد، حتی ملائکه آسمان...لهذا شما نیز حاضر باشید، زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می آید». [۲].

«در آن وقت فرشتگان خود را از جهات اربعه از انتهای زمین تا به اقصای فلک فراهم خواهد آورد... ولی از آن روز و ساعت غیر از پدر هیچ کس اطلاع ندارد، نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم، پس بر حذر باشید و بیدار شده دعا کنید، زیرا نمی دانید که آن وقتی کی می شود». [۳].

«کمرهای خود را بسته، چراغهای خود را افروخته بدارید...خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید ایشان را بیدار یابد...پس شما نیز مستعد باشید، زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می آید». [۴].

پاورقی

[۱] قاموس مقدس، ص ۲۱۹ ماده ی «پسر خواهر».

[۲] انجیل متی، فصل ۲۴ جمله های ۲۷ و ۳۰ و ۳۵ و ۳۷ و ۴۰.

[۳] انجیل مرقس، فصل ۱۳ جمله های ۲۶ و ۲۷ و ۳۱ و ۳۳.

[۴] انجیل لوقا، فصل ۱۲ جمله های ۳۵ و ۳۶.

کتب مقدسه ی هندوها

در کتب مقدسه ای که در میان هندوها به عنوان «کتاب

آسمانی» شناخته شده، اشارات فراوانی به مصلح آسمانی منتظر هست که به چند نمونه بسنده می کنیم:

«کالکی، مظهر دهم و یشنو، در انقضای کلی یا عصر آهن سوار اسب سفیدی در حالیکه شمشیر برهنه درخشانی به صورت ستاره ی دنباله دار در دست دارد، ظاهر می شود. و شریران را تماما هلاک می سازد و خلقت را از نو تجدید، و پاکی را رجعت خواهد داد.» [۱].

[صفحه ۴۷]

«دور دنیا تمام شود به پادشاه عادلی در آخر الزمان که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد. حق و راستی با او باشد. آنچه در دریاها و زمینها و کوهها پنهان باشد، همه را به دست آورد و از آسمانها و زمین آنچه باشد خبر می دهد. از او بزرگتر کسی به دنیا نیاید». [۲].

«پادشاهی و دولت دنیا به فرزند سید خلائق در دو جهان (کشن) تمام شود و کسی باشد که بر کوههای مشرق و مغرب دنیا حکم براند و فرمان کند و بر ابرها سوار شود و فرشتگان کارکنان او باشند، جن و انس در خدمت او شوند و از «سودان» که زیر خط استوا است تا سرزمین «تسعین» که زیر قطب شمالی است، و ماوراء بحار را صاحب شود و دین خدا زنده گردد. و نام او «ایستاده» (قائم) باشد و خداشناس باشد». [۳].

پاورقی

[۱] او پانیشاد، ص ۷۳۷.

[۲] باسک، از کتب مقدسه هندوها.

[۳] شاکمونی، از کتب مقدسه ی هندوها.

کتب مقدسه ی مانویه

در کتاب «شابوهرگان» کتاب مقدس مانویه، نام «خردشهر ایزد» آمده که باید در آخر الزمان ظهور کند و عدالت را در جهان بگسترد.

همچنین در تعالیم مانی از مرد بزرگواری بحث شده که دوازده جانشین دارد

و به وسیله ی آنها ارواحی که شایستگی دارند به بهشت راه می یابند. [۱].

پاورقی

[۱] شابوهرگان، ترجمه ی «مولر».

کتب مقدسه ی زردشتیان

موعود آخرالزمان در اوستا «استوت ارت» یا «سوشیانت» نامیده می شود، که در پهلوی «سوشیانس» گویند.

سوشیانس به معنای سودمند است و درگاتها به معنای رهاننده یا نجات دهنده ذکر شده است.

[صفحه ۴۸]

در منابع زرتشتی هر کجا سوشیانت مطلق آمده، آخرین موعود اراده شده است.

نویدهای مربوط به موعود آخرالزمان در متن اوستا موجود است و در میان منابع زرتشتی در کتاب هفتم دینکرد بیش از همه از ظهور سوشیانت بحث شده است:

«چاره و درمان جمیع دردها و رنجها با اوست، رنج و بیماری و پیری و ظلم و بی دینی و فساد را ریشه کن سازد. مردمان ناپاک را نابود سازد و همه ی آنها را براندازد». [۱].

«سوشیانت (نجات دهنده ی بزرگ) دین را به جهان رواج دهد، فقر و تنگدستی را ریشه کن سازد. ایزدان را از دست اهریمنان نجات داده، مردم جهان را هم فکر و هم گفتار و هم کردار سازد». [۲].

پاورقی

[۱] سوشیانت ص ۱۰۴.

[۲] جاماسب نامه، ص ۱۲۱.

جین ها

در کتب مقدسه ی جین ها آمده است: «هنگامی که فساد و انحطاط و تباهی جهان را فرا گیرد، شخص کاملی که آن را «تیرتنگر» (نوید دهنده) گویند، ظهور کرده، تباهی را از بین می برد و پاکی و صافی را از نو برقرار می سازد». [۱].

پاورقی

[۱] او پانیشاد، مقدمه، ص ۵۴.

برهمائیان

در کتب مقدسه ی برهمائیان از ظهور «ویشنو» نویدهای فراوانی هست:

«ویشنو در میان مردم ظاهر می گردد...از او همه کس قویتر و نیرومندتر است...در یک دست «ویشنو» شمشیری به مانند ستاره ی دنباله

[صفحه ۴۹]

دار و در دست دیگر انگشتری درخشنده دارد. هنگام ظهور وی، خورشید ماه تاریک می شوند و زمین خواهد لرزید». [۱].

پاورقی

[۱] ریک ودا، ماندالای ۴ و ۱۶ و ۲۴.

چینیان

در «مهابهارت» یک فصل تمام به «کریشنا» اختصاص داده شده، و «بهگودگیتا» شرح و بسط همان فصل است. در «مهابهارت» پس از تقدیس فراوان از «کریشنا» چنین آمده است:

«کریشنا ظهور کرده جهان را نجات می دهد». [۱].

پاورقی

[۱] او پانیشاد، ص ۶۴۷.

ملل مختلف جهان

پس از یک بررسی عمیق در تاریخ زندگی و اعتقادات ملل مختلف جهان به این نتیجه می رسیم که همه ی ملل مختلف بر اساس اعتقاداتی که از کتابهای مذهبی یا رجال دینی خود فرا گرفته اند، در انتظار مصلحی هستند که در آخر الزمان ظهور کرده جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود:

اسن ها، اسلاوها، سلت ها، ژرمنها، اهالی صبرستان و اقوام اسکاندیناوی در انتظار ظهور موعودهایی به نامهای مختلف، چون: «آرتور»، «اودین»، «کالویبرک»، «مارکوکرالیویچ»،«بوخص»، «بوریان بورو یهم» و عناوین دیگر، می باشند که معتقدند موعودهایشان روزی ظهور کرده، به جنایتها و خیانتهای جهان خاتمه داده، عدالت و داد را در جهان گسترش خواهند داد. [۱].

[صفحه ۵۳]

پاورقی

[۱] مشروح این نویدها را در کتاب «او خواهد آمد» چاپ هشتم ص ۵۸ و ۷۳ بخوانید.

مهدی علیه السلام از دیدگاه قرآن

«بقیه الله خیر لکم ان کنتم مومنین»

«بازمانده ی خدا بهتر است برای شما، اگر مومن باشید».

(هود: ۸۶)

بیش از یکصد آیه از قرآن کریم به مصلح کل حضرت بقیه الله ارواحنا فداه تفسیر و تأویل شده است، که علامه ی بزرگوار، مولی محمد باقر مجلسی در دائره المعارف بزرگ شیعه «بحارالانوار» ۶۵ آیه را به استناد احادیث وارده از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در پیرامون ظهور یکتا بازمانده از حجتهای حضرت احدیت نقل کرده است. [۱] و برخی از بزرگان کتابهایی را در این رابطه به رشته ی تحریر در آورده اند که از آن جمله است:

۱- المحجه فیما نزل فی القائم الحجه (علیه السلام)

شامل ۱۲۰ آیه از آیات تفسیر شده به ظهور حضرت مهدی ارواحنا فداه به استناد احادیث وارده از معصومین علیهم السلام. [۲].

[صفحه ۵۴]

۲-

المهدی فی القرآن

شامل ۱۱۰ آیه از آیات تأویل شده به ظهور حضرت بقیه الله به استناد احادیث وارده از طریق شیعه و سنی. [۳].

۳- موعود قرآن

ترجمه ی فارسی «المهدی فی القرآن».

۴- سیمای امام زمان (علیه السلام) در آینه ی قرآن

شامل بیش از ۱۴۰ آیه از آیات قرآن کریم که در روایات فریقین (شیعه و سنی) به ظهور قبله ی موعود و کعبه ی مقصود تفسیر شده است. [۴].

و ما در اینجا به نقل چند آیه در این رابطه بسنده می کنیم:

۱- «و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الأرض و نجعلهم أئمه و نجعلهم الوارثین».

یعنی: «و ما اراده کرده ایم به آنانکه در روی زمین به ضعف کشیده شده اند منت نهاده، آنها را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم». [۵].

طبق روایات بیشماری این آیه در حق مصلح جهان حضرت بقیه الله ارواح العالمین له الفداء نازل شده که در آخر الزمان قیام کرده، بساط ننگین ظلم و بیدادگری را در هم خواهد پیچید و پرچم عدالت را در سرتاسر جهان به اهتزاز در خواهد آورد. و به تکتازی فرعونیان خاتمه خواهد داد. [۶].

۲- «بقیه الله خیر لکم ان کنتم مومنین».

[صفحه ۵۵]

یعنی: بازمانده ی خدا بهتر است برای شما، اگر مومن باشید». [۷].

مطابق روایات فراوانی، هنگامی که حضرت بقیهالله ارواحنا فداه ظهور می کند پشت خود را به دیوار کعبه تکیه داده، نخستین چیزی که به زبان می آورد، این آیه ی شریفه است، آنگاه همه ی آنها که در آنجا گرد آمده اند با عنوان «السلام علیک یا بقیه الله» به پیشگاه آن حضرت عرض ادب می کنند. [۸].

۳- هو الذی ارسل رسوله

بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون».

یعنی: «او خـدایی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق برانگیخت تا آن را بر همه ی ادیان پیروز گرداند، اگرچه مشـرکان نخواهند». [۹].

پیشـوای شـشم شـیعیان در تفسـیر این آیه فرمود: مهـدی مـا ظهور می کنـد و دین مقـدس اسـلام را بر همه ی ادیـان پیروز می گرداند، اگرچه دشمنان راضی نباشند. که منظور از این پیروزی، سیطره ی نظامی و پیروزی ظاهری است و گرنه از نظر دلیل و برهان، اسلام در هر زمانی بر همه ی ادیان غلبه داشت. و مکتبهایی که ریشه ی آسمانی دارد (چون مسیحیت و کلیمیت) چون از یک سو تحریف شده، و از سوی دیگر به هنگام تشریع شده بود، پاسخگوی نیازمندیهای قرون بعدی نبودند، از این رهگذر از نخستین روز ظهور اسـلام، دلیـل و منطق اسـلام بر همه ی ادیـان پیروز بود ولی غلبه ی ظـاهری آن به هنگـام ظهور آن یکتا بازمانده از حجتهای پروردگار تحقق خواهد یافت. [۱۰].

[صفحه ۵۶]

۴- اعلموا ان الله یحیی الأرض بعد موتها قد بینا لکم الآیات لعلکم تعقلون».

یعنی: «بدانیـد که خـدا زمین را پس از مرگ آن زنـده می سازد. به راستی نشانه های (قـدرت خدا) را برای شـما بیان کردیم، باشد که عقل خود را بکار بندید». [۱۱].

پیشوای پنجم شیعیان می فرماید: مهدی ما قیام می کند و به وسیله ی گسترش عدالت در سراسر گیتی، جهان را زنده می کند، پس از آنکه در زیر کابوس ظلم و ستم مرده باشد. [۱۲].

پیشوای هفتم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نیز در تفسیر این آیه فرمود: خداوند

زمین را به وسیله ی عدل و داد زنده می کند، نه بارش باران. [۱۳].

آری اگر جامعه ای در زیر فشار ظلم و ستم باشد جامعه ی مرده است و تنها موقعی زنده می شود که ظلم و ستم از آن جامعه رخت بر بندد و نعمت عدالت در آن جامعه گسترش یابد. از اینجاست که امیر مومنان علی علیه السلام عدالت را زیر بنای زندگی مردم دانسته می فرماید: «العدل قوام الرعیه».

۵- «و اشرقت الأرض بنور ربها».

یعنی: «زمین به نور پروردگارش منور گردید». [۱۴].

امام رضا علیه السلام در تأویل این آیه می فرماید: او چهارمین فرزند من، پسر بهترین کنیزان است که زمین را از هر جور و ستمی پاکیزه

[صفحه ۵۷]

می کند. مردم در ولادت او دچار تردید می شوند. او را غیبتی طولانی است چون ظاهر شود زمین با نور پروردگارش روشن می گردد. [۱۵].

۶- «قل ارایتم ان اصبح ماوکم غورا فمن یأتیکم بما معین».

یعنی: «بگو اگر ببینید که آب شما فروکش کند، چه کسی برای شما آب گوارا باز آورد». [۱۶].

همه ی موجودات زنده از آب آفریده شده و قوام آنها با آب است ولی منظور از آب گوارائی که در آیه ی فوق مطرح شده، مقام ولایت کبرای حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه است که پس از دوران فروکش (غیبت) یکبار دیگر به فرمان خدا ظاهر شده، تشنگان دانش و عظمت، و شیفتگان تقوی و عدالت را، از آبشخور اقیانوس بیکران آب حیات و معادن حکمت، سیراب فرموده، به سعادت دنیا و آخرت نائل می گرداند. به دلیل نقش حیاتی حضور امام علیه السلام در زندگی توده ها، قرآن کریم وجود

اقدس امام علیه السلام را آب گوارا تعبیر نموده است.

علی بن جعفر از برادر بزرگوارش امام موسی بن جعفر علیه السلام، از تفسیر این آیه می پرسد، امام علیه السلام می فرماید: «هنگامی که امامتان از دیدگان شما ناپدید شود و نتوانید او را ببینید چه خواهید کرد». [۱۷].

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به عمار می فرماید: ای عمار! خداوند با من عهد کرده که از تبار حسین (علیه السلام) امام پدید می آید که نهمی آنها از دیدگان ناپدید می شود و این است معنای آیه ی شریفه ی «قل ارأیتم ان اصبح ماوکم غورا»، برای او یک غیبت طولانی است که گروهی از عقیده ی خود برمی گردند و گروهی بر آن ثابت می مانند، چون

[صفحه ۵۸]

آخر الزمان فرا رسد، او ظاهر می شود و دنیا را پر از عدل و داد کند، چنانکه از جور و ستم پر شده است.» [۱۸].

۷- «هدی للمتقین. الذین یومنون بالغیب».

یعنی: «هدایت است برای پرهیزکاران که به غیب ایمان آورند». [۱۹].

طبق احادیث فراوانی منظور از غیب در این آیه امام غائب علیه السلام است. امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه می فرماید: «پرهیزکاران» شیعیان علی بن ابی طالب علیه السلام است و اما «غیب» پس آن حجت غائب است. [۲۰].

جابر بن عبدالله انصاری در ضمن یک روایت طولانی که از ۱۲ پیشوای معصوم و قائم آنها بحث کرده، از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که فرمود: خوشا به حال آنانکه در زمان غیبت او شکیبائی پیشه کنند و بر محبت آنها استوار بمانند،

که آنها را خداوند متعال در آیه ی «الذین یومنون بالغیب» ستوده است. [۲۱].

۸- «و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الأرض یرثها عبادی الصالحون».

یعنی:«گذشته از ذکر (تورات) در زبور نیز نوشتیم که به راستی زمین را بندگان شایسته ام به ارث می برند». [۲۲].

[صفحه ۵۹]

از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت شده که منظور از بندگان صالح در آیه ی شریفه، حضرت قائم (ارواحنا فداه) و یاران او می باشد. [۲۳].

جالب توجه اینکه متن این بشارت در زبور فعلی موجود است. چنانکه در بخش پیشین متن آن گذشت.

طبق وعده ی قطعی خدا در همه ی کتابهای آسمانی، روزی بندگان صالح خدا وارث زمین خواهند شد، و پرچم توحید را در سراسر کره ی خاکی به اهتزاز در خواهند آورد. دیگر از ظلم و ستم و تبعیض و تجاوز و حق کشی نشانی نخواهد بود. روح صفا و صمیمیت و برادری و برابری بر تمام دلها حکومت خواهد کرد. به امید آن روز.

۹- «و له اسلم من فی السموات و من فی الأرض طوعا و کرها».

یعنی: «هر که در آسمانها و زمین است خواه و ناخواه (تسلیم او شده) بر او اسلام آورده اند». [۲۴].

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود: هنگامی که قائم (علیه السلام) قیام کند، نقطه ای در روی زمین نمی ماند جز اینکه به یکتایی خدا و رسالت حضرت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) گواهی می دهند. [۲۵].

ابن بکیر می گوید: از ابوالحسن (علیه السلام) در مورد آیه ی «وله اسلم» پرسیدم، فرمود: در حق قائم (علیه السلام) نازل شده است، هنگامی

که ظاهر شود اسلام را بر یهود، نصاری، صائبین، ملحدین، مرتدین و کافرین شرق و غرب، عرضه می کند هر کس (پس از شناخت حقانیت اسلام) از روی رغبت اسلام آورد، او را به نماز و زکات و دیگر وظائف اسلامی امر

[صفحه ۶۰]

می فرماید. و هر کس نپذیرد گردن می زند تا در شرق و غرب جهان احدی جز موحد باقی نباشد. [۲۶].

۱۰- «وعدالله الذین امنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض، کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبدلنهم من بعد خوفهم امنا».

یعنی: «خداوند آنها را که از شما ایمان آورده، عمل شایسته انجام داده اند. وعده داده است که در روی زمین جانشین سازد، چنانکه پیشینیان را جانشین ساخت. و آنان را از دینی که برای آنها پسندیده، متمکن سازد. و آنها را پس از خوف و وحشت به امنیت برگرداند». [۲۷].

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ی فوق فرمود: درباره ی قائم (علیه السلام) و یاران او نازل شده است. [۲۸].

امام زین العابدین علیه السلام آیه ی شریفه را تلاوت کرده فرمود: به خدا سوگند مقصود از آنها شیعیان ما اهل بیت است. خداوند آنها را به دست مردمی از ما که «مهدی» این امت است جانشین قرار می دهد و متمکن می سازد و به امنیت می رساند. [۲۹].

نظیر این روایت از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نیز نقل شده است. [۳۰].

۱۱- «قل انما الغیب لله، فانتظروا انی معکم من المنتظرین».

[صفحه ۶۱]

یعنی: بگو غیب از آن خداست، پس منتظر باشید که من نیز همراه شما از منتظرانم». [۳۱].

امام صادق علیه السلام

در تفسیر این آیه فرمود: غیب در این آیه حجت خدا حضرت قائم (علیه السلام) است. [۳۲] و چون از آن حضرت معنای آیه ی شریفه ی «الذین یومنون بالغیب» را پرسیدند، فرمود: «غیب» همان حجت قائم (علیه السلام) است و گواه آن آیه ی شریفه ی «قل انما الغیب لله!!!» می باشد. [۳۳].

آری او غیب است و از دیدگان ما غائب است و دیدگان نگران ما در انتظار آن یگانه منجی جهان بشریت است و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز همراه امت انتظار ظهور او را می کشد، تا با ظهور او شریعت مقدس اسلام جامه ی عمل پوشد و قوانین عالیه و تعالیم حیاتبخش آن پیاده شود.

۱۲- «و اللیل اذا یغشی و النهار اذا تجلی».

یعنی: «سوگند به شب، هنگامی که فرا گیرد. و سوگند به روز هنگامی که جلوه گر سازد». [۳۴].

وه چه شب ظلمانی و تاریکی که از غیبت خورشید امامت دچارش شده ایم، وه چه روز روشن و نورانی که در انتظار دمیدن فجرش دقیقه شماری می کنیم.

از امام باقر علیه السلام پرسیدند: منظور از «شب فراگیرنده» در این آیه

[صفحه ۶۲]

چیست؟ فرمود: دولتهای باطل که در برابر ولایت کبرای مولای متقیان علی (علیه السلام) عرصه ی گیتی را جولانگاه خود قرار داده اند و خورشید امامت با بی صبری انتظار می کشد که دولتشان سرآید. فرمود: و منظور از «روز جلوه گر» روز ظهور قائم اهل بیت است که به هنگام طلوع دولتش، دولتهای باطل از صفحه ی هستی ریشه کن می شوند. [۳۵].

از روزی که حق را از مسیر خود منحرف کردند و خورشید خلافت

به در خانه ی پسر ابی قحافه زانو زد، حکومت «یلدای فراگیر» آغاز گردید، حتی در حکومت حقه ی مولی امیر مومنان علی علیه السلام نیز افق خلافت از تیرگی ابرهای تیره و تاری چون طلحه و زبیر و عمروعاص خالی نشد، از این رهگذر دوران خلافت پنج ساله ی آن حضرت لحظاتی نورانی از یک شب ظلمانی بود، که انشاء الله با درخشش خورشید فروزان امامت، تیرگی ها از افق زندگی زدوده خواهد شد و هرگز قدرت خودنمایی نخواهد یافت.

۱۳- «یوم یاتی بعض آیات ربک لا ینفع نفسا ایمانها لم تکن امنت من قبل، او کسبت فی ایمانها خیرا، قل انتظروا انا منتظرون».

یعنی: «روزی که برخی از آیات پروردگارت بیاید، احدی را از ایمان آوردنش سودی نبخشد، اگر پیش از آن ایمان نیاورده باشد، یا در ایمانش خیری کسب نکرده باشد. بگو: منتظر باشید که ما نیز از منتظرانیم». [۳۶].

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود: آیات پروردگار امامان هستند و آیه ی منتظره، قائم (عجل الله فرجه) می باشد. که اگر کسی تا روز قیام او به شمشیر، ایمان نیاورد، دیگر ایمان آوردنش سودی نبخشد، اگرچه به امامان پیشین ایمان داشته باشد. [۳۷].

[صفحه ۶۳]

و در همین رابطه فرمود: یعنی: روز ظهور قائم منتظر از ما. پس فرمود: ای ابابصیر! خوشا به شیعیان قائم ما، که در دوران غیبت انتظار ظهور بکشند و به روز ظهور فرمان ببرند. که آنها اولیای خدایند برای آنها ترسی نیست و آنها اندوهناک نمی گردند. [۳۸].

۱۴- «یا ایها الذین امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا».

یعنی «ای کسانیکه ایمان آورده اید شکیبا باشید، بردبار باشید و مرابط

باشید». [۳۹].

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه می فرماید: برای انجام فرائض شکیبا باشید و در برابر دشمنان بردبار باشید و با امام منتظر (علیه السلام) در ارتباط باشید. [۴۰].

امام زین العابدین و امام باقر علیهما السلام می فرمایند: این آیه در حق ما نازل شده است، ولی آن «مرابط» بودن که به ما امر شده، هنوز تحقق نیافته است و در تبار «مرابط» ما خواهد بود. [۴۱].

تردیدی نیست که منظور از آن، حضرت بقیهالله ارواحنا فداه است، چنانکه خود آن بزرگوار توقیع شریف خود خطاب به شیخ مفید می نویسد: «من عبدالله المرابط فی سبیله»: «از بنده ی خدا که مرابط در راه اوست» [۴۲] که امام علیه السلام از خود به عنوان «مرابط» تعبیر فرموده اند.

برای ارتباط با امام غائب ارواحنا فداه راههای فراوان هست که از آن جمله است:

[صفحه ۶۴]

۱- خودسازی در پرتو انجام وظیفه.

۲- انتظار سازنده، برای تشریف فرمایی آن یکتا رهبر.

۳- نیایش دائم برای تعجیل در امر فرج.

۴- صدقه دادن برای سلامتی آن سرور.

۱۵- «و العصر ان الانسان لفی خسر، الا الذین امنوا و عملوا الصالحات و تواصو بالحق و تواصووا بالصبر».

یعنی: «سوگند به عصر (عصر رسالت، یا عصر ظهور) که انسان در زیانکاری است. به جز آنانکه ایمان آورده، عمل شایسته انجام داده، توصیه به حق نموده، توصیه به صبر نمودند». [۴۳].

امام صادق علیه السلام فرمود: منظور از عصر، دوران ظهور قائم علیه السلام است زیانکاران، دشمنان ما هستند، باورداران آنهایند که به آیات ما ایمان آورده اند. عمل شایسته انجام دهنده ها، کسانی هستند که با برادران خود مواسات نموده اند. توصیه به حق کنندگان، آنهایند

که به امامت ما توصیه کرده اند. و توصیه به صبر کنندگان، آنهایند که در زمان غیبت یکدیگر را به صبر و شکیبایی توصیه می کنند. [۴۴].

۱۶- «و من قتل مظلوما فقد جعلنا فقد جعلنا لولیه سلطانا، فلا یسرف فی القتل انه کان منصورا».

یعنی: «کسی که مظلومانه کشته شود برای خونخواه او فرمانروایی مقدر کرده ایم. در کشتار زیاده روی نکند که او یاری شده است». [۴۵].

[صفحه ۶۵]

امام صادق علیه السلام می فرماید: این آیه در حق قائم آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) است که ظهور کرده انتقام خون امام حسین علیه السلام را می گیرد. [۴۶].

او خونخواه خون مظلومان در راستای تاریخ است و به هنگام ظهور به خونخواهی جد بزرگوارش سرور شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام برمی خیزد، که همواره در دعای شریف ندبه می خوانیم:

«این الطالب بدم المقتول بکربلا»: «کجاست منتقم خون شهید کربلا»؟!

۱۷- و قل جاء الحق و زهق الباطل، ان الباطل کان زهوقا».

یعنی: «بگو حق آمد و باطل نابود شد، که به راستی باطل نابود شدنی است». [۴۷].

امام باقر علیه السلام در رابطه با آیه ی فوق فرمود: هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند، دولت باطل نابود می شود. [۴۸] و در ضمن دعای شریف ندبه می خوانیم: «اللهم و اقم به الحق و ادحض به الباطل»: «بار خدایا! به وسیله ی او حق را بر پا کن و باطل را ریشه کن فرما».

۱۸- «و اسبغ علیکم نعمه ظاهره و باطنه».

یعنی: «نعمتهای ظاهری و باطنی خود را به وفور بر شما فرو فرستاد». [۴۹].

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در تفسیر آیه ی

فوق فرمود: نعمت

[صفحه ۶۶]

ظاهری امام ظاهر، و نعمت باطنی امام غائب است که شخص او از دیده ها غائب می شود و معدنهای زیر زمینی برای او آشکار می گردد و راههای دور برای او نزدیک می شود. [۵۰].

۱۹- «فاستبقوا الخیرات اینما تکونوا یأت بکم الله جمیعا ان الله علی کل شی ء قدیر».

یعنی: «به سوی نیکی ها بشتابید (در کارهای خیر از یکدیگر پیشی بگیرید) هر کجا باشید خداوند شما را گرد می آورد که خداوند به هر چیزی تواناست». [۵۱].

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ی شریفه می فرماید: این آیه در حق یاران حضرت قائم (عجل الله فرجه) است که تعدادشان سیصد و ده و اندی نفر است که به خدا سوگند آنهایند «امت معدوده»، که همچون قطعات ابر پاییزی در یک ساعت گرد می آیند. [۵۲].

امام صادق علیه السلام فرمود: منظور از «اینما تکونوا...» اصحاب قائم (علیه السلام) هستند که شبانه از رختخواب های خود ربوده می شوند و بامدادان در مکه گرد می آیند. و برخی از آنها در وسط روز در میان ابرها برده می شوند که اسم و وصف و نسب آنها شناخته شده است. [۵۳].

و در حدیث دیگر می فرماید: چون فرمان ظهور صادر شود ۳۱۳ نفر یاران او چون ابر پاییزی گرد می آیند که آنها پرچمداران حضرت مهدی علیه السلام هستند، برخی از آنها شبانه از رختخواب هایشان ربوده شده، بامدادان در مکه گرد می آیند و برخی از آنها در روز روشن سوار برابر

[صفحه ۶۷]

حرکت می کنند. و در پایان می فرماید: آیه ی «اینما تکونوا...» در حق آنها نازل شده است. [۵۴].

طبق

روایـات فراوان، تعـداد یـاد شـده از یاران اولیه ی حضـرت بقیه الله ارواحنا فـداه بـدون تعیین وقت قبلی در مسـجد الحرام گرد آمده، میان رکن و مقام با آن حضرت بیعت می کنند.

۲۰–«فالذین امنوا به و عزروه و نصروه و اتبعوا النور الذی انزل معه، اولئک هم المفلحون».

یعنی: «پس کسانی که به او – پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم –ایمان آوردند و گرامی اش داشتند و یاریش کردند و از نوری که همراه او نازل شده پیروی کردند، آنهایند رستگاران». [۵۵].

امام باقر علیه السـلام پس از تفسیر این آیه ی شریفه می فرماید: پاداش آنها «لهم البشری فی الحیاه الدنیا» است، که پاداش آنها در دنیا بشارت قیام قائم (عجل الله فرجه) و ظهور او و ریشه کن ساختن دشـمنان از صـفحه ی گیتی، و بشارت آنها در آخرت، رهایی و رسـتگاری و ورود بر پیامبر اکرم (صـلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت آن حضرت (علیهم السلام) در حوض کوثر می باشد. [۵۶].

۲۱– «و یسـئلونک عن السـاعه ایـان مرسـیها، قـل انمـا علمها عنـد ربی، لا یجیها لوقتها الا هو، ثقلت فی السـماوات و الأرض، لا تأتیکم الا بغته».

یعنی: «از تـو در مورد سـاعت (رسـتاخیز) می پرسـند که کی واقع می شود؟ بگو آگـاهی از آن، نزد پروردگـارم هست و بس. وقت آن را جز

[صفحه ۶۸]

او آشکار نمی کند. در آسمانها و زمین بس سنگین شده، جز به طور ناگهانی نیاید». [۵۷].

مفضل بن عمر از امام صادق علیه السـلام روایت می کنـد که در تفسـیر این آیه فرمود: ساعت قیام قائم علیه السـلام می باشـد. [۵۸].

آری طبق روایات فراوانی

ساعت ظهور آن منجی بشریت، همانند وقت رستاخیز مخصوص پروردگار است و خدای تبارک و تعالی هیچ پیامبر و یا فرشته ای را از آن آگاه نساخته است. از این رهگذر هنگامی که از وجد مقدس رسول اکرم و مولای متقیان امیر مومنان علی علیه السلام در این رابطه سوال شد، فرمودند: «پاسخگو چیزی بیش از پرسش کننده نمی داند». [۵۹].

۲۲- «الا ان الذین یمارون فی الساعه لفی ضلال بعید».

یعنی: «آگاه باش، آنانکه در مورد ساعت تردید می کنند، در گمراهی آشکار هستند». [۶۰].

مفضل بن عمر می گوید: از محضر امام صادق علیه السلام پرسیدم: معنای «یمارون فی الساعه» چیست؟ فرمود: آنها که می گویند: کی متولد شده؟! چه کسی او را دیده؟! کجا هست؟! کی ظهور می کند؟! که این پرسشها ناشی از شتاب زدگی در امر خدا، تردید در قضای خدا، و مداخله در قدرت اوست. اینها در دنیا زیانکارند و در آخرت بازگشت بسیار بدی دارند. [۶۱] پرسیدم: مگر نمی توان برای او وقتی تعیین کرد؟ فرمود: ای مفضل!

[صفحه ۶۹]

من وقتی تعیین نمی کنم، و هرگز نمی توان وقتی تعیین کرد. هر کس برای مهدی ما ارواحنا فداه وقتی تعیین کند در علم خدا شرکت جسته است و ادعا نموده که بر غیب او آگاهی یافته است. [۶۲].

۲۳- «الحمدلله الذی صدقنا وعده و اورثنا الارض».

یعنی: همه ی سپاس و ستایش از آن خداوندی است که وعده اش را در حق ما تحقق بخشید و زمین را به ارث ما درآورد». [۶۳].

مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام پرسید: از کجا و چگونه ظاهر می شود؟

فرمود: ای مفضل! به تنهایی ظاهر می

شود، به تنهایی وارد مسجد الحرام می شود، به تنهایی قدم در کعبه می گذارد، شب را به تنهایی سپری می کند. چون تاریکی همه جا را فرا گرفت، جبرئیل و میکائیل و فرشتگان در صفهای فشرده به محضر آن حضرت می شتابند. جبرئیل عرضه می دارد: ای سرور من! فرمان تو مطاع است، آنچه امر بفرمایی انجام می پذیرد. آنگاه دست مبارک آن حضرت را (به رسم بیعت) مسح می کند و می گوید: «سپاس و ستایش از آن خداوندی است که وعده اش را تحقق بخشید و زمین را به ارث ما درآورد». [۶۴].

۲۴- «و لنبلونکم بشیی من الخوف و الجوع، و نقص من الأموال و الأنفس و الثمرات، و بشر الصابرین».

یعنی: «هر آینه شما را با چیزی از ترس و گرسنگی و کاهش در مالها، جانها و میوه ها بیازمائیم، و مژده ده صبر پیشگان را». [۶۵].

[صفحه ۷۰]

امام صادق علیه السلام فرمود: پیش از قیام قائم علیه السلام به ناگزیر سال قحطی خواهد بود که مردم در آن گرسنگی خواهند ماند و وحشتی شدید از کشته شدن و کاهش اموال و میوه ها خواهند داشت و این در کتاب خدا به صراحت آمده است. سپس آیه ی فوق را تلاوت فرمود. [۶۶].

و در حدیث دیگر از آن حضرت روایت شده که فرمود: پیش از ظهور قائم ارواحنا فداه نشانه هایی هست. محمد بن مسلم گفت: آنها چیست؟ فرمود: آنها این آیه ی شریفه است که می فرماید: «و لنبلونکم...»: «شما (مومنان) را می آزماییم با ترس (از پادشاهان) و گرسنگی (در اثر گرانی قیمتها) و کاهشی در مالها (با تباهی تجارتها و

کمی سود آن) و جانها (با مرگ و میر) و میوه ها (کمی محصول و کمی برکت) در آن هنگام مژده بـده و صبر پیشـگان را (با ظهور حضرت قائم علیه السلام) سپس فرمود: ای محمد! این است تأویل آن آیه، که ترا جز خدا و راسخون در علم نمی دانند. [۶۷].

۲۵- «و قاتلوهم حتی لا تکون فتنه و یکون الذین کله لله».

یعنی:«با آنها بجنگید تا دیگر فتنه ای نباشد و دین تماما از آن خدا باشد». [۶۸].

امام باقر علیه السـلام فرمود: هنوز تأویل این آیه نیامده است، پیامبر اکرم (صـلی الله علیه و آله و سـلم) خود و اصحابش به آنها نیاز داشـتند، از این رهگذر به آنها مهلت دادند، هنگامی که تأویل این بیاید، دیگر از آنها پذیرفته نیست، آنها کشته می شوند تا توحید را بپذیرند و شرکی در روی زمین باقی نباشد. [۶۹] و آن هنگامی است که قائم ما ارواحنا فداه قیام کند. [۷۰].

[صفحه ۷۱]

امـام صـادق علیه السـلام فرمود: چون قـائم ما ارواحنا فـداه قیام کنـد، هر کس که زمان او را درک کنـد، تأویل این آیه را می بینـد، آن روز آئیـن محمـدی (صـلی الله علیه و آله و سـلم) به هر نقطه ای که تـاریکی شب رسـیده، می رسـد. دیگر شـرک و الحادی در روی زمین باقی نمی ماند. [۷۱].

۲۶- «افغیر دین الله یبغون و له اسلم من فی السماوات و الارض طوعا و کرها و الیه یرجعون».

یعنی: «آیا جز دین خدا را می طلبند، در حالیکه آنکه در آسمانها و زمین است، خواه و ناخواه برای او اسلام آورده، و به سوی او باز گردانده می شوند.»

.[۷۲]

امام صادق علیه السلام در مورد این آیه فرمود: هنگامی که قائم ما ارواحنا فداه قیام کند، در روی زمین نقطه ای نمی ماند جز اینکه در آن به یکتایی خدا و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) گواهی داده می شود. [۷۳] و خطاب به مفضل فرمود: به خدا سوگند، ای مفضل! از میان ادیان و مذاهب اختلاف را بر می دارد و در سراسر جهان یک دین حکومت می کند، چنانکه خداوند می فرماید:

«ان الذین عندالله الاسلام» و می فرماید: «و من یبتغ غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه». [۷۴].

۲۷- «و الذین امنوا بالله و رسله و اولئک هم الصدیقون و الشهداء عند ربهم، لهم اجرهم و نورهم».

[صفحه ۷۲]

یعنی: «آنانکه ایمان آوردند به خدا و پیامبران، آنهایند راستگویان و گواهان در نزد پروردگارشان، برای آنهاست پاداش و نورشان». [۷۵].

امام باقر علیه السلام فرمود: کسی که از شما این امر را بشناسد و برای آن انتظار بکشد و خیر را در آن بداند، مانند کسی است که در رکاب قائم آل محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) شمشیر بزند، بلکه به خدا سوگند مانند کسی است که در محضر پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) جهاد کند، بار سوم فرمود: نه به خدا سوگند، مانند کسی است که در حضور پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) به شهادت برسد. و در این رابطه آیه ایست در قرآن کریم. پرسیدم: آن کدام آیه است؟ فرمود: «و الذین امنو بالله و رسله...» [۷۶] در روایات بسیاری تصریح شده که هر کس در حال انتظار ظهور قائم آل

محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) بمیرد، شهید است، اگرچه در رختخواب از دنیا برود.

۲۸- «یریدون لیطفئوا نورالله بافواههم و الله متم نوره و لو کره الکافرون».

یعنی: «می خواهند نور خدا را با دهانهای خود خاموش کنند، ولی خداوند نور خود را به اتمام می رساند، اگرچه کافران نخواهند». [۷۷].

در تفسیر علی بن ابراهیم می فرماید: این آیه در حق قائم آل محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) است، که هنگامی که خارج شود، خداوند او را بر همه ی ادیان پیروز گرداند، که جز خدا پرستیده نشود، و این است معنای گفتار پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم): «زمین را پر از عدل و داد کند،

[صفحه ۷۳]

آنچنان که پر از جور و ستم شده است». [۷۸].

۲۹- «و اخری تحبونها نصر من الله و فتح قریب و بشر المومنین».

یعنی: «بشارت دیگری که دوستش دارید، یاری خداوند و پیروزی نزدیک، می باشد. و مژده بده باورداران را». [۷۹].

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه ی شریفه فرمود: نصرت و یاری خداوند، در فتح مکه؛ و پیروزی نزدیک، پیروزی جهانی حضرت بقیه الله ارواحنا فداه است، که بشارت بزرگی بر اهل ایمان است. [۸۰].

۳۰- «أمن یجیب المضطر اذا دعاه و یکشف السوء و یجعلکم خلفاء الأرض».

یعنی: «و یا کسی که مضطر را اجابت می کند هنگامی که او را بخواند، و اندوه را از او برمی دارد و شما را خلفای روی زمین می گرداند». [۸۱].

امام صادق علیه السلام در شأن نزول قرآن می فرماید: در حق قائم ارواحنا فداه نازل شده است. به خدا سوگند، او مضطری است که هر

وقت دو رکعت نماز در مقام (مقام ابراهیم در مسجد الحرام) بگذارد و خدا را بخواند، خداوند دعایش را مستجاب فرماید و اندوهش را رفع نماید و او را در روی زمین جانشین قرار دهد. [۸۲].

امام باقر علیه السلام نیز می فرماید: به خدا سوگند او مضطری است که

[صفحه ۷۴]

خداوند در حق او می فرماید:«امن یجیب المضطر...». [۸۳].

بار خدایا ما نیز ترا به جان آن سرور سوگند می دهیم که هر چه زودتر جامه ی ظهور بر تن مبارکش بپوشان و همه ی اندوهها را به دست با کفایت او رفع بفرما، و ما را از بهترین خدمتگزاران درگاهش قرار بده.

[صفحه ۷۷]

پاورقی

[۱] بحارالانوار، جلد ۵۱ ص ۶۴-۴۴.

[۲] تألیف: محدث بزرگوار، سید هاشم بحرانی، متوفی ۱۱۰۷ یا ۱۱۰۹ ه.

[۳] تألیف: سید صادق شیرازی.

[۴] نگارش: علی اکبر مهدی پور.

[۵] قصص: ۵.

[۶] تفسیر برهان، ج ۳ ص ۲۲۰ و ینابیع الموده ص ۴۵۰ و بحار، ج ۵۱ ص ۵۴.

[۷] هود: ۸۶.

[۸] نورالابصار، ص ۱۷۲.

[۹] صف: ۸.

[۱۰] بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۶۰، المحجه ص ۲۲۷ و ینابیع الموده ص ۵۰۸.

[۱۱] حدید: ۱۷.

[۱۲] تفسیر برهان، ج ۴ ص ۲۹۱.

[۱۳] همان مدرک.

[۱۴] زمر: ۶۹.

[۱۵] ینابیع الموده ص ۴۴۸.

[۱۶] ملک: ۳۰.

[۱۷] کمال الدین، ص ۳۶۰ و غیبت نعمانی ص ۹۲.

[۱۸] تفسیر برهان، ج ۴ ص ۳۶۶.

[۱۹] بقره: ۲ و ۳.

[۲۰] بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۵۲ و کمال الدین، ص ۳۴۰.

[۲۱] المحجه، ص ۱۷.

[۲۲] انبیاء: ۱۰۵.

[۲۳] عقدالدرر، ص ۲۱۷، مجمع البیان، ج ۷ ص ۶۶ و بحار الانوار، ج ۵۱ ص ۴۷.

[۲۴] آل عمران: ۸۳.

[۲۵] تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۱۸۳ و ینابیع الموده، ص ۵۰۶.

[۲۶] همان مدرک.

[۲۷] نور: ۵۵.

[۲۸] غیبت نعمانی، ص

.۱۲۶

[۲۹] تفسیر عیاشی، ج ۳ ص ۱۳۶.

[۳۰] مجمع البیان، ج ۷ ص ۱۵۲.

[۳۱] یونس: ۲۰.

[۳۲] ینابیع الموده، ص ۵۰۸.

[۳۳] کمال الدین و تمام النعمه، ص ۳۴۰.

[۳۴] اللیل: ۱ و ۲.

[۳۵] تفسیر قمی، ج ۲ ص ۴۲۵.

[۳۶] انعام: ۱۵۸.

[۳۷] کمال الدین، ص ۳۳۶.

[۳۸] کمال الدین، ص ۳۵۷.

[۳۹] آل عمران: ۲۰۰.

[۴۰] غیبت نعمانی ص ۱۰۵ و المحجه، ص ۵۲ و اثباه الهداه، ج ۱ ص ۲۶۳.

[۴۱] تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۲۱۳ و تفسیر برهان، ج ۱ ص ۳۳۵.

[۴۲] بحار الانوار، ج ۵۳ ص ۱۷۶.

[۴۳] العصر: ۳ – ۱.

[۴۴] کمال الدین، ص ۶۵۶.

[۴۵] اسراء: ۳۳.

[۴۶] کامل الزیارات، ص ۶۳ و تفسیر برهان، ج ۲ ص ۴۱۸.

[۴۷] اسراء: ۸۱.

[۴۸] روضه ی کافی، ص ۲۸۷ و تفسیر برهان، ج ۲ ص ۴۴۱.

[۴۹] لقمان: ۲۰.

[۵۰] بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۶۴.

[۵۱] بقره: ۱۴۸.

[۵۲] روضه کافی، ص ۳۱۳ و ینابیع الموده، ص ۵۰۵.

[۵۳] کمال الدین، ص ۶۷۲.

[۵۴] غیبت نعمانی، ص ۱۶۸.

[۵۵] اعراف: ۱۵۷.

[۵۶] غیبت نعمانی، ص ۴۳.

[۵۷] اعراف: ۱۸۷.

[۵۸] ینابیع الموده، ص ۴۲۹.

[۵۹] المهدی فی القرآن، ص ۵۴.

[۶۰] شوری: ۱۸.

[۶۱] ینابیع الموده، ص ۵۱۴.

[۶۲] بحارالانوار، ج ۵۳ ص ۳.

[۶۳] زمر: ۷۴.

[۶۴] بحارالانوار، ج ۵۳ ص ۷.

[۶۵] بقره: ۱۵۵.

[۶۶] غیبت نعمانی، ص ۱۳۲ و دلائل الامامه، ص ۲۵۹.

[۶۷] تفسیر برهان، ج ۱ ص ۱۶۷، غیبت نعمانی ص ۱۳۲ و ینابیع الموده ص ۵۰۵.

[۶۸] انفال: ۳۹.

[۶۹] روضه ی کافی، ص ۲۰۱.

[۷۰] ینابیع الموده، ص ۵۰۷.

[۷۱] مجمع البیان، ج ۴ ص ۵۴۳.

[۷۲] آل عمران: ۸۳.

[۷۳] ینابیع الموده، ص ۵۰۶.

[۷۴] بحارالانوار، ج ۵۳ ص ۴.

[۷۵] حدید: ۱۹.

[۷۶] تفسیر برهان، ج ۴ ص ۲۹۲.

[۷۷] صف: ۸.

[۷۸] تفسیر قمی، ج ۲ ص ۳۶۵.

[۷۹] صف: ۱۳.

[۸۰] تفسیر برهان، ج

۴ ص ۳۳۰.

[۸۱] نمل:۶۲.

[۸۲] بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۴۸ و المحجه، ص ۱۶۵.

[۸۳] غیبت نعمانی، ص ۹۵.

مهدی از دیدگاه معصومین علیهم السلام

مهدی علیه السلام از دیدگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه واله

«الذی یأخذ بحق الله و بکل حق هولنا»

«مهدی (علیه السلام) کسی است کمه حق خدا را باز می ستاند و همه ی حقوق ما را باز می ستاند».

(رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم) [۱].

مهدی (علیه السلام) آن دست انتقام خداوندی، همه ی حقوق ضایع شده را باز می ستاند، حقوق خداوندی را باز می ستاند، تعالیم فراموش شده را احیاء می کند، قوانین لگد مال شده را زنده می سازد. همه ی حقوق تضییع شده ی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام را باز می ستاند و هر کجا خون به ناحق ریخته ای از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم باشد، انتقامش را به فرمان خدا می گیرد. انتقام خون امام حسین علیه السلام و دیگر شهیدان پاکی که پروانه وار در گرداگرد شمع وجود امام حسین علیه السلام، مظلومانه به شهادت رسیدند از امویان خونخوار می گیرد و همه ی خونهایی را که به ناحق از هابیلیان در راستای تاریخ ریخته شده، از قابیلیان می گیرد، که او دست

[صفحه ۷۸]

انتقام خدا در روی زمین است. چنانکه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در خطبه ی معروف خود را در روز غدیر خم در برابر ۱۲۰ هزار نفر از اصحاب در سرزمین «غدیر خم» می فرماید:

«معاشر الناس! امنوا بالله و رسوله و النور الذی انزل معه من قبل ان نطمس وجوها فنردها علی ادبارها».

«معاشر الناس! النور من الله عزوجل فی مسلوک ثم فی علی ثم فی النسل

منه الی القائم المهدی الذی یأخذ بحق الله و بکل حق هولنا».

- «ای گروه مردمان! به خدا و رسول خدا و نوری که همراه او نازل شده ایمان بیاورید، پیش از آنکه صورتهایی را واژگون کرده به طرف پشت بازگردانیمشان». [۲].

- «ای گروه مردمان! آن نور خدای تبارک و تعالی در من قرار گرفته، سپس در وجود علی (علیه السلام) قرار گرفته، و پس از او در نسل او تا «قائم مهدی» که حق خدا را بازستاند و همه ی حقوق از دست رفته ی ما را باز ستاند». [۳].

و اینک به فرازهایی از خطبه ی بسیار ارزنده ی فصیح ترین و بلیغ ترین انسان روی زمین، حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله و سلم در خجسته روز عید سعید غدیر، در حجه الوداع و در سرزمین غدیر خم (جحفه) توجه فرمائید:

۱- ألا و ان خاتم الأوصیاء منا القائم المهدی».

- «آگاه باشید که خاتم اوصیاء مهدی قائم (علیه السلام) از ماست».

[صفحه ۷۹]

۲- «الا انه الظاهر علی الدین کله».

- «آگاه باشید که او بر همه ی ادیان پیروز می شود».

۳- «الا انه المنتقم من الظالمین».

-«آگاه باشید که او انتقامگر از ستمگران است».

۴- «الا انه فاتح الحصون و هادمها».

-«آگاه باشید که او گشاینده و در هم کوبنده ی مرزها است».

۵- «الا انه قاتل کل قبیله من اهل الشرک».

-«آگاه باشید که او کشنده ی هر تیره ای از مشرکان است».

۶-«الا انه مدرک کل ثار لاولیاء الله عزوجل».

- «آگاه باشید که او خونخواه خون همه ی بندگان صالح خداست».

۷- «الا انه الغراف من البحر العمیق».

-«آگاه باشید که او نهری خروشان از اقیانوسی بیکران است».

۸- «**الا انه ناصر**

دین الله عزوجل».

-«آگاه باشید که او یاور دین خدای تبارک و تعالی است.».

۹- «الا انه یسم کل ذی فضل بفضله و کل ذی جهل بجهله».

- «آگاه باشید که او هر دانشمندی را به دانش و هر نادانی را به نادانی می شناسد».

۱۰- «الا انه خیره الله و مختاره».

-«آگاه باشید که او برگزیده و انتخاب شده ی خداست».

۱۱- «الا انه وارث کل علم و المحیط به».

-«آگاه باشید که او وارث هر دانش، و در برگیرنده ی آنست».

۱۲- «الا انه هو المخبر عن ربه المنبه بامر ایمانه».

-«آگاه باشید که او آنچه بگوید از پروردگارش می گوید و به امر ایمان هشدار می دهد».

[صفحه ۸۰]

۱۳-«الا انه الرشید السدید».

-«آگاه باشید که او رشید و کامل و نیرومند و متین است».

۱۴- «الا انه المفوض الیه».

-«آگاه باشید که فرمانروایی جهان هستی به او واگذار شده است».

۱۵- «الا انه قد بشر به من سلف من یدیه».

- «آگاه باشید که هر کس (از پیامبران و امامان) پیش از او بودند، نوید او را داده اند».

۱۶- «الا انه الباقی حجه و لا حق الا معه و لا نور الا عنده».

-«آگاه باشید که او تنها حجت بازمانده است و بعد از او حجتی نیست، حقی جز با او، و نوری جز در پیش او نیست».

۱۷- الا انه لا غالب له و لا منصور علیه».

-«آگاه باشید که احدی بر او چیره نیست و کسی او را شکست ندهد».

۱۸- «الا انه ولی الله فی ارضه و حکمه فی خلقه و امینه فی سره و علانیته».

-«آگاه باشید که او ولی خدا در روی زمین، و داور او در میان مردم، و امین او در آشکار و نهان است».

.[۴]

و بدینگونه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر خم، که روز اعلام امامت امیر مومنان علی علیه السلام است، پرده از برنامه ی جهانی حضرت بقیه الله ارواحنا فداه برداشته از پیاده شدن تعالیم عالیه ی اسلام به دست آن حضرت، در هم ریختن مرزهای جغرافیایی و تشکیل حکومت واحد جهانی، ویرانگری کاخهای ظلم و استبداد، خوانخواهی

[صفحه ۸۱]

خونهای به ناحق ریخته در راستای تاریخ، و دیگر گامهای برجسته ای که توسط آن یکتا رهبر و تنها سرور برداشته خواهد شد، سخن گفته است. [۵].

نگارنده معتقد است همین فرازهای یاد شده از خطبه ی غرای رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در روز عید سعید غدیر، و در برابر ۱۲۰ هزار مستمع، برای شناخت اجمالی برنامه های جهانی، و شخصیت والای قبله ی موعود و کعبه ی مقصود حضرت بقیه الله ارواحنا فداه کافی است، ولی برای آرامش بیشتر دلهای دوستان، و کشش بیشتر قلبهای عاشقان، و استواری بیشتر گامهای رهروان راه تو، و انس بیشتر شیفتگان کوی او، روایات دیگری از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را در این رابطه، زینت صفحات کتاب قرار می دهیم:

۱۹- «لو لا الحجه لساخت الارض باهلها».

-«اگر یک لحظه حجت خدا در روی زمین نباشد، زمین ساکنانش را در کام خود فرو می برد». [۶].

طبق این روایت و دهها روایت دیگری که به این مضمون از معصومین علیهم السلام رسیده است، امام علیه السلام علت غائی آفرینش است و اگر یک لحظه در روی زمین نباشد، همه ی موجودات جهان هستی محکوم به فنا می باشند، و

رمز بقای جهان و تـداوم گردش زمین و زمان در عصـر ما وجود اقـدس حضـرت بقیه الله روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء می باشد. [۷].

[صفحه ۸۲]

و اینک روایاتی چند از کتب اهل سنت:

۲۰- «لا تذهب الدنیا حتی یملک العرب رجل من اهل بیتی یواطی اسمه اسمی».

-«دنیا سپری نمی شود، تا مردی از اهل بیت من که همنام با من است زمام امور عرب را به دست بگیرد». [۸].

۲۱- «لو لم یبق من الدنیا الا یوم لطول الله ذلک الیوم، حتی یلی رجل من اهل بیتی، یوطی اسمه اسمی».

-«اگر از عمر دنیا جز یک روز نمانـده باشـد، خداوند آن را به قدری طولانی می گرداند، که مردی از اهل بیت من و همنام با من به فرمانروایی جهان برسد». [۹].

۲۲- «لا تقوم الساعه حتی یلی رجل من اهل بیتی یواطی اسمه اسمی».

- «رستاخیز به پا نمی شود، تا هنگامی که مردی از اهل بیت من که همنام با من است، فرمانروا شود». [۱۰].

۲۳- «لاتنقضی الأیام و لا یذهب الدهر، حتی یملک العرب رجل من اهل بیتی، اسمه یواطی اسمی».

-«روزهـا سپری نمی شود و روزگـار به پایـان نمی رسـد، تـا اینکه مردی از اهل بیت من و همنام با من، فرمانروای عرب شود». [۱۱].

۲۴- «یخرج رجل من اهل بیتی یواطی اسمه اسمی و خلقه خلقی فیملأها قسطا و عدلا».

[صفحه ۸۳]

-«مردی از اهـل بیت من خارج می شود که نامش هم نام من و خویش هم خوی منست، زمین را پر از عـدل و داد می نمایـد». [۱۲].

۲۵- «لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد، لطول الله ذلک الیوم حتی یبعث رجلا من ولدی، اسمه

اسمی».

-«اگر از عمر دنیا به جز یک روز باقی نباشد، خداوند آن روز را طولانی سازد و مردی از تبار من و همنام با من برمی انگیزاند».

سلمان پرسید: از کدامین فرزندت؟ ای رسول خدا! فرمود: «از این پسرم». و با دست مبارکش به شانه ی امام حسین علیه السلام زد. [۱۳].

۲۶- «یلتفت المهدی و قد نزل عیسی بن مریم (علیه السلام) کانما یقطر من شعره الماء، فیقول المهدی: تقدم صل بالناس، فیقول: انما اقیمت الصلاه لک، فیصلی خلف رجل من ولدی».

-«حضرت مهدی (علیه السلام) متوجه می شود و می بیند که حضرت عیسی (علیه السلام) فرود آمده است، گوئی از موی مبارکش قطرات آب فرو می ریزد. حضرت مهدی (علیه السلام) می فرماید:جلو بیا و با مردم نماز بخوان. حضرت عیسی (علیه السلام) می فرماید: نماز برای تو اقامه شده است. آنگاه حضرت عیسی (علیه السلام) پشت سر مردی از فرزندان من نماز می خواند». [۱۴].

۲۷- «منا الذی یصلی عیسی بن مریم (علیه السلام) خلفه».

-«آنکه عیسی بن مریم (علیه السلام) پشت سرش نماز می خواند، از ماست». [۱۵].

۲۸- «لا تقوم الساعه حتی یملک رجل من اهل بیتی، یفتح

[صفحه ۸۴]

القسطنطینیه و جبل الدیلم. و لو لم یبق الا یوم لطول الله ذلک الیوم حتی یفتحهما».

-«قیامت بر پا نمی شود، تا مردی از اهل بیت من به پادشاهی برسد، و قسطنطنیه (استانبول) و کوههای دیلم را فتح کند. اگر از عمر جهان جز یک روز باقی نباشد، خداوند آن را به قدری طولانی کند که آنها را فتح نماید». [۱۶].

۲۹- «لن تهلک امه انا فی اولها و عیسی فی اخرها و المهدی (علیه السلام) فی وسطها».

-«هرگز هلاک

نمی شود امتی که من در اول آن، عیسی (علیه السلام) در آخر آن، و مهدی (علیه السلام) در وسط آن باشد». [۱۷].

۳۰- «المهدی (علیه السلام) طاووس اهل الجنه».

-«مهدی (علیه السلام) طاووس اهل بهشت است». [۱۸].

۳۱- «یکون من بعدی اثنا عشر امیرا».

-«پس از من دوازده امیر خواهد بود».

جابر بن سمره می گوید: سپس وجود مقدس خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله و سلم چیزی فرمود که من متوجه نشدم. از پشت سری پرسیدم که حضرت چه فرمود؟! گفت: فرمود:«کلهم من قریش»: «همه ی آنها از قریش است». [۱۹].

و در پایان این بخش به روایاتی چند از رسول اکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از طریق اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام توجه فرمائید:

[صفحه ۸۵]

۳۲- «الأئمه بعدی اثنا عشر، اولهم انت یا علی و اخرهم القائم الذی یفتح الله عزوجل علی یدیه مشارق الأرض و مغاربها».

-«امامها و پیشواها پس از من دوازده تن می باشند که اولی آنها تو هستی ای علی! (علیه السلام) و آخر آنها، آن قائمی است که خداوند به دست او شرق و غرب جهان را فتح خواهد فرمود». [۲۰].

۳۳-«ان الله اختار من الأیام یوم الجمعه، و من اللیالی لیله القدر و من الشهور شهر رمضان، و اختارنی من الرسل و اختار منی علیا، و اختار من علی الحسن و الحسین، و اختار منهما تسعه تاسعهم قائمهم، و هو ظاهرهم و هو باطنهم».

- «خدای تبارک و تعالی از روزها روز جمعه را برگزید، و از شبها شب قدر، و از ماهها ماه رمضان را برگزید، و مرا از میان پیامبران برگزید، و علی (علیه السلام) را از

من، و حسن و حسین را از علی (علیه السلام) برگزید، و از حسن و حسین نه تن (پیشوا) برگزید که نهمین آنها «قائم» آنهاست (علیه السلام)، که ظاهر و باطن آنان است». [۲۱].

۳۴-«ان المهدی (علیه السـلام) من عترتی، من اهل بیتی، یخرج فی آخر الزمان تنزل له السـماء قطرها و تخرج له الأرض بذرها، فیملا الأرض عدلا و قسطا کما ملأها القوم ظلما و جورا».

-«مهـدی (علیه السـلام) از عترت و اهل بیت من است، در آخر الزمان ظاهر می شود، آسـمان باران رحمتش را فرو می ریزد و زمین گیاه خود را بیرون می فرستد. زمین را پر از عدل و داد کند، چنانکه مردم آن را از جور و ستم پر کرده اند». [۲۲].

۳۵- «...التاسع منهم قائم اهل بیتی، و مهدی امتی، اشبه الناس بی

[صفحه ۸۶]

فی شـمائله و اقواله و افعاله، یظهر بعد غیبه طویله و خیره مضـله، فیعلن امرالله، و یظهر دین الله جل و عز، یوید بنصـرالله، و ینصـر بملائکه الله، فیملأ الأرض قسطا و عدلا، کما ملئت جورا و ظلما».

-«... نهمین آنهـا قـائم اهـل بیت من، و مهـدی امت من است، که در رفتار، گفتار و کردار شبیه ترین مردم است به من، پس از یـک غیبت طولانـی و سـرگردانی سـردرگمی، ظـاهر می شود و امر خـدا را آشـکار می کنـد و دین خـدا را ظاهر می سازد. با نصـرت خـدا تأییـد می شود و با پشتیبانی فرشـتگان تقویت می گردد. زمین را پر از عـدالت و برابری می کنـد، پس از آنکه با ستم و نابرابری پر شده باشد». [۲۳].

۳۶- «المهدی من عترتی من ولد فاطمه».

- «مهدی (علیه السلام)

از عترت من، از اولاد حضرت فاطمه (سلام الله علیها) است». [۲۴].

۳۷- «الا و نحن بنو عبدالمطلب ساده اهل الجنه انا وعلی و جعفر و حمزه و الحسن و الحسین و فاطمه و المهدی (علیه السلام)».

- «آگاه باشید که ما فرزندان عبدالمطلب: من و علی و جعفر و حمزه و حسن و حسین و فاطمه و مهدی، (سلام الله علیهم) سروران اهل بهشتیم». [۲۵].

۳۸- «و منا مهدی هذه الامه، له غیبته موسی و بهاء عیسی و حلم داوود و صبر ایوب».

-«مهدی این امت از ماست، که غیبت موسی، عظمت عیسی، بردباری داود، و شکیبائی ایوب را یک جا دارد». [۲۶].

[صفحه ۸۷]

۳۹- «یخرج المهدی و علی رأسه غمامه فیها ملک ینادی هذا خلیفه الله المهدی، فاتبعوه».

-«مهدی (علیه السلام) ظاهر می شود، در بالای سر او ابری خواهد بود که فرشته ای از میان آن بانگ برمی آورد: این خلیفه ی خدا «مهدی» است، از او پیروی کنید». [۲۷].

۴۰- «و اختارمن صلبک یا حسین تسعه أئمه، تاسعهم قائمهم، و کلهم فی الفضل عند الله سواء».

-«ای حسین! از نسل تو نه امام برگزید که نهمین آنها، قائم آنهاست، که مقام آنها در نزد خداوند برابر است». [۲۸].

[صفحه ۹۱]

پاورقی

[۱] بحارالانوار، ج ۳۷ ص ۲۱۱.

[۲] اشاره به آیه های: ۱۵۷ اعراف، ۸ تغابن و ۴۷ نساء.

[۳] بحارالانوار، ج ۳۷ ص ۲۱۱.

[۴] بحارالانوار، ج ۳۷ ص ۲۱۳.

[۵] متن کامل خطبه ی گرانقدر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را در کتاب پرارج «مدینه البلاغه» تألیف: آیه الله حاج شسخ موسی زنجانی (طاب ثراه) مطالعه فرمایید. (ج ۱ ص ۲۴۸-۲۱۳).

[۶] علامه ی مجلسی ۱۱۸ حدیث به این مضمون در

بحارالانوار، ج ۳۷ ص ۵۶ -۱ نقل کرده است.

[۷] در مورد نقش امام مان ارواحنا فداه در جهان هستی رجوع شود به «او خواهد آمد» ص ۲۶-۱۵.

[۸] سنن ترمذی، ج ۴ ص ۵۰۵، حدیث شماره ۲۲۳۰.

[۹] سنن ترمذی، ج ۴ ص ۵۰۵، حدیث شماره ۲۲۳۱.

[۱۰] مسند احمد حنبل، ج ۳ ص ۳۷۶.

[۱۱] مسند احمد حنبل، ج ۳ ص ۳۷۶.

[۱۲] عقدالدرر، ص ۳۱.

[۱۳] ذخائر العقبی، ص ۱۳۶.

[۱۴] الصواعق المحرقه ص ۹۸ و عقدالدرر، ص ۱۷.

[۱۵] عقد الدرر، ص ۲۵.

[۱۶] البیان، گنجی شافعی، ص ۱۴۱.

[۱۷] البیان، گنجی شافعی، ص ۱۲۷ و عقد الدرر، ص ۱۴۶.

[۱۸] عقد الدرر،ص ۱۴۸.

[۱۹] سنن ترمذی، ج ۴ ص ۵۰۱.

[۲۰] کمال الدین، ص ۲۸۲.

[۲۱] اثبات الوصیه، ص ۲۲۵.

[۲۲] بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۷۴.

[۲۳] کمال الدین، ص ۲۵۷.

[۲۴] غیبت شیخ طوسی، ص ۱۱۵.

[۲۵] سلیم بن قیس، ص ۲۴۵.

[۲۶] کفایه الاثر، ص ۴۳.

[۲۷] الزام الناصب، ج ۱ ص ۱۶۳.

[۲۸] منتخب الاثر، ص ۹۳.

مهدی از دیدگاه امیرمؤمنان علیهما السلام

«و یا شوقاه الی رویتهم فی حال ظهور دولتهم».

«وه چقدر مشتاقم که آنها را در روزگار تشکیل دولتشان ببینم».

(علی علیه السلام) [۱].

روایات وارده از وجود اقدس پیشوای پرهیزکاران، امیر مومنان حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام در پیرامون شخصیت، عظمت، برنامه ی جهانی و نهضت الهی مصلح غیبی حضرت بقیهالله (روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفدا) بیرون از شما است، که ما برای تبرک به چند نمونه از آن بسنده می کنیم، و در این بخش از نویدهای «نهج البلاغه» نیز استفاده می کنیم، اگرچه اخیرا کتاب مستقلی هم در این رابطه منتشر شده است. [۲].

۴۱- «اذا نادی مناد من السماء ان الحق فی آل محمد فعند ذلک

[صفحه ۹۲]

یظهر المهدی

علی افواه الناس، یشربون ذکره، فلا یکون لهم ذکره غیره».

- «هنگامی که منادی غیبی از آسمان بانگ برآورد که حق با آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است نام مهدی (علیه السلام) بر سر زبانها می افتد و جهان مالامال از نام او می شود، دیگر یادی از غیر او به میان نمی آید». [۳].

۴۲- «یظهر صاحب الرایه المحمدیه و الدوله الأحمدیه، القائم بالسیف و الحال الصادق فی المقال، یمهد الأرض و یحیی السنه و الفرض».

-«صاحب پرچم محمدی و دولت احمدی صلی الله علیه و آله و سلم ظاهر می شود در حالیکه قیام به شمشیر فرموده و با راستگویی و استواری در گفتار پیش می تازد و آرامش را به زمین باز می گرداند (و یا: زمین را برای پیاده کردن عدالت اجتماعی آماده می سازد) احکام الهی و سنن نبوی (و یا: واجبات و مستحبات) را زنده می کند». [۴].

۴۳- «للقائم منا غیبه امدها طویل، کانی بالشیهه یجولون جولان النعم فی غیبته، یطلبون المرعی فلا یجدونه، الا فمن ثبت منهم علی دینه، و لم یقس قلبه لطول غیبته امامه، فهو معی فی درجتی یوم القیامه».

-«برای قائم ما غیبتی است که مدت آن به درازا خواهد کشید، شیعیان را گوئی با چشم خود می بینم همانند گله ی بی صاحبی که در دشت و صحرا پراکنده شده به دنبال چراگاه می گردند، در غیبت او به جستجوی او می پردازند، و نمی یابند. آگاه باشید که هر کس بر آئین خود استوار بماند و در اثر طول غیبت دلش را قساوت نگیرد، روز قیامت در کنار من خواهد بود». [۵].

[صفحه ۹۳]

۴۴-

«ان القائم منا اذا قام لم یکن لاحد فی عنقه بیعه، فلذلک تخفی ولادته و یغیب شخصه».

- «هنگامی که قائم ما (علیه السلام) قیام کند، بیعت کسی در گردن او نخواهد بود، از این رهگذر تولدش پنهانی انجام می گیرد و خودش غایب می شود». [۶].

۴۵- «التاسع من ولدک یا حسین! هو القائم بالحق، االمظهر للدین، و الباسط بالعدل».

-«نهمین فرزند تو، ای حسین! قیام به حق می کند، دین را آشکار می سازد و عدالت را می گستراند».

امام حسین علیه السلام عرض کرد: ای امیر مومنان! آیا به طور قطع، این شدنی است؟ فرمود:

- «ای والذی بعث محمدا بالنبوه و اصطفاه علی جمیع البریه. و لکن بعد غیبته و خیره، لا- یثبت فیها علی دینه الا المخلصون المباشرون لروح الیقین، الذین اخذ الله میثاقهم بولایتنا و کتب فی قلوبهم الایمان، و ایدهم بروح منه».

-«آری سوگند به خدائی که حضرت محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) را به حق به پیامبری برگزید و بر همه ی مخلوقات برتری داد.

و لکن پس از یک دوران غیبت و سرگردانی، بر دین خود استوار نمی ماند مگر افراد خالصی که روح یقین را لمس کرده باشند، که خداوند از آنها برای ولا-یت ما پیمان گرفته و در دلشان ایمان را نوشته، و با روحی از خود آنان را تایید کرده است». [۷].

[صفحه ۹۴]

این سخن مولی امیر مومنان علی علیه السلام اعلام خطر است که با طولانی شدن مدت غیبت، تبلیغات زهراگین دشمنان در عقیده ی شیعیان تزلزل ایجاد نکند و پیوند آنها را با امام بزرگوارشان قطع نکند. که کوچکترین تردید و تزلزل در این امر، سرآغاز

سقوط در دره ی ضلالت و هلاکت است.

۴۶- مردی به خدمت امیر مومنان علیه السلام شرفیاب شده، عرضه داشت: از مهدی خود برای من سخن بگو، فرمود:

-«اذا درج الدارجون، و قل المومنون، و ذهب المجلبون، فهناک».

- «هنگامی که رفتنی ها بروند، اهل ایمان کم شوند، آشوبگران و جنگ طلبان نابود شوند، پس آنجاست».

آن مرد عرضه داشت: ای امیر مومنان درود خدا بر تو باد، توضیح بفرما: آن سرور از کدام طائفه است؟ فرمود:

-«من بنی هاشم، من ذروه طود العرب و بحر مغیضها اذا وردت، و مجفو اهلها اذا اتت، و معدن صفوتها اذا اکتدرت، لا یجبن اذا المنایا هلعت و لا یخور اذا المنون اکتنفت، و لا ینکل اذا الکماه اصطرعت، مشمر مغلولب ظفر ضرغامه حصد مخدش ذکر، سیف من سیوف الله، رأس قثم، نشق رأسه فی باذخ السوود، و غارر مجده فی اکرم المحتد، فلا یصرفنک عن تبعته صارف، ینوص الی الفتنه کل مناص، ان قال فشر قائل،و ان سکت فذ و دعایر».

- «از بنی هاشم، از برترین نژاد عرب. از قله ی شرف، و از اقیانوس بی کرانه که همه ی نهرهای فضیلت به سوی آن سرازیر است. پناه همه ی پناهندگان. کان صفا، هنگامی که همه بی صفا شوند. چون مرگ چنگ و دندان نشان دهد، او هراسی به دل راه ندارد. هنگامی که عرصه ی نبرد تنگتر شود، ضعف و زبونی نشان ندهد. وقتی که قهرمانها نقش بر زمین شوند، او عقب نشینی نکند. همواره آماده ی نبرد، همیشه پیروز، دشمن شکن، شیر بیشه ی شجاعت، درو کننده ی ریشه ستمگران، ویرانگر کاخهای ظلم

[صفحه ۹۵]

و استبداد، قهرمانی شجاع و بزگوار، شمشیر

برنده ای از شمشیرهای خداوند، دست بخشنده ی خداوندی، اوج قله ی شرف انسانی، که در اعماق اصیل ترین فضیلتها ریشه دوانیده است. هیچ فتنه و پدیده ای ترا از پیروی او منصرف نکند. که چنین فتنه گری اگر سخن بگوید بدترین گویندگان است و اگر خاموش نشیند همه ی پلیدیها و حیله گری ها را در خود جای داده است».

آنگاه به توصیف حضرت مهدی علیه السلام بازگشت و فرمود:

-«اوسعکم کهفا و اکثرکم علما و اوصلکم رحما، اللهم فاجعل بیعته خروجا من الغمه و اجمع به شمل الامه، فان خارالله لک فاعزم و لا تنثن عنه ان وقفت له، و لا تجیزن عنه ان هدیت الیه هاه - و اومأ بیده الی صدره - شوقا الی رویته».

- «آستانه اش از همه گشادتر، دانشش از همه افزونتر، و برای خویشاوندان قرار بده. پراکندگی امت را به دست او به یگانگی مبدل فرما. اگر خداوند (به تو اراده ی خیر کند و) چنین روزی را نصیب تو سازد، چون کوه استوار باش. اگر چنین روزی را درک کنی، به سوی احدی از او روی متاب. اگر به کویش راه یافتی، از او در مگذر».

آنگاه با دست مبارکش به طرف سینه اش اشاره کرد و فرمود:

-«آه، چقدر مشتاق دیدار او هستم»!! [۸].

امیر مومنان علی علیه السلام در این خطبه ی بسیار گیرا و شیوا که قلم از ترجمه ی کامل آن ناتوان است، از برنامه ی جهانی حضرت مهدی ارواحنا فداه، پایان یافتن دوران خواری و سرگردانی و استعمار و استثمار، و فرا رسیدن روزگار رهایی و صفا، و سپری شدن ایام خفقان و اختناق، تشکیل

[صفحه ۹۶]

حکومت واحد

جهانی بر اساس عدالت و آزادی واقعی، با بیان بسیار کوتاه و کوبنده سخن گفته، در پایان آهی از اعماق دل کشیده، اظهار اشتیاق به دیدار آن کعبه ی موعود و قبله ی مقصود نموده است. در صورتی که بیش از دو قرن به ولادت آن سرور باقی بود. اگر امیر مومنان علیه السلام چنین روزهایی در میان ما بود که یک هزار و یک صد و پنجاه سال تمام دیدگان نگران مشتاقان، چشم انتظار ظهور آن خورشید فروزان است، چه بیانات شیوایی در بیان درد هجران به زبان می آوردند؟ و چه آهی از سویدای دل برمی آوردند؟!.

بیا بیا که سوختم ز هجر روی ماه تو

تمام عمر دوختم دو چشم خود به راه تو

۴۷- اصبغ بن نباته می گوید: به خدمت امیرالمومنان علی بن ابی طالب علیه السلام شرفیاب شدم، دیدم که در دریای فکر غوطه ور است و با انگشت مبارکش به زمین می زند. عرض کردم: ای امیر مومنان! چه شده؟ شما را اندیشناک می بینم؟! با انگشت مبارک به زمین می زنی! مگر به آب و گل علاقمند شده ای؟! فرمود:

-«لا والله ما رغبت فیها و لا فی الدنیا یوما قط، و لکن فکرت فی مولود یکون من ظهری، الحادی عشر من ولدی، هو المهدی یملأها عدلا کما ملئت جورا و ظلما، تکون له حیره و غیبه، یضل فیها اقوام و یهتدی فیها آخرون».

- «نه، به خدا سوگند، حتی یک روز هم به این خاک و به این دنیا علاقمند نشدم. ولی داشتم فکر می کردم درباره ی مولوی که از نسل من به دنیا خواهد آمد. او یازدهمین فرزند من

است. او مهـدی مـاست (علیه السـلام)، که زمین را پر از عـدل و داد کنـد، پس از آنکه از جور و سـتم پر شـده باشـد. برای او دوران غیبت و سـر گردانی هست. در آن ایام اقوامی از راه حق منحرف می شوند و اقوام دیگری به شاهراه هدایت رهنمون می شوند».

[صفحه ۹۷]

اصبغ می گوید: عرض کردم: ای امیر مومنان! آیا این کار شدنی است؟ فرمود:

-«آری، آن حتمی است، از قلم تقدیر گذشـته است. ای اصـبغ! تو چه می دانی که این امر چگونه است؟! آنها بهترین این امت هستند با بهترین این عترت».

اصبغ پرسید: سپس چه خواهد شد؟ فرمود:

- «آنگاه خداوند هر چه اراده کند، انجام می دهد که او برای او اراده ها، هدفها و غرضهایی است». [۹].

۴۸- «طوبی لهم علی صبرهم علی دینهم فی حال هدنتهم، و یا شوفاه الی رویتهم فی حال ظهور دولتهم، و سیجمعنا الله و ایاهم فی جنات عدن و من صلح من ابائهم و ازواجهم و ذریاتهم».

- «...خوشـا به حـال آنهـا (یـاوران حضـرت مهـدی علیه السـلام) در زمان صـلح و آرامش آنها، خوشا بر شـکیبایی آنها در راه دینشان. چقدر مشتاقم که آنها را در زمان تشکیل دولتشان ببینم. خداوند بین ما و آنها و شایستگان از پدران، مادران، همسران و فرزندانشان را در بهشت برین جمع خواهد فرمود». [۱۰].

۴۹- «یفرح لخروجه اهل السماء و سکانها، یملأ الأرض عدلا کما ملئت جورا و ظلما».

- «برای ظهور او اهـل آسـمانها شادمـانی می کننـد. روی زمین را پر از عـدالت می کنـد، پس از آنکه بـا جور و سـتم پر شـده باشد». [۱۱].

۵۰- «و ان من ورائکم فتنا مظلمه عمیاء

منکسفه، لا ینجو منها الا النومه. قیل: یا امیرالمومنین! وما النومه؟ قال: الذی یعرف الناس و لا یعرفونه».

[صفحه ۹۸]

-«به دنبال شما فتنه های تاریک، کور و ظلمانی هست که از آنها کسی جز نومه نجات نمی یابد. پرسیدند: نومه چیست؟ فرمود: کسی که مردم را بشناسد و مردم او را نشناسند». [۱۲].

۵۱- «...رجل من ولدی زکی نقی، الذی یملأ الارض عدلا و قسطا، کما ملئت ظلما و جورا، و انی لاعرف اسمه این کم هو یومئذ و علامته، و هو من ولد ابنی الحسین الذی یقتله ابنک یزید، و هو الثائر بدم ابیه...».

-«امیر مومنان علی علیه السلام در ضمن نامه ای خطاب به معاویه از لشکر سفیانی بحث کرده، سپس می افزاید:

- «مردی نیکو سرشت و پاک روش از اولاد من، زمین را پر از عدل و داد می کند، آنچنان که پر از جور و ستم شده است. من نام و نشان او را می دانم که آن روز او کی و کجاست! او از تبار پسرم حسین علیه السلام است. همان حسین که پسرت یزید او را می کشد، و او (مهدی علیه السلام) خون پدرش (حسین علیه السلام) را می گیرد». [۱۳].

۵۲- «یا بن خیره الاماء! متی تنتظر؟ ابشر بنصر قریب من رب رحیم، فبأبی وامی من عده قلیله اسمائهم فی الأرض مجهوله، قد دان حینئذ ظهورهم. یا عجبا کل العجیب بین جمادی و رجب من جمع و رجب من جمع اشتات و حصد نبات و من اصوات بعد اصوات».

-«امیر مومنان علی علیه السلام پس از جنگ نهروان در ضمن یک خطبه در مورد «ملاحم»به تفصیل سخن گفت و در فرازی خطاب

به حضرت ولی عصر ارواحنا فداه فرمود:

- «ای پسر بهترین کنیزان، تا به کی انتظار بایـد کشـید؟! مژده باد به پیروزی نزدیک از پروردگار بخشایشگر. پـدر و مادرم به فدای آن تعداد اندکی باشند که نامهای آنها در زمین مجهول است، تا هنگامی که وقت

[صفحه ۹۹]

ظهور فرا رسـد. همه ی شگفتیها، از جمع شـدن پراکنـده هـا، درو شـدن گیاهـان و صـداهای پیـاپی، در میان جمادی و رجب است». [۱۴].

۵۳- «الاسـلام و السـلطان العـادل اخوان، لاـ یصـلح واحـد منهما الا بصاحبه، الاسـلام اس و السـلطان العادل حارس، مالا اس له فمنهدم و ما لا حارس له فضائع، فلذلک اذا رحل قائمنا لم یبق اثر من الاسلام، و اذا لم یبق اثر من الاسلام لم یبق اثر من الدنیا».

-«اسـلام و سـلطان عادل دو برابر همزادنـد. یکی از آنها بـدون دیگری به کمال شایسـته نمی رسـد. اسـلام پایه است و سـلطان عـادل نگهبـان آن است. آنچه بی پایان باشـد ویران می گردد. و آنچه نگهبان نـدارد تباه می شود. از این رهگـذر هنگامی که قائم ما (ارواحنا فداه) رخت بر بندد، دیگر اثری از اسلام نمی ماند (بعد از انقضای رجعت) و هنگامی که اثری از اسلام نباشد، اثری از دنیا نخواهد بود». [۱۵].

و اینک دو نمونه از نهج البلاغه:

۵۴- «اللهم بلی لاـ تخلو الأرض من قائم لله بحجه اما ظاهرا مشـهورا او خائفا مغمورا، لئلا تبطل حجـج الله و بیناته، و کم ذاواین اولئـک؟ اولئـک - و الله - الأـقلون عـددا، و الأـعظمون عنـدالله قـدرا. یحفـظ الله بهم حججه و بیناته، حتی یودعوها نظرائهم، و یزرعوها فی قلوب اشباههم. هجم بهم العلم علی حقیقه البصیره، و باشروا

روح اليقین، واستلانوا ما استعوره المترفون، و انسوا بما استوحش منه الجاهلون، و صحبوا الدنیا بابدان ارواحها معلقه بالمحل الأعلی. اولئک خلفا الله فی ارضه، و الدعاه الی دینه آهاه شوقا الی رویتهم!».

-«بار خدایا؟ هرگز روی زمین، از کسانی که دین خدا را به

[صفحه ۱۰۰]

حجت بر پای دارند تهی نمی ماند. خواهد آشکار و ظاهر باشند و خواه خائف و نهان از چشم، تا برهانهای حق و نشانه های روشن او از میان نرود. اما اینها چندند و کجایند؟ به خدای سوگند که به شمار بس اندک، و به منزلت بسیار والایند، خداوند حجتها و نشانه های روشن خود را به وسیله ی آنها نگاه می دارد. تا آن را به نظیران خویش به امانت بسپارند و در دل اشباه خویش کشت دهند و بارور سازند، دانش، آنها را به حقیقت بینائی، رهنمون می کند.و آن را با آرامش یقین بکار می بندند. پارسائی و پرهیز را که متنعمان ناز پرورده دشوار می شمارند، آسان می گیرند. و با آنچه نادانان از آن به هراس اندرند، خو دارند. در دنیا با کالبدی زندگانی می کنند که روح آن کالبد به محل اعلی وابسته است. ایناننند جانشینان خدای بر روی زمین و فرا خوانندگان به دین خدا. وه، که به دیدارشان چقدر مشتاقم». [۱۶].

۵۵- «الا-و ان من ادرکها منا یسری فیها به سراج منیر، و یحذو فیها علی مثال الصالحین، لیحل فیها ربقا، و یعتق رقا، و یصدع شعبا، و یشعب صدعا، فی ستره عن الناس لا یبصر القائف اثره، و لو تابع نظره، ثم لیشحذن فیها قوم شحذ القین النصل. تجلی بالتنزیل ابصارهم و

یرمی بالتفسیر فی مسامعهم.و یغبقون کأس بعد الصبوح».

-«هان، همانا هر کس آن روزها را دید، به چراغ نور افشان ما در آن سیر می کند و بر مثال صالحان در پی آن فتنه می افتد. تا در آن گیر و دار پنهان از نظر مردمان (امام غائب ارواحنا فداه) بندی از پای بگشاید، بردگان را آزاد سازد، جمعی را پراکنده سازد و پراکندگی را گرد آورد. کسی که در پی او باشد، اثر او را نمی بیند، هیچ اثر شناس و پی زن از او نشانی به دست نیاورد. هر چند در این راه بکوشد. در آن رویدادها قومی (یاران مهدی علیه السلام) ذهن و فکرشان صیقلی شده، همچون صیقل

[صفحه ۱۰۱]

شمشیر به دست آهنگر، دیدگانش به نور قرآن روشن و گوشهایشان به تفسیر آن مأنوس. پس از جام خرد و حکمت که بامداد به آنان می پیمایند، شبانگاه نیز از آن سیراب می گرداند». [۱۷].

اینها نمونه ای اندک و قطراتی ناچیزی از دریای بیکران جوشیده از اقیانوس ژرف و ناپیدا کرانه ی، باب مدینه ی رسول صلی الله علیه و آله و سلم پیشوای پرهیزکاران، امام انس و جان، امیر مومنان حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام، در رابطه با قبله ی خوبان، موعود قرآن، صاحب عصر و زمان، ولی الله اعظم، حضرت بقیهالله، روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء می باشد.

[صفحه ۱۰۵]

پاورقی

[۱] کفایه الأثر ص ۲۲۰.

[۲] کتاب «مهدی منتظر در نهج البلاغه» نوشته ی مهدی فقیه ایمانی، از انتشارات «کتابخانه ی عمومی امیرالمومنین علیه السلام» اصفهان.

[۳] بشاره الاسلام، ص ۷۶.

[۴] ینابیع الموده، ص ۴۰۶.

[۵] کمال الدین، ص ۳۰۳.

[۶] بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۱۰۹.

[۷]

کمال الدین،ص ۳۰۴.

[۸] بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۱۱۵ و بشاره الاسلام، ص ۵۲.

[۹] کمال الدین، ص ۲۸۹ و کفایه الاثر ص ۲۲۰.

[۱۰] اصول کافی، ج ۱ ص ۲۷۱.

[۱۱] بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۱۲۰.

[۱۲] بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۱۱۲ و غیبت نعمانی، ص ۱۴۱.

[۱۳] کتاب سلیم بن قیس، ص ۱۹۷.

[۱۴] بشاره الاسلام، ص ۸۰.

[۱۵] کشف الحق (اربعین خاتون آبادی) ص ۲۰۳.

[۱۶] نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۱۴۷، ترجمه ی دکتر اسدالله مبشری، ج ۳ ص ۳۶۰.

[۱۷] نهج البلاغه، خطبه ی ۱۵۰، ترجمه ی دکتر اسدالله مبشری، ج ۲ ص ۵۵۶.

مهدی از دیدگاه حضرت زهرا علیهما السلام

«هذه اسماء الأوصیاء اولهم ابن عمی واحد عشر من ولدی، آخرهم القائم».

«اینها اسامی اوصیاء است که اول آنها پسر عموی من است، و یازده تن از فرزندان من می باشند که آخر آنها قائم است».

(حضرت فاطمه سلام الله علیها) [۱].

در ضمن احادیثی چند از حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها نوید ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا فداه روایت شده که معروفترین آنها حدیث گرانبهایی است که به نام «خبر لوح» شهرت یافته است که ترجمه ی آن را در اینجا می آوریم و به جهت طولانی بودن آن از آوردن متن عربی آن صرف نظر نموده، طالبین را به منابع یاد شده در پایان حدیث ارجاع می کنیم و اینک ترجمه ی حدیث:

۵۶- امام صادق علیه السلام می فرماید: پدرم (حضرت باقر

[صفحه ۱۰۶]

علیه السـلام) روزی به جـابر بن عبـدالله انصـاری فرمود: من بـا شـما کـاری دارم، چه وقتی برای شـما زحمت نیست که با شـما خلوت کنم و پرسشی از شما بکنم؟ جابر عرض کرد: هر وقت اراده بفرمایید. وقتی تعیین شد و با یکدیگر خلوت

نمودند.امام باقر علیه السـلام فرمود: ای جابر! برای من از لوحی که در دست مادرم فاطمه (سـلام الله علیها) دخت پیامبر (صـلی الله علیه و اله و سـلم) دیده ای سـخن بگو، و از آنچه مادرم فاطمه (سـلام الله علیها) به تو خبر داده که در لوح نوشته شده است برای من بگو. جابر گفت:

-«خدا را گواه می گیرم که در زمان رسول اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) به خدمت مادرت فاطمه (سلام الله علیها) شرفیاب شـدم تـا ولاـدت حضـرت حسـین (علیه السـلام) را تبریک و تهنیت عرض کنم. در دست مبارکش لوحی سبز رنگ دیـدم که پنداشـتم از زمرد است. روی آن لوح نوشـته ای سفید رنگ شبیه نور خورشید دیدم. به خدمتشان عرض کردم: پدر و مادرم به فدایت، ای دخت پیامبر! این لوح چیست؟ فرمود:

-«این لوحی است که خـدای تبارک و تعالی آن را به پیامبرش اهداء نموده است. اسم پدرم و اسم همسـرم و اسم دو فرزندم و اسامی اوصیاء دیگر از فرزندانم بر آن نوشته شده. پدرم آنرا به من عطا فرمود که مرا مسرور فرماید».

سپس جابر گفت: مادرت فاطمه (سـلام الله علیها) آن را در اختیار من قرار داد، پس من آن را خواندم و یک نسـخه برای خود استنساخ نمودم. [۲].

پدرم (امام باقر علیه السلام) فرمود: «ای جابر! آیا ممکن است که

[صفحه ۱۰۷]

آن را به من نشان دهی؟». عرض کرد: آری.آن گاه پدرم با او حرکت نمود تا به خانه ی جابر رسـیدند. جابر برای پدرم ورقی از پوست نازک بیرون آورد. پدرم فرمود:«جابر! تو از روی نوشته ات نگاه کن تا من متن آن

را برای تو بخوانم». جابر به نوشته خود نگاه کرد و پدرم برایش خواند. به خدا سوگند که حتی یک حرف نیز اختلاف نبود. آنگاه جابر گفت: خدا را گواه می گیرم که آنچه در لوح دیدم این است:

-«بسم الله الرحمن الرحیم. هذا کتاب من الله العزیز الحکیم لمحمد نبیه، نوره و سفیره و حجابه و دلیله نزل به الروح الأمین من عند رب العالمین. عظم یا محمد اسمائی، و اشکر نعمائی، و لا تجحد آلائی، انی انا الله لا اله الا انا...»

-«به نام خدای بخشنده ی بخشایشگر. این نوشتاری است از جانب خدای عزیز و فرزانه، به سوی پیامبر، نور، سفیر، حجاب و راهنمایش: محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) آن را روح الأمین از نزد پروردگار جهانیان فرو آورده است:-«ای محمد! نامهای مرا گرامی دار، نعمتهای مرا سپاس گوی، و نعمتهایم را انکار نکن، من خدائی هستم که جز من کسی شایسته ی پرستش نیست، پشت ستمگران را می شکنم و ستمدیدگان را به پیروزی می رسانم، و من کیفر دهنده ی روز جزایم. من خدائی هستم که جز من کسی شایسته ی پرستش نیست. کسی که جز به فضل و رحمت من دل ببندد و جز از عدالت من بترسد، او را آن چنان عذاب می کنم که احدی را از جهانیان آن چنان عذاب نکنم. پس مرا بپرست و بر من توکل نما. من پیامبری نفرستادم که روزگارش سپری شود و مدتش به سرآید جز اینکه برای او جانشینی مقرر نمودم. من ترا بر همه ی پیامبران برتری دادم و جانشینت را بر همه ی اوصیاء برتری دادم و

ترا با دو فرزند دلبندت حسن و حسین گرامی داشتم. حسن را پس از سپری شدن مدت پدرش معدن علم خود قرار دادم. و حسین را مخزن وحی خود قرار داده مدال شهادت را به او

[صفحه ۱۰۸]

عطا کردم و مدت او را با سعادت پایان دادم که او سرور شهیدان است و از همه ی شهیدان مقامش بالاتر است. کلمه ی تامه ی خود را با او قرار دادم و محبت کامله ام را در نزد او گذاشتم. معیار پاداش و کیفر من اهل بیت اوست که نخستین آنها سرور عبادت کنندگان و زینت دوستان گذشته ی من، «علی» (ابن الحسین علیه السلام) است. و آنگاه پسرش، شبیه جد بزرگوارش «محمد» است که شکافنده ی (باقر) علوم من و معدن حکمت من می باشد. آنانکه در مورد «جعفر» دچار تردید شوند، هلاک می شوند، کسی که او را رد کند مرا رد کرده است. این سخن از من به حقیقت پیوسته که جایگاه جعفر (صادق) را بس بلند گردانم و او را به وسیله ی دوستان، یاران و شیعیانش مسرور نمایم. پس از او «موسی» را برگزیدم که در عهد او فتنه ای بپا گردد [۳] که چشم به جایی را نبیند. زیرا رشته ای را که من فرض کرده ام (رشته ی امامت و وصایت) هرگز قطع نشود. و حجت من پنهان نماند. و دوستان من با جامهای لبریز سیراب شوند. آگاه باشید که هر کس یکی از آنها را انکار کند، نعمت مرا انکار نموده است. و هر کس آیه ای از کتابم را تغییر دهد به،من دروغ بسته است. وای به حال

تهمت زنانی که پس از سپری شدن مدت بنده، دوست و برگزیده ام موسی، در مورد یار و یاورم «علی» (ابن موسی الرضا) به انکار گرایند، که من باری به سنگینی بار نبوت بر دوش می گذارم و او را با کشیدن آن بار آزمایش می کنم. او را اهریمنی گردن کش می کشد. در شهری که بنده ی شایسته ام (ذوالقرنین) بنا کرده، در کنار بدترین مخلوقاتم به خاک سپرده می شود. این سخن به حقیقت پیوسته که دیدگان او را با فرزندش «محمد» (محمد تقی) روشن گردانم که جانشین و وارث علوم اوست. او معدن علوم من، و محل اسرار

[صفحه ۱۰۹]

من و حجت من بر بندگانم می باشد. هیچ بنده ای به او ایمان نیاورد جز اینکه بهشت را جایگاه او سازم و شفاعتش را در حق هفتاد تن از اهل بیتش، از آنانکه مستوجب آتش بوده اند، خواهم پذیرفت.

نیکبختی او را با فرزندش «علی» (هادی) کامل گردانم که یار و یاور منست و گواه من در میان بندگان و امین من بر وحی منست. از او «حسن» را پدید آوردم که دعوت کننده به سوی من، و مخزن علوم منست. آنگاه سعادت او را به اوج رسانم با فرزندش: «م ح م د» که رحمت است برای جهانیان. کمال موسی، شوکت عیسی و شکیبائی ایوب با اوست.

در زمان (غیبت) او دوستان من خوار و زبون می شوند. و سرهای آنها همچون سرهای ترک و دیلم به پیش این و آن به رسم هدیه فرستاده می شود، کشته می شوند، سوزانیده می شوند و همواره در ترس و وحشت و اضطراب به سر می

برند. زمین با خونشان رنگین گردد. زنانشان در سوک آنها گریان و نالان شوند. آنها دوستان حقیقی من هستند. که به وسیله ی آنها فتنه های تیره و تار را دفع کنم. و به وسیله ی آنها اضطرابها و تشویشها را برطرف سازم و گرفتاریها را رفع نمایم و بندها را فروگشایم. برآنها باد صلوات و درود و رحمت از پروردگارشان و آنهایند هدایت یافتگان». [۴].

عبدالرحمن بن سالم می گوید: هنگامی که ابوبصیر این روایت را برای من نقل کرد، به من گفت: اگر در تمام عمر هیچ حدیثی به جز این حدیث نشنیده باشی، این حدیث ترا کفایت کند. آنرا مکتوم بدار، مگر از اهلش.

[صفحه ۱۱۰]

در منابع یاد شده (در پاورقی) خبر لوح با سندهای معتبر از «ابو بصیر» از امام صادق علیه السلام از امام باقر علیه السلام از جابر بن عبدالله انصاری از حضرت فاطمه زهرا، صدیقه کبری سلام الله علیها روایت شده است.

متن خبر لوح با سندهای معتبر از طریق «اسحاق بن عمار» از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است:

۵۷- «ای اسحاق! ترا مژده بدهم؟». اسحاق بن عمار گفت: آری، خداوند مرا فدای تو سازد ای فرزند پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)!. فرمود:

-«صحیفه ای یافتم به املای رسول اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) و خط امیر مومنان (علی علیه السلام) که در آن نوشته شده: بسم الله الرحمن الرحیم، هذا کتاب من الله العزیز الحکیم» آنگاه متن آن را عینا همانند حدیث شماره ۵۶ بیان فرموده است. [۵].

فشرده ی خبر لوح با سندهای معتبر، از طریق «ابوالجارود» از امام باقر علیه السلام از

جابر بن عبدالله انصاری به این تعبیر نقل شده است:

۵۸- «خدمت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) شرفیاب شدم، در برابر آن حضرت لوحی بود که اسامی اوصیاء از نسل او در آن ثبت بود، شمردم تعدادشان دوازده تن بود که آخر آنها «قائم» (علیه السلام) بود. سه تن از آنها به نام «محمد» و چهار تن به نام «علی» بود». [۶].

تعبیر «از نسل او» در این روایت از باب تغلیب است، به این معنی

[صفحه ۱۱۱]

که چون یازده تن آنها از نسل حضرت فاطمه (سلام الله علیها) می باشد، جابر در حق همه شان این تعبیر را به کار برده است. و در حدیث «کمال الدین صدوق» این فراز وجود ندارد، و نیازی به این توجیه نیست. و منظور از سه «محمد»: امام باقر علیه السلام، امام محمد تقی علیه السلام و حضرت بقیه الله ارواحنا فداه، می باشد. و مقصود از چهار «علی»: امیر مومنان علی علیه السلام، امام زین العابدین علیه السلام، امام رضا علیه السلام و امام هادی علیه السلام می باشد.

نظیر این حدیث با تفصیل بیشتر از طریق «جابر جعفی» از امام باقر علیه السلام از جابر بن عبدالله انصاری، از حضرت زهرا سلام الله علیها نقل شده است. [۷].

۵۹- «سلیم بن قیس هلالی از جناب سلمان نقل می کند که در آخرین لحظات زندگی حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در محضر آن حضرت بودم که حضرت زهرا (سلام الله علیها) وارد شد، چون وضع پدر بزرگوارش را دید، سیل اشک از دیدگانش جاری شد، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمود: چرا

گریه می کنی؟ عرض کرد: ای پیامبر خدا! می ترسم که من و فرزندانم بعد از شما تباه شویم. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) در حالیکه قطرات اشک در اطراف چشمان مبارک حلقه زده بود فرمود:

-«ای فاطمه! مگر نمی دانی که ما اهل بیتی هستیم که خداوند برای ما آخرت را برگزیده است...».

-«دخترم! خداوند به ما هفت امتیاز داده که به احدی از اولین و آخرین نداده است: من بهترین و برترین پیامبرانم. جانشین من که شوهر توست، برترین اوصیاست. شهید ما برترین شهداست...».

[صفحه ۱۱۲]

-«سوگند به خداوندی که جانم در دست اوست، مهدی این امت از ماست، که زمین را پر از عدل و داد کند، آن چنان که پر از جور و ستم شده باشد...». [۸].

این حدیث با تفصیل بیشتری از طریق اهل سنت نیز به نقل از جناب سلمان نقل شده است. که ضمن آن می فرماید:

۶۰- «یا فاطمه والذی بعثنی بالحق، ان منهما مهدی هذه الأمه، اذا صارت الدنیا هرجا و مرجا و تظاهرت الفتن و تقطعت السبل و اغار بعضهم علی بعض، فلا کبیر یرحم صغیرا و لا صغیر یوقر کبیرا فیبعث الله عزوجل عند ذلک من یفتح حصون الضلاله: و قلوبا غلفا یقوم بالدین فی اخر الزمان کما قمت به فی اول الزمان و یملأ الأرض عدلا کما ملئت جورا».

- «ای فاطمه! سوگند به خداوندی که مرا به حق برانگیخت، مهدی این امت از این دو (حسن و حسین) می باشد. چون دنیا پر از هرج و مرج شد، فتنه ها همه جا را گرفت، راهها نا امن شد، گروهی بر گروهی شبیخون زدند. بزرگان بر زیردستان

ترحم نکردند، کوچکها احترام بزرگان را رعایت نکردند، خداوند در چنین زمان کسی را می فرستد که قلعه های ضلالت را فتح می کند و دلهای بسته را می گشاید و دین را در آخر الزمان به پا می دارد، چنانکه من در اول زمان به پا داشتم. زمین را پر از عدل و داد کند، چنانکه پر از ستم شده باشد». [۹].

[صفحه ۱۱۵]

پاورقی

[۱] الزام الناصب، ج ۱ ص ۲۰۵.

[۲] طبق روایات دیگری که در این زمینه وارد شده، حضرت فاطمه سلام الله علیها به جابر اجازه ندادند که دست به لوح بزنند، فقط اجازه دادند که از دور به آن نگاه کنند، چنانکه در احادیث بعدی در همین بخش خواهد آمد.

[۳] شاید منظور از این فتنه حوادث تلخ عهد موسی بن جعفر علیه السلام و شدت تقیه در زمان او باشد. و ممکن است اشاره به حوادثی باشد که منجر به پدید آمدن واقفیه شد که آنها در امامت موسی بن جعفر علیه السلام توقف کردند و به امامان بعدی معتقد نشدند.

[۴] حدیث شریف «لوح» روایت بسیار معروفی است که در غالب کتابهای حدیثی نقل شده است، که به ۱۰ نمونه ی آن اشاره می کنیم:

اصول کافی، ج ۱ ص ۴۴۲، اعلام الوری، ص ۳۷۱، اثبات الوصیه، ص ۱۴۳، احتجاج طبرسی، ص ۶۷ الزام الناصب، ج ۱ ص ۲۱۳، بحارالانوار، ج ۳۶ ص ۱۹۵، غیبت شیخ طوسی، ص ۹۳، غیبت نعمانی، ص ۳۰، کمال الدین صدوق، ص ۳۰۸ و منتخب الاثر ص ۱۳۳.

[۵] اعلام الوری، ص ۳۷۳، کمال الدین ص ۳۱۲، عیون الاخبار ص ۲۷ و بحارالانوار ج ۳۶ ص ۲۰۰.

[۶] اصول کافی، ج

۱ ص ۴۴۷، اعلام الوری، ص ۳۷۵، بحارالانوار ج ۳۶ ص ۲۰۲، کمال الدین صدوق، ص ۳۱۱، اعیان الشیعه ص ۴۷ و کشف الغمه، ج ۲ ص ۵۰۵.

[۷] کمال الدین ص ۳۱۱، بحارالانوار، ج ۳۶ ص ۲۰۱ و الزام الناصب ج ۱ ص ۲۱۵.

[۸] کتاب سلیم بن قیس، ص ۷۱-۶۹.

[۹] ذخائر العقبی، ص ۱۳۶ و اربعین ابونعیم حدیث پنجم.

مهدی از دیدگاه امام حسن مجتبی علیهما السلام

«طوبی لمن ادرک ایامه و سمع کلامه».

«خوشا به سعادت کسی که روزگار او را درک کند و اوامر او را گوش فرا دهد».

(امام حسن مجتبی علیه السلام) [۱].

روزگار پر آشوب عهد امام حسن مجتبی علیه السلام موجب شد که شیعیان نتوانند احادیث طولانی فراوانی از آن حضرت بشنوند و برای نسلهای بعدی روایت کنند، از این رهگذر روایات مربوط به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز از آن حضرت کمتر روایت شده است که آنچه به دست ما رسیده در اینجا می آوریم:

۶۱- «بعد از امضای قرارداد صلح با معاویه برخی از شیعیان ناآگاه به خدمت امام حسن مجتبی علیه السلام رسیده، او را برای پذیرش صلح سرزنش کردند. امام حسن علیه السلام فرمود:

[صفحه ۱۱۶]

شما نمی دانید که من برای شما چه کرده ام؟! به خدا سوگند آنچه من انجام داده ام برای شما از تمام این جهان سودمندتر است. مگر نمی دانید که من امام شما هستم؟! اطاعت من بر همه ی شما واجبست، و به صریح فرمایش رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از دو سروران جوانان بهشتی هستم؟! مگر نمی دانید که هنگامی که حضرت خضر علیه السلام کشتی را سوراخ کرد و جوانی را کشت و دیوار

را تجدید بنا کرد حضرت موسی خشمگین شد، زیرا سبب و حکمت آنها را نمی دانست، ولی کارهای حضرت خضر درنزد خدا صحیح و بی اشکال بود. مگر نمی دانید که هر یک از ما بر گردنش بیعت طاغوت زمانش خواهد بود به جز قائم ما که حضرت عیسی در پشت سر او نماز می خواند و خدای تبارک و تعالی ولادتش را مخفی نگه می دارد و خودش را در پشت پرده ی غیبت نهان می سازد تا به هنگام ظهور، بیعت احدی در گردن او نباشد». [۲].

۶۲- «التاسع من ولد اخی الحسین ابن سیده الاماء، یطیل الله عمره فی غیبته، ثم یظهره بقدرته فی صوره شاب دون اربعین سنه، ذلک لیعلم ان الله علی کل شی ء غدیر».

-«نهمین فرزند برادرم حسین علیه السلام فرزند سرور کنیزانست، خداوند در زمان غیبت عمرش را بسیار طولانی می کند و آنگاه او را به صورت جوانی کمتر از چهل ساله ظاهر می سازد. تا دانسته شود که خداوند به هر چیزی قادر است». [۳].

۶۳- «لا یکون الأمر الذی تنتظرون حتی یبرء بعضکم من بعض و یتفل بعضکم فی وجوه بعض و یشهد بعضکم علی بعض بالکفر و یلعن بعضکم بعضا».

-«این امر که فرا رسیدن موعد آنرا انتظار می کشید واقع نمی شود

[صفحه ۱۱۷]

مگر بعد از آنکه برخی از شما برخی دیگر بیزاری بجوید، و برخی در صورت برخی آب دهان بیندازد و بعضی از شما بعضی دیگر را کافر بداند و یکدیگر را لعن کنند».

عمیر می گوید عرض کردم: چنین زمانی چه ارزشی دارد؟ امام علیه السلام فرمود:

-«الخیر کله فی ذلک الزمان، یقوم قائمنا و یدفع

ذلك کله».

-«همه ی خیرها در آن زمان است، زیرا قائم ما قیام می کند و همه ی این حوادث را از بین می برد». [۴].

ما این حدیث را به پیروی از صاحب «بشاره الاسلام» از امام حسن مجتبی علیه السلام نقل کردیم ولی صاحب «عقد الدرر» آنرا از امام حسین علیه السلام نقل کرده است [۵] و پژوهشگر معاصر آقای علی اکبر غفاری در پاورقیهای سودمند خود بر کتاب پرارج «غیبت نعمانی» یادآور شده که این حدیث در برخی نسخه ها از امام حسن علیه السلام و در برخی دیگر از امام حسین علیه السلام نقل شده است. [۶].

۶۴- «تصطلح فی ملکه السباع، و تخرج الأرض نبتها، و تنزل السماء برکتها، و تظهر له الکنوز، یملک ما بین الخافقین، فطوبی لمن ادرک ایامه و سمع کلامه».

-«در زمان او درندگان با یکدیگر سازش می کنند، زمین گیاهانش را خارج می کند، آسمان برکاتش را فرو می فرستد، گنجهای نهفته در دل زمین برای او ظاهر می شود. بین شرق و غرب عالم تحت سیطره ی

[صفحه ۱۱۸]

او در می آید. خوشا به سعادت کسی که زمان او را درک کند و به اوامر او گوش فرا دهد». [۷].

۶۵- «لموضع الرجل فی الکوفه احب الی من دار فی المدینه».

-«جای یک پا نهادن در کوفه برای من از یک خانه در مدینه محبوب تر است». [۸].

در روایات فراوانی از ارزش والای زمین در کوفه در عهد حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه) گفتگو شده است، و آن بسیار طبیعی است، زیرا کوفه پایتخت حکومتی خواهد بود که بر زمین و زمان فرمانروایی خواهد نمود.

۶۶- «اسعد الناس به اهل

الکوفه».

- «خوشبخت ترین مردم در زمان ظهور، مردم کوفه هستند». [۹].

چه سعادتی بالاتر از اینکه انسان در شهر حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه زندگی کند و هر روز در پشت سر او اقتدا کرده فرائض دینی را انجام دهد و پرسشهای خود را بی واسطه از قبله ی خود مقصود و کعبه ی موعود بپرسند و هر روز دیدگانش با دیدار آن آفتاب عالم تاب نورانی شود و معارف الهی را از سرچشمه ی زلال علوم آل محمد فرا گیرد.

۶۷- «امام جواد علیه السلام روایت می کنند که روزی حضرت علی علیه السلام در حالی که به دست سلمان تکیه داده بودند وارد مسجد الحرام شدند و امام حسن مجتبی در محضر آن حضرت بود، در آن هنگام مردی نیکو صورت که جامه های زیبا بر تن داشت وارد شد و به خدمت امیر

[صفحه ۱۱۹]

مومنان علیه السلام عرض ادب و تقدیم سلام نمود، سپس گفت: من از محضر شما سه پرسش می کنم، اگر آنها را پاسخ فرمائید می فهمم که این مردم به شما ستم کردند و حق شما را به ناحق غصب کردند، امیر مومنان فرمود: آنچه می خواهی بپرس.

چون آن مرد سوالاتش را پرسید، امام علیه السلام به فرزند بزرگوارش امام حسن مجتبی رو کرد و فرمود: ای ابومحمد سوالات این مرد را پاسخ بگو.

چون امام حسن مجتبی علیه السلام هر سه پرسش را پاسخ گفت، آن مرد به وحدانیت خدا و رسالت رسول اکرم گواهی داد و سپس به امامت امیر مومنان و امام حسن مجتبی و امام حسین سیدالشهداء (علیهم السلام) گواهی داد و آنگاه امامها را یکی

پس از دیگری شمرد و به امامت هر یکی شهادت داد تا به امام حسن عسکری علیه السلام رسید و آنگاه گفت:

- «و اشهد علی رجل من ولد الحسن لا یکنی و لا یسمی حتی یظهر امره، فیملأها عدلا کما ملئت جورا».

-«و گواهی می دهم به امامت فرزند امام حسن -عسکری - که نام و کنیه اش گفته نمی شود تا روزی که ظاهر شود و جهان را پر از عدالت کند، آنچنان که پر از ستم شده است».

آنگاه امیر مومنان را تودیع کرد و از مسجد خارج شد.

امیر مومنان خطاب به امام حسن فرمود: ای ابو محمد برخیز و این مرد را تعقیب کن. امام حسن مجتبی علیه السلام بلند شد و به دنبال آن مرد حرکت کرد، لحظاتی بعد برگشت و عرض کرد: این مرد تا از مسجد خارج شد اصلا متوجه نشدم که کجا پای نهاد و به کجا رفت!!.

امیر مومنان فرمود: آیا این مرد را شناختی؟ امام حسن عرض کرد:

[صفحه ۱۲۰]

خدا و پیامبر و امیر مومنان داناترند. امیر مومنان فرمود: او حضرت خضر بود». [۱۰].

طبق روایات فراوانی حضرت خضر زنده است و در فرصتهای مناسب در مجلس امامان معصوم علیهم السلام حضور می یافت و اینک در خدمت حضرت بقیه الله روحی و ارواح العالمین له الفداء می باشد و جزء ۳۰ نفری است که همواره در ملازمت آن حضرت هستند و خداوند به وسیله ی آنها رفع غربت از وجود مقدس حضرت صاحب الزمان در زمان غیبت می نماید. [۱۱].

[صفحه ۱۲۳]

پاورقی

[۱] یوم الخلاص، ص ۳۷۴.

[۲] اعلام الوری، ص ۴۰۱.

[۳] یوم الخلاص، ص ۱۷۰.

[۴] بشاره الاسلام، ص ۸۱.

[۵] عقدرالدرر، ص ۶۴.

غیبت نعمانی، پاورقی ص ۲۰۵.

[۷] یوم الخلاص، ص ۳۷۴.

[۸] بحارالانوار، ج ۵۲ ص ۳۸۶.

[۹] یوم الخلاص، ص ۳۷۵.

[۱۰] اصول کافی، ج ۱ ص ۴۴۱.

[۱۱] غیبت شیخ طوسی، ص ۱۰۲.

مهدی از دیدگاه امام حسین علیهما السلام

«اما ان الصابر فی غیبته علی الأذی و التکذیب، بمنزله المجاهد بالسیف بین یدی رسول الله صلی الله علیه و آله».

- «کسی که در زمان غیبت به آزار و انکار دشمنان صبر کند همانند کسی است که در محضر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم جهاد کند».

(امام حسین علیه السلام) [۱].

از روزی که انسان بر فراز کره ی خاکی پای نهاد مبارزه ی حق و باطل آغاز گردید و قابیلیان در برابر هابیلیان صف آرائی نمودند و نبردهای سختی به وجود آوردند که در این میان داستان کربلا از برجستگی های خاصی برخوردار است. قهرمان کربلا به دلیل ویژگیهای حوادث کربلا لقب سیدالشهداء یافت و تا ظهور فرزند رشیدش حضرت بقیه الله روحی فداه به عنوان بزرگان مظلوم تاریخ یاد می شود تا آن دست انتقام الهی ظهور کرده

[صفحه ۱۲۴]

خون جد بزرگوارش سالار شهیدان ابا عبدالله الحسین علیه السلام را از یزیدیان بگیرد.

از این رو ظهور حضرت ولی عصر روحی فداه با حوادث کربلا رابطه ی خاصی پیدا کرده، که از آن جمله است:

۱- در تمام ایام مربوط به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف زیارت امام حسین علیه السلام وارد شده است، چون شب نیمه ی شعبان و شب قدر.

۲- آغاز قیام جهانی حضرت ولی عصر عجل الله فرجه طبق روایات فراوانی در روز عاشورا خواهد بود.

۳- در بیشتر احادیثی که از وجود مقدس رسول اکرم صلی الله علیه و

آله در پیرامون آن مصلح جهانی وارد شده به وسیله ی امام حسین و به عناوینی چون: «از تبار پسرم حسین»، «از نسل این پسرم» و «نهمین فرزند پسرم حسین» معرفی شده است.

۴- سفر تاریخی امام حسین علیه السلام که از مکه معظمه به قصد کوفه آغاز شد و به مقصد نرسید توسط فرزندش رشیدش تکمیل می شود و پایتخت حکومت جهانی آن حضرت، شهر کوفه خواهد بود.

۵- وجود مقدس ولی الله الأعظم طبق روایات همواره به یاد جد بزرگوارش امام حسین علیه السلام هر صبح و شام اشک می ریزد.

وجود مقدس ابا عبدالله الحسین علیه السلام نیز همواره به یاد حضرت بقیهالله روحی فداه بودند و همواره از او یاد می کردند و به یاد این فرزند عزیزش که خون او و خون همه ی مظلومان در راستای تاریخ را از یزیدیان خواهد گرفت، سخن می گفتند. از این رهگذر علی رغم خفقان شدیدی که در عهد امام حسین علیه السلام بر جامعه ی اسلامی حکومت می کرد احادیث فراوانی از امام حسین علیه السلام در پیرامون نهضت

[صفحه ۱۲۵]

جهانی آن حضرت به ما رسیده است که به نمونه هایی از آن در اینجا اشاره می کنیم:

۶۸- «از محضر امام حسین علیه السلام پرسیدند: آیا حضرت مهدی متولد شده است؟ فرمود:

-«لا، و لا ادرکته لخدمته ایام حیاتی».

-«نه هنوز متولد نشده است، من اگر زمان او را درک کنم، همه ی عمر به خدمت او کمر می بندم». [۲].

عین همین عبارت از وجود مقدس امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است. [۳].

هنگامی که معصوم علیه السلام در حق آن ولی الله اعظم چنین تعبیری را

به زبان آورد، مقام رفیع یاران آن حضـرت روشن می شود. خدا را به عظمت خضرتش قسم می دهیم که ما را از بهترین یاران آن حضرت در دولت حقه اش قرار دهد، انشاءالله.

۶۹- «از پیشگاه امام حسین علیه السلام سوال کردند: آیا شما صاحب این امر هستید؟ فرمود:

- «لا، و لکن صاحب الأمر الطرید الشرید الموتور بابیه، المکنی بعمه، یضع السیف علی عاتقه ثمانیه اشهر».

-«نه من نیسـتم، بلکه صاحب این امر کسـی است که از میان مردم کناره گیری می کنـد و به سـرزمینهای دور دست می رود و خون پدرش بر زمین می ماند و از عمویش پنهان می شود، آنگاه شمشیر برمی دارد و

[صفحه ۱۲۶]

هشت ماه تمام شمشیر بر زمین نگذارد». [۴].

امروز یـک هزار و یـک صـد و پنجاه سال تمـام اسـت که آن مهر تابـان از میـان جـامعه ی اسـلامی کنـاره گیری کرده و در سرزمینهای دور دست سکنی گزیده است و عاشقان کویش با دیدگانی اشکبار در انتظار مقدمش ثانیه شماری می کنند.

خون به ناحق ریخته شده ی پدران بزرگوارش هنوز هم بر زمین مانده و نگران آن دست انتقام الهی است.

بسـیار تـأثر آور و اعجـاب انگیز است که خانـدان امـامت ناچـار بودنـد ولادت با سـعادت آن مهرتابان را از عمویش پوشـیده نگهدارند. [۵] و لذا به هنگام شـهادت امام حسن عسـکری برادرش جعفر نمی دانست که برادرش فرزندی دارد تا هنگامی که برای نمـاز ایسـتاد آن مهر تابـان با گامهایی اسـتوار نزدیک آمـد و دست رد بر سـینه ی نامحرم زد و فرمود: عموجان! من برای نماز پدرم از تو شایسته ترم.

ما در این حدیث تعبیر «المکنی بعمه» را

«پنهان شده از عمو» معنی کردیم ولی معنای ساده ی آن چنین است «کنیه ی او به نام عمویش خواهد بود» یعنی چون عمویش «جعفر» است پس کنیه ی او «ابو جعفر» خواهد بود.

کنیه ی معروف حضرت ولی عصر «ابوالقاسم» است ولی کنیه ی دیگر آن حضرت «ابو جعفر» است، چنانکه حدیث شماره ۹۸ کتاب نیز آنرا تایید می کند.

۷۰- «شعیب بن ابی حمزه می گوید: به خدمت امام حسین علیه السلام شرفیاب شدم و پرسیدم:

[صفحه ۱۲۷]

- آیا شما صاحب این امر هستید؟ فرمود:

- نه، پرسیدم:

-آیا پسر شما صاحب این امر است؟ فرمود:

- نه. گفتم:

- آیا پسر پسر شما صاحب این امر است؟ فرمود:

نه. گفتم:

پس چه کسی صاحب این امر است؟ فرمود:

- «الذی یملأها عدلا، کما ملئت جورا، علی فتره من الأئمه یأتی کما ان رسول الله صلی الله علیه و (آله) و سلم بعث علی فتره من الرسل».

-«صاحب این امر کسی است که روی زمین را پر از عدالت خواهد کرد آنچنان که پر از ستم شده است، او به هنگام فترت امامان خواهد آمد، چنانکه رسول اکرم صلی الله علیه و آله در زمان فترت پیامبران بر انگیخته شد». [۶].

۷۱- «دوازده مهدی از ما هست که نخستین آنها علی بن ابی طالب و آخرین آنها نهمین فرزند منست که او امام قائم به حق است، خداوند زمین مرده را به وسیله ی او زنده می کند و دین حق را بر تمام ادیان پیروز می گرداند.

-«له غیبه یرتد فیها اقوام و یثبت علی الدین فیها آخرون، فیوذون و یقال لهم: متی هذا الوعد ان کنتم صادقین. اما ان الصابر فی غیبته علی الأذی

و التکذیب بمنزله المجاهد بالسیف بین یدی رسول الله صلی الله علیه و آله».

-«برای او غیبتی است که گروههایی در آن از دین برمی گردند و گروههایی دیگر بر آیین خود استوار می مانند و در این راه آزارها می بینند،

[صفحه ۱۲۸]

به آنها گفته می شود: «این وعده کی خواهد شد اگر راستگو یانید»، آنانکه بر این آزارها و تکذیبها صبر کنند همانند کسی هستند که شمشیر به دست گرفته در پیشاپیش رسول اکرم صلی الله علیه و آله جهاد کند». [۷].

۷۲- «لصاحب هذا الأمر غیبتان، احداهما تطول حتی یقول علی موضعه احد من ولی ولا غیره الا المولی الذی یلی أمره».

-«برای صاحب این امر دو غیبت است که یکی از آنها به درازا می کشد که گروهی می گویند: مرده، برخی گویند: کشته شده، بعضی گویند: رفته است. احدی از دوستان از اقامتگاه او آگاه نمی شود جز خدمتگزاری که متصدی امور اوست». [۸].

۷۳- «فی التاسع من ولدی سنه من یوسف، و سنه من موسی بن عمران، و هو قائمنا اهل البیت، یصلح الله امره فی لیله واحده».

-«نهمین فرزند من نشانی از حضرت یوسف و نشانی از حضرت موسی بن عمران دارد، او قائم ما اهل بیت است که خداوند امر ظهورش را در یک شب فراهم می کند». [۹].

دیدگان نگران حضرت یعقوب سرانجام با دیدار جمال یوسف روشن گردید و فروغ از دست رفته اش به او بازگشت و انشاءالله بسیار نزدیک است که دیدگان اشکبار منتظران با دیدار جمال یوسف گمگشته روشن شود و فروغ از دست رفته ی مشتاقان با درک دولت حقه ی آن حضرت به آنها باز گردد و

پیشوای موعود با عصای موسی باز آید و دمار از روزگار فرعونیان در آورد و به ضعف کشیده شدگان را عزت بخشد و آنان را از زیر یوغ پیروان فرعون رها سازد.

[صفحه ۱۲۹]

۷۴- «ان لله مأدبه بقرقیسیا، یطلع مطلع من السماء، فینادی: یا طیر السماء! و یا سباع الأرض! هلموا الی الشبع من لحوم الجبارین».

-«خدای تبارک و تعالی یک سفره ی گسترده و مهمانی عمومی در «قرقیسا» دارد که منادی آسمانی بانگ بر می آورد: ای پرندگان آسمان! وای درندگان بیابان! بیایید تا با گوشت ستمگران شکمی از عزا در آورید». [۱۰].

آری ستمکارانی که چون زالو خون بیچارگان را می مکند و حقوق بینوایان را لگد مال می کنند و ملتهای محروم را در صف مرگ به انتظار مرگ می نشانند [۱۱] یک چنین روزی دارند که پرندگان و درندگان بر فراز جسدهای آنها شکمی از عزا در آورند و انتقام بینوایان را از آنها بگیرند.

در حکومت حقه ی حضرت بقیه الله روحی فداه حق مظلوم از ظالم گرفته می شود، گنجهای نهفته در زمین ظاهر می شود، آسمان برکاتش را نازل می کند، تمام نقاط روی زمین زیر کشت می رود دیگر گرسنه ای در روی زمین باقی نمی ماند و احدی زکات و صدقه از کسی نمی پذیرد، چون همگان از فضل پروردگار بی نیاز می شوند، چنانکه امام حسین علیه السلام می فرماید:

۷۵- «انفاق و احسان کنید، سوگند به خدایی که دانه را شکافت و انسان را آفرید، روزی فرا خواهد رسید که دیگر برای انفاق یک درهم و یا یک دینار محلی پیدا نشود». [۱۲].

[صفحه ۱۳۰]

در روایات آمده است که احدی

زکات نمی پذیرد و مردم زکاتها را در طبقی در کنار خیابانها می گذارند که هر کس مایل باشد از آن بردارد.

۷۶- «قائم هذه الأمه التاسع من ولدی صاحب الأمر، و هو الذی یقسم میراثه و هو حی».

-«قائم این امت نهمین فرزند منست که او صاحب این امر است و میراثش تقسیم می شود در حالیکه او زنده است». [۱۳].

بعد از رحلت امام حسن عسکری علیه السلام برادرش جعفر با دستیاری خلیفه ی عباسی اموال آن حضرت را تقسیم کرد و برای وارث حقیقی حصه ای تعیین نکرد.

۷۷-«للمهدی خمس علامات: السفیانی: و الیمانی، و الصیحه من السماء، و الخسف بالبیداء، و قتل النفس الزکیه».

- «برای مهدی ما پنج علامت است:

۱- خروج سفیانی

۲- خروج یمانی

۳- بانگ آسمانی

۴- خسف سرزمین بیدا

۵- قتل نفس زکیه». [۱۴].

۷۸- «حارث بن مغیره می گوید: به خدمت امام حسین علیه السلام شرفیاب شدم و عرض کردم: حضرت مهدی را با چه نشانه هایی بشناسم؟ فرمود:

[صفحه ۱۳۱]

-«بمعرفه الحلال و الحرام و بحاجه الناس الیه، و لا یحتاج الی احد».

-«با شناخت احکام و معارف و نیاز همگان به او، و بی نیازی او از همه». [۱۵].

۷۹- «یحیی بن یعمن می گوید: در خدمت امام حسین علیه السلام بودم که عربی وارد شد و پرسشهایی کرد و امام علیه السلام پاسخ فرمود: تا به این پرسش رسید: ای فرزند پیامبر! به من بگو که تعداد امامان بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله چقدر است؟ فرمود: دوازده نفر هستند به تعداد نقبای بنی اسرائیل. گفت: آنها را برای من نام ببر.

امام حسین علیه السلام سرش را پایین انداخت و بعد از لحظه ای فرمود:

–»ای

برادر عرب امام و جانشین بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله امیر مومنان علی بن ابی طالب است، سپس برادرم حسن، آنگاه من، و نه تن از فرزندان من: پسرم علی، پسرش محمد، پسرش جعفر، پسرش موسی، پسرش علی، پسرش محمد، پسرش علی، پسرش حسن و بعد از او حضرت مهدی که نهمین فرزند منست؟ در آخر الزمان دین را به پا می دارد».

آنگاه مرد عرب برخاست و این ابیات را زمزمه می کرد:

مسح النبی جبینه

فله بریق فی الخدود

ابواه من اعلی قریش

وجده خیر الجدود

پیامبر رحمت پیشانی اش را نوازش داده، نور پیامبر از گونه هایش می درخشد.

پدر و مادرش از قله رفیع قریش هستند و جد بزرگوارش شریفترین نیای انسانی است. [۱۶].

[صفحه ۱۳۵]

پاورقی

[۱] کمال الدین صدوق، ص ۳۱۷.

[۲] عقدالدرر، ص ۱۶۰.

[۳] به حدیث شماره ۱۴۸ از همین کتاب مراجعه فرمائید.

[۴] کمال الدین، ص ۳۱۸.

[۵] جزیره ی خضراء ص ۱۱.

[۶] عقد الدرر، ص ۱۵۹.

[۷] بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۱۳۳.

[۸] عقد الدرر، ص ۱۳۴.

[۹] المحجه البیضاء، ج ۴ ص ۳۳۸.

[۱۰] عقد الدرر، ص ۸۷.

[۱۱] اکنون که این سطور را می نویسم هر لحظه خبر تأثر انگیز تازه ای از گرسنگان «اتیوپی» به گوش می رسد و وجدان جهانی آزرده نمی شود!.

[۱۲] عقد الدرر، ص ۱۷۱.

[۱۳] اعلام الوری ص ۴۰۱.

[۱۴] عقد الدرر، ص ۱۱۱.

[۱۵] منتخب الاثر، ص ۳۰۹.

[۱۶] کفایه الأثر، ص ۲۳۴.

مهدی از دیدگاه امام زین العابدین علیهما السلام

«من ثبت علی مولاتنا فی غیبه قائمنا، اعطاه الله اجر الف شهید مثل شهداء بدر».

«هر کس در زمان غیبت قائم ما در محبت و ولایت ما ثابت قدم بماند خداوند به او پاداش هزار شهید از شهدای بدر عنایت فرماید».

(امام زین العابدین علیه

السلام) [۱].

عصر امام زین العابدین علیه السلام شاید بدترین روزگار در تاریخ اسلام باشد، خفقان و اختناق نفسها را در سینه ها حبس کرده بود، کسی جرئت نمی کرد به امام سجاد علیه السلام نزدیک شود، فقط یک بار شرایط مساعد شد که امام سجاد علیه السلام برای مردم موعظه کند و آن سخنرانی معروف آن حضرت در مسجد اموی بود، که امام علیه السلام با دستهای بسته و زیر غل جامعه [۲] در حضور یزید و دیگر دیپلمات های پایتخت اموی آن را ایراد فرمود، که در آن خطبه، پرده ها را کنار زد و تلاشهای چهل ساله ی بنی امیه را

[صفحه ۱۳۶]

خنثی نمود و حقانیت اهل بیت را در نفوذ ناپذیرترین پایگاه دشمن برای جهانیان به نمایش گذاشت.

بعد از آن سخنرانی، دیگر چنین فرصتی برای آن حضرت پیش نیامد ولی معارف عالیه ی اسلام را در ضمن دعاها و نیایشها بیان فرمود که قسمتی از آنها در کتاب پرارج «صحیفه ی سجادیه» گرد آمده است. [۳].

روی این بیان، طبیعی است که احادیث بسیار محدودی از آن حضرت به دست ما خواهد رسید، و احادیث مربوط به حضرت بقیه الله روحی فداه نیز در میان آنها اندک خواهد بود که به برخی از آنها در این جا اشاره می کنیم:

۸۰- «ابو خالد کابلی می گوید: به خدمت امام زین العابدین علیه السلام وارد شدم و عرض کردم: ای فرزند پیامبر! به من خبر ده از کسانی که خداوند اطاعت آنها را بر من واجب کرده و محبت آنها را بر من فرض نموده، و بر همگان واجب است که بعد از رسول اکرم صلی

الله علیه و آله از آنها پیروی کنند؟ فرمود:

- «ای کنگر! «اولی الأمر» که خدای تبارک و تعالی آنها را بر مردم، امام واجب الاطاعه قرار داده، امیر مومنان علی بن ابی طالب علیه السلام، سپس امام حسن، آنگاه امام حسین است و بعد از او امر به ما منتهی شده است».

ابو خالد می گوید: امام علیه السلام دیگر ساکت شد و من پرسیدم:

[صفحه ۱۳۷]

ای سرور من، از امیر مومنان به ما روایت شده که خداوند هرگز زمین را خالی از حجت نمی گذارد، بعد از شما امام و حجت کیست؟ فرمود:

-«بعد از من پسرم محمد، که نامش در تورات «باقر» است زیرا علم را می شکافد چه شکافتنی، بعد از او پسرش جعفر، که نامش در آسمانها «صادق» است».

ابو خالد می گوید: عرض کردم: چگونه است که او را «صادق» می گویند، در حالیکه همه ی شما صادق (راستگو) هستید؟!. فرمود:

-«پدرم از پدرش، از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرد که هرگاه پسرم: جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب متولد شود او را «صادق» بنامید، زیرا پنجمین پسرش نیز نامش جعفر خواهد بود و به دروغ ادعای امامت خواهد کرد و نام او در پیش خدای تبارک و تعالی «جعفر کذاب» است که ادعای دروغ می کند، با پدرش مخالفت می کند و بر برادرش حسد می ورزد. و به هنگام غیبت او تلاش فراوان می کند که او را لو دهد».

آنگاه امام سجاد علیه السلام به شدت گریست و فرمود:

-«کأنی بجعفر الکذاب و قد حمل طاغیه زمانه علی تفتیش امر ولی الله، والمغیب فی

حفظ الله و التوکیل بحرم ابیه، جهلا منه بولادته، و حرصا منه علی قتله ان ظفر به و طمعا فی میراثه حتی یأخذه بغیر حقه».

-«گویی جعفر کذاب را با چشم خود می بینم که طاغوت زمانش را وادار می کند که اقامتگاه ولی الله اعظم را تفتیش کند و به حرم پدرش سپاه بریزد، در حالیکه آن امام غائب از نظر در حفظ و حراست خداست».

«این همه تلاش جعفر برای این است که او از داستان تولد اطلاعی ندارد و بسیار حریص است که اگر او را بیابد به قتل برساند و چشم طمع به

[صفحه ۱۳۸]

میراث او دوخته است که به ناحق آنرا بخورد». [۴].

۸۱- «یکی از آقا زادگان امام زین العابدین علیه السلام می گوید: هر وقت پدرم می خواست در مورد برادرم «محمد» سخنی بگوید از او «باقر» تعبیر می کرد، یک روز پرسیدم: پدرجان! چگونه است که برادرم را «باقر» تعبیر می فرمایید؟ پدرم تبسمی کرد و به سجده رفت و سجده اش را طول داد، شنیدم در سجده عرض می کند:«بار خدایا! ترا سپاس می گویم چه نعمتهایی بر ما اهل بیت ارزانی فرموده ای». این را چندین بار تکرار کرد و سر از سجده برداشت و فرمود.

-«یا بنی ان الامامه فی ولده الی ان یقوم قائمنا علیه السلام فیملأها قسطا و عدلا».

-«پسرجان! امامت در نسل اوست تا روزی که قائم ما که درود خدا بر او باد ظاهر شود و زمین را پر از عدل و داد فرماید».

سپس فرمود: او پدر امامان، معدن حلم و بردباری و شکافنده ی علوم است. به خدا سوگند او از همه به پیامبر شبیه

تر است. پرسیدم: امام بعد از او چند نفر است؟ فرمود: هفت نفر است که یکی از آنها مهدی آخر الزمان است که دین را در آخر زمان بپا می دارد». [۵].

۸۲- «یا ابا خالد! لتأتین فتن کقطع اللیل المظلم، لا ینجو الا من اخذ الله میثاقه اولئک مصابیح الهدی و ینابیع العلم، ینجیهم الله من کل فتنه مظلمه کأنی بصاحبکم قد علا فوق نجفکم بظهر کوفان فی ثلاثمأه و بضعه عشر رجلا، جبرئیل عن یمینه و میکائیل عن شماله و اسرافیل امامه، معه رایه رسول الله صلی الله علیه و آله قد نشرها لا یهوی بها الی قوم الا اهلکهم الله عزوجل».

[صفحه ۱۳۹]

-«امام زین العابدین علیه السلام خطاب به ابو خالد کابلی فرمود:

-«ای ابا خالد! برای شما فتنه هایی چون قطعات شب یلدا پیش خواهد آمد، از این فتنه ها نجات نمی یابد جز کسی که خداوند از او پیمان گرفته باشد، که آنها مشعلهای هدایت و سرچشمه های دانش و فضیلت هستند. خداوند به وسیله ی آنها از هر فتنه ی ظلمانی نجات می دهد. گوئی صاحب شما را می بینم که در پشت کوفه با ۳۱۳ نفر در سرزمین نجف حرکت می کند، جبرئیل در طرف راست او، میکائیل در طرف چپ او، و اسرافیل در پیشاپیش او حرکت می کنند. پرچم رسول اکرم صلی الله علیه و آله با او هست، چون این پرچم به اهتزاز در آید به سوی هر قومی حرکت کنند خدای تبارک و تعالی آن قوم را هلاک می کند». [۶].

۸۳- «من ثبت علی موالاتنا فی غیبه قائمنا، اعطاه الله اجر الف شهید مثل شهداء بدر».

-«کسی که

در زمان غیبت قائم ما (عجل الله فرجه) بر موالات ما ثابت بماند خداوند به او پاداش هزار شهید از شهدای بدر عطا می فرماید». [۷].

در روایات فراوانی از سختیهای دوران غیبت گفتگو شده و در برخی از آنها آمده است: «در زمان غیبت قائم ما، کسی که بر ایمان خود ثابت و استوار بماند همانند کسی است که بخواهد خارهای درخت خاردار را با دست خود پاک کند». هنگامی که استوار ماندن در آن عصر این قدر سخت و دشوار باشد طبعا پاداش بسیار والایی خواهد داشت که حدیث فوق عظمت فوق العاده ی آن را بیان می کند.

۸۴- «فی القائم سنه من نوح و هو طول العمر».

[صفحه ۱۴۰]

-«در قائم ما نشانی از حضرت نوح است و آن طول عمر است». [۸].

عمر طولانی حضرت نوح علیه السلام از مسلمات تاریخ است پیروان همه ی ادیان آسمانی بر آن ایمان راسخ دارند، از این رهگذر در دهها حدیث از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و پیشوایان معصوم علیهم السلام پیش از تولد آن مهر تابان تأکید شده که آن حضرت از نظر طول عمر یادآور عمر طولانی حضرت نوح است.

در قرآن کریم مدت دعوت حضرت نوح بعد از بعثت و پیش از طوفان ۹۵۰ سال آمده است [۹] که با افزودن بقیه ی عمر آن حضرت از پیش از بعثت تا بعد از طوفان بسیار طولانی خواهد بود که بر اساس برخی از روایات به ۲۵۰۰ سال می رسد. [۱۰].

هنگامی که عمر حضرت نوح از طرف همه ی ادیان پذیرفته شده، دیگر برای تردید در عمر شریف حضرت ولی عصر عجل الله فرجه

مورد نمی مانـد، هنوز عمر آن حضـرت به نصف عمر نوح نرسـیده، که هم اکنون یـک هزار و یـک صـد و پنجاه سال از عمر شریف آن حضرت می گذرد.

۸۵- «فی القائم منا سـنن من سـته من الأنبیاء، سـنه من نوح، و سـنته من ابراهیم، و سنته، من موسی، و سنته من ایوب، و سنته من محمـد صـلوات الله علیهم. فامـا من نوح فطول العمر، و امـا من ابراهیم فخفـأ الولاده و اعتزال الناس، و اما من موسـی فالخوف و الغیبته، و امـا من عیسـی فاختلاـف النـاس فیه، و امـا من ایوب فـالفرج بعـد البلوی، و اما من محمـد صـلی الله علیه و آله و سـلم فالخروج بالسیف».

[صفحه ۱۴۱]

-«در قـائم مـا شـش نشـانه از شـش پیامبر هست، نشانی از حضـرت نوح، نشانی از حضـرت ابراهیم، نشانی از موسـی، نشانی از حضرت عیسی، نشانی از حضرت ایوب، و نشانی از حضرت محمد که درود خداوند بر آنها باد.

-نشانه ی او از حضرت نوح، عمر طولانی اوست.

- نشانه ی او از حضرت ابراهیم، تولد پنهانی و کناره گیری او از میان مردم است.

-نشانه ی او از حضرت موسی، ترس و وحشت و غیبت اوست.

- نشانه ی او از حضرت عیسی، اختلاف مردم در حق اوست.

- نشانه ی او از حضرت ایوب، فرج بعد از شدت است.

- و اما نشانه ی او از حضرت محمد صلی الله علیه و آله قیام به شمشیر اوست». [۱۱].

۸۶- «زهری می گویـد: در خـدمت امـام زین العابـدین علیه السـلام بودم که فرزنـد برومنـدش محمـد باقر وارد شـد، امام علیه السلام مطالبی به او فرمود و در ضمن آن او را به «حسن

خلق» توصیه می فرمود. با خود گفتم که نکند امام از رحلت خود خبر بدهد، و لذا پرسیدم: بعد از شما به چه کسی مراجعه کنیم؟ فرمود: به این پسرم. و با دست خود به سوی امام باقر اشاره کردند و فرمودند: این پسرم وصی، وارث، مخزن علم من و معدن دانش و شکافنده ی علوم است و...

گفتم: چگونه است که به فرزند بزرگترتان وصیت نفرموده اید؟!

فرمود: امامت با کوچکی و بزرگی سن نیست، بلکه رسول اکرم صلی الله علیه و آله این چنین با ما پیمان بسته است و در لوح و صحیفه این چنین یافته ایم.

[صفحه ۱۴۲]

پرسیدم: رسول اکرم صلی الله علیه و آله به چند نفر جانشین برای خود تعیین کرده و به شما عهد فرموده است؟ فرمود:

-«در صحیفه و لوح تعداد دوازده امام با نام و نام پدر نوشته شده که هفت تن آنها از نسل این پسرم محمد (امام باقر) خواهد بود که مهدی یکی از آنهاست». [۱۲].

۸۷- «القائم منا تخفی علی الناس ولادته، حتی یقولوا: لم یولد بعد، لیخرج حین یخرج و لیس لأحد فی عنقه بیعه».

-«ولادت قائم ما بر مردم پوشیده می ماند و مردم می گویند که هنوز متولد نشده است. این برای آن است که به هنگام ظهور بیعت کسی در گردن او نباشد». [۱۳].

۸۸- «و ان للقائم منا غیبتین، احداهما اطول من الاخری،«اما الاولی فسته ایام، او سته اشهر، او سته، سنین. و اما الاخری فیطول امدها حتی یرجع عن هذا الأمر اکثر من یقول به، فلا یثبت علیه الا من قوی یقینه و صحت معرفته و لم یجد فی نفسه حرجا مما قضینا و

سلم لنا اهل البیت».

-«برای قائم ما دو غیبت است که یکی از آنها طولانی تر از دیگری است. غیبت اولی شش روز، شش ماه و شش سال است، ولی غیبت دیگری به قدری طولانی خواهد بود که بیشتر قائلین به آن از اعتقاد خود برمی گردند، در امامت او ثابت قدم نمی ماند جز کسی که ایمانش قوی و معرفتش کامل باشد و در برابر داوریهای ما تردیدی به خود راه ندهد و در برابر ما کاملا تسلیم باشد». [۱۴].

علامه ی مجلسی در شرح این حدیث می فرماید: شاید این حدیث

[صفحه ۱۴۳]

اشاره به تحولات وضع آن حضرت در غیبت صغری باشد که در شش روز اول منحصرا اهل بیت آن حضرت از ولادت آن مهر تابان آگاه بودند و در شش ماه اول خواص شیعیان و نزدیکان از آن مطلع شدند، و در شش سال اول غالب شیعیان از آن آگاه شدند و بعد از شش سال (بعد از رحلت امام حسن عسکری علیه السلام) خبر ولادت آن کعبه ی موعود در اقطار جهان اسلام منتشر شد. [۱۵].

۸۹- «اما ان ذا القرنین قد خیر بین السحابین، فاختار الذلول و ذخر لصاحبکم الصعب، فقیل له و ما الصعب؟ فقال: ما کان من سحاب فیه رعد و صاعقه و برق فصاحبکم یرکبه، اما انه سیرکب السحاب و یرقی فی الاسباب، اسباب السماوات السبع و الارضین السبع، خمس عوامر و اثنتان خربتان»..

-«ذوالقرنین در میان دو نوع ابر مخیر شد او ابر رام را برگزید و برای صاحب شما ابر ناآرام را نگهداشت. پرسیدند: ابر ناآرام چیست؟ فرمود: آن ابری که رعد و برق و سر و صدا داشته

باشد، صاحب شما بر آن سوار می شود. آری او سوار بر ابر می شود و در آسمانها بالا می رود و بر فراز زمینهای هفتگانه که ۵ تا از آنها آباد و دو تا خراب است، بالا می رود». [۱۶].

شاید این حدیث اشاره به مسافرتهای فضائی و حداقل سفرهای هوایی با وسائل امروزی یا وسایل مجهزتر آینده باشد. و شاید از این حدیث استفاده شود که دو قاره ی زمین پیش از ظهور ویران خواهد شد.

[صفحه ۱۴۷]

پاورقی

[۱] اعلام الوری، ص ۴۰۲.

[۲] زنجیری که دستها را به گردن می بندد.

[۳] علاوه بر صحیفه ی معروف امام سجاد علیه السلام، چهار صحیفه ی دیگر به ترتیب زیر در دست داریم که هر کدام قسمتی از دعاهای آن حضرت را در بر دارند:

۱- صحیفه ی ثانیه، گرد آوری شیخ حر عاملی، صاحب وسائل الشیعه.

۲- صحیفه ی ثالثه، گردآوری میرزا عبدالله افندی، صاحب ریاض العلماء.

۳- صحیفه ی رابعه، گردآوری میرزای نوری، صاحب مستدرک.

۴-صحیفه ی خامسه، گردآوری سید محسن امین، صاحب اعیان الشیعه.

[۴] کمال الدین، ص ۳۲۰.

[۵] کفایه الأثر، ص ۲۳۷.

[۶] بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۱۳۵.

[۷] اعلام الوری، ص ۴۰۲.

[۸] کمال الدین صدوق، ص ۳۲۲.

[۹] عنکبوت: ۱۴.

[۱۰] رجوع شود به کتاب «طول عمر امام زمان از دیدگاه علوم و ادیان».

[۱۱] المحجه البیضاء، ج ۴ ص ۳۳۸.

[۱۲] کفایه الأثر، ص ۲۴۳.

[۱۳] اعلام الوری، ص ۴۰۲.

[۱۴] کمال الدین، ص ۳۲۵.

[۱۵] بحار الانوار، ج ۵۱ ص ۱۳۵.

[۱۶] یوم الخلاص، ص ۲۹۸.

مهدی از دیدگاه امام باقر علیهما السلام

«تکون له حیره و غیبه یضل فیها اقوام و یهتدی فیها اقوام، فیا طوبی لک ان ادرکته و یا طوبی من ادرکه».

«برای او دوران غیبتی است که گروهی در آن گمراه

می شونـد و گروهی هـدایت کننـد.خوشا به حـال تو اگر او را درک کنی، خوشـا به حال کسـی که آن روز فرخنـده را درک کند».

(امام باقر علیه السلام) [۱].

در عهـد امـام بـاقر علیه السـلام رژیم خون آشـام بنی امیه در سراشـیبی سـقوط قرار گرفت و کنـترل دقیق کشور از دست رژیم خارج شد و شیعیان توانستند از ناتوانی رژیم استفاده کرده در اطراف امام باقر علیه السلام گرد آیند و از خرمن علومش خوشه چینی کنند.

امام باقر علیه السـلام از فضای به اصـطلاح باز کشور اسـتفاده نموده به نشر علوم آل محمد پرداخت و شالوده ی دانشگاه عظیم اسلامی را

[صفحه ۱۴۸]

پایه گذاری کرد که بعدا توسط فرزند بزرگوارش امام جعفر صادق علیه السـلام به اوج کمال رسید و حوزه های امروزی قم و نجف اشرف ریزه خوار آن دانشگاه بزرگ است.

از این رو احادیث فراوانی در تمام رشـته های معارف اسـلامی از امام باقر علیه السـلام به یادگار مانده است که احادیث منجی بزرگ بشریت نیز یک از آنهاست که نمونه هایی چند در این بخش برای تیمن و تبرک می آوریم:

۹۰- «ام هانی می گوید از خدمت امام باقر علیه السلام در مورد آیه ی شریفه ی:

-«فلا اقسم بالخنس»: «سوگند به ناپدید شونده ها» [۲] پرسیدم، فرمود:

-«امام یخنس سنته ستین و مأتین، ثم یظهر کالشهاب یتوقد فی اللیله الظلماء، فان ادرکت زمانه قرت عینک».

- «او امامی است که در سال ۲۶۰ از دیده ها مخفی می شود و سپس چون ستاره ای فروزان ظاهر شود که در شب تاریک می درخشد. اگر زمان او را درک کنی دیدگانت روشن می شود». [۳].

منظور از سال

۲۶۰ سال رحلت امام حسن عسکری علیه السلام است [۴] که در عهد پدر بزرگوارش اصحاب می توانستند به دیدار آن مهر تابان موفق شوند ولی بعد از رحلت آن حضرت این سعادت نصیب همگان نمی شد.

[صفحه ۱۴۹]

۹۱- «کمیت اسدی می گوید: به خدمت امام باقر علیه السلام شرفیاب شدم و عرض کردم اشعاری در حق شما خاندان سروده ام اجازه می فرمایید در خدمت شما بخوانم، اجازه فرمودند و من ابیاتی چند خواندم، امام علیه السلام گریه کردند و آقا زاده ی بزرگوارشان امام جعفر صادق علیه السلام نیز گریستند و صدای گریه از پشت پرده نیز بلند شد... امام علیه السلام دست مرا گرفت و گفت: خدایا کمیت را بیامرز، گناهان گذشته و آینده اش را ببخش هنگامی که به این بیت رسیدم:

-چه وقت حق شما آشکار خواهد شد؟!

-چه وقت مهدی شما قیام خواهد کرد؟!

امام باقر علیه السلام فرمود: انشاءالله به زودی، به زودی. سپس فرمود: ای ابا المستهل! [۵] قائم ما نهمین فرزند امام حسین است. زیرا امام بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دوازده تن می باشند. دوازدهمین آنها قائم آنهاست.

پرسیدم: این دوازده تن کیانند؟ فرمود: علی بن ابی طالب، بعد او حسن و حسین، بعد از حسین، علی بن الحسین و من. آنگاه دست مبارکشان را بر شانه ی امام صادق نهادند و فرمودند: بعد از من، او. گفتم: بعد از او کیست؟ فرمود: پسرش موسی، سپس پسرش علی، آنگاه پسرش محمد، سپس پسرش علی، آنگاه پسرش حسن، که او پدر همان قائم است که جهان را پر از عدالت می کند و قلب شیعیان ما

را روشن می کند. پرسیدم: کی خروج می کند؟ فرمود: این پرسش را از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نمودند، فرمود:

-«انما مثله کمثل الساعه لا تأتیکم الا بغته.

-«مثل او چون مثل رستاخیز است، جز به طور ناگهانی نیاید». [۶].

[صفحه ۱۵۰]

۹۲- «صاحب این امر چهار نشانه از چهار پیامبر دارد: نشانی از حضرت موسی، نشانی از عیسی، نشانی از یوسف و نشانی از حضرت محمد صلی الله علیه و آله:

- نشانه اش از حضرت موسی، وحشت و نگرانی است.

- نشانه اش از حضرت یوسف، زندانی شدن اوست.

- نشانه اش از حضرت عیسی، اختلاف مردم در حق اوست که می گویند: مرده است و برخی گویند نمرده است.

نشانه اش از رسول اکرم صلی الله علیه و آله قیام به شمشیر اوست». [۷].

بار خدایا یوسف زندانی ما تا به کی در زندان غیبت خواهد بود و دیدگان نگران مشتاقان چشم به راه او خواهد بود؟! ترا به حق حضرت زهرا در فرج عزیز زهرا تعجیل بفرما.

۹۳- «من مات و لیس له امام فمیتته میته جاهلیه و من مات و هو عارف لامامه، لم یضره تقدم هذا الأمر او تأخر، و من مات و هو عارف لامامه کان کمن هو مع القائم فی فسطاطه».

-«هر کس بمیرد و امامش را بشناسد مرگ او مرگ جاهلی است، و هر کس بمیرد در حالی که امامش را می شناسد برای او آسیبی نمی رسد که امر ظهور زود باشد و یا دیر شود. کسی که با شناخت امام از دنیا برود همانند کسی است که دچار فرماندهی قائم علیه السلام باشد». [۸].

۹۴-«ایام الله عزوجل ثلاثه: یوم یقوم القائم، و یوم

الکره، و یوم القیامه».

[صفحه ۱۵۱]

-«ایام الله سه روز است:

۱- روز قیام قائم علیه السلام.

۲- روز رجعت.

۳- روز قیامت». [۹].

این روایت به همین تعبیر از امام صادق علیه السلام نیز رسیده است. [۱۰].

۹۵- «اذا استولی السفیانی علی الکور الخمس، فعدوا له تسعه اشهر».

-«هنگامی که سفیانی بر پنج شهر تسلط یافت، نه ماه بشمارید».

معنای این حدیث به قرینه ی احادیث فراوانی که ظهور حضرت بقیه الله روحی فداه را با خروج سفیانی در یک سال می داند، این است که نه ماه بعد از خروج سفیانی، آن مهر تابان ظهور خواهد کرد. [۱۱].

در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام اسامی شهرهای پنجگانه چنین آمده است:

۱- دمشق

۲- حمص

۳- فلسطین

۴- اردن

۵- قنسرین. [۱۲].

[صفحه ۱۵۲]

امام صادق علیه السلام در این حدیث مدت حکومت سفیانی را هشت ماه تمام فرموده است و تعبیر امام باقر علیه السلام این بود که از حکومت سفیانی نه ماه بشمارید، شاید وجه جمع بین این دو حدیث این باشد که سفیانی هشت ماه تمام حکومت می کند و در آغاز ماه نهم حضرت بقیهالله روحی فداه قیام می کند.

۹۶- «کانت عصا موسی لآدم علیهما السلام، فصارت الی شعیب، ثم صارت الی موسی بن عمران، و انها لعندنا، و ان عهدی بها آنفا و هی خضرأ کهیئتها حین انتزعت من شجرتها و انها لتنطق اذا استنطقت و انها تصنع ما تومر، و انها حیث القیت تلقف ما یأفکون بلسانها».

-«عصای حضرت موسی قبلا از آن حضرت آدم بود سپس به حضرت شعیب و بعدا به حضرت موسی منتقل شد و هم اکنون در نزد ماست، در همین نزدیکی که آنرا می دیدم هنوز سبز بود همانند

روزی که از درخت بریـده شده. هنگامی که از آن، حرف خواسـته شد حرف می زند. این عصا برای قائم ما (که درود خدا بر او باد) تهیه شـده است. قائم ما به وسـیله ی آن، کاری انجام می دهد که حضـرت موسـی انجام می داد. به این عصا هر چه امر شود انجام می دهد و آنچه دشمنان فراهم کنند با زبانش آنرا می بلعد». [۱۳].

۹۷- «عبـدالله بن عطـا می گویـد: به خـدمت امـام باقر علیه السـلام شـرفیاب شـدم و عرض کردم: شـیعیان شـما در عراق بسـیار فراوانند و در میان اهل بیت پیامبر کسـی همانند شما نیست. فرمود: ای عبدالله! سخنان اراذل و اوباش را در مغز خود وارد کرده ای، به خدا سوگند صاحب شما من نیستم. پرسیدم:

[صفحه ۱۵۳]

پس صاحب ما چه کسی است؟ فرمود:

-«انظر من یخفی علی الناس ولادته فهو صاحبکم».

-«نگاه کن، کسی که ولادتش بر مردم پوشیده بماند او صاحب شماست». [۱۴].

۹۸- «ابو حمزه ی ثمالی می گوید: در خدمت امام باقر علیه السلام بودم، چون مردم رفتند و مجلس خلوت شد فرمود:

-«یا ابا حمزه! من المحتوم الذی حتمه الله قیام قائمنا، فمن شک فیما اقول، لقی الله و هو به کافر».

-«ای ابا حمزه! از امور حتمی ای که خداونـد حتمی ساخته است قیام قائم ماست، هر کس در این گفتار تردیـد کند خدا را در حال کفر ملاقات می کند».

سپس فرمود: پـدر و مادرم به فـدای کسـی که همنام و هم کنیه ی من است [۱۵] او هفتمین فرزنـد من است که زمین مرا پر از عدالت کند هنگامی که پر از جور و ستم شده باشد.

ای ابا حمزه!

کسی که او را درک کند و در برابر او تسلیم شود آن چنان که در برابر پیامبر و امیر مومنان تسلیم است، بهشت بر او واجب می شود و هر کس تسلیم نشود بهشت بر او حرام می شود و جایگاهش دوزخ است و جایگاه ستمگران چه زشت است». [۱۶].

جالب توجه و شایان دقت است که علمای اهل سنت نیز معتقدند که هر کس حضرت مهدی را انکار کند کافر است و این فتوی بر اساس روایتی است که به سند خود از جابر بن

[صفحه ۱۵۴]

عبدالله انصاری نقل کرده اند که می گوید: رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

-«من کذب بالدجال فقد کفر، و من کذب بالمهدی فقد کفر».

-«هر کس دجال را انکار کند کافر است و هر کس مهدی را انکار کند کافر است». [۱۷].

از این رهگذر همه ی علمای اهل سنت وجود مقدس حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را می پذیرند، فقط برخی از آنها خیال می کنند که در آخر الزمان متولد خواهد شد ولی محققین آنها نیز او را فرزند امام حسن عسکری می دانند و غیبت او را می پذیرند.

دانشمند معاصر آقای «علی دوانی» در کتاب پرارج «دانشمندان عامه و مهدی موعود» اسامی بیش از صد تن از بزرگان اهل سنت را نقل کرده است که در کتابهای خود به ولادت حضرت ولی عصر علیه السلام اعتراف کرده اند و او را فرزند بلافصل امام حسن عسکری علیه السلام می دانند.

۹۹- «کأنی باصحاب القائم علیه السلام و قد احاطوا بما بین الخافقین، فلیس من شی ء الا و هو مطیع لهم حتی سباع الأرض

و سباع الطیر، یطلب رضاهم فی کل شی ء، حتی تفتخر الأرض و تقول: مربی الیوم رجل من اصحاب القائم علیه السلام».

-«گویی اصحاب قائم علیه السلام را با چشم خود می بینم که شرق و غرب جهان را تحت سیطره ی خود در آورده اند و در روی زمین چیزی نیست جز اینکه از آنها فرمان می برد، حتی درندگان زمین و پرندگان

[صفحه ۱۵۵]

آسمان. هر چیزی در جهان، رضایت آنها را جستجو می کند و قطعات زمین بر یکدیگر مباهات کرده می گویند: امروز یکی از یاران قائم علیه السلام بر فراز من قدم نهاد». [۱۸].

واقعا چه سعادتی بالاتر از آنکه انسان هر روز دیدگانش با جمال عالم آرای مهر تابان و قبله ی خوبان روشن گردد، ما چقدر محروم هستیم که از این فیض بزرگ محرومیم، که این محرومیت بدون تردید از خشم خدا بر مردم این زمان ناشی است، چنانکه امام باقر علیه السلام می فرماید:

۱۰۰- «اذا غضب الله تبارک و تعالی علی خلقه نحانا عن جوارهم».

-«هنگامی که خداوند بر قومی غضب کند ما را از مجاورت آنها دور می سازد». [۱۹].

وجود مقدس حضرت بقیه الله روحی فداه به همین نکته اشاره می کنند و در توقیع شریفی که به افتخار شیخ مفید (رحمه الله علیه) صادر فرموده اند می نویسند:

-«اگر چه ما در سرزمین دور دستی سکنی گزیده ایم که از جایگاه ستمگران بدوریم. زیرا خداوند مصلحت ما و شیعیان مومن ما را در این دیده که تا حکومت دنیا در دست تبهکاران است در این نقطه ی دور دست مسکن نماییم». [۲۰].

۱۰۱- «حکم بن عتبه می گوید: به خدمت امام باقر

علیه السلام

[صفحه ۱۵۶]

گفتم: شنیده ایم که مردی از شما ظهور کرده، عدالت را در میان این امت پیاده خواهد کرد؟ فرمود:

-«انا نرجو ما یرجو الناس، و انا نرجو لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد سیطول ذلک الیوم حتی یکون ما ترجو هذه الامه. و قبل ذلک فتنه شر فتنه یمسی الرجل مومنا و یصبح کافرا، و یصبح مومنا و یمسی کافرا، فمن ادرک ذلک منکم فلیتق الله تعالی و لیکن من احلاس بیته».

-«ما نیز چون دیگران انتظار آن روز را می کشیم و امیدوار هستیم که اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نباشد خداوند آنرا به قدری طولانی سازد که آرزوی این امت برآورده شود. ولی پیش از آن روز فتنه ای هست که بسیار فتنه ی جانکاهی است. انسان شب با ایمان می خوابد و صبح بی ایمان برمی خیزد. صبح با ایمان از خانه بیرون می رود و شب بی ایمان برمی گردد. هر کس چنین روزی را درک کند، از خدا تقوی کند و چون یکی از گلیمهای خانه اش باشد». [۲۱].

۱۰۲- حکم بن ابی نعیم می گوید: در مدینه به خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم و گفتم: من در میان رکن و مقام نذر کرده ام که هنگامی که شما را در مدینه ملاقات کنم از مدینه بیرون نروم جز اینکه دانسته باشم که آیا قائم آل محمد شما هستید یا نه؟ امام علیه السلام چیزی نفرمود. در حدود یک ماه گذشت روزی در یکی از کوچه های مدینه مرا دید و فرمود: تو هنوز اینجا هستی؟ گفتم: آری، به شما گفتم که چه نذری دارم

و شما چیزی به من نفرمودید.

فرمود: فردا صبح بیا منزل و پرسش خود را بپرس. فردا صبح به خدمتش مشرف شدم، فرمود: پرسش خود را بپرس. گفتم: من در میان رکن و مقام روزه و صدقه ای نذر کردم که هنگامی که شما را در مدینه ملاقات

[صفحه ۱۵۷]

کردم از مدینه بیرون نروم جز اینکه دانسته باشم که آیا شما «قائم آل محمد» هستید یا نه؟ اگر شما باشید از شما جدا نشوم تا در حضورتان شمشیر بزنم و اگر شما نباشید به دنبال کار و زندگی خود بروم. فرمود:

- ای حکم همه ی ما قائم به امر خدا هستیم.

گفتم: آیا شما «مهدی» هستید؟ فرمود:

- همه ی ما به سوی خدا هدایت می کنیم.

گفتم: آیا شما «صاحب شمشیر» هستید؟ فرمود:

- همه ی ما صاحب شمشیر هستیم و وارث شمشیر هستیم.

گفتم: آیا شما آن کسی هستید که دشمنان خدا را می کشد و دوستان خدا را عزت می بخشد و دین خدا را آشکار می سازد؟ فرمود:

- ای حکم چگونه ممکن است من او باشم؟! در صورتی که من به ۴۵ سالگی رسیده ام ولی صاحب این امر از من به سن کودکی نزدیکتر است و بر پشت مرکب از من چابک تر است». [۲۲].

روایات بسیار فراوانی داریم که حضرت بقیه الله روحی فداه هنگامی که ظاهر می شود بین ۳۰ الی ۴۰ ساله به نظر می رسد، و گرنه در دهها حدیث از غیبت طولانی آن حضرت گفتگو شده است و هرگز مقصود این نیست که سن واقعی آن حضرت کمتر از ۴۵ باشد بلکه برحسب آنچه مردم از سیمای مبارک آن حضرت تصور می کنند

جوان با طراوت و شادابی است که بین ۳۰ الی ۴۰ می باشد.

۱۰۳- «امام باقر علیه السلام می فرماید: حضرت موسی علیه السلام چون سفر اول را خواند شرح فضائل قائم آل محمد در آن دید عرض کرد: پروردگارا مرا قائم آل محمد قرار بده.

خطاب شد: او از نسل احمد (صلی الله علیه و اله) خواهد بود.

[صفحه ۱۵۸]

چون سفر دوم را خواند نظیر همان مطالب را دید و باز چنین در خواستی کرد و باز همان خطاب فرا رسید.

چون سفر سوم را خواند باز هم نظیر آن مطالب را یافت و شبیه همان درخواست را از پیشگاه حضرت احدیت نمود و شبیه همان پاسخ را دریافت کرد». [۲۳].

۱۰۴- «اذا قام القائم (عجل الله فرجه) سار الی الکوفه و هدم بها اربع مساجد و لم یبق مسجد علی وجه الأرض له شرف الا هدمه و جعلها جماو وسع الطریق الأعظم، و کسر کل جناح خارج فی الطریق، و ابطل الکنف و المیازیب، و لا یترک بدعه الا ازلها ولا سنه الا اقامها، و یفتح قسطنطینیه و الصین و جبال الدیلم و یمکث علی الأرض سبع سنین من سنینکم هذه، ثم یفعل الله ما یشأ».

-«هنگامی که قائم (عجل الله فرجه) قیام کند رهسپار کوفه می شود و چهار مسجد را در آنجا ویران می کند و هر مسجدی که محل مرتفع دارد خراب می کند و هموار می سازد. راه اصلی را توسعه می دهد و سایبان هایی را که وارد خیابانها شده، برمی دارد و سایبان و ناودانی به کوچه ها اجازه نمی دهد. و هر بدعتی را نابود می کند، و هفت سال به این

منوال می گذرد. آنگاه خداوند هر چه اراده کند، انجام دهد». [۲۴].

ممکن است منظور از چهار مسجدی که حضرت بقیه الله ارواحنا فداه در کوفه خراب می کند، مساجد چهارگانه ای باشد که به شکرانه ی شهادت امام حسین علیه السلام ساخته شده است! و منظور از محل مرتفع

[صفحه ۱۵۹]

مساجد، قسمتهای مرتفعی باشد که در کشورهای سنی مرسوم است و به آن شاه نشین می گویند که حضرت بقیه الله ارواحنا فداه آنها را خراب کرده، مساجد را هموار می سازد تا این نشانه ی اختلاف طبقاتی نیز از بین برود.

۱۰۵- «کل رأیه ترفع قبل قیام القائم، فصاحبها طاغوت».

-«هر پرچمی که پیش از قیام قائم (عجل الله فرجه) بر افراشته شود، صاحبش طاغوت است». [۲۵].

۱۰۶- «القائم منا منصور بالرعب، موید بالنصر تطوی له الأرض و تظهر له الکنوز، یبلغ سلطانه المشرق و المغرب، و یظهر به الله دینه علی الدین کله و لو کره المشرکون، فلا یبقی فی الأرض خراب الا عمر، و ینزل روح الله عیسی بن مریم، فیصلی خلفه».

-«قائم ما به رعب و وحشت در دل مردم تأیید شده، و با نصرت خداوندی تقویت شده، زمین در زیر پاهایش طی می شود. گنجینه های زمین برای او آشکار می شود و سلطنتش به شرق و غرب جهان می رسد. خداوند دین خود را به دست او بر همه ی ادیان پیروز می سازد، اگرچه مشرکان خوش ندارند. در روی زمین جای ویرانی نمی ماند جز اینکه آباد می کند. حضرت عیسی روح الله (علیه السلام) نازل می شود و پشت سر او نماز می خواند».

محمد بن مسلم پرسید: قائم شما کی ظاهر می

شود؟ فرمود: هنگامی که:

۱- مردها خود را به زنان تشبیه کنند.

۲- زنها خود را به مردان تشبیه کنند.

۳- مردان به مردان و زنان به زنان بسنده کنند.

۴- زنها سوار بر زینها شوند.

[صفحه ۱۶۰]

۵- شهادت دروغ پذیرفته شود.

۶- شهادت راست رد گردد.

۷- خون سبک شمرده شود.

۸- روابط نامشروع رواج پیدا کند.

۹- ربا خواری رائج گردد.

۱۰- اشرار از ترس زبانشان احترام شوند.

۱۱- سفیانی از شام خارج شود.

۱۲- یمانی قیام کند.

۱۳- سپاه سفیانی در سرزمین بیدا خسف شوند.

۱۴- جوانی از آل محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) به نام «محمد بن حسن نفس زکیه» در میان رکن و مقام کشته شود.

۱۵- صحیفه ی آسمانی شنیده شود که می گوید: حق با او (قائم علیه السلام) و شیعیان اوست.

در چنین موقعی قائم ما (ارواحنا فداه) خارج می شود و پشت خود را به دیوار کعبه تکیه می دهد و سیصد و سیزده نفر در اطراف او جمع می شوند. اولین چیزی که به زبان می آورد. این آیه ی شریفه است:

«بقیه الله خیر لکم ان کنتم مومنین».

سپس می فرماید: من تنها بازمانده از حجتهای پروردگار و خلیفه ی خدا در میان شـما هسـتم. کسـی نمی ماند، جز اینکه به او سلام کرده می گوید:

«السلام علیک یا بقیه الله فی ارضه».

هنگامی که ده هزار نفر برای یاری او گرد آمدنـد، دیگر در روی زمین بتی نمی مانـد جز اینکه طعمه ی حریق می شود. و این روز پر شکوه پس از یک غیبت طولانی است تا معلوم شود که چه کسی به غیب ایمان می آورد و

[صفحه ۱۶۱]

از خدا اطاعت می کند». [۲۶].

۱۰۷- «یقوم القائم بکتاب جدید و

قضاء جدید، علی العرب شدید. لیس شانه الا السیف. لا یستتیب احدا و لا تأخذه فی الله لومه لائم».

-«قائم (علیه السلام) با کتابی تازه، امری تازه و داوری تازه ظاهر می شود. بر عرب بسیار سخت خواهد بود. جز شمشیر کاری ندارد. کسی را وادار به توبه نمی کند. و در راه اجرای احکام الهی از نکوهش و سرزنش احدی اندیشه نمی کند». [۲۷].

آری پیش از ظهور آن حضرت تعالیم عالیه ی اسلام به قدری تحریف و تأویل می شود که به هنگام پیاده شدن احکام اصیل اسلامی، چیزی تازه به نظر می رسد، حتی برداشت مردم از قرآن آن قدر دگرگون می شود که تفسیر صحیح قرآن چیزی تازه به شمار می آید. او حق را عرضه می کند و هر کس نپذیرد به سزای عناد و لجاجتش می رساند.

۱۰۸- «یا ابا حمزه! لا ـ یقوم القائم الا ـ علی خوف و زلزال و فتنه و بلاء ـ یصیب الناس، و طاعون قبل ذلک و سیف قاطع بین العرب، و اختلاف شدید بین الناس و تشتیت و تشتت فی دینهم و تغیر من حالهم، حتی یتمن المتمنی الموت صباحا و مساءا من عظم ما یری من کأب الناس و اکل بعضهم بعضا و خروجه اذا خرج، عند الیأس و القنوط. فیاطوبی لمن ادرکه و کان من انصاره و الویل کل الویل لمن خالفه امره و کان من اعدائه».

-«ای ابا حمزه! قائم ما (عجل الله فرجه) قیام نمی کند مگر پس از ترس شدید، اضطرابها، نگرانیها، فتنه ها و بلاهایی که بر مردم وارد شود. و پیش از آن فتنه ها طاعون شایع شود و شمشیر در میان

عربها حاکم گردد و

[صفحه ۱۶۲]

اختلاف و پراکندگی در دین و دگرگونی در اوضاع پدید آید. انسان به قدری شاهد گرفتاری مردم می شود که هر صبح و شام از خدا مرگ خویش را درخواست و آرزو می کند. پس از یک چنین یأس و نومیدی او ظاهر می شود. خوشا به حال کسی که او را درک کند و به یاری او برخیزد. وای به حال کسی که با او مخالفت کند و اوامر او را نپذیرد و با او به دشمنی برخیزد». [۲۸].

۱۰۹- «اذا ظهر القائم (علیه السلام) ظهر برایه رسول الله (صلی الله علیه و اله و سلم) و خاتم سلیمان و حجر موسی و عصاه».

-«هنگامی که قائم (علیه السلام) ظاهر شود، پرچم رسول اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) انگشتر حضرت سلیمان (علیه السلام)، سنگ و عصای حضرت موسی (علیه السلام) را همراه خود می آورد». [۲۹].

۱۱۰- «فضیل می گوید: به خدمت امام باقر (علیه السلام) عرض کردم: آیا برای آن روز پرشکوه وقت معینی هست؟ فرمود:

-«کذب الوقاتون، کذب الوقاتون، کذب الوقاتون».

-«هر کس وقت تعیین کند، دروغ گفته است. هر کس وقت تعیین کند، دروغ گفته است. هر کس وقت تعیین کند، دروغ گفته است». [۳۰].

[صفحه ۱۶۵]

پاورقی

[۱] بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۱۳۷.

[۲] تکویر: ۱۵.

[۳] اصول کافی، ج ۱ ص ۲۷۶.

[۴] المحجه، ص ۲۴۵.

[۵] کنیه ی کمیت اسدی است.

[۶] کفایه الأثر، ص ۲۴۹.

[۷] الامامه و التبصره، ص ۹۴.

[۸] اصول کافی، ج ۱ ص ۳۰۳.

[۹] معانی الاخبار، ص ۳۶۶.

[۱۰] المحجه، ص ۱۰۸.

[۱۱] عقد الدرر، ص ۸۶.

[۱۲] کمال الدین، ص ۶۵۱.

[۱۳] الامامه و التبصره، ص ۱۱۶.

[۱۴] اعلام الوری، ص ۴۰۲.

[۱۵] در حدیث شماره

۶۹ گفتیم که یکی از کنیه های حضرت مهدی «ابو جعفر» است.

[۱۶] بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۱۳۹.

[۱۷] عقد الدرر، ص ۱۵۷.

[۱۸] الامامه و التبصره، ص ۱۳۱.

[۱۹] اصول کافی، ج ۱ ص ۲۷۷.

[۲۰] احتجاج طبرسی، ص ۴۹۷.

[۲۱] عقد الدرر، ص ۶۱.

[۲۲] بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۱۴۰.

[۲۳] عقد الدرر، ص ۱۶۰.

[۲۴] اعلام الوری،ص ۴۳۲.

[۲۵] اثباهالهداه، ج ۳ ص ۵۳۲.

[۲۶] اعلام الوری، ص ۴۳۳.

[۲۷] اثباه الهداه، ج ۳ ص ۵۴۰.

[۲۸] بشاره الاسلام، ص ۱۰۵.

[۲۹] اثباه الهداه، ج ۳ ص ۵۴۲.

[۳۰] غیبت شیخ طوسی، ص ۲۶۲.

مهدی از دیدگاه امام صادق علیهما السلام

«لکل اناس دوله یرقبونها و دولتنا فی آخر الزمان تظهر».

«برای هر ملتی دولتی است که در انتظارش به سر می برند، دولت ما نیز در آخر الزمان ظاهر خواهد شد».

(امام صادق علیه السلام) [۱].

مصادف شدن دوران امامت پیشوای ششم شیعیان حضرت امام جعفر صادق علیه السلام با انقراض رژیم ستمگر اموی و آغاز رژیم جنایت پیشه ی عباسی فرصت بسیار خوبی برای آن حضرت پیش آورد تا تعالیم عالیه ی اسلام را در سطح بسیار گسترده ای در میان مسلمانان تعلیم نموده، علوم آل محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) را پخش و منتشر کند. بدیهی است که هر رژیم پلید و خون آشام هنگامی که در سراشیبی سقوط قرار گرفت، با تمام قدرت برای نگهداری خود از سقوط حتمی تلاش می کند و در نتیجه یک آزادی کاذب برای شخصیتها می دهد، از این رو امام باقر علیه السلام از این

[صفحه ۱۶۶]

فضای باز به اصطلاح سیاسی استفاده کرده، پایه های دانشگاه علوم شیعه را پی ریزی نمود و امام جعفر صادق علیه السلام آن را محکم و استوار ساخت. پس

از سقوط رژیم اموی، رژیم جنایت پیشه ی عباسی روی کار آمد. این رژیم اگرچه در جنایت گوی سبقت را از رژیم قبلی ربود ولی علی الظاهر به محبت اهل بیت علیهم السلام تظاهر می کرد، و بنی هاشم را پسر عموهای خود خطاب می کرد، دژخیمان رژیم اموی پیشوایان اهل بیت علیهم السلام را می کشتند و جشن می گرفتند، ولی سران رژیم عباسی امامان اهل بیت علیهم السلام را می کشتند و عزای ملی اعلام می کردند. بدیهی است که آنها بیشتر از رژیم اموی توانستند ضربه های کاری بر پیکر اهل بیت علیهم السلام وارد سازند، ولی امام صادق علیه السلام از همین آزادی کاذب و فضای باز سیاسی استفاده کرده، تشنگان دانش و فضیلت را از سراسر جهان به دور خود گرد آورد، و در آن زمان غربت دانش و فرهنگ، بیش از چهار هزار شاگرد تربیت نمود و در بیش از ۵۰۰ رشته متخصص تحویل جامعه اسلامی داد. و لذا می بینیم فی المثل شاگردی که در علم شیمی تربیت نموده، پس از گذشت سیزده قرن هنوز هم در جهان غرب به عنوان پدر شیمی شناخته شده و بیش از ۵۰۰ جلد از تألیفات او (جابر بن حیان) به زبانهای اروپایی ترجمه شده است.

وقتی که سر آمد شاگردان امام صادق علیه السلام توانسته باشد بیش از ۳۹۰۰ رساله و کتاب در علوم شیمی، ریاضی و غیره تألیف نماید، سرآمد شاگردانش در فقه و تفسیر و حدیث و عقاید، طبعا مقامی بسیار والا خواهند داشت و احادیث واصله از آنها در هر رشته ای بیرون از شمار خواهد بود. از این

رهگذر خواننده ی گرامی توجه دارد که اگر بخواهیم روایات واصله از امام صادق علیه السلام در رابطه با برنامه ی جهانی و نهضت همگانی حضرت بقیه الله ارواحنا فداه استقصا کنیم، مثنوی هفتاد من کاغذ خواهد بود. و لذا دامن سخن فرا می چینیم و به نقل نمونه هایی از آن بسنده می کنیم:

[صفحه ۱۶۷]

۱۱۱- «من اقر بجمیع الأئمه (علیهم السلام) و جحد المهدی (ارواحنا فداه) کان کمن اقر بجمیع الأنبیاء و جحد محمدا (صلی الله علیه و اله و سلم) نبوته».

- «کسی که به همه ی امامان (علیهم السلام) معتقد باشد و حضرت مهدی (ارواحنا فداه) را رد کند، مانند کسی است که همه ی پیامبران را بپذیرد و رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) را رد کند».

پرسیدند: ای فرزند پیامبر! مهدی از تبار شما چه کسی است؟ فرمود:

-«الخامس من وله السابع، یغیب عنکم شخصه و لا یحل لکم تسمیته».

-«او پنجمین فرزند هفتمین امام است. خود او از دیدگان شما غایب می شود و بردن نام او بر شما روا نخواهد بود». [۲].

۱۱۲- «مهرم وارد خدمت امام صادق (علیه السلام) شده، سوال کرد: این امر که ما در انتظار آن به سر می بریم، چه وقتی واقع خواهد شد؟ فرمود:

-«کذب الوقاتون، و هلک المستعجلون، و نجی المسلمون».

-«آنانکه وقتی تعیین کردند، دروغ گفتند. آنانکه شتاب کردند، هلاک شدند. آنانکه تسلیم اراده ی خدا شدند، نجات یافتند». [۳].

امام صادق علیه السلام با جمله ی: «هلک المستعجلون» ما را از شتابزدگی نهی می کند تا از آثار سوء آن در صورت تأخیر این امر در امان باشیم، و گرنه در دهها حدیث

معتبر به ما امر شده که هر لحظه منتظر ظهور باشیم و هر لحظه ای که به یاد آن مهر تابان و قبله ی خوبان افتادیم، از خدای

[صفحه ۱۶۸]

مهربان تعجیل فرج آن بزرگوار را بخواهیم که تلاش برای ایجاد زمینه ی ظهور و نیایش برای تعجیل ظهور، شتابزدگی به شمار نمی آید.

۱۱۳- «ینادی باسم القائم (علیه السلام) فی لیله ثلاث و عشرین، و یقوم فی یوم عاشورا، و هو الیوم الذی قتل فیه الحسین بن علی (علیه السلام) لکأنی به فی یوم السبت العاشر من المحرم قائما بین الرکن و المقام، جبرئیل (علیه السلام) عن یمینه ینادی: «البیعه لله»، فتصیر الیه شیعته من اطراف الأرض تطوی لهم طیا حتی یبایعوه، فیملأ الله به الأرض عدلا کما ملئت جورا و ظلما».

-«در شب بیست و سوم (ماه رمضان) به نام قائم (علیه السلام) از آسمان ندا می شود و در روز عاشورا که روز شهادت امام حسین (علیه السلام) است، قیام می کند. گویی با چشم خود می بینم که آن بزرگوار در روز شنبه دهم محرم در میان رکن و مقام ایستاده، جبرئیل (علیه السلام) در طرف راست آن حضرت بانگ برمی آورد که:«البیعه لله»، پس شیعیان او از اطراف جهان به سوی او می شتابند، زمین در زیر پاهایشان طی می شود، تا به محضر او رسیده، بیعت می کنند. روی زمین را پر از عدل و داد کند، آن چنانکه پر از جور و ستم شده باشد». [۴].

چقدر به جاست که آن دست انتقام الهی در روز حرام و ماه حرام، در مسجد الحرام، ظاهر شود و خون به ناحق ریخته شده ی جد

بزرگوارش سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام و همه ی شهیدان و مظلومان در راستای تاریخ را از ستمگران و ستم پیشگان بگیرد. چه خونها که به ناحق ریخته نشده؟ چه حریمها که به ناحق تعدی نشده؟ چه حقوق توده ها که زیر پای ستمگران لگدمال نشده؟ ای عزیز فاطمه! بپاخیز و کاخ

[صفحه ۱۶۹]

ستمگران را بر سرشان فرو ریز. ای منتقم! بپاخیز و خون شهدای راه فضیلت را از جلادان و دژخیمان تاریخ بگیر. ای مهدی فاطمه! بپاخیز و حقوق غصب شده ی فاطمه سلام الله علیها را از غاصبان فدک در راستای تاریخ بگیر.

۱۴۴- «ان القائم منا غیبه یطول امدها».

- «برای قائم ما (علیه السلام) غیبتی است که مدتش بسیار طولانی خواهد بود».

راوی حدیث، سدیر می گوید: گفتم: ای فرزند فاطمه! چرا غیبت او این قدر طولانی می شود؟ فرمود:

-«ان الله عزوجل ابی الا ان یجری فیه سنن الأنبیاء (علیه السلام) فی غیباتهم، و انه لا بد له یا سدیر من استیفاء مدد غیباتهم».

-«خدای تبارک و تعالی هرگز اجازه نمی دهد جز اینکه سنتهای پیامبران (علیهم السلام) در رابطه با غیبت هایشان در مورد او نیز جاری گردد. ای سدیر! او به ناگزیر باید به مدت مجموع غیبت های پیامبران (علیهم السلام) در پشت پرده ی غیبت بماند». [۵].

۱۱۵- «ابو بصیر از پیشگاه امام صادق علیه السلام از ظهور قائم عجل الله فرجه پرسید، فرمود:

-«کذب الوقاتون، انا اهل بیت لا نوقت».

-«تعیین وقت کننده ها دروغ می گویند. ما اهل بیتی هستیم که هرگز وقت تعیین نمی کنیم». [۶].

۱۱۶- «اذا اجتمعت ثلاثه اسماء متوالیه: محمد و علی و الحسن فالرابع القائم (علیه السلام)».

[صفحه

-«هنگـامی که سه نـام: محمـد و علی و حسن (علیه السـلام)، پشت سـر هم قرار گرفت، چهـارمی آنهـا قائم (ارواحنا فـداه) می باشد». [۷].

پیشوایان معصوم علیهم السـلام با آوردن مشـخصات فراوانی هر گونه تردیـد را از آن مهر تابان برداشـته انـد، که یک نمونه ی آن، حدیث فوق است، که پیش از ولادت امام جواد علیه السلام از پشت سر قرار گرفتن سه نام مقدس: محمد (امام جواد علیه السـلام)، علی (امام هادی علیه السـلام) و حسن (امام حسن عسـکری علیه السـلام) خبر داده و چهارمی آنها را «قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سـلم» معرفی نموده است. به هنگـام صـدور این احادیث بیش از یک صـد سال به زمان ولادت حضـرت بقیه الله ارواحنا فداه باقی بود. و برخی از شاگردان امام صادق علیه السـلام در عصـر آن حضـرت، کتابهای مستقلی در پیرامون ولادت و غیبت حضرت ولی عصر علیه السلام نوشته بودند.

۱۱۷- «لیس بین قائم آل محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) و بین قتل النفس الزکیه الا خمس عشر لیله».

-«میان ظهور قائم آل محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) و بین قتل نفس زکیه بیش از ۱۵ روز فاصله نیست». [۸].

یکی از علایم حتمی ظهور حضـرت بقیه الله ارواحنا فداه کشـته شدن یکی از فرزندان حضـرت زهرا سـلام الله علیها در مسجد الحرام، در میان رکن و مقام است، که طبق برخی از احادیث نام او «محمـد بن الحسن» می باشـد. این نفس زکیه هیچ ارتباطی با نفس زکیه ای که از اولاد امام

[صفحه ۱۷۱]

حسن مجتبی علیه السلام و از امامان زیدی است، ندارد. طبق

روایت فوق میان کشته شدن او با ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا فداه بیش از دو هفته فاصله نخواهد بود.

۱۱۸- «اذا قام قائم آل محمد بنی فی ظهر الکوفه مسجدا له الف باب، و اتصلت بیوت اهل الکوفه بنهری کربلا».

-«هنگامی که قائم آل محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) قیام کند در پشت کوفه مسجدی می سازد که برای آن هزار درب خواهد بود و خانه های کوفه به دو رودخانه ی کربلا (فرات و دجله) متصل خواهد شد». [۹].

۱۱۹- «یفقد الناس امامهم، یشهد الموسم فیراهم و لا یرونه».

-«امام و پیشوای مردم غائب می شود، در موسم حج شرکت می کند و مردم را می بیند ولی مردم او را نمی بینند». [۱۰].

۱۲۰- «ویل لطغاه العرب من امر قد اقجترب».

-«وای بر طاغوتهای عرب از حادثه ای که نزدیک شده است».

ابن ابی یعفور پرسید: چه تعدادی از عرب در رکاب حضرت قائم (ارواحنا فداه) خواهند بود؟ امام صادق (علیه السلام) فرمود: نفر یسیر»: تعدادی بسیار اندک ابن ابی یعفور گفت: امروز تعداد افرادی که آن روز پر شکوه را بازگو می کنند، بسیار زیاد هستند!. فرمود:

-«لا بد للناس من ان یمحصوا و یمیزوا و یغربلوا، و یستخرج فی الغربال خلق کثیر».

-«به ناگزیر مردم باید امتحان شوند، جدا شوند، غربال شوند. به هنگام غربال شدن افراد بیشماری از غربال می افتند». [۱۱].

[صفحه ۱۷۲]

۱۲۱-«مفضل بن عمر می گوید: به خدمت امام صادق (علیه السلام) شرفیاب شدم و عرضه داشتم: ای سرور من! ای کاش در مورد جانشین بعد از خود برای ما پیمانی مقرر می کردید! فرمود:

- «الامام من بعدی ابنی موسی (علیه السلام) و الخلف

المأمول المنتظر «م، ح، م، د» ابن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی (علیه السلام)».

-«امام بعد از من پسرم موسی (موسی بن جعفر علیه السلام) است و اما خلف منتظر او «م، ح، م، د» پسر حسن (عسگری) پسر علی (هادی) پسر محمد (جواد) پسر علی (رضا) پسر موسی (کاظم) علیهم السلام می باشد». [۱۲].

۱۲۲-«ابراهیم کرخی می گوید: به خدمت امام صادق (علیه السلام) شرفیاب شدم، در خدمت آن حضرت نشسته بودم، فرزند بزرگوارش حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) که خردسال بود، وارد شد. به سویش دویدم و بر دیدگانش بوسه زدم. چون نشستم امام صادق (علیه السلام) فرمود:

-«ای ابراهیم! او بعد از من امام و صاحب توست. گروهی در حق او گمراه می شوند و به هلاکت می افتند. گروهی هدایت شده، سعادت می یابند. خداوند قاتل او را لعنت کند و عذابش را افزون کند. خداوند از صلب او بهترین اهل زمین در زمان خویش را ظاهر می سازد، که همنام جد بزرگوارش و وارث احکام و فضائل اوست. معدن امامت و سرآمد حکمتها است».

-«او را (حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را ستم پیشه ی بنی فلان (بنی عباس) پس از مکر و حیله ی فراوان از روی حسادت می کشد. و لکن خداوند اراده اش را اجراء می کند، اگرچه مشرکان نخواهند».

-«خداوند از نسل او تعداد دوازده هدایتگر را تکمیل می کند که

[صفحه ۱۷۳]

خداوند آنها را به کرامت خود اختصاص داده و آنها را به مکان اقدس خود راه داده است».

-«المقر بالثانی عشر منهم کالشاهر سیفه بین یدی رسول الله (صلی الله علیه و اله و سلم)

یذب عنه».

-«کسی که به دوازدهمین آنها ایمان بیاورد، همانند کسی است که شمشیر کشیده در پیشاپیش رسول اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) جهاد کند».

ابراهیم کرخی می گوید: در این موقع یکی از وابستگان رژیم بنی امیه وارد مجلس شد و امام صادق علیه السلام سخن خود را قطع کرد. من در آن سفر یازده بار به خدمت آقا شرفیاب شدم که دنباله ی آن مطلب را بشنوم موفق نشدم. سال بعد که به خدمت آن حضرت رسیدم، مطلب را از همان جا ادامه داد و فرمود:

- «یا ابراهیم! المفرج للکرب عن شیعته بعد ضنک شدید، و بلاء طویل، و جزع و خوف، فطوبی لمن ادرک ذلک الزمان. حسبک یا ابراهیم».

-«ای ابراهیم! او پس از یک تنگنای شدید و بلای طولانی و ترس و وحشت و اضطراب، غم و اندوه شیعیان را می زداید. خوشا به حال آنان که آن زمان را درک کنند. ترا بس است ای ابراهیم». [۱۳].

بسیار جالب است که امام علیه السلام علاقه ی زاید الوصف او را به شنیدن دنباله ی حدیث می داند و پیش از آنکه او سوال کند، دنباله ی حدیث یک سال قبل را بازگو می کند و در پایان اضافه می کند که همین مقدار توضیح او را کفایت می کند.

ابراهیم کرخی می گوید: هرگز از هیچ مسافرتی این چنین خوشحال و شاداب برنگشته بودم.

[صفحه ۱۷۴]

۱۲۳- «خروج الثلاثه: السفیانی و الخراسانی و الیمانی، فی سنه واحده، فی شهر واحد، فی یوم واحد، و لیس فیها رایه بأهدی من رایه الیمانی، لانه یدعو الی الحق».

-«خروج سفیانی، خراسانی و یمانی، هر سه در یک سال،

یک ماه و یک روز است. در آن میان هیچ پرچمی مستقیم تر از پرچم یمانی نیست، زیرا که او به حق فرا می خواند». [۱۴].

در مستقیم بودن پرچم سید خراسانی هیچ تردیدی نیست ولی از این حدیث استفاده می شود که پرچم یمانی از او نیز مستقیم تر است.

۱۲۴- «اذا قام القائم (علیه السلام) دعی الناس الی الاسلام جدیدا وهداهم الی امرقد دثر، فضل عنه الجمهور، و انما سمی لقائم مهدیا، لأنه یهدی الی أمر مضلول عنه، و سمی القائم، لقیامه بالحق».

-«چون قائم (علیه السلام) قیام کند مردم را از نوبه سوی اسلام دعوت می کند و آنها را به چیزی که در میان آنها کهنه شده و آثارش از بین رفته، فرا می خواند. از این رو جمهور امت از دعوت او سرپیچی می کنند و گمراه می شوند. به قائم ما «مهدی» گفته می شود، زیرا به چیزی که مردم از آن گم شده اند هدایت می کند. و به او «قائم» گفته می شود، زیرا قائم به حق می کند». [۱۵].

۱۲۵- «لابد لصاحب هذا الامر من غیبه، و لا بد فی غیبه من عزله، و نعم المنزل طیبه، و ما بثلاثین من وحشه».

-«برای صاحب این امر به ناگزیر غیبتی هست. و در دوران غیبت باید از مردم کناره گیری کند. مدینه چه جایگاه خوبی هست. و با

[صفحه ۱۷۵]

وجود سی تن وحشتی نیست». [۱۶].

از این حدیث نکات ارزنده ای استفاده می شود از آن جمله این که در دوران غیبت تعدادی از اوتاد که غالبا شمار آنها ۳۰ تن می باشد، در محضر آن قبله ی خوبان و خورشید تابان هستند، که

اوامر آن حضـرت را اجرا کنند، به فرمان آن حضرت به یاری گمشدگان و گرفتاران بشتابند و به وسیله ی آنها از وجود اقدس کعبه ی موعود و قبله ی مقصود رفع غربت بشود. اگر عمر یکی از آنهـا به سـر آیـد. یکی دیگر از اوتاد و صالحان جانشـین او می شود و تعـداد ۳۰ همواره محفوظ می مانـد. همچنین از این حـدیث برمی آیـد که توقف حضـرت بقیه الله ارواحنا فـداه در مـدینه بیش از دیگر امـاکن مقـدسه است، اگرچه بر اسـاس دلایل دیگر آن حضـرت را محل اقامتی در سـرزمینهای دور افتاده هست که «جزیره ی خضرا» نامیده می شود و مطابق برخی از تحقیقها بعید نیست که با «مثلث برمودا» منطبق باشد.

۱۲۶- «ان الله تبـارک و تعالی خلق اربعه عشـر نورا قبل خلق الخلق باربعه عشـر الف عام، فهی ارواحنا. فقیل: یا ابن رسـول الله و من الأربعه عشـر؟ فقال: محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسـین و الأئمه من ولد الحسـین (علیه السلام) آخرهـم القائم (عجل الله فرجه) الذی یقوم بعه غیبته، فیقتل الدجال و یطهر الأرض من کل جور و ظلم».

-«خدای تبارک و تعالی چهارده هزار سال پیش از آفرینش جهان خلقت، چهارده نور آفرید، که آنها ارواح ما می باشد. گفته شـد: ای فرزند پیامبر! آن چهارده تن کیانند؟ فرمود: محمد (صـلی الله علیه و اله و سـلم)، علی (علیه السـلام)، فاطمه (سـلام الله علیها)، حسن (علیه السلام)، حسین (علیه السلام) و امامان معصوم از اولاد حسین (علیه السلام) که آخر

[صفحه ۱۷۶]

آنها «قائم» (عجل الله فرجه) است که پس از دوران غیبت قیام می کند و دجال

را می کشد و زمین را از هرگونه جور و ستم پاک می سازد». [۱۷].

۱۲۷- «منا اثنا عشر مهدیا، مضی سته و بقی سته، یضع الله فی السادس ما احب».

۱۲ -۱۲۸ تن هدایتگر از ما هست که شش تن از آنها گذشته، و شش تن دیگر باقی است. خدای در ششمی آنها، آنچه می خواهد قرار می دهد». [۱۸].

-«سنه الفتح تنشق الفرات، حتی تدخل ازقه الکوفه»

-«در سال فتح، فرات طغیان می کند (و یا سد آن شکسته می شود) و آب فرات به کوچه های کوفه وارد می شود». [۱۹].

۱۲۹- «طوبی لمن تمسک بامرنا فی غیبه قائمنا فلم قلبه بعد الهدایه».

- «خوشا به حال آنکه در زمان غیبت قائم ما (ارواحنا فداه) به امر ما چنگ بزند و بعد از هدایت قلبش نلغزد». [۲۰].

۱۳۰- «اقرب ما یکون العباد من الله عزوجل و ارضی ما یکون عنهم، اذا افتقدوا حجه الله عزوجل، فلم یظهر لهم و لم یعلموا بمکانه، و هم فی ذلک یعلمون انه لم تبطل حجج الله عنهم و بیناته. فعندها فتوقعوا الفرج صباحا و مساءا، و ان اشد ما یکون غضب الله تعالی علی اعدائه اذا افتقدوا حجه الله فلم یظهر لهم، و قد علم ان اولیائه لا یرتابون. و لو علم انهم یرتابون لما غیب عنهم حجته طرفه عین، و لا یکون ذلک الا علی رأس شرار الناس».

- «نزدیکترین موقع مردم به خداوند، بیشترین موقع خشنودی خدا

[صفحه ۱۷۷]

از مردم، هنگامی است که حجت خدا در میان مردم نباشد و بر آنها آشکار نشود و جای حجت خدا را ندانند. ولی باور دارند که حجت خدا و نشانه های او باطل نشده است.

در چنین مقطعی هر صبح و شام منتظر فرج باشید. و شدیدترین موقع خشم خدا بر دشمنان خود هنگامی است که حجت خدا در میان آنها نباشد و بر آنها ظاهر نشود. خداوند می دانست که دوستان او در مورد حجت خدا دچار شک و تردید نمی شوند. و اگر می دانست که آنها دچار شک و تردید می شوند حتی به مقدار یک چشم به هم زدن حجت خود را پنهان نمی کرد. غیبت حجت خدا در زمانی خواهد بود که بدترین مردم بر آنها حکومت کند». [۲۱].

۱۳۱- «اما و الله لیغیبن عنکم مهدیکم، حتی یقول الجاهل منکم: ما لله فی آل محمد حاجه، ثم یقبل کالشهاب الثاقب، فیملأها عدلا و قسطا کما ملئت جورا و ظلما».

- «به خدا سوگند مهدی شما از دیدگان شما پنهان می شود، افراد خیره سر گویند: خداوند نیازی به آل محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) ندارد، آنگاه چون «شهاب ثاقب» (ستاره ی درخشان) ظاهر می شود و زمین را پر از عدل و داد کند، آنچنانکه پر از جور و ستم شده باشد». [۲۲].

۱۳۲- «عبدالله بن منصور بجلی می گوید: از محضر امام صادق (علیه السلام) پرسیدم: نام سفیانی چیست؟ فرمود:

- «و ما تصنع باسمه اذا ملک کور الشام الخمس: دمشق و حمص، و فلسطین، و الاردن، و قنسرین، فتوقعوا عند ذلک فرجا».

- «ترا با نام او چه کار؟ هنگامی که پنج ناحیه ی شام را بگیرد: دمشق، حمص، فلسطین، اردن و قنسرین را، پس منتظر فرج باشید».

عبدالله بن منصور پرسید: آیا نه ماه سلطنت می کند؟ فرمود:

[صفحه ۱۷۸]

- «نه، بلکه هشت ماه حتی یک

روز هم از هشت ماه تجاوز نمی کند». [۲۳].

۱۳۳- «یا ابا بصیر! طوبی لشیعه قائمنا المنتظرین لظهوره فی غیبته، و المطیعین له فی ظهوره، اولئک اولیائنا الله الذین لا خوف علیهم و لا هم یحزنون».

- «ای ابا بصیر! خوشا به حال شیعیان قائم که در زمان غیبت انتظار او را می کشند، و در زمان ظهور فرمان او را می برند. آنهایند اولیاء خدا که باکی بر آنها نیست و هرگز دچار اندوه نخواهند شد». [۲۴].

۱۳۴- «سدیر می گوید از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می فرماید:

-«ان فی القائم شبه من یوسف»

- «در قائم (علیه السلام) شباهتی به حضرت یوسف (علیه السلام) هست».

گفتم: در مورد داستان او می فرمائید، یا در مورد یادداشت او؟ فرمود:

-«این خوک سیرتان امت، کجای این مطلب را انکار می کنند؟! برادران حضرت یوسف (علیه السلام) در یک گروه بودند و همگی اولاد پیامبر بودند، یوسف را به دست خود فروخته بودند، خود برادران او بودند، او را نشناختند، تا او گفت: «من یوسف هستم». این امت چرا انکار می کنند که خداوند مدتی حجت خود را در میان آنها پوشیده نگهدارد»!...

-«چه اشکالی وجود دارد که خداوند با حجت خود همچون حضرت یوسف (علیه السلام) رفتار کند؟ حجت خدا در میان آنها باشد، از بازار آنها عبور کند، قدم روی قدمهای آنها بگذارد، ولی مردم او را نشناسند، تا

[صفحه ۱۷۹]

روزی که خداوند اجازه صادر کند که خود را معرفی نماید، چنانکه به حضرت یوسف (علیه السلام) اجازه فرمود. [۲۵].

۱۳۵- «یزجر الناس قبل قیام القائم عن معاصیهم بنار یظهر فی السماء و حمره تجلل السماء، و خسف ببغداد و خسف ببلد

البصره، و دماء تسفک بها، و خراب دورها، و فناء یقع فی اهلها، و شمول اهل العراق خوف لا یکون معه قرار».

- «پیش از قیام قائم (ارواحنا فداه) مردم به وسائلی از گناه ترسانیده می شوند:

۱- به وسیله ی آتشی که در آسمان ظاهر می شود.

۲- به وسیله ی سرخی فراگیری که آسمان را فرا می گیرد.

۳- به وسیله ی خسفی در بغداد.

۴- به وسیله ی خسفی در شهر بصره.

۵- به وسیله ی خونهایی که در بصره ریخته می شود.

۶ به وسیله ی ترس و اضطرابی که همه ی عراق را فرا می گیرد و آرامش را از همه ی آنها سلب می کند». [۲۶].

۱۳۶- «سید حمیری در یک حدیث طولانی می گوید: به خدمت امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: ای فرزند پیامبر! روایات فراوانی در مورد غیبت از پدران بزرگوار شما به ما رسیده است، به ما خبر دهید که این غیبت در مورد چه کسی واقع خواهد شد؟ فرمود:

- «ستقع بالسادس من ولدی، و الثانی عشر من الأئمه الهداه، بعد رسول الله اولهم امیر المومنین علی بن ابیطالب (علیه السلام) و آخرهم القائم بالحق، بقیه الله فی ارضه، صاحب الزمان و خلیفه الرحمان، و الله لو بقی فی غیبته ما

[صفحه ۱۸۰]

بقی نوح فی قومه، لم یخرج من الدنیا حتی یظهر فیملأ الأرض قسطا و عدلا، کما ملئت جورا و ظلما».

- «این غیبت در مورد ششمین فرزند من واقع می شود که دوازدهمین امام از امامهای هدایتگر بعد از رسول اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) می باشد، که اولین آنها امیر مومنان، علی بن ابی طالب (علیه السلام) است و

آخرین آنها: قائم به حق، یکتا بازمانده از حجتهای خدا در روی زمین، صاحب زمان و خلیفه ی یزدان ارواح العالمین له الفداء است. به خدا سوگند، اگر به مقدار عمر نوح (علیه السلام) در پشت پرده بماند، از دنیا بیرون نمی رود جز اینکه ظاهر شده، جهان را پر از عدل و داد کند، چنانکه پر از جور و ستم شده باشد». [۲۷].

۱۳۷- «سیأتی مسجد کم هذا- یعنی: مکه- ثلاثمائه و ثلاثه عشر رجلا... فتنادی بکل واد: هذا المهدی یقضی بقضاء آل داود، لا یسأل علیه بینه».

- «سیصد و سیزده مرد در این مسجد شما (مسجد الحرام) گرد می آید،... در تمام دشت و صحرا این نغمه طنین می اندازد که: «این مهدی است»، در میان شما با حکم داودی داوری می کند و نیاز به شاهد ندارد». [۲۸].

۱۳۸- «ان القائم غیبه قبل ان یقوم».

- «برای قائم (علیه السلام) پیش از آنکه قیام کند، غیبتی هست».

زراره پرسید: برای چه؟! فرمود: برای اینکه می ترسد. و با دست خود به شکم مبارکش اشاره کرد (یعنی: برای ترس از کشته شدن). سپس فرمود:

[صفحه ۱۸۱]

- «یا زراره! و هو المنتظر، و هو الذی یشک الناس فی ولادته، منهم من یقول: هو حمل، و منهم من یقول: هو غائب، و منهم من یقول: ما ولد، و منهم من یقول: ولد قبل وفاه ابیه بسنتین. غیر ان الله تبارک و تعالی یحب ان یمتحن الشیعه، فعند ذلک یرتاب المبطلون».

- «ای زراره او منتظر است، مردم درباره ی تولد او دچار شک و تردید می شوند، برخی گویند: هنوز در شکم مادر است، برخی گویند: از دیده ها پنهان است،

برخی گوینـد: هنوز به دنیا نیامـده است، برخی گوینـد: دو سال پیش از تولـد پدر بزرگوارش دیده به جهان گشوده است. جز اینکه خدا دوست می دارد که شیعیان را در بوته ی آزمایش قرار دهد تا اهل باطل دچار تردید شوند». [۲۹].

۱۳۹- «مفضل بن عمر می گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که فرمود:

- «هنگـامی که خداونـد به قـائم (عجـل الله فرجه الشـریف) اذن ظهـور دهـد، بر فراز منـبر قرار گرفته، مردم را به سـوی خـدای تبارک و تعالی فرا می خوانـد و آنها را از خـدا بیم می دهـد. و به سوی حق خود دعوت می کنـد که در میان آنها به سـیره ی رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) رفتار کند و همانند آن حضرت در میان آنها سلوک داشته باشد».

«آنگـاه خداونـد جبرئیـل امین را می فرسـتد تا به نزد او آمـده، از اصول دعوتش بپرسـد. چون رؤس دعوت خود را بیان کنـد، جبرئیل امین عرض می کند: من نخستین کسـی هستم که با تو بیعت می کنم. پس می گوید: دستت را بده تا بیعت کنم. آنگاه دست آن حضرت را به عنوان بیعت می فشارد. در آن هنگام ۳۱۳ نفری که در آنجا گرد آمده اند بیعت می کنند و

[صفحه ۱۸۲]

در مکه می مانند تا شمار یاران به ده هزار نفر برسد. آنگاه رهسپار می شوند». [۳۰].

۱۴۰- «اذا قام القائم، نزلت ملائکه بدر، ثلث علی خیول شهب، و ثلث علی خیول بلق، و ثلث علی خیول حو».

- «چون قائم (ارواحنا فداه) قیام کند، فرشتگان بدر برای یاری او فرود می آیند: یک سوم آنها سوار بر

اسبهای اشهب (سپید رنگی که با مشکی آمیخته باشد)، و یک سوم آنها سوار بر اسبهای ابلق (به رنگ مشکی آمیخته با سپیدی)، و یک سوم دیگر سوار بر اسبهای سرخ فام». [۳۱].

۱۴۱- «یا ابا بصیر! هو الخامس من ولد ابنی موسی (علیه السلام) ذلک، ابن سیده الاماء، یغیب غیبه یرتاب فیها المبطلون، ثم یظهره الله عزوجل، فیفتح علی یدیه مشارق الأرض و ماربها، و ینزل روح الله عیسی بن مریم (علیه السلام) فیصلی خلفه، و تشرق الأرض بنور ربها و لا تبقی فی الارض بقعه عبد فیها عبد فیها غیرالله عزوجل، الا عبدالله فیها، و یکون الدین کله لله و لو کره المشرکون».

- «ابا بصیر! او پنجمین فرزند این پسرم موسی (علیه السلام) است، او فرزند بهترین کنیزان است. آن چنان غیبتی دارد که همه ی باطل گران در آن غیبت دچار شک و تردید شوند. آنگاه خدای تبارک و تعالی او را ظاهر گرداند و شرق و غرب جهان را به دست او فتح نماید. روح الله عیسی بن مریم (علیه السلام) فرود آمده، در پشت سر او نماز گزارد. و زمین به نور پروردگارش نورانی گردد. در روزی زمین نقطه ای نمی ماند که در آن جز خدای پرستیده شده باشد، جز اینکه خدای تبارک و تعالی در آنجا پرستیده می شود. دین تماما از آن خدای گردد، اگر چه مشرکان نخواهند». [۳۲].

[صفحه ۱۸۳]

۱۴۲- «لا یقوم القائم الا فی وتر من السنین، تسع و ثلاث واحدی».

-«قائم (علیه السلام) جز در سالهای فرد قیام نکند، چون سالهای نه و سه و پنج و یک». [۳۳].

۱۴۳- «ان الصاحب هذا الامر غیبه فلیتق الله عبد و لیتمسک

بدینه».

- «برای صاحب این امر غیبتی هست، باید هر بنده ای از خدا تقوی پیشه کند و محکم به دین خود تمسک جوید». [۳۴].

۱۴۴- «الله فی هـذه الامه رجلا منی و انا منه، یسوق الله به برکات السـموات و الأرض قسـطا و عـدلا، کما ملئت ظلما و جورا، و یقتل حتی یقول الجاهل: لو کان هذا من ذریه محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) ترحم برمی آورد». [۳۵].

۱۴۵-«اذا قام القائم هـدم المسـجد الحرام حتی یرده الی اساسه، و حول المقام الی الـذی کان فیه و قطع ایدی بنی شـیبه و علقها بالکعبه و کتب علیها هولاء و الکعبته».

-«هنگامی که قائم (علیه السـلام) قیام کند، مسـجد الحرام را برمی دارد و به پایه های اصلی خود باز می گرداند و مقام ابراهیم را به محل اصلی

[صفحه ۱۸۴]

خود برمی گردانـد. دسـتهای بنی شـیبه را می برد و بر کعبه می آویزد و بر روی آنهـا می نگـارد که اینها دزدان کعبه هسـتند». [۳۶].

۱۴۶- «ان لصاحب هذا الامر غیبه، المتمسک فیها بدینه کالخارط لشوک القتاد».

- «برای صـاحب این امر غیبتی است که هر کس در زمـان غیبت او به دین خود چنـگ بزنـد، هماننـد کسـی است که خارهای درخت قتاد را با دست پاک کند». [۳۷].

امام صادق علیه السـلام در این حدیث، سختی و استواری در دین را در عصر غیبت به خوبی مجسم می کند. گویی امروزها را به چشم خود دیـده، نقش رسـانه های گروهی، تبلیغات مسـموم، نوشـته های گمراه کننـده و دیگر عوامل باز دارنـده را تجربه کرده، آنگاه لب به سخن گشوده است.

۱۴۷- «مفضل بن عمر می گوید: از امام صادق (علیه

السلام) شنیدم که می فرمود:

- «ایاکم و التنویه، اما والله لیغیبن امامکم سنینا من دهرکم و لتمحصن حتی یقال: مات او هلک، بای واد سلک. و لتدمعن علیه عیون المومنین و لتکفأن کما تکفأ السفن فی امواج البحر. و لا ینجو الا من اخذ الله میثاقه و کتب فی قلبه الایمان و ایده بروح منه، و لترفعن اثنا عشره رأیه مشتبهه لایدری من ای».

- «از مطرح شدن بپرهیزید (یعنی از اینکه شناخته شوید و اسم شما بر سر زبانها مطرح شود پرهیز کنید) که امام شما سالیان متمادی غائب خواهد شد و شما در بوته ی آزمایش قرار خواهید گرفت. خواهند گفت: مرده، از دنیا رفته، معلوم نیست در کدام وادی گام نهاده! از دیدگان مومنان سیل

[صفحه ۱۸۵]

اشک برای او (از درد هجران و شماتت دشمنان) سرازیر خواهد شد. شما نیز همانند کشتی که دستخوش امواج کوه پیکر دریا شود، دستخوش امواج حوادث خواهید شد. از این طوفانها و بحرانها جز کسانی که خداوند از آنها پیمان گرفته، بذر ایمان در دلشان کاشته، و با روحی از خود تأییدشان کرده، رهایی نمی یابند. آنگاه دوازده پرچم مشابه به اهتزاز درآید که معلوم نمی شود کدامیک از کجاست؟».

مفضل می گوید: من به شدت گریستم. امام صادق علیه السلام فرمود: چرا گریه سر دادی؟! گفتم چگونه گریه نکنم؟ در حالی که می فرمایید: دوازده پرچم مشابه خواهد بود که از یکدیگر شناخته نخواهد شد، پس ما چه خواهیم کرد؟ به کجا خواهیم رفت؟! امام علیه السلام به نور آفتابی که از روزنه وارد اطاق شده بود نگاه کرد و فرمود: «این نور خورشید را می بینی؟» گفتم:

آری، فرمود:

- «والله لامرنا ابین من هذه الشمس».

- «به خدا سوگند، امر ما از این خورشید روشن تر است». [۳۸].

۱۴۸- «خلاد بن قصار می گوید: از امام صادق (علیه السلام) پرسیدند: آیا قائم (ارواحنا فداه) متولد شده است؟ فرمود:

- «لا، و لو ادرکته لخدمته ایام حیاتی».

- «نه، متولد نشده، ولی اگر من زمان او را درک می کردم، همه ی عمرم را با خدمتگزاری او سپری می کردم». [۳۹].

چه تعبیر فوق العاده ایست که امام به حق ناطق، جعفر صادق علیه السلام که خود حجت خداست و در زمان خود، واسطه ی فیض، و رمز بقای جهان هستی، و عامل گردش زمین و زمان است، در حق ششمین

[صفحه ۱۸۶]

فرزندش می فرماید:«من اگر زمان او را درک می کردم همه ی عمر دامن خدمت به کمر می بستم».

با توجه به اینکه در کلام معصوم هرگز مبالغه و تعارف به کار نمی رود، شخصیت و عظمت حضرت بقیه الله ارواحنا فداه به خوبی روشن می شود. البته خرد نیز آن را می پذیرد، زیرا او آخرین حجت، و آخرین بازمانده از حجتهای حضرت پروردگار است و اراده ی خدا بر آن تعلق یافته که زحمات طاقت فرسای همه ی پیامبران را به دست با کفایت حجت خود به ثمر برساند، و اگر نهضت جهانی حضرت بقیه الله ارواحنا فداه از برنامه ی جهان خلقت حذف شود، برنامه ی همه ی پیامبران عقیم می شود و هدف نهایی ارسال رسل و تشریع ادیان ضایع و تباه می شود.

۱۴۹- «لا بد لنار من آذربیجان لا یقیم لها شی ء، فاذا کان ذلک فکونوا احلاس بیوبکم و البدوا ما لبدنا،

فاذا تحرک متحرکنا فاسعوا الیه و لو حبوا، و الله لکأنی انظر الیه بین الرکن و المقام، یبایع الناس علی کتاب جدید، علی العرب شدید. و قال: ویل لطغاه العرب من امر قد اقترب».

- «به ناگزیر آتشی از آذربایجان شعله ور خواهد شد که هیچ قدرتی در برابر آن یارای مقاومت نخواهد داشت. چون این آتش زبانه کشید، گلیم خانه ی خود شوید و تا ما نجنبیده ایم شما نیز از جای خود حرکت نکنید، هنگامی که نهضت کننده ی ما حرکت کند به سوی او بشتابید و لو با سینه خیز رفتن. به خدا سوگند، گویی او را با چشم خود می بینم که در میان رکن و مقام ایستاده، از مردم برای کتابی تازه بیعت می گیرد. - آنگاه فرمود-: وای بر طاغوت های عرب از حادثه ای که نزدیک شده است». [۴۰].

[صفحه ۱۸۷]

در این حدیث همچون دهها حدیث دیگر به شیعیان دستور داده اند که دست از پا خطا نکنند و منتظر ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا فداه شوند و از دستخوش حوادث شدن و تابع جو شدن و در فتنه ها فرو رفتن به شدت پرهیز کنند. مرحوم شیخ حر عاملی قسمتی از این روایات را در جلد یازدهم کتاب پرارج «وسائل الشیعه» گرد آورده است.

۱۵۰- «سدیر صیرفی، مفضل بن عمر، ابو بصیر، و ابان بن تغلب، چهار تن از اصحاب امام صادق (علیه السلام) به طور دسته جمعی به خدمت امام صادق علیه السلام رسیده اند و او را بسیار مضطرب و دگرگون یافته اند.

و اینک شرح ماجرا را از زبان سدیر بشنوید:

- «به همراهی مفضل، ابوبصیر و ابان به

خدمت امام صادق (علیه السلام) شرفیاب شدیم، او را مشاهده کردیم که بر روی خاکها نشسته است، یک جامه ی خیبری، بی یقه و آستین کوتاه بر تن دارد، همچون مادری فرزند مرده گریه می کند، سراسر وجود مقدس آقا را حزن و اندوه فرا گرفته و آثار آن در وجنات صورت آشکار گشته، رنگ مبارکش دگرگون شده، سیل اشک که از دلی پر خون و قلبی پر سوز بر خاسته، بر گونه های مبارکش فرو می ریزد و چنین زمزمه می کند:

- «سیدی غیبتک نفت رقادی، و ضیقت علی مهادی، و ابتزت منی راحه فودی، سیدی غیبتک اوصلت مصابی بفجایع الأبد، و فقد الواحد بعد الواحد یفنی الجمع و العدد، فما احس بدمعه ترقی من عینی وانین یفتر من صدری عن دوارج الرزایا، و سوالف البلایا الا ـ مثل بعینی عن غوابر اعظمها و افظعها، و بواقی اشدها و انکرها، و نوائب مخلوطه بغضبک، و نوازل معجونه بسخطک».

- «ای سید و سرور من! غیبت تو خواب از دیدگانم ربوده، عرصه را بر من تنگ نموده، آرامش دلم را از من سلب کرده است. سرور من!

[صفحه ۱۸۸]

غیبت تو مصیبتی جانکاه بر سراسر وجودم فرو ریخته، و از دست دادن یکی پس از دیگری، اجتماعات را پراکنده ساخته، هستی ها را بر باد می دهد. اشکهایی که در اثر بلاها و گرفتاریها از دیدگانم فرو می ریزد و ناله هایی که از اعماق دلم برمی آید، هر گاه مختصر تسکینی می یابد و به سردی می گراید، احساس می کنم که مصیبتی جانکاه تر و فاجعه ای اسفبارتر و حادثه ای دلخراش تر، در برابر دیدگانم مجسم

می شـود که رویـدادهای تـأثر انگیزی است که بـا خشم تو آمیخته، و حوادث فـاجعه آمیزی است که بـا غضب تو عجین شـده است».

سدیر می گوید: هنگامی که آقا امام صادق (علیه السلام) را این چنین پریشان دیدیم، دلهایمان آتش گرفت و هوش از سرمان پریـد، که چه مصـیبت جانکاهی بر حجت خدا روی داده؟! چه حادثه ی اسـفبار و فاجعه ی تأثر انگیزی بر او وارد شده است؟! عرض کردیم:

- «ای فرزند بهترین خلایق، چه حادثه ای بر تو روی داده که این چنین سـیل اشک از دیدگانت فرو می ریزد؟! چه مصـیبتی بر تو وارد شـده که اشک دیدگانت چون ابر بهاری بر چهره ات سـرازیر شده است؟! چه فاجعه ای این چنین ترا بر سوک نشانده است؟!

- «وجود اقـدس آقا امام صادق (علیه السـلام) چون بید لرزید و نفسـهای مبارکش به شـماره افتاد و آنگاه آهی عمیق به پهنای قفسه ی سینه از اعماق دل بر کشید و به ما رو کرد و فرمود:

- «صـبح امروز کتـاب «جفر» را نگـاه کردم، و آن کتـابی است که همه ی علـوم مربـوط به مرگ و میرهـا، بلایـا و حـوادث، و رویـدادهای توده هـا را تـا پایـان جهـان دربردارد. این کتـاب را خداونـد به پیامبر خودش و پیشوایان معصوم بعـد از او (علیهم السـلام) اختصـاص داده است. در این کتـاب: تولـد، غیبت، درنگ، و طول عمر او، گرفتاری باور داران در آن زمان، راه یافتن شک و تردید بر دل مردم در اثر طول غیبت، مرتد شدن مردم

[صفحه ۱۸۹]

از آئین مقدس اسلام و بیرون رفتن آنها را از تعهد به اسلام خواندم و دیدم که

رشته ی ولایت، که خداوند بر گردن هر انسانی افکنده، چگونه می گسلد و پیوندشان قطع می شود، دلم سوخت و امواج غم و اندوه بر پیکرم فرو ریخت». [۴۱].

مطالعه ی احوال شیعیان این زمان، این چنین امام صادق علیه السلام را دگرگون کرده و سیل اشک بر صورت مبارکش روان ساخته است، اما ما که آن صلابت و مقاومت امام علیه السلام را نداریم و سنگینی این رویدادهای تلخ و ناگوار را بر شانه های خود لمس می کنیم، چه حالی خواهیم داشت؟! اگر سراسیمه سر به بیابان نمی گذاریم و آتش دلمان جهان هستی را طعمه ی حریق نمی سازد، به این دلیل است که عظمت فاجعه و عمق مصیبت را در سطح امام معصوم علیه السلام درک نمی کنیم. و گرنه می بایست عقل از مغزمان بیرون رفته، آرامش از دلمان رخت بر بندد و سراسیمه سر به بیابان نهاده، در دشت و صحرا غصه مرگ شویم. زیرا درک عمق فاجعه امام معصوم علیه السلام را با آن قدرت معنوی فوق العاده و بی حد، به آن حال اضطراب و تشویش انداخته است.

بارالها! ترا به ناله های امام صادق علیه السلام سوگند می دهیم که بیش از این خورشید تابان امامت را در پشت پرده های غیبت پنهان مساز، و دلهای بی تاب ما را به آتش هجران مسوزان، و دیدگان نگران ما را از دیدار آن کعبه ی مقصود و قبله ی موعود محروم مفرما.

بار پروردگارا، ترا به جان آن «مضطر» سوگند که هر وقت ترا بخواند، دعوتش را اجابت می فرمایی و ناملایمات را از او برطرف می سازی، به

«مضطر آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم» رخصت فرما، که ترا بخواند و آنگاه دعوتش را مستجاب فرما، و از او رفع گرفتاری بفرما.

[صفحه ۱۹۰]

خداوندا، همچنین امشب که این سطور را می نگارم [۴۲] و به احتمال قوی شب قدر است، تعجیل فرج مولا و پیشوای ما را مقدر بفرما.

همه شب در دعای وارده از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ترا می خوانیم و می گوییم:

- «وفک کل اسیر»: «بار الها! هر اسیری را آزاد کن». ای خدای فاطمه سلام الله علیها اسیر فاطمه را از زندان غیبت آزاد کن و دل فاطمه سلام الله علیها را شاد کن. تا پس از درگذشت چهارده قرن، انتقام فاطمه را از غاصبان فدک در راستای تاریخ بگیرد و اندوه از دل فاطمه سلام الله علیها برگیرد.

ای عزیز فاطمه! برخیز! برخیز و کاخ ستمگران را بر سرشان فرو ریز!.

ای عزیز! دردی جانکاه بر سراسر وجود ما فرو ریخته، جز با ظهور تو، آتش دلمان خاموش نمی شود، آتش هجران، هستی این یک مشت شیعه ی منتظر را بر خاکستر نشانده، و ضربات شماتت بر پیکرشان پیاپی فرود آمده، برخیز و شیعیانت را از زیر شماتت بیرون آور و با دست یداللهی ات نوازش فرما!.

[صفحه ۱۹۳]

پاورقی

[۱] بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۱۴۳.

[۲] کمال الدین صدوق، ص ۳۳۳ و اثباه الهداه، ج ۳ ص ۴۷۰.

[۳] اصول کافی، ج ۱ ص ۳۰۰.

[۴] ارشاد مفید، ص ۳۶۱.

[۵] بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۱۴۲.

[۶] اصول کافی، ج ۱ ص ۳۰۰.

[۷] کمال الدین، ص ۳۳۳.

[۸] اعلام الوری، ص ۴۲۷.

[۹] ارشاد مفید ص ۳۶۲. در اعلام الوری ص ۴۳۰

لفظ «نهر» مفرد آمده که آن بهتر است.

[۱۰] اثباه الهداه، ج ۳ ص ۴۴۳.

[۱۱] اصول کافی، ج ۱ ص ۳۰۲.

[۱۲] کمال الدین، ص ۳۳۴.

[۱۳] بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۱۴۴.

[۱۴] اعلام الوری، ص ۱۴۴.

[۱۵] ارشاد مفید، ص ۳۶۴.

[۱۶] اثباه الهداه، ج ۳ ص ۴۴۵.

[۱۷] کمال الدین، ص ۳۳۶.

[۱۸] بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۵.

[۱۹] اعلام الوری، ص ۴۲۹.

[۲۰] اثباه الهداه، ج ۳ ص ۴۵۷.

[۲۱] کمال الدین، ص ۳۳۷.

[۲۲] بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۱۴۵.

[۲۳] اعلام الوری، ص ۴۲۸.

[۲۴] اثباه الهداه، ج ۳، ص ۴۷۶.

[۲۵] کمال الدین، ص ۳۴۰.

[۲۶] اعلام الوری، ص ۴۲۹.

[۲۷] بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۱۴۵.

[۲۸] اثباه الهداه، ج ۳ ص ۴۹۶.

[۲۹] کمال الدین، ص ۳۴۲.

[۳۰] اعلام الوری، ص ۴۳۱.

[۳۱] همان مدرک.

[۳۲] بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۱۴۶.

[۳۳] اثباه الهداه، ج ص ۵۱۴.

[۳۴] کمال الدین، ص ۳۴۳.

[۳۵] بحار الانوار، ج ۵۱ ص ۱۴۶.

[۳۶] اعلام الوری، ص ۴۳۱.

[۳۷] اثباه الهداه، ج ۳ ص ۵۳۴.

[۳۸] کمال الدین، ص ۳۴۷.

[۳۹] بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۱۴۸.

[۴۰] اثباه الهداه، ج ۳ ص ۵۳۶.

[۴۱] کمال الدین صدوق، ص ۳۵۳.

[۴۲] شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان ۱۴۰۴ ه.

مهدی از دیدگاه امام کاظم علیهما السلام

«یا بنی انما هی محنه من الله، امتحن بها خلقه».

«پسر جان! غیبت قائم یک آزمون الهی است که به وسیله ی آن بندگانش را می آزماید».

(موسی بن جعفر علیه السلام) [۱].

پس از استقرار رژیم جنایت پیشه ی بنی عباس، آنان نیز از شیوه ی نکوهیده ی بنی امیه پیروی کرده، خفقان و اختناق را به حد اعلی رسانیدند و صدای حق طلبی را در گلوها خاموش کردند و با تمام قدرت تلاش نمودند که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را از دست شیعیان بگیرند تا

دانشگاه امام جعفر صادق علیه السلام ادامه پیدا نکند. از این رهگذر روایات واصله از امام موسی بن جعفر علیه السلام به وسعت و گستردگی پدر بزرگوارش نمی باشد، طبعا در مورد حضرت بقیه الله ارواحنا فداه نیز روایات محدودی از آن حضرت رسیده است که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

[صفحه ۱۹۴]

۱۵۱- «اذا قام قائمنا قال: یا معشر الفرسان! سیروا فی وسط الطریق یا معشر الرجاله سیروا علی جنبی الطریق».

- «هنگامی که قائم ما (علیه السلام) قیام کند به سواران دستور می دهد که از وسط راه حرکت کنند و به پیادگان دستور می دهد که از دو طرف خیابانها بروند». [۲].

در این حدیث که بیش از دوازده قرن پیش، از امام معصوم علیه السلام صادر شده وضع امروز دقیقا مورد توجه قرار گرفته، و به عنوان یکی از دستوراتی که آن مصلح کل در آخر الزمان در ضمن برنامه های وسیع خود در رابطه با آئین شهرداری صادر خواهد کرد، بیان شده است. اگر کوچه ی بنی هاشم در مدینه و دیگر کوچه های باریک و پر پیچ و خم مکه و مدینه ی امروزی را مورد توجه قرار دهیم که امام کاظم علیه السلام در آنها رفت و آمد داشت، ولی خیابانهای وسیع امروز را در چشم انداز وسیع خود مورد توجه قرار داده، از جدا شدن مسیر سواران از دو مسیر دست راست و دست چپ ویژه ی پیاده روها سخن گفته است، دچار شگفت می شویم ولی جای شگفت نیست که علم آنها از علوم بی کران الهی سرچشمه می گیرد. حتی در ادامه ی این حدیث از جریمه

ی مخالفت با این قانون ترافیک سخن رفته است!.

۱۵۲- «جناب علی بن جعفر علیه السلام از برادرش حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت می کند که فرمود:

- «اذا فقد الخامس من ولد السابع، فالله الله فی ادیانکم لا یزیلنکم احد عنها، یا بنی! انه لا بد لصاحب هذا الأمر من غیبه حتی یرجع عن هذا الأمر من کان یقول به، انما هی محنه من الله عزوجل امتحن بها خلقه، ولو علم

[صفحه ۱۹۵]

اباوکم و اجدادکم دینا اصح من هذا لا تبعوه.

فقلت: یا سیدی! و ما الخامس من ولد السابع؟ فقال:

یا بنی عقولکم تضعف عن هذا و احلامکم تضیق عن حمله، و لکن ان تعیشوا فسوف تدرکونه».

- «هنگامی که پنجمین فرزند وصی هفتم از دیدگان ناپدید شود، از خدا بترسید در مورد دین خود، به خدا پناه ببرید درباره ی دینتان، که هرگز کسی نتواند شما را در مورد دینتان بلغزاند. پسر جان! بی تردید برای صاحب این امر غیبتی خواهد بود تا بیشتر معتقدین به آن، از اعتقاد خود برگردند. این یک آزمون الهی است که شما را با آن آزمایش خواهد کرد. اگر نیاکان شما دینی بهتر از این می یافتند آنرا می پذیرفتند».

علی بن جعفر علیه السلام می فرماید: عرض کردم: سرور من مقصود از پنجمین فرزند وصی هفتم چیست؟ فرمود:

- «پسر جان! عقلهای شما از درک آن ناتوان است و استعدادهای شما از حمل آن ناتوان است. اگر خداوند عمری دهد آن روز را درک خواهید نمود». [۳].

اگرچه مقام دانش و فضیلت جناب علی بن جعفر علیه السلام بر همگان روشن است ولی امام علیه السلام می فرماید: عقلهای شما از درک

آن قبله ی مقصود و کعبه ی موعود ناتوان است، که بی تردید چنان است، رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به امیر مومنان علی علیه السلام می فرمود: «یا علی ترا نشناخت، جز خدا و من»! و ممکن است معنای حدیث این باشد که شما قدرت بر کتمان آن ندارید و افشای آن خطراتی دربردارد.

در این حدیث امام کاظم علیه السلام به برادرش: «پسر جان»!

[صفحه ۱۹۶]

خطاب می کند، که ممکن است برای محبت و شفقت و اظهار علاقه ی بیش از وصف باشد. و در همه ی منابعی که حدیث نقل شده، به تعبیر: «پسر جان» می باشد. [۴].

۱۵۳- «یغیب عن ابصار الناس شخصه و لا یغیب عن قلوب المومنین ذکره، و هو الثانی عشر منا، یسهل الله له کل عسیر و یذلل له کل صعب و یظهر له کنوز الأرض و یقرب له کل بعید، و یبیر به کل جبار عنید، و یهلک علی یده کل شیطان مرید. ذاک ابن سیده الاماء الذی یخفی علی الناس ولادته، و لا یحل لهم تسمیته، حتی یظهره الله عزوجل، فیملأ به الأرض قسطا و عدلا، کما ملئت جورا و ظلما».

- «شخص او از دیدگان ناپدید می شود ولی یاد او هرگز از خاطره ی مومنان فراموش نمی شود. او دوازدهمین ماست که خداوند هر مشکلی را برای او آسان سازد، و هر سختی را برای او هموار نماید، گنجهای زمین را برای او ظاهر کند، و راههای دور را برای او نزدیک نماید، گنجهای زمین را برای او ظاهر کند، و راههای دور را برای او نزدیک نماید، ستمگران را به

دست او نـابود سـازد، و اغـواگران را به وسـيله ی او از هسـتی برانـدازد. او پسـر بهـترين كنيزان است، كه ولادتش بر مردمـان پوشيده باشد، و بردن نام او روا نباشد، تا خداوند تبارک و تعالی اذن ظهور دهد و به دست او زمين را پر از عدل و داد نمايد، چنانكه پر از ظلم و بی داد شده باشد». [۵].

در اين حديث مانند دهها حديث ديگر تصـريح شده كه پيش از ظهور حضـرت بقيه الله عليه السـلام بردن نام اصـلی ايشان روا نيست. آنانكه به مضمون اين احاديث معتقد هستند، می گويند: منظور از اين نام، نام

[صفحه ۱۹۷]

شريف اصـلی آن حضـرت است. از اين رهگذر هر كجا ناگزير باشـند، آنرا تقطيع می كنند و اين چنين می نويسـند: «م. ح. م. د». ولی در مقابـل داريم كه در آنهـا اسم مقـدس آقا به صورت صـريح از زبان معصوم عليه السـلام نقل شـده است، از اين رو بيشتر اساتيـد ما معتقـد هسـتند كه در زمان ما بردن نام مقـدس حضـرت بقيه الله ارواحنا فداه هيچ مانعی ندارد، و نهی از آن به زمانهايی چون غيبت صغری اختصاص داشت كه امكان داشت خطراتی متوجه شيعيان بشود. در اين زمينه كتابهايی نوشته شده كه در آنها به استناد به احاديثی چون حديث فوق از بردن نام آن حضرت نهی شده است، كه از آن جمله است:

۱- شرعه التسميه، فی النهی عن تسميه صاحب الزمان عليه السلام، از مرحوم ميرداماد.

۲- رساله فی حرمه تسميه الحجه عليه السلام، از مرحوم سيد محمد تقی قزوينی.

۳- رساله فی تحريم تسميه صاحب الزمان عليه السلام، از مرحوم شيخ سليمان ماحوزی.

۴- رساله ای

به همین نام، از مرحوم سید رفیع الدین طباطبایی، استاد علامه ی مجلسی، قدس الله اسرارهم.

و در مقابل اینها کتابی از مرحوم شیخ حر عاملی، صاحب وسائل الشیعه به نام: «کشف التعمیته فی حکم التسمیه» در دست هست که در آن به جواز بردن نام آن حضرت در هر شرایط، فتوی داده است. و در «اثباه الهداه» می فرماید: جواز تسمیه قولا، فعلاـ و تقریرا روایت شده و در احادیث متواتری به طور خصوص و عموم به آن امر شده است، که ما آنها را در رساله ی مستقلی گرد آورده ایم. پس ناگزیر باید روایات نهی کننده را به حال خوف و تقیه حمل کنیم. [۶].

[صفحه ۱۹۸]

۱۵۴- «هو الطرید الوحید الغریب الغائب عن اهله، الموتور بابیه».

- «او امام غریب، تنها، دور از وطن، و غائب از دیدگان کسان خویش است که خون پدرش را می گیرد». [۷].

موتور به کسی گفته می شود که خونی از او ریخته شده ولی هنوز انتقام آنرا نگرفته است. از این رهگذر در زیارتنامه ها خطاب به امام حسین علیه السلام: «الوتر الموتور» تعبیر می کنیم، که هنوز آن خونهای به ناحق ریخته شده، انتقامش گرفته نشده است. به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه نیز در این حدیث «موتور» گفته شده، زیرا هنوز خون پدر بزرگوارش: امیر مومنان، امام حسن، امام حسین و امامان بعدی تا امام حسن عسکری علیهم السلام را نگرفته است، او هنوز انتقام مادر بزرگوارش حضرت فاطمه ی زهرا سلام الله علیها را نگرفته است، که طبق روایات در نخستین روزهای ظهور در مدینه ی منوره قاتلان مادرش فاطمه سلام الله علیها و غاصبان حقوق

زهرای مرضیه علیها السلام را زنده می کند و انتقام خون مادرش را از آنها می گیرد، آنگاه جسد نحس آنها را از درختی آویزان می کند، و فرمان می دهد آتشی از زمین بیرون می زند و جسدشان در شعله های خود می سوزاند، سپس به باد دستور می دهد که خاکستر آنها را به دریا بریزد، تا زمین از لوث وجودشان پاک شود. [۸].

۱۵۵- «از خدمت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در مورد فرج سوال شد، کوتاه بگویم، یا به تفصیل؟ سائل گفت: کوتاه بفرمائید. فرمود:

- «اذا رکزت رایات قیس بمصر و رایات کنده بخراسان».

[صفحه ۱۹۹]

- «فرج هنگامی است که پرچمهای قیس در مصر متمرکز شود و پرچمهای کنده در خراسان». [۹].

۱۵۶- «یونس بن عبدالرحمان می گوید: به خدمت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام وارد شدم و عرض نمودم: آیا شما قائم به حق هستید؟ فرمود:

- «انا القائم بالحق، و لکن القائم الذی یطهر الأرض من اعداء الله عزوجل، و یملأها عدلا کما ملئت جورا و ظلما، هو الخامس من ولدی، له غیبه یطول امدها خوفا علی نفسه یرتد فیها اقوام و یثبت فیها آخرون».

- «من قائم به حق هستم، ولی آن قائم که زمین را از لوث دشمنان خدا پاک می گرداند و روی زمین را پر از عدالت می کند، آن چنان که پر از بی عدالتی شده است، او پنجمین فرزند من می باشد. برای او غیبتی هست که مدتش طولانی خواهد شد، زیرا بر خودش بیمناک است. در دوران غیبت گروههایی از دین بیرون می روند به ارتداد می گرایند و گروههایی دیگر بر اعتقاد خود استوار

می مانند». [۱۰].

۱۵۷- «طوبی لشیعتنا المتمسکین بحبلنا فی غیبته قائمنا الثابین علی موالاتنا و البرائه من اعدائنا، اولئک منا و نحن منهم. قد رضوا بنا ائمه و رضینابهم شیعه، فطوبی لهم، هم و الله معنا فی درجتنا یوم لقیامه».

- «خوشا به حال شیعیان ما، که در زمان غیبت قائم ما (سلام الله علیه) به رشته ی ولایت ما چنگ می زنند و بر موالات ما ثابت و استوار می مانند و در برائت و بیزاری از دشمنان ما پا بر جا و محکم می مانند. آنها از مایند و ما از آنهاییم. آنها ما را به امامت برگزیده اند و به پیشوایی ما راضی هستند و ما آنها را به عنوان شیعه ی خود برگزیده ایم و به

[صفحه ۲۰۰]

عنوان شیعه ی خویش پسندیده ایم. خوشا به حال آنها. به خدا سوگند آنها در روز قیامت با ما و در کنار ما هستند». [۱۱].

۱۵۸- «کأنی برایات من مضر مقبلات خضر مصبغات، حتی تأتی الشامات، فتهدی الی ابن صاحب الوصیات».

- «گوئی پرچمهای مضر را با چشم خود می بینم که به رنگ سبز سیر به حرکت در آمده، تا وارد شامات می شود و در آنجا به فرزند صاحب وصیتها تسلیم می شود». [۱۲].

منظور از صاحب وصیها، حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است که همه ی اوصیاء با وصیت او وصی شده اند. و در نتیجه معنی حدیث چنین خواهد بود: در دمشق به فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تسلیم می شود.

۱۵۹- «صاحب هذا الأمر یقول الناس: لم یولد بعد».

- «صاحب این امر کسی است که مردم می

گویند هنوز متولد نشده است». [۱۳].

در این زمینه معمولاـ کلمه ی «نـاس» به کسانی گفته می شود که پیونـدشان از اهل بیت عصـمت و طهارت علیهم السـلام قطع شده، از سرچشمه ی زلال ولایت دور افتاده اند، و بر اساس سخنان پوچ پیشوایان باطل خود به عقاید واهی گرائیده اند.

۱۶۰- «یقم القائم بلاسفیانی؟ ان امر القائم حتم من الله، و امر السفیانی

[صفحه ۲۰۱]

حتم من الله، و لا یکون قائم الا بسـفیانی قلت: جعلت فـداک فیکون فی هـذه السـنه؟ قال: ما شاء الله. قلت: یکون فی السـنه التی یلیها؟ قال: یفعل الله ما یشاء».

-«مگر ممکن است که بدون خروج سـفیانی، قائم (عجل الله فرجه) قیام کند؟! نه هرگز. ظهور قائم (ارواحنا فداه) از طرف خدا حتمی است و خروج سفیانی نیز از طرف خدا قطعی است، هرگز قائم (علیه السلام) بدون سفیانی نخواهد بود».

ابن اسـباط می گویـد: عرض کردم: آیـا قائم (عجل الله فرجه الشـریف) در همان سال ظهور می کنـد؟ فرمود: آنچه خـدا اراده کند. گفتم: آیا در سال بعدی ظهور می کند؟ فرمود: خدای تبارک و تعالی هر چه اراده کند، همان را انجام می دهد. [۱۴].

آنچه مسـلم است این است که نابودی سـپاه سـفیانی به دست حضـرت بقیه الله ارواحنا فـداه خواهـد بود و شـخص سـفیانی نیز توسط آن حضرت در کنار دریاچه ی طبریه (در فلسطین) سر بریده می شود [۱۵] و مطابق برخی روایات میان قیام قائم ارواحنا فداه و خروج سفیانی هشت ماه تمام فاصله است.

[صفحه ۲۰۵]

پاورقی

[۱] غیبت شیخ طوسی، ص ۱۰۴.

[۲] اثباه الهداه، ج ۳ ص ۴۵۵.

[۳] کمال الدین، ص ۳۶۰.

[۴] چنانکه در علل الشرایع، غیبت طوسی، غیبت نعمانی

و کفایه الاثر نیز به تعبیر: یا بنی، می باشد.

[۵] بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۱۵۰.

[۶] اثباه الهداه، ج ۳، ص ۴۷۰.

[۷] کمال الدین، ص ۳۶۱.

[۸] بحارالانوار، ج ۵۳ ص ۱۴.

[۹] بشاره الاسلام، ص ۱۵۲.

[۱۰] کمال الدین، ص ۳۶۱.

[۱۱] اثباه الهداه، ج ۳ ص ۴۷۷.

[۱۲] بشاره الاسلام، ص ۱۵۲.

[۱۳] بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۱۵۱.

[۱۴] بشاره الاسلام، ص ۱۵۳.

[۱۵] یوم الخلاص، ص ۲۹۵.

مهدی از دیدگاه امام رضا علیهما السلام

«ان اکرمکم عندالله اعملکم بالتقیه».

«گرامی ترین شما پیش خداوند، کسی است که بیش از دیگران تقیه را رعایت کند».

(امام رضا علیه السلام) [۱].

هارون الرشید از رودررویی با امام کاظم علیه السلام نتیجه ی خوبی نگرفت و کشته شدن حضرت موسی بن جعفر علیه السلام بیش از پیش جنایات هارون را آشکار ساخت و پرده از مکر و حیله ی آن روباه مکار برداشت. از این رو پسرش مأمون با تجربه هایی که از اشتباهات پدر اندوخته بود، با امام رضا علیه السلام رفتار دیگری پیش گرفت، و آن حضرت را به پذیرش ولایت عهدی ناگزیر ساخت. اگرچه این کار برخلاف میل امام رضا علیه السلام بود و مأمون از آن بهره برداری های سیاسی برای پائین آوردن مقام امام رضا علیه السلام می نمود، ولی در عین حال همین امر موجب شد که علوم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم یک بار دیگر در اقطار و اکناف

جهان منتشر گردد. و به همین دلیل نام مقدس امام رضا علیه السلام در جهان اسلام به عنوان محبوب ترین نامها بر سر زبانها افتاد و برای همین بود که امامهای بعدی به لقب: «ابن الرضا» ملقب شدند. از این رهگذر روایات وارده از

امام رضا علیه السلام در مورد ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا فداه و برنامه ی جهانی آن مصلح غیبی، به مراتب بیش از روایات واصله از پدر بزرگوارشان می باشد، که به قسمتی از آنها در این بخش اشاره می کنیم:

۱۶۱- «ایوب بن نوح می گوید: به خدمت امام رضا علیه السلام عرض کردم: اکنون که همه ی امت اسلامی با شما بیعت کرده اند و سکه ها به نام مقدس شما زده است، امیدوارم که آن صاحب امر شما باشید و بدون اینکه نیازی به شمشیر باشد، قدرت به شما منتقل شود. امام رضا علیه السلام فرمود:

- «مامنا احد اختلفت الیه الکتب، و سئل عن المسائل، و اشارت الیه الأصابع، و حملت الیه الأموال، الا اغتیل، او مات علی فراشه، حتی یبعث الله لهذا الامر رجلا خفی المولد و المنشأ، غیر خفی فی نسبه».

- «کسی از ما نیست که نامه ها به سویش سرازیر شود، پرسشها به طرف او فرستاده شود، با انگشتها به سوی او اشاره شود، و اموال به طرف او حمل شود، جز اینکه با شمشیر کین کشته شود، یا (باز هر جفا) در بستر بمیرد، تا خداوند مردی را برای این کار برانگیزد که تولد او مخفی باشد ولی نسب او بر همگان روشن و آشکار باشد». [۲].

۱۶۲- «لایری جسمه و لا یسمی اسمه».

- «ریان بن صلت می گوید: از امام رضا علیه السلام در مورد حضرت قائم ارواحنا فداه سوال شد، فرمود: شخص او از دیده ها ناپدید می شود و نام او برده نمی شود. [۳].

[صفحه ۲۰۷]

۱۶۳- «کأنی بالشیعه عند فقد الثالث من ولدی، یطلبون المرعی فلا یجدونه،

قلت له: و لم ذلک یا ابن رسول الله؟ قال: لان امامهم یغیب عنهم. فقلت: ولم؟ قال: لئلا یکون فی عنقه لأحد بیعه اذا قام بالسیف».

- «حسن بن فضال می گوید: امام رضا علیه السلام فرمود: گویی با چشم خود شیعیان را می بینم که به هنگام رحلت سومین فرزندم (امام حسن عسکری علیه السلام) به دنبال پناهگاهی می گردند و نمی یابند. گفتم: چگونه می شود ای فرزند پیامبر؟! فرمود: زیرا امامشان غایب می شود. پرسیدم: چرا؟! فرمود: برای اینکه هنگامی که با شمشیر قیام می کند، بیعت احدی در گردن او نباشد». [۴].

۱۶۴- «لایکون ماتمدن الیه اعناقکم حتی تمیزوا و تمحصوا، فلا یبقی منکم الا القلیل».

- «آنچه انتظار می کشید واقع نمی شود جز هنگامی که در بوته ی آزمایش قرار بگیرید و شناخته شوید و از شما جز تعدادی اندک بر اعتقاد خود باقی نباشد. آنگاه این آیه ی شریفه را تلاوت فرمود:

- «الم احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا آمنا و هم لا یفتنون».

- «آیا مردم خیال می کنند که اگر بگویند: ایمان آورده ایم، فرو گذارده می شوند و در معرض امتحان قرار نمی گیرند». [۵].

۱۶۵- «لا بد من فتنه صماء صیلم، یسقط فیها کل بطانه و ولیجه، و ذلک عند فقدان الشیعه الثالث من ولدی، یبکی علیه اهل السماء و الأرض و کل حری و حران، و کل حزین و لهفان».

- «به ناگزیر فتنه ی سختی روی خواهد داد، که بسیار سخت و خانمان برانداز است. همه ی خویشان و نزدیکان، همرازان و هم سنگران در آن سقوط می کنند، و آن هنگامی است که شیعیان، سومین پسرم را

از

[صفحه ۲۰۸]

دست بدهند. (از درد هجران) همه ی اهل آسمان و زمین، همه ی عاشقان و شیفتگان، همه ی دردمندان و دل سوختگان برای او گریه می کنند». [۶].

ای کعبه ی دلها! همه ی عاشقان کوی تو، و چشم انتظاران روی تو، با دلی سوزان و دیدگانی اشکبار از درد هجران و از طول فراق بی تابانه در انتظار دیدار جمال نورانی تو هستند، پرده از رخسار الهی برافکن و آرزوی آرزومندان را برآور، که بیش از این طاقت تحمل ندارند.

۱۶۶- «الرابع من ولدی ابن سیده الاماء، یطهر الله به الأرض من کل جور و یقدسها من کل ظلم، و هو الذی یشک الناس فی ولادته و هو صاحب الغیبه قبل خروجه».

- «چهارمین فرزند من، پسر بهترین کنیزان است. خداوند به وسیله ی او زمین را از هر ستمی پاک می گرداند و از هر بی عدالتی منزه می سازد. او کسی است که مردم در ولادت او دچار تردید می شوند. او پیش از ظهور غیبتی طولانی دارد». [۷].

۱۶۷- «لا دین لمن لا ورع له و لا ایمان لمن لا تقیه له، ان اکرمکم عندالله اعملکم بالتقیه. فقیل له: الی متی؟ قال: الی الوقت المعلوم، و هو یوم خروج قائمنا اهل البیت (علیهم سلام الله) فمن ترک التقیه قبل خروج قائمنا فلیس منا».

- «کسی که پرهیزکار نباشد، دین ندارد. و کسی که تقیه نکند ایمان ندارد. گرامی ترین شما در نزد خدا، رعایت کننده ترین شماست در مورد تقیه. گفته شد: تا به کی؟! فرمود: تا روز معین، و آن روز خروج قائم ما اهل بیت (علیهم سلام الله) است. آگاه باشید که هر

کس پیش از خروج قائم ما (علیه السلام)، تقیه را ترک کند از ما نیست». [۸].

[صفحه ۲۰۹]

۱۶۸- «ان من علامات الفرج حدثا یکون بین المسجدین، و یقتل فلان من ولد فلان، خمسه، کبشا من العرب».

- «از نشانه های فرج حادثه ای است که در میان دو مسجد (مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم) واقع می شود. در آن حادثه فلانی از فرزندان فلانی، ۱۵ نفر از پهلوانهای عرب را می کشد». [۹].

۱۶۹- «ریان بن صلت می گوید: به خدمت امام رضا علیه السلام عرض کردم: آیا شما صاحب این امر هستید؟ فرمود:

- «انا صاحب هذا الأمر، و لکنی لست بالذی أملاها عدلا، کما ملئت جورا، و کیف اکون ذلک، علی ما تری من ضعف بدنی، و ان القائم هو الذی اذا خرج کان فی سن الشیوخ و منظر الشبان، قویا فی بدنه، حتی لومد یده الی اعظم شجره علی وجه الأرض لقلعها، و لو صاح بین الجبال لتدکدکت صخورها، یکون معه عصا موسی و خاتم سلیمان، ذلک الرابع من ولدی، یغیبه فی ستره ما شاء، ثم یظهر فیملأ به الارض قسطا و عدلا کما ملئت ظلما و جورا، کأنی بهم آیس ما کانوا قد نودوا نداء ایسمع من بعد کما یسمع من قرب یکون رحمه للمومنین و عذابا علی الکافرین».

- «من صاحب این امر هستم، ولی من کسی نیستم که زمین را پر از عدل و داد کنم، آنچنان که پر از جور و ستم شده باشد. من چگونه با این ضعفی که در بدن من می بینی، می توانم او باشم؟! قائم (علیه السلام) کسی است که چون

خـارج شود، در سن پیرمردان و در سـیمای نونهالاـن باشـد. آن قـدر بـدنش نیرومنـد است که اگر دست مبـارکش را به طرف بزرگترین درخت روی زمین دراز کند آنرا از ریشه بکند، اگر در میان کوهها بانگ برآورد، صـخره های آن فرو ریزد. عصای موسی (علیه السلام) و انگشتر سلیمان (علیه السلام) با او خواهد بود. او چهارمین فرزند منست.

[صفحه ۲۱۰]

خداونـد او را تا هنگامی که بخواهـد، در پشت پرده ی غیبت نگهدارد. آن گاه ظاهر شود و زمین را پر از عدل و داد کند، آن چنان که پر از جور و سـتم شده باشد. گوئی با چشم خود می بینم در حالی که مردمان به یأس و نومیدی دچار شده اند، ندای آسـمانی را می شـنوند، که این نـدا از مسـافت دور همچون فاصـله ای نزدیـک شـنیده می شود. او برای مومنان رحمت و برای کافران تازیانه ی عذاب خواهد بود». [۱۰].

در این حدیث قدرت جسـمی حضـرت بقیه الله ارواحنا فداه به تعبیری بسیار شیوا ترسیم شده است. و با توجه به اینکه در کلام معصوم علیه السـلام، مبالغه و تعارف به کار نمی رود، روشن می شود که حضـرت مهدی علیه السـلام با آن قدرت فوق العاده اش که خاطرات شیرین جد بزرگوارش امیر مومنان علی علیه السلام را زنده خواهد کرد و قدرت نمایی آن حضرت را در فتح خیبر و قتل عمرو بن عبـدود به نمایش خواهد گذاشت، به هر طرف روی کند پیروز خواهد شد، به کاخ هر سـتمگری برسد بر سرش فرو خواهد ریخت، به هر ستمدیده ای برسد، رفع ستم خواهد نمود.

این قدرت بیرون از وصف از

یک سو، و قدرت معنوی او نیز از طرف دیگر سو، که عصای موسی علیه السلام و انگشتر سلیمان علیه السلام دو پشتوانه ی معنوی بسیار نیرومندی است، که در این حدیث بازگو شده است. عصای حضرت موسی علیه السلام یادآور هلاکت فرعونها و انگشتر حضرت سلیمان علیه السلام یادآور فرمانروایی مطلق آن حضرت بر همه ی جانداران از آدمیان و پرنیان، حتی پرندگان و چرندگان و درندگان می باشد. که حکومت جهانی حضرت بقیه الله ارواحنا فداه به مراتب قوی تر از سلطنت حضرت سلیمان علیه السلام خواهد بود و بر تمام گیتی فرمانروایی مطلق خواهد داشت و هلاکت همه ی فرعونها و طاغوتها به دست او خواهد بود. از

[صفحه ۲۱۱]

خدای دانا و توانا، مسئلت می نمائیم که دیدگان نگران ما را به دیدار آن جمال الهی منور، و ما را برای زندگی در حکومت جهانی آن مصلح غیبی موفق نماید. انشاء الله.

۱۷۰- «فاذا خرج اشرقت الأرض بنور ربها، و وضع میزان العدل بین الناس فلا یظلم احدا، و هو الذی تطوی له الأرض و لا یکون له ظل، و هو الذی ینادی مناد من السماء یسمعه. جمیع اهل الأرض بالدعاء الیه، یقول: الا ان حجه الله قد ظهر عند بیت الله فاتبعوه، فان الحق معه و فیه».

-«او چون ظاهر شود، زمین به نور پروردگار نورانی گردد. ترازوی عدالت در میان مردم قرار دهد (ارزشها و معیارهای عدالت را پیاده کند) دیگر احدی به دیگری ستم نمی کند، زمین زیر پایش طی می شود و برای او سایه نمی باشد. برای او منادی غیبی از آسمان ندا می کند و همه ی مردم روی

زمین آن ندا را می شنوند که آنها را به سوی او دعوت می کند و می گوید: آگاه باشید که حجت خدا در کنار خانه ی خدا ظاهر شده است، از او پیروی کنید که حق با اوست و در دست اوست». [۱۱].

۱۷۱- «ان الخضر شرب من ماء الحیوه فهو حی لا یموت، حتی ینفخ فی الصور، و انه لیأتینا فیسلم علینا، فنسمع صوته و لا نری شخصه،... و سیونس الله به وحشه قائمنا فی غیبته، و یصل به وحدته».

-«حضرت خضر (علیه السلام) از آب حیات خورده است و لذا او زنده است و تا دمیدن صور نخواهد مرد. او همواره پیش ما می آید و بر ما سلام می کند، ما صدای او را می شنویم و خود او را نمی بینیم... خداوند به وسیله ی او رنج غربت را از قائم ما (ارواحنا فداه) در زمان غیبت خواهد زدود، و با مأنوس بودن او، قائم (علیه السلام) از تنهایی رهایی خواهد داد». [۱۲].

[صفحه ۲۱۲]

۱۷۲- «قدام هذا الأمر قتل یبوح».

- «پیش از قیام قائم (عجل الله فرجه) کشتاری است که لحظه ای قطع نمی شود». [۱۳].

۱۷۳- «ما احسن الصبر و انتظار الفرج».

- «چقدر نیکوست شکیبایی و انتظار فرج». [۱۴].

۱۷۴- «مثله کمثل الساعه، لا تأتیکم الا بغته».

- «مثل قائم ما (ارواحنا فداه) مثل قیامت است که به طور ناگهانی ظاهر می شود». [۱۵].

۱۷۵- «دعبل خزاعی، آن شاعر معروف اهل بیت علیهم السلام، هنگامی که به خدمت امام رضا علیه السلام رسید و قصیده ی معروفش: «مدارس آیات خلت من تلاوه» را خواند، تا به این بیت رسید:

خروج امام لا محاله خارج

یقوم علی اسم الله

و البرکات

یمیز فینا کل حق و باطل

و یجزی علی النعماء و النقمات

- ظهور امامی که به ناگزیر خروج خواهد کرد، به نام خدا قیام می کند و برکتهای حق تعالی را به همراه می آورد.

- در میان ما حق را از باطل جدا می سازد. و در برابر نیکی ها و زشتی ها پاداش و کیفر دهد.

هنگامی که دعبل به این دو بیت رسید، امام رضا علیه السلام به شدت گریست، و آنگاه سر مبارکش را بلند کرد و خطاب به دعبل فرمود:

- «یا خزعی! نطق روح القدس علی لسانک بهذین البیتین، فهل تدری من هذا الامام و متی یقوم؟».

[صفحه ۲۱۳]

- «ای دعبل! روح القدس این دو بیت را بر زبان تو جاری ساخته است. آیا می دانی که آن امام کیست؟ و چه زمانی قیام می کند؟».

دعبل عرض کرد: نه، سرورم. فقط شنیده ام که امامی از شما خروج می کند و زمین را از تباهی ها پاک می سازد، و آنرا پر از عدل و داد می نماید، آن چنان که پر از جور و ستم شده باشد. امام رضا علیه السلام فرمود:

- «یا دعبل! الامام بعدی: محمد ابنی، و بعد محمد: ابنه علی، و بعد علی: ابنه الحسن، و بعد الحسن: ابنه الحجه القائم المنتظر فی غیبته، المطاع فی ظهوره، لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد، لطول الله ذلک الیوم، حتی یخرج فیملأها عدلا کما ملئت جورا».

-«ای دعبل! امام بعد از من: پسرم محمد است، و بعد از محمد: پسرش علی است، بعد از علی: پسرش حسن و بعد از حسن: پسرش حجت است که «قائم» است (سلام الله علیهم)

و در غیبتش او را انتظار کشند و در ظهورش از او فرمان برند. اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نباشد، خداوند آن روز را به قدری طولانی گرداند که او خارج شود و روی زمین را پر از عدل و داد نماید، آن چنان که از بی عدالتی پر شده باشد».

سپس فرمود:

-«اما اینکه کی خارج می شود؟ آن مربوط به وقت است، که پدرم، از پدرش، از پدران بزرگوارش، از امیر مومنان (علیه السلام) از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده اند که به آن حضرت گفته شد: قائم نسل تو کی خارج می شود؟ فرمود: مثل او همانند مثل قیامت است، جز خدا کسی از وقت آن آگاه نیست، در آسمانها و زمین بسی گران است، جز به صورت ناگهانی خارج نمی شود». [۱۶].

[صفحه ۲۱۴]

نگارنده گوید: این همان قصیده است که دعبل آنرا با بیت زیر ختم کرده بود:

وقبر ببغداد لنفس زکیه

تضمنه الرحمن فی الغرفات

چون به این بیت رسید، امام رضا علیه السلام به او فرمود: آیا دو بیت دیگر به این قصیده ی تو بیفزایم؟ تا قصیده ات کامل شود؟ عرضه داشت: چه افتخاری بالاتر از آن، بفرمائید. امام علیه السلام فرمود:

وقبر بطوس یالها من مصیبته

الحت علی الاحشاء بالزفرات

الی الحشر حتی یبعث الله قائما

یفرج عنا الهم و الکربات

دعبل گفت: ای فرزند پیامبر! من در طوس چنین قبری را سراغ ندارم. آن، قبر چه کسی است؟ فرمود: آن قبر منست. چیزی نمی گذرد که طوس محل آمد و شد شیعیان و زائران من می شود، آگاه باش که هر کس مرا در آن دیار غربت زیارت

کند، در روز قیامت با من و در کنار من خواهد بود و گناهانش آمرزیده خواهد شد». [۱۷].

[صفحه ۲۱۷]

پاورقی

[۱] کمال الدین صدوق، ص ۳۷۱.

[۲] کمال الدین، ص ۳۷۰.

[۳] اثباه الهداه، ج ۳ ص ۴۷۷.

[۴] بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۱۵۲.

[۵] ارشاد مفید، ص ۳۶۰.

[۶] بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۱۵۲.

[۷] اثباه الهداه، ج ۳ ص ۴۷۸.

[۸] کمال الدین، ص ۳۷۱.

[۹] الزام الناصب، ج ۲ ص ۱۴۷.

[۱۰] اعلام الوری، ص ۴۰۷.

[۱۱] کمال الدین، ص ۳۷۲.

[۱۲] اثباه الهداه، ج ۳ ص ۴۸۰.

[۱۳] بشاره الاسلام، ص ۱۵۶.

[۱۴] بحارالانوار، ج ۵۲ ص ۱۱۰.

[۱۵] یوم الخلاص، ص ۳۳۴.

[۱۶] کفایه الاثر، ص ۲۷۲، بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۱۵۴، کمال الدین، ص ۳۷۲ و اثباه الهداه، ج ۳ ص ۴۵۷.

[۱۷] کمال الدین صدوق، ص ۳۷۳.

مهدی از دیدگاه امام جواد علیهما السلام

«افضل اعمال شیعتنا انتظار الفرج».

«برترین اعمال شیعیان ما انتظار فرج است».

(امام جواد علیه السلام) [۱].

مأمون الرشید، دخالت دادن اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام را در امور کشوری در عهد امام رضا علیه السلام آزمود و نتیجه ی خوبی نگرفت، از این رهگذر پس از به شهادت رسانیدن امام رضا در مورد امام جواد علیهما السلام سیاست دیگری اتخاذ کرد و آن اینکه او را مستقیما در امور کشوری دخالت ندهد ولی در آخرین حد ممکن اظهار علاقه کند، از این رو دخترش ام الفضل را به همسری امام جواد علیه السلام در آورد و خود به دوستی آن حضرت تظاهر می کرد ولی از داخل و خارج محدودیتهایی ایجاد می کرد. و در عین حال در چند جلسه ی رسمی که بین امام جواد علیه السلام و علمای ادیان واقع شد، عظمت آن حضرت در تمام اقطار

و اکناف جهان

[صفحه ۲۱۸]

اسلام پیچید و در معظلات و مشکلات از چهار گوشه ی جهان به سوی آن حضرت می شتافتند، و همواره استوارترین پاسخها را دریافت می کردند. از امام جواد علیه السلام در مقایسه با پدر بزرگوارش احادیث کمتری به دست ما رسیده است، در مورد حضرت بقیه الله ارواحنا فداه نیز احادیث معدودی از آن بزرگوار رسیده، که به چند نمونه ی آن اشاره می کنیم:

۱۷۶- «جناب عبدالعظیم حسنی - مدفون در شهر ری - می فرماید: به خدمت امام جواد علیه السلام شرفیاب شدم و تصمیم داشتم که از آن حضرت در مورد مهدی قائم عجل الله فرجه سوال کنم. چون مرا دید، پیش از آنکه من سوال خود را مطرح کنم، فرمود:

- «یا ابا القاسم! ان المهدی منا هو المهدی الذی یبعث محمدا صلی الله علیه و آله و سلم بالنبوه و خصناه بالامامه، انه لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد لطول الله ذلک الیوم حتی یخرج فیه فیملأ الأرض قسطا و عدلا، کما ملئت جورا و ظلما، و ان الله تبارک و تعالی لیصلح له امره فی لیله، کما اصلح امر کلیمه موسی (علیه السلام) اذ ذهب لیقتبس لأهله نارا، فرجع و هو رسول نبی. ثم قال: افضل اعمال شیعتنا انتظار الفرج».

- «ای ابوالقاسم! (کنیه ی حضرت عبدالعظیم) مهدی ما (ارواحنا فداه)، آن امام هدایتگر است که باید در دوران غیبت انتظار او را کشید و در زمان ظهور از او اطاعت نمود. او سومین فرزند منست. سوگند به پروردگاری که محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به رسالت برانگیخت و تاج امامت را

بر سر ما نهاد، اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نباشد خداوند آن روز را طولانی نماید، تا در آن خارج شود و زمین را پر از عدل و داد کند، آن چنان که پر از جور و ستم شده باشد. خداوند تبارک و تعالی امر فرج را در یک شب اصلاح می کند، چنانکه امر رسالت کلیم خود حضرت موسی علیه السلام را در یک شب هموار نمود، هنگامی که او رفت تا برای

[صفحه ۲۱۹]

خانواده اش آتشی بیاورد، با نور نبوت و مشعل رسالت برگشت. سپس فرمود:

- برترین عمل شیعیان ما انتظار فرج است». [۲].

۱۷۷- «القائم الذی یطهر الله به الأرض من اهل الکفر و الجحود و یملأها عدلا و قسطا، هو الذی تخفی علی الناس ولادته و یغیب عنهم شخصه».

- «آن قائم (سلام الله علیه) که خداوند زمین را به دست او از لوث کافران و منکران پاکیزه خواهد کرد، و روی زمین را به دست او پر از عدل و داد خواهد نمود، کسی است که تولدش بر مردمان پوشیده باشد و خودش از دیده های آنها غائب شود». [۳].

۱۷۸- «امیه بن علی قیسی می گوید: به خدمت امام جواد علیه السلام عرض کردم: جانشین بعد از شما کیست؟ فرمود:

- «ابنی علی، ابنی علی، ثم اطرق ملیا ثم رفع رأسه، ثم قال: انها ستکون حیره».

- «پسرم علی، پسرم علی (امام هادی علیه السلام) سپس سر مبارکش را پایین انداخت و مدتی در اندیشه فرو رفت. آنگاه سر مبارکش را بلند کرد و فرمود: آنگاه حیرت و سرگردانی خواهد بود».

گفتم: هنگامی که حیرت و سرگردانی پیش آید به کجا برویم؟! فرمود:

جایی نیست، جائی نیست، جائی نیست. باز تکرار کردم: کجا برویم؟! فرمود: به سوی مـدینه. گفتم: کدام مدینه؟ فرمود: همین مدینه مگر جز این مدینه، مدینه ی دیگری نیز وجود دارد؟!». [۴].

در این روایت، چون دیگر روایتها به سوی مدینه ارجاع شده است،

[صفحه ۲۲۰]

که یکی از شـهرهای مورد توجه حضرت بقیه الله ارواحنا فداه است، و تشرفهای بسیاری در این شهر برای دوستان آن سرور در این شـهر مقـدس حاصل شـده است. ممکن است یکی از انگیزه های آن، وجود مرقد مطهر رسول اکرم صـلی الله علیه و آله و سلم و حضـرت صدیقه کبری سـلام الله علیها و چهار امام معصوم علیهم السلام در آن شهر مقدس باشد. و شاید برای حضرت بقیه الله ارواحناه فداه خانه ای در این شهر باشد که برخی از نیکبختان به دیدار آن نائل آمده اند.

۱۷۹- «ان الامام بعـدی علی (علیه سـلام الله) امره امری، و قوله قولی، و طاعته طاعتی، و الامام بعده ابنه الحسن العسـکری (علیه السلام) امره امر ابیه، و قول ابیه، و طاعته طاعه ابیه».

- «امـام بعـد از من پسـرم علی (علیه السـلام) است، که فرمان او فرمان من، گفتار او گفتار من، و اطاعت او اطاعت من است. و امام بعد از او پسـرش حسن عسکری (علیه السلام) است که فرمان او فرمان پدرش، گفتار او گفتار پدرش، و اطاعت او اطاعت پدرش می باشد».

آنگاه امام جواد علیه السـلام ساکت شد، راوی حدیث «صقر» پرسید: امام بعد از حسن عسکری کیست؟ امام جواد علیه السلام به شدت گریست، سپس فرمود:

- «الامام من بعد الحسن ابنه القائم بالحق المنتظر».

- «امام بعد از حسن پسرش

قائم منتظر (علیهما السلام) است که به حق قیام می کند». صقر پرسید: چرا به او «قائم» می گویند؟ فرمود:

- «لانه یقوم بعد موت ذکره و ارتداد اکثر القائلین بامامته».

- «زیرا او پس از آنکه نام مقدسش دستخوش فراموشی شد و بیشتر معتقدان به امامتش، از عقیده ی خود برگشتند، قیام می کند».

صقر پرسید: چرا به او «منتظر» می گویند؟ فرمود:

- «لان له غیبه یکثر ایامها و یطول امدها، فینتظر خروجه المخلصون

[صفحه ۲۲۱]

و ینکره المرتابون و یستهزء بذکره الجاحدون. و یکذب فیه الوقاتون، و یهلک فیه المستعجلون. و ینجو فیه المسلمون».

- «زیرا برای او غیبتی است که روزگاری دراز طول می کشد، در آن دوران غیبت، مخلصان انتظار می کشند، اهل ریب و تردید به شک می افتند و منکران یاد او را مسخره می کنند، وقت تعیین کنندگان، دروغگو از آب در می آیند، شتاب کنندگان هلاک می شوند و تسلیم اراده خدا شونده ها نجات می یابند». [۵].

۱۸۰- «جناب عبدالعظیم حسنی می فرماید: به خدمت امام جواد علیه السلام عرض کردم: امیدوارم شما آن «قائم اهل بیت» باشید که زمین را پر از عدل و داد خواهد نمود، چنانکه پر از جور و ستم شده است. فرمود: ای ابوالقاسم:

- «ما منا الا- و هو قائم بامر الله عزوجل، و هاد الی دین الله، و لکن القائم الذی یظهر الله عزوجل به الأرض من اهل الکفر و الجحود و یملأها عدلا و قسطا هو الذی تخفی علی الناس ولادته، و یغیب عنهم شخصه، و یحرم علیهم تسمیته، و هو سمی رسول الله و کنیه، و هو الذی تطوی له الأرض، و یذل، له کل

صعب و یجتمع الیه من اصحابه عده اهل بدر: ثلاثمأه و ثلاثه عشر رجلا من اقاصی الأرض».

- «هیچ کدام از ما نیست جز اینکه قائم به امر خدا، و هادی به سوی دین خدا می باشد. و لکن آن قائم که خدای تبارک و تعالی روی زمین را به وسیله ی او از اهل کفر و الحاد پاکیزه می سازد، و آن را پر از عدل و داد می نماید، آن چنان که پر از جور و ستم شده باشد، او امامی است که تولدش بر مردم پوشیده باشد و خودش از دیدگان آنها غائب باشد و بردن نام مبارکش بر آنها روا نباشد. و او همنام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و

[صفحه ۲۲۲]

هم کنیه ی اوست. که زمین زیر پاهایش طی می شود و هر مشکلی برای او آسان می گردد و به تعداد اصحاب بدر: **۳۱۳** نفر از یاران، از دورترین نقاط دنیا، در اطراف او گرد آیند. و این است معنای گفتار خداوند، که می فرماید:

- «اینما تکونوا، یأت بکم الله جمیعا، ان الله علی کل شی قدیر».

- «هر کجا باشید، خداوند همه ی شما را گرد می آورد، که به راستی خداوند بر هر چیزی قادر است».

- «فاذا اجتمعت له هذه العده من اهل الاخصلاص، اظهر الله امره، فاذا کمل له العقد و هو عشره آلاف رجل، خرج باذن الله عزوجل، فلا یزال یقتل اعداء الله حتی یرضی الله عزوجل».

- «هنگامی که این تعداد از یاران با اخلاص گرد آمدند، خداوند امر او را ظاهر سازد. تا هنگامی که ده هزار نفر از یاران جمع شدند، به

اذن خداوند ظاهر می شود و دشمنان خدا را می کشد تا خداوند راضی شود».

جناب عبدالعظیم می فرماید: عرض کردم: سید و سرور من! چگونه می داند که خداوند راضی شده است؟ فرمود:

- «یلقی فی قلبه الرحمه، فاذا دخل المدینه اخرج اللات و العزی فاحرقهما».

- «خداوند رأفت و مرحمت در دل او می افکند. چون خارج شد به مدینه می رود و لات و عزی را از قبر در می آورد و طعمه ی حریق می سازد». [۶].

در این جا مقصود از «لات و عزی» دو بت بزرگ قریش است که حق را از مسیر خود خارج کردند، شاه ولایت را خانه نشین کردند، حق فاطمه سلام الله علیها را غصب و فدک را مصادره کردند و یک مثلث عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را از طریق کشتن «محسن» از بین بردند. که لعنت خدا و پیامبران و همه ی فرشتگان و آدمیان و پریان بر آنها باد.

[صفحه ۲۲۳]

۱۸۱- «اذا مات ابنی علی بدا سراج بعده، ثم خفی، فویل للمرتاب و طوبی للعرب الفار بدینه ثم یکون بعد ذلک احداث، تشیب فیها النواصی و تنشق الصم الصلاب».

- «چون پسرم علی (امام هادی علیه السلام) در گذشت، چراغی آشکار می شود (امام حسن عسکری علیه السلام) آنگاه خاموش می شود، وای بر کسی که دچار شک و تردید شود. خوشا به حال کسی که دین خود را بردارد و فرار کند. آنگاه حوادثی روی می دهد که جوانان پیر می شوند و موها سفید می گردد. فتنه ها به قدری سخت و کمرشکن خواهد بود که سنگهای سخت و صخره های فولادین

از وحشت آن شکسته می شوند». [۷].

- «الصوت فی شهر رمضان، فی لیله الجمعه، فاسمعوا و اطیعوا، وفی آخر النهار صوت الملعون ابلیس، ینادی ان فلانا قتل مظلوما،یشکک الناس و یفتنهم، فکم فی ذلک الیوم من شاک متحیر، فاذا سمعتم ذلک الصوت فی رمضان (یعنی: الاول) فلا تشکوا انه صوت جبرئیل، و علامه ذلک انه ینادی باسم المهدی و اسم ابیه».

-«نخستین ندای آسمانی در ماه رمضان و در شب جمعه است، آنرا گوش دهید و اطاعت کنید. و در آخر روز شیطان ملعون بانگ برمی آورد که فلانی (سومی لعنه الله علیه) مظلوم کشته شد، تا مردم را به شک و تردید وادارد و فتنه بر پا کند. آن روز چقدر از مردم دچار شک و حیرت شده، سرگردان می شوند؟!، هنگامی که ندای اولی را در ماه رمضان شنیدند، هرگز شک به خود راه ندهید که آن صدای جبرئیل است. و نشانه ی آن این است که از «مهدی» به نام خود و پدرش (علیه السلام) نام می برد. [۸].

۱۸۳- «انها ستکون حیره، لوعین لهذا الامر وقت لقست القلوب

[صفحه ۲۲۴]

و لرجع عامه الناس عن الاسلام. و لکن قالوا: ما اسرعه! و ما اقربه! تألفا لقلوب الناس، و تقریبا للفرج».

- «به راستی سرگردانی خواهد بود. اگر برای این امر وقتی تعیین می شد دلها را قساوت می گرفت و همگی از اسلام برمی گشتند، ولی چون تعیین نشده، می گویند: چه زود است؟ وه چه نزدیک است؟ و بدینگونه دلها انس می گیرد و آرامش می یابد و فرج نزدیک می شود». [۹].

آری اگر در اوایل غیبت کبری به مردم گفته می شد که مصلح

غیبی هزار سال بعد خواهد آمد، دل عاشقان می گرفت و دردمندان از غصه و اندوه جان می سپردند، و منتظران از طول هجران به نومیدی می گرائیدند، ولی با تعیین نشدن زمان ظهور، یک حالت انتظار که بزرگترین عامل تحرک و دینامیسم است، درست یک هزار و یک صد و پنجاه سال بر همه ی شیعیان سایه افکنده، و در این مدت طولانی هر لحظه برای رسیدن وقت موعود ثانیه شماری نموده اند، که به تعبیر امام سجاد علیه السلام:«انتظار فرج خود از بزرگترین فرجهاست». [۱۰] و امام جواد علیه السلام در همین رابطه می فرماید:

۱۸۴- «افضل اعمال شیعتنا انتظار الفرج، من عرف هذا الأمر فقد فرج عنه بانتظاره».

- «برترین اعمال شیعیان ما انتظار فرج است. کسی که این امر را بشناسد، به وسیله ی انتظار فرج، برای او گشایش حاصل می شود». [۱۱].

۱۸۵- «ابوهاشم جعفری می گوید: در محضر امام جواد علیه السلام بودیم، صحبت از سفیانی شد و این جمله بازگو شد که: «امر

[صفحه ۲۲۵]

سفیانی از حتمیات است»، به خدمت امام جواد علیه السلام گفتم: «آیا ممکن است در مورد یک امر حتمی نیز برای خدای تبارک و تعالی بدا حاصل شود؟ فرمود: آری. گفتم: می ترسیم در مورد قائم (علیه السلام) نیز برای خداوند بدا حاصل شود! فرمود:

- «القائم من المیعاد و الله لا یخلف المیعاد».

- «ظهور قائم (عجل الله فرجه) میعاد است (یعنی: خداوند توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به آن وعده داده است) و خداوند هرگز در وعده های خود خلف نمی کند». [۱۲].

مطابق این حدیث شریف ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا لتراب مقدمه

الفـدا، از وعـده های قطعی حق تعالی است که توسط همه ی پیامبران عظیم الشأن علیهم السـلام نوید ظهور او داده شده است. چنانکه قسـمتی از این بشارتها در بخش اول همین کتاب گذشت. هنگامی که ظهور آن حضرت از «میعاد» باشد، دیگر در آن «بدا» ممکن نیست، که در این صورت «خلف وعده» به شمار می آید، چنانکه قرآن کریم فرموده است:

- «فلا تحسبن الله مخلف وعده رسله».

- «هرگز گمان مبر که خداوند وعده ای را که به وسیله ی پیامبرانش ابلاغ نموده، خلف کند». [۱۳].

[صفحه ۲۲۹]

پاورقی

[۱] اثباه الهداه، ج ۳ ص ۴۷۸.

[۲] کمال الدین، ص ۳۷۷.

[۳] اثباه الهداه، ج ۳ ص ۴۷۸.

[۴] بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۱۵۶.

[۵] اعلام الوری، ص ۴۰۹.

[۶] کمال الدین، ص ۳۷۷.

[۷] اثباهالهداه، ج ۳ ص ۵۳۶.

[۸] بشاره الاسلام، ص ۱۶۰.

[۹] یوم الخلاص، ص ۲۱۵.

[۱۰] کمال الدین، ص ۳۱۹.

[۱۱] یوم الخلاص، ص ۲۴۸.

[۱۲] اثباه الهداه، ج ۳ ص ۵۴۴.

[۱۳] سوره ی ابراهیم، آیه ی ۴۷.

مهدی از دیدگاه امام هادی علیهما السلام

«هو الذی یجمع الکلم و یتم النعم، و یحق الله به الحق و یزهق الباطل، و هو مهدیکم المنتظر».

«اوست که وحدت کلمه ایجاد کند و نعمتها را کامل گرداند، و خداوند به وسیله ی او حق را پا برجا و باطل را نابود گرداند. هم او مهدی منتظر است».

(امام هادی علیه السلام) [۱].

با نزدیک شدن میلاد مسعود حضرت بقیه الله ارواحنا فداه رژیم خون آشام عباسی تلاش گسترده ای را آغاز کرده بود که از تولد آن مهر تابان و قبله ی خوبان جلوگیری به عمل آورد، یکی از مهمترین اقدامات انجام شده در این زمینه، انتقال دادن امام هادی علیه السلام به شهر نظامی

سامرا بود که در آنجا در داخل پادگان و به صورت زیر نظر زندگی کند، تا هر وقت خداوند به پسرش امام حسن عسکری علیه السلام پسری عنایت کرد، آن را سر ببرند، تا بدین وسیله از طلوع آخرین خورشید امامت جلوگیری کنند. ولی

[صفحه ۲۳۰]

بسیار کور خوانده بودند، زیرا اگر همه ی این اقدامات برای این بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خبر داده است، که خداوند برای امام حسن عسکری علیه السلام فرزندی مرحمت خواهد فرمود: که هلاک همه ی ستمگران به دست او خواهد بود، دیگر تلاش برای جلوگیری از اراده ی الهی بی فائده است. ولی ستمگران برای ادامه ی حکومت چند روزه ی خود برای صرف احتمال هم که باشد به هر جنایتی اقدام می کنند، چنانکه بزرگ جنایتگر دنیای باستان «فرعون» برای جلوگیری از تولد حضرت موسی علیه السلام از هیچ جنایتی دریغ نکرد و سرانجام اراده ی خدا تحقق یافت و موسی علیه السلام در خانه ی فرعون پرورش یافت و دمار از روزگار فرعونیان درآورد. حضرت بقیه الله ارواحنا فداه نیز طبق اراده ی حضرت احدیت در شهر سامرا و در داخل پادگان نظامی، علی رغم آن همه جاسوس و نگهبان، به ویژه جاسوسهای زن، دیده به جهان گشود و در آستین غیبت فرو رفت، تا روزی پس از پایان دوران غیبت ظاهر شود و کاخ ستمگران را بر سرشان فرو ریزد. انشاءالله.

از این رهگذر رفت و آمد شیعیان به محضر امام هادی علیه السلام زیر نظر نگهبانان نظامی بود و شیعیان کمتر می توانستند با آن حضرت تماس گرفته، حدیث دریافت کنند.

در این میان تعدادی از احادیث مربوط به نهضت جهانی حضرت بقیه الله ارواحنا فداه از پیشوای شیعیان، امام هادی علیه السلام نقل شده است، که به قسمتی از آنها تبرک می جوییم:

۱۸۶- «حضرت عبدالعظیم علیه السلام می فرماید: به خدمت مولی و سرورم حضرت امام هادی علیه السلام رسیدم. چون مرا دید فرمود: مرحبا به تو، ای ابوالقاسم! تو به راستی دوست ما هستی، گفتم: ای فرزند پیامبر! من می خواهم دین خود را بر شما عرضه کنم، اگر مورد پذیرش باشد بر آن استوار بمان، تا هنگامی که خداوند را ملاقات نمایم. فرمود: بازگوی گفتم: من معتقدم که خدای تبارک و تعالی، خداوند یگانه ای است که

[صفحه ۲۳۱]

همانندی ندارد، از دو حد تعطیل و تشبیه به دور است، نه جسم است و نه صورت، نه جوهر است و نه عرض. بلکه اوست که به اجسام جسمیت بخشیده و صورتها را تصویر نموده، اعراض و جواهر را آفریده، پروردگار هر چیزی، صاحب و آفریدگار و پدید آورنده ی هر پدیداری است. حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم بنده و فرستاده ی اوست، که به وسیله ی او رسالت خاتمه یافت، دیگر پیامبری بعد از او تا روز قیامت برانگیخته نخواهد شد. آئین او پایان بخش همه ی شریعتهاست، دیگر شریعتی پس از آن تا روز قیامت تشریع نخواهد شد. و معتقدم که پیشوا، خلیفه و ولی امر بعد از او امیر مومنان علی بن ابی طالب علیه السلام است، و سپس: امام حسن، و امام حسین، حضرت علی بن الحسین، حضرت محمد بن علی، حضرت جعفر بن محمد، حضرت موسی بن

جعفر، حضرت علی بن موسی، حضرت محمد بن علی علیهما السلام سپس شما هستید، ای سرور و مولای من.

فرمود: و بعد از من پسرم: حسن علیه السلام می باشد ولی بعد از او حال مردم چگونه خواهد بود، در مورد جانشین او؟! گفتم: برای چه؟ فرمود:

- «لانه لا یری شخصه ولا یحل ذکره باسمه، حتی یخرج فیملأ الأرض قسطا و عدلا، کما ملئت جورا و ظلما».

- «زیرا شخص او دیده نمی شود، و یاد کردن او با اسم شریفش روا نخواهد بود تا هنگامی که ظهور کند و جهان را پر از عدل و داد نماید، آن سان که پر از جور و ستم شده باشد».

گفتم: اقرار می کنم و معتقدم که دوست آنان دوست خدا، و دشمن آنها دشمن خدا است. اطاعت آنها اطاعت خدا و معصیت آنها معصیت خداست. و معتقدم که معراج حق است. پرسش در قبر حق است. بهشت و دوزخ حق است. صراط و میزان حق است. رستاخیز بی تردید واقع خواهد شد، هیچ شبهه ای در آن نیست. و خداوند اهل قبور را برخواهد

[صفحه ۲۳۲]

انگیخت. و معتقدم که واجبات بعد از «ولایت» عبارت است از: نماز، زکات، روزه، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر.

امام هادی علیه السلام فرمود: ای ابوالقاسم! به خدا سوگند، این همان آئینی است که خداوند آن را برای بندگانش پسندیده است. برآن استوار باش، که خداوند ترا در دنیا و آخرت، روی این عقیده ی استوار، ثابت و پای بر جا نماید». [۲].

۱۸۷- «الخلف من بعدی ابنی الحسن، فکیف لکم بالخلف من بعد الخلف؟»

- «امام بعد از من پسرم «حسن» می باشد،

اما چگونه خواهد بود حال شما در مورد امام بعد از او؟». ابوهاشم جعفری عرض کرد: چرا سرورم؟ خداوند مرا فدای تو سازد. فرمود:

- «لانکم لا ترون شخصه و لا یحل لکم ذکره باسمه».

- «زیرا خود او را نخواهد دید، و یاد کردن او با اسم برای شما روا نخواهد بود». ابو هاشم عرض کرد: پس چگونه از آن حضرت نام ببریم؟

فرمود:

- «قولوا: الحجه من آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم».

- «بگویید: حجت از آل محمد (صلی الله علیه و اله و سلم)». [۳].

۱۸۸- «صقر بن ابی دلف می گوید: هنگامی که متوکل، مولایم امام هادی علیه السلام را به زندان انداخته بود، دلم برای آقا تنگ شده بود، بیرون رفته بودم شاید خبری از امام علیه السلام به دست آورم. متوکل دربانی داشت، چون مرا دید گفت: ای صقر! اینجا چه کار می کنی؟! گفتم: هیچ، نشسته ام. گفت: نترس، منهم در مذهب تو

[صفحه ۲۳۳]

هستم. حتما آمده ای از حال امام و مولایت مطلع شوی؟ گفتم: آری. گفت: می خواهی آقا را زیارت کنی؟ گفتم: آری. گفت: بنشین تا نامه رسان برود. چون مأمور پست رفت، به غلام خود گفت: دست او را بگیر و به اطاقی که آن سید علوی زندانی است ببر و آزاد بگذار. صقر می گوید: مرا به اطاق آقا برد و گفت: داخل شو. داخل شدم و دیدم امام هادی علیه السلام روی حصیری نشسته، و قبر آماده ای مقابلشان کنده شده. سلام کردم و جوابم فرمود. آنگاه امر به نشستن فرمود و نشستم. فرمود: ای صقر، چه باعث شده که اینجا آمده ای؟ گفتم: سرور

من! آمـدم که از حال شـما مطلع شوم، ولی این قبر را دیدم گریه ام گرفت. فرمود: محزون نباش. آنها نمی توانند نسـبت به من ناراحتی ایجاد کنند. گفتم: خدا را شـکر. سـپس گفتم: سـرورم برای من حدیثی از رسول اکرم صـلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که معنای آنرا نمی دانم، فرمود: چیست؟ گفتم: این حدیث است که «لاتعادوا الأیام فتعادیکم»: «ایام را دشمن ندارید، که ایام نیز شما را دشمن بدارند».

فرمود: آری، ایام ما هستیم:

سبت (شنبه) نام مقدس رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است.

احد (یکشنبه) نام مقدس علی (علیه السلام) است.

اثنین (دوشنبه) امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) است.

ثلاثا (سه شنبه) علی بن الحسین، محمد بن علی، و جعفر بن محمد (علیهم السلام) است.

اربعا (چهارشنبه) موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی (علیهم السلام) و من است.

خمیس (پنجشنبه) پسرم حسن (علیه السلام) است.

و جمعه، پسر پسرم می باشد، که اهل حق دور او گرد آیند. و او

[صفحه ۲۳۴]

کسـی است که در روی زمین را پر از عدل و داد نماید، آن چنان که پر از جور و ستم شده باشد. این است معنی «ایام» آنها را دشمن ندارید که آنها نیز شما را در روز قیامت دشمن بدارند. سپس فرمود: زود از اینجا برو که برای تو مطمئن نیستم. [۴].

۱۸۹- «علی بن مهزیار می گوید: به خدمت امام هادی علیه السلام نامه نوشتم و از «فرج» پرسیدم، در جواب نوشت:

- «اذا غاب صاحبکم عن دار الظالمین فتوقعوا الفرج».

- «هنگامی که صاحب شما از جایگاه ستمگران ناپدید شود، منتظر فرج باشید». [۵].

۱۹۰- «الامام بعدی

الحسن ابنی، و بعد الحسن ابنه القائم الذی یملأ الأرض قسطا و عدلا کما ملئت جورا و ظلما».

- «امام بعد از من پسرم حسن (علیه السلام) است، و بعد از او پسرش «قائم» است که روی زمین را پر از عدل و داد کند، آنچنان که پر از جور و ستم شده باشد». [۶].

۱۹۱- «پس از شهادت امام جواد (علیه السلام) شیعیان نامه ای به خدمت امام هادی (علیه السلام) نوشتند و در مورد امر امامت سوال کردند، در پاسخ نوشت:

- «الامرلی مادمت حیا، فاذا نزلت بی مقادیر الله تبارک و تعالی اتاکم الخلف منی، فأنی لکم بالخلف من بعد الخلف».

- «تا من زنده هستم مربوط به من می باشد، چون مقدرات الهی در حق من جاری شد، جانشین من برای شما معین خواهد بود، ولی کجاست جانشین بعد از او؟!». [۷].

[صفحه ۲۳۵]

۱۹۲- «صاحب هذا الامر من یقول الناس: لم یولد بعد».

- «صاحب این امر کسی است که مردم می گویند: هنوز چشم به دنیا نگشوده است». [۸].

به طوری که قبلا توضیح دادیم، منظور از «مردم» در این موارد، برادران اهل سنت و جماعت هستند که از سرچشمه ی زلال ولایت محروم مانده اند.

۱۹۳- «اذا رفع علمکم من بین اظهرکم، فتوقعوا الفرج من تحت ارجلکم».

- «هنگامی که نشانه ی شما از میان شما برود، منتظر فرج باشید از زیر پای خود». [۹].

علامه ی مجلسی در توضیح این حدیث فرموده اند: مراد از «علم» امام معصوم است که حجت خدا و آیت خداست و نشانه ایست که مردم به وسیله ی آن از شاهراه هدایت گم نمی شوند. و منظور از زیر پا، نزدیکی آن است،

یعنی اگر امام از میان شما برود و از دیدگان شما غائب باشد، دیگر میان شما و فرج فاصله ای نمانده است، دیگر فرج زیر پا افتاده است. آری برای خداوند بسیار نزدیک و آسان است ولی برای دیدگان نگران ما که هر لحظه اش یک سال می گذرد بسیار سخت و دور است. از خداوند توانا می خواهیم که در فرج آن مهر تابان تعجیل فرماید.

۱۹۴- «لو لا من یبقی بعد غیبه قائمکم من العلماء الداعین الیه، و الدالین علیه، والذابین عن دینه بحجج الله، و المنقذین للضعفاء من عبادالله من شباک ابلیس و مردته، لما بقی احد الا ارتد عن دین الله. و لکنهم یمسکون ازمه قلوب ضعفاء الشیعه، کما

[صفحه ۲۳۶]

یمسک صاحب السفینه سکانها. اولئک هم الأفضلون عند الله عزوجل».

- «در زمان غیبت قائم شما، اگر نبود این دانشمندانی که مردم را به سوی او دعوت می کنند، و به طرف او رهنمون می شوند، و با دلائل و براهین الهی از آئین او دفاع می کنند، و از دست بندگان مستضعف می گیرند و آنها را از دامهای شیطان نجات می دهند، همه ی مردم از دین بیرون می رفتند و به ارتداد می گرائیدند. ولی این رجال دین هستند که رشته ی دلهای ضعفای شیعه را می گیرند، آن چنانکه ناخدای کشتی سکان کشتی را می گیرد. آنهایند که در نزد خدای عزوجل از هر طبقه ای برترند». [۱۰].

۱۹۵- «هو الذی یجمع الکلم و یتم النعم، و یحق الله به الحق و یزهق الباطل، و هو مهدیکم المنتظر».

- «اوست که کلمه ی امت را یک جا جمع می کند (وحدت کلمه

ایجاد می کنـد) و نعمتهای الهی را کامل می گرداند. و خداوند به وسـیله ی او حق را پا بر جا و باطل را نابود می سازد. هم او مهدی منتظر (سلام الله علیه) است». [۱۱].

به امیـد روزی که پرچم حق در سرتاسـر گیـتی به اهـتزاز در آیـد و همه ی امت اسـلامی بـا «وحـدت کلمه» به سوی «کلمه ی توحید» بشتابند و حق در سراسر جهان استوار گردد و باطل از میان مردم رخت بربندد.

[صفحه ۲۳۹]

پاورقی

[۱] یوم الخلاص، ص ۴۰۴.

[۲] کمال الدین، ص ۳۸۰ و اعلام الوری، ص ۴۱۰.

[۳] بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۱۵۸ و ارشاد مفید ص ۳۴۹.

[۴] اعلام الوری، ص ۴۱۱، کفایه الاثر، ص ۲۸۵.

[۵] اثباه الهداه، ج ۳ ص ۴۷۹. و کمال الدین، ص ۳۸۰.

[۶] کفایه الاثر، ص ۲۸۸ و اعلام الوری، ص ۴۱۱.

[۷] اعلام الوری، ص ۴۱۱.

[۸] بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۱۵۹ و اثباه الهداه، ج ۳ ص ۴۷۹.

[۹] کمال الدین، ص ۳۸۱ و بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۱۵۹.

[۱۰] محجه البیضاء، ج ۱ ص ۳۲.

[۱۱] یوم الخلاص، ص ۴۰۴.

مهدی از دیدگاه امام حسن عسکری علیهما السلام

«زعموا انهم یریدون قتلی لیقطعوا نسلی، وقد کذب الله قولهم، و الحمدلله».

«پنداشته اند که می توانند مرا بکشند و نسل مرا منقطع سازند، خدا را سپاس، که سخن آنها را دروغ درآورد».

(امام حسن عسکری علیه السلام) [۱].

در عهـد امام حسن عسـکری علیه السـلام محـدودیتها بیشتر و دائره ها تنگتر شـد، زیرا بر همه ی جاسوسان رژیم مسـلم بود که کسـی که در آخر الزمان ظهور کرده، کاخهای سـتمگران را بر سـرشان فرو خواهـد ریخت فرزند بلافصل امام حسن عسـکری علیه السلام است، از این رهگذر جاسوسهای زن هر روز به حرم

سرای خاندان امامت وارد می شدند و همسران حضرت امام حسن عسکری علیه السلام را مورد بازدید قرار می دادند، رفت و آمدها بسیار محدود و زیر نظر بود، از این رهگذر شیعیان کمتر می توانستند با امام حسن عسکری علیه السلام ملاقات کنند. این از یک سو، از سوی دیگر امام حسن عسکری علیه السلام برای آماده ساختن افکار شیعیان به دوران غیبت، کمتر

[صفحه ۲۴۰]

برای آنها ظاهر می شد و غالبا از پشت پرده و احیانا به وسیله ی نامه، به پرسشهای آنها پاسخ می داد، تا شیعیان با غیبت امام علیه السلام انس بگیرند و هنگامی که غیبت فرا رسید برای آنها قابل تحمل باشد. و هنگامی که خورشید تابان و قبله ی خوبان تولد یافت، خاندان امامت دو مسئولیت بسیار مهم و خطرناک به عهده داشت: از یک طرف می بایست خبر ولادت نوزاد را در سرتاسر جهان تشیع پخش کنند، تا بعد از رحلت امام حسن عسکری (علیه السلام) هیچ یک از شیعیان خالص در ولادت آن حضرت دچار شک و تردید نشود، از دیگر سو می بایست ولادت مولود مسعود را به قدری پوشیده بدارند که حتی عموی امام ارواحنا فداه نیز از آن مطلع نباشد. و هر دو وظیفه را به بهترین وجهی انجام دادند، تا اقصی نقاط جهان نامه نوشته، خبر میلاد مسعود را نوید دادند و در حومه ی سامرا هر کجا شیعه ی خالصی بود که می توانست رازدار باشد عقیقه ی مولود مسعود برایشان فرستاده شد، ولی این همه مکاتبه و مراسله و نقل و انتقال به قدری هشیارانه و محتاطانه انجام یافت که هرگز

هیچ کدام از جاسوسان رژیم از این خبر سرنخی پیدا نکرد، حتی جعفر (عموی امام زمان ارواحنا فداه) نیز تا روز رحلت امام حسن عسکری علیه السلام از تولد مولود مسعود مطلع نبود. و اینک قسمتی از احادیث وارده از امام حسن عسکری، و فرازهایی از نامه های آن حضرت را در این بخش می آوریم:

۱۹۶- «ابو هاشم جعفری می گوید: خدمت امام حسن عسکری علیه السلام عرض کردم: جلالت شما مانع می شود از اینکه پرسش خود را بی پرده مطرح کنم، آیا اجازه می فرمایید، سوالی از خدمت شما بکنم؟ فرمود: بپرس. عرض کردم: سرور من! آیا برای شما فرزندی هست؟ فرمود: آری. گفتم: اگر برای شما حادثه ای پیش آید کجا از وی پرس و جو کنم؟ فرمود: در مدینه». [۲].

[صفحه ۲۴۱]

۱۹۷- «احمد بن اسحاق می گوید: به خدمت امام حسن عسکری علیه السلام وارد شدم، در نظر داشتم که در مورد جانشین آن حضرت سوال کنم، امام علیه السلام خود ابتدءاً فرمود:

- «ای احمد بن اسحاق! خدای تبارک و تعالی، از روزی که حضرت آدم را آفریده، لحظه ای روی زمین را خالی از حجت نگذاشته، و تا روز قیام قیامت هرگز بندگان خودش را بی حجت نخواهد گذاشت. خداوند به برکت حجت خود بلاها را از اهل زمین دفع می کند و به سبب او باران را فرو می فرستد و به خاطر او برکات زمین را خارج می کند».

پرسیدم: ای فرزند پیامبر! امام و جانشین بعد از شما کیست؟ امام (علیه السلام) از جای برخاست و شتابزده وارد خانه شد و چون بازگشت کودک سه ساله ای بر دوش

خود داشت که صورتش همچون ماه چهارده شبه می درخشید. آنگاه خطاب به من فرمود:

- «یا احمد بن اسحاق لو لا- کرامتک علی الله عزوجل و علی حججه ما عرضت علیك ابنی هذا. انه سمی رسول الله و کنیه، الذی یملأ الأرض قسطا و عدلا کما ملئت جورا و ظلما».

- «ای احمد بن اسحاق، اگر نبود اینکه تو در پیش خدا و حجتهای او عزیز هستی، این پسرم را بر تو عرضه نمی کردم. او همنام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و هم کنیه ی آن حضرت است. هم اوست که زمین را پر از عدل و داد کند، آن سان که پر از جور و ستم شده باشد».

سپس فرمود:

- «ای احمد بن اسحاق! مثل او در این امت مثل حضرت خضر (علیه السلام) و ذوالقرنین است، آنچنان از دیده ها غائب می شود که کسی در آن دوران از هلاکت رهایی نمی یابد، جز کسی که خداوند بر اعتقاد به امامت او ثابت و استوار نگهدارد و او را به دعا برای تعجیل فرج او موفق گرداند».

[صفحه ۲۴۲]

احمد بن اسحاق می گوید: عرض کردم: سرورم! آیا نشانه ی دیگری نیز هست که دلم آرام بگیرد؟ آقازاده ی بزرگوار با زبان روشن و فصیح فرمود:

- «انا بقیه الله فی ارضه، و المنتقم من اعدائه. فلا تطلب اثرا بعد عین، یا احمد بن اسحاق!».

- «من یکتا بازمانده از حجتهای خدا در روی زمین هستم. من دست انتقام خدا از دشمنان او هستم. ای احمد بن اسحاق! پس از رویت دیگر نشان نپرس». [۳].

۱۹۸- «احمد بن اسحاق می گوید: فردای آن روز به

خدمت امام حسن عسکری علیه السلام شرفیاب شدم و عرض کردم: ای فرزند پیامبر! از این همه منت که بر گردن من نهادی بسیار مسرور هستم، آیا سنت جاری از خضر و ذو القرنین در مورد آقا زاده ی بزرگوار چیست؟ فرمود:

- «طول الغیبه یا احمد».

- «طولانی شدن غیبت او، ای احمد».

گفتم: ای پسر پیامبر! آیا غیبت او خیلی طول می کشد؟ فرمود:

- «ای وربی، حتی یرجع عن هذا الامر. اکثر القائلین به، و لا یبقی الا من اخذ اله عزوجل عهده لولایتنا، و کتب فی قلبه الایمان، و ایده بروح منه».

- «آری، قسم به پروردگارم، به قدری طول می کشد که بیشتر معتقدان به آن، از اعتقاد خود برمی گردند. و بر اعتقاد خود استوار نمی ماند به جز کسی که خداوند تبارک و تعالی از او برای ولایت ما پیمان گرفته، در دلش ایمان را نوشته، و او را با روحی از خود تأیید کرده باشد».

- «یا احمد بن اسحاق! هذا امر من امر الله، و سر من اسرار الله، و غیب من غیب الله. فخذ ما آتیتک و اکتمه و کن من الشاکرین، تکن معنا غدا فی علیین».

- «ای احمد بن اسحاق! این امری از امرهای خدا، و سری از

[صفحه ۲۴۳]

اسرار خدا، و رازی از رازهای خداست آنچه به تو گفتم گوش فرا دار و آن را مکتوم نگهدار و از سپاسگزاران باش، تا فردای قیامت در درجات عالی بهشت با ما باشی». [۴].

۱۹۹- «یعقوب بن منقوش می گوید: به خدمت امام حسن عسکری علیه السلام شرفیاب شدم، روی سکویی در کنار دودمان امامت نشسته بود، در دست راست آن حضرت اطاقی

بود که پرده ای بر آن آویخته بود. عرض کردم: ای سرور من! صاحب این امر کیست؟ فرمود: پرده را کنار بزن. پرده را کنار زدم کودک پنج ساله ای دیدم که هشت، ده ساله می نمود، با پیشانی باز، صورتی سپید و زیبا، دیدگانی جاذب و گیرا، شانه هایی فراخ و رانهایی چاق، که در طرف راست صورت مبارکش خال و بر سر مبارکش گیسوهایی داشت. آمد و روی زانوی امام علیه السلام نشست. امام حسن عسکری علیه السلام به من فرمود: «این است صاحب شما». آنگاه به آقا زاده ی گرامی فرمود: «پسر جان، وارد خانه شو، تا روز وقت معلوم». آقا زاده ی بزرگوار جلو دیدگان من وارد خانه شد، آنگاه امام علیه السلام به من فرمود: «ای یعقوب! ببین درخانه کیست؟». وارد خانه شدم کسی را نیافتم». [۵].

۲۰۰- «زعموا انهم یریدون قتلی، لیقطعوا نسلی، و قد کذب الله قولهم و الحمدلله».

- «پنداشته اند که مرا می توانند بکشند تا نسل مرا قطع کنند، ولی الحمدلله که خداوند گفتار آنها را دروغ درآورد». [۶].

۲۰۱- «محمد بن علی بن بلال می گوید: از امام حسن عسکری علیه السلام دو سال پیش از وفاتش به من نامه ای رسید که در آن از جانشین

[صفحه ۲۴۴]

خود سخن گفته بود. یک بار دیگر، سه روز پیش از وفاتش نامه ای از آن حضرت به دستم رسید که در آن نیز از جانشین خود گفتگو کرده بود». [۷].

۲۰۲- «امام حسن عسکری علیه السلام کنیزی داشت، چون حامله شد، امام علیه السلام به او فرمود:

- «ستحملین ذکرا، اسمه محمد و هو القائم من بعدی».

- «به زودی پسری به

دنیا می آوری که نام او «م. ح. م. د» است، و او بعد از من قائم به امر است». [۸].

۲۰۳- «کانی بکم و قد اختلفتم بعدی بالخلف، ما ان المقر بالأئمه بعد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم المنکر لولدی، کمن اقر بنبوه جمیع انبیاء الله و رسله، و انکر نبوه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و المنکر لرسول الله صلی الله علیه و آله و سلم کمن انکر جمیع انبیاء الله، لأن الطاعه، آخرنا کطاعه اولنا، و المنکر لآخرنا کالمنکر لأولنا. اما لودی غیبه یرتاب فیها الناس، الا من عصمه الله عزوجل».

- «گویی با چشم خود می بینم که بعد از من در مورد جانشین من دچار اختلاف شده اید. آگاه باشید، آن کسی که به همه ی امامان بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم معتقد باشد ولی منکر پسر من باشد، همانند کسی است که به رسالت همه ی پیامبران معتقد باشد ولی نبوت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را انکار کند. کسی که نبوت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را انکار کند، همانند کسی است که همه ی پیامبران الهی را انکار کند. زیرا اطاعت آخر ما چون اطاعت اول ماست، کسی که منکر آخر ما باشد، اول ما را نیز انکار کرده است. آگاه باشید که برای

[صفحه ۲۴۵]

فرزند من غیبتی هست که مردم در آن به تردید می افتند، به جز کسی که خداوند او را نگه دارد.» [۹].

۲۰۴- «عثمان بن سعید، اولین نائب امام زمان ارواحنا فداه می گوید:

در محضر امام حسن عسکری علیه السلام بودم، از آن حضرت در مورد حدیثی که از پدران بزرگوارش رسیده، سوال کردند، که فرموده اند: «زمین هرگز خالی از حجت نخواهد بود، و هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلی از دنیا رفته است. گفته شد: امام و حجت بعد از شما کیست؟ فرمود:

- «ابنی محمد هو الامام و الحجه بعدی، من مات و لم یعرفه، مات میته جاهلیه، اما ان له غیبه یحار فیها الجاهلون، و یهلك فیها المبطلون، و یکذب فیها الوقاتون، ثم یخرج، فکأنی انظر الی الأعلام البیض تخفق فوق رأسه بنجف الکوفه».

- «پسرم (م. ح. م. د) بعد از من امام و حجت است. هر کس بمیرد و او را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است. برای او غیبتی است که جاهلان در آن سرگردان می شوند و باطلان در آن هلاک می گردند و وقت تعیین کنندگان دروغگو درمی آیند. آنگاه او خارج می شود، گویی با چشم خود می بینم که پرچمهای سفید بالای سر او در نجف کوفه به اهتزاز در آمده اند». [۱۰].

۲۰۵- «احمد بن اسحاق می گوید از امام حسن عسکری علیه السلام در مورد صاحب الأمر ارواحنا فداه پرسیدم، با دست خود اشاره کرد که او زنده و تندرست است». [۱۱].

[صفحه ۲۴۶]

۲۰۶- «ابو غانم می گوید: از امام حسن عسکری علیه السلام شنیدم که فرمود: در سال ۲۶۰ شیعیانم پراکنده می شوند».

- «در سال ۲۶۰ حضرت امام حسن عسکری علیه السلام دیده از جهان برتافت و شیعیان دچار اختلاف شدند، برخی از آنها به جعفر گرائیدند، برخی سرگردان شدند، برخی به تردید

افتادند، برخی همچنان سرگردان ماندند، و برخی با توفیق خداوند سبحان بر ایمان خود استوار ماندند». [۱۲].

۲۰۷- «جعفر بن محمد مکفوف، از عمرو هوازی نقل می کند که گفت: امام حسن عسکری علیه السلام فرزند بزرگوارش را به من نشان داد و فرمود: او صاحب شماست،بعد از من». [۱۳].

۲۰۸- «هنگامی که زبیری کشته شد، از امام حسن عسکری علیه السلام نامه ای صادر شد که در آن مرقوم فرموده بود:

- «هذا جزأ من اجترء علی الله فی اولیائه، زعم انه یقتلنی و لیس لی ولد، فکیف رای قدره الله فیه».

- «این است سزای کسی که بر خداوند تبارك و تعالی در مورد دوستانش جسور باشد. او می پنداشت که مرا می کشد و برای من فرزندی نمی ماند. قدرت خدا را در حق خود چگونه یافت؟»!.

احمد بن محمد بن عبدالله (راوی حدیث) سپس می افزاید که: برای آن حضرت پسری به دنیا آمد که نامش را همان نام رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم قرار دادند و آن در سال ۲۵۵ بود». [۱۴].

علامه ی مجلسی در «مراه العقول» می فرماید: منظور از «زبیری» در این حدیث یکی از ستمکاران آن روز است که از اولاد زبیر بود و امام حسن

[صفحه ۲۴۷]

عسکری علیه السلام را به قتل تهدید کرده بود و خود به سزای عمل خویش رسید.

۲۰۹- «امام حسن عسکری علیه السلام در شب نیمه ی شعبان به عمه ی گرامی اش «حکیمه» فرمود:

- «ان الله سیظهر فی هذه اللیله الحجه، و هو حجته فی ارضه».

- «خداوند همین امشب حجت خود را پدید خواهد آورد، او حجت خدا در روی زمین است». [۱۵].

۲۱۰-

«عیسی بن صبیح می گوید: من در زندان بودم که امام حسن عسکری علیه السلام وارد زندان شد، من از قبل آنحضرت را می شناختم، به من فرمود: «سن تو الان ۶۵ سال و ۳۲ روز است». من کتاب دعائی همراه داشتم که در آن تاریخ تولدم نوشته شده بود، به آن نگاه کردم و دیدم درست همانطور است که آقا فرموده است. سپس فرمود: آیا فرزند داری؟ گفتم: نه. دست بر دعا برافراشت و گفت: بار الها! به او فرزندی عطا کن، که یاور او باشد. که فرزند چه یاور خوبی است». آنگاه به این بیت تمثل فرمود:

من کان ذاعضد یدرک ظلامته

ان الذلیل الذی لیست له عضد

-هر کس صاحب بازویی (یاوری) باشد، انتقامش گرفته می شود.

- آدم زبون کسی است که یار و یاوری (بازوئی) ندارد.

پرسیدم: آیا شما فرزندی دارید؟ فرمود:

- «ای والله، سیکون لی ولد یملأ الأرض قسطا، فاما الان فلا».

- «آری سوگند به خدا، برای من فرزندی خواهد بود که روی زمین را پر از عدالت خواهد نمود. ولی در حال حاضر فرزندی ندارم». سپس به این دو بیت تمثل جست:

[صفحه ۲۴۸]

لعلک یوما ان ترانی کانما

بنی حوالی الاسود اللوابد

فان تمیما قبل ان یلد الحصا

اقام زمانا و هو فی الناس واحد

- شاید روزی مرا ببینی که فرزندانم چون شیرهای ژیانی که یالشان روی هم ریخته است در اطراف من گرد آمده اند.

- چنانکه تمیم نیز مدتها پیش از آنکه همچون ریگهای صحرا زاد و ولد کند، تنها می زیست». [۱۶].

۲۱۱- «محمد بن عثمان عمروی (دومین نائب خاص) می فرماید: ما چهل نفر در منزل امام حسن عسکری علیه السلام گرد آمده بودیم،

که فرزند بزرگوارش را به ما نشان داد و فرمود:

- «هذا امامکم من بعدی و خلیفتی علیکم، فاتبعوه و اطیعوه، و لا تتفرقوا فتهلکوا فی ادیانکم اما انکم لا ترونه بعد یومکم هذا».

- «او امام شماست بعد از من، جانشین من است در میان شما. از او پیروی کنید و از اوامرش اطاعت کنید. پراکنده نشوید که در دین خود هلاک می شوید. شما بعد از امروز دیگر او را نخواهید دید».

«محمد بن عثمان می گوید: از خانه ی امام عسکری علیه السلام بیرون آمدیم، چند روزی نگذشت که امام حسن عسکری علیه السلام دیده از جهان برتافت». [۱۷].

۲۱۲- «ابوغانم، خادم امام حسن عسکری علیه السلام می گوید: برای امام حسن عسکری علیه السلام فرزندی متولد شد، او را (م. ح. م. د) نام نهادند. روز سوم تولد او را بر اصحابش نشان داد و فرمود:

- «هذا صاحبکم من بعدی، و خلیفتی علیکم، و هو القائم الذی تمتد الیه الاعناق بالانتظار، و اذا امتلأت الأرض جورا و ظلما خرج فملأها قسطا و عدلا».

[صفحه ۲۴۹]

- «او صاحب شماست بعد از من، و جانشین من است در میان شما. او همان قائم است که گردنها در انتظار او کشیده می شود. چون زمین را بی عدالتی فرا گرفت، او ظاهر می شود و روی زمین را پر از عدل و داد می کند». [۱۸].

۲۱۳- «احمد بن اسحاق می گوید: از امام حسن عسکری علیه السلام شنیدم که می فرمود:

- «الحمدلله الذی لم یخرجنی من الدنیا حتی ارانی الخلف من بعدی، اشبه الناس برسول الله خلقا و خلقا، یحفظه الله تبارک و تعالی فی غیبته و یظهره، فیملأ

الأرض قسطا و عدلا، کما ملئت جورا و ظلما».

- «سپاس و ستایش خداوندی را که مرا از دنیا بیرون نبرد تا امام بعد از خودم را دیدم. شبیه ترین مردمان است به رسول اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) از نظر خلقت و اخلاق. خدای تبارک و تعالی او را در زمان غیبتش حفظ می کند، سپس او را ظاهر می کند و زمین را پر از عدل و داد می کند آن چنان که پر از جور و ستم شده باشد». [۱۹].

۲۱۴- «هنگامی که حضرت بقیه الله ارواحنا فداه متولد شد، امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: کسی را به سوی «ابو عمرو» بفرستید. هنگامیکه (عثمان بن سعید) به خدمت آقا رسید، فرمود:

- «اشتر عشره الاف رطل خزا و عشره الاف رطل لحما، و فرقه و احسبه علی بنی هاشم، وعق عنه بکذا و کذا شاه».

-«۱۰۰۰۰ رطل نان بخر، و ۱۰۰۰۰ رطل گوشت بخر، و آنها را در میان بنی هاشم تقسیم کن و انعام کن، و این مقدار گوسفند تهیه کرده، عقیقه ی او قرار بده». [۲۰].

[صفحه ۲۵۰]

۲۱۵- «محمد بن ابراهیم کوفی می گوید: امام حسن عسکری علیه السلام افرادی با نام مشخص کرد و برای هر یک از آنها گوسفند ذبح شده ای فرستاد و فرمود:

- «هذه من عقیقه ابنی محمد».

- «این از عقیقه ی پسرم: (م. ح. م. د) می باشد». [۲۱].

۲۱۶- «قد وضع بنو امیه و بنو العباس سیوفهم لعلتین: احدهما انهم کانوا یعلمون لیس لهم فی الخلافه حق، فیخافون من ادعائنا ایاها و تستقر فی مرکزها، و ثانیهما انهم قد وقفوا من الأخبار المتواتره علی ان زوال

ملک الجبابره و الظلمه علی ید القائم منا، و کانوا لا یشکون انهم من الجباره و الظلمه، فسعوا فی قتل اهل بیت رسول الله و اباده نسله طمعا منهم فی الوصول الی منع تولد القائم او قتله، فابی الله ان یکشف امره لواحد منهم الا ان یتم نوره، و لو کره المشرکون».

- «بنی امیه و بنی عباس به دو سبب شمشیرهای خود را به جانب ما متوجه ساختند:

یکی اینکه آنها می دانستند که در خلاف هیچ حقی ندارند، از این رو می ترسیدند که ما آن را ادعا کنیم و حق ما به ما برگردد و خلافت در مرکز خود استقرار پیدا کند.

دیگر اینکه آنها از روایات متواتر به دست آورده بودند که از بین رفتن سلطنت ستمگران و جنایتکاران به دست قائم ما (علیه السلام) خواهد بود، و تردیدی نداشتند که خودشان ستمگر هستند. از این رهگذر تلاش وسیعی می کردند که اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را از دم شمشیر بگذرانند، و نسل آن حضرت را از روی زمین نابود سازند، به این امید که دیگر قائم (ارواحنا فداه) دیده به جهان نگشاید، یا به دست آنها کشته

[صفحه ۲۵۱]

شود. ولی خداوند اراده کرده بود که امر قائم (ارواحنا فداه) را به احدی آشکار نسازد، تا نور خود را به پایان برساند، اگرچه مشرکان نخواهد». [۲۲].

۲۱۷- «امام حسن عسکری علیه السلام در نامه ای به احمد بن اسحاق می نویسد:

- «ولد المولود، فلیکن عندک مستورا، و عن جمیع الناس مکتوما فانا لم تظهره الا للاقترب لقرابته، و الموالی لولایته، احببنا اعلامک لیسرک الله، کما سرنا، والسلام».

- «مولود به دنیا

آمـد، این خبر در پیش تو پوشـیده باشـد، و از همه ی مردم مخفی باشـد، ما این خبر را به کسـی نگفتیم، مگر برای نزدیکترین خویشـان برای حقوق خویشاونـدی، و نزدیکترین دوسـتان برای حق ولایت، دوست داشتیم به شـما نیز اطلاع دهیم، تا خـداوند شما را با این مژده خوشحال کند، چنانکه ما را خوشحال نموده است. والسلام». [۲۳].

۲۱۸- «حکیمه خاتون می فرماید: روز بعد به محضر امام حسن عسـکری علیه السـلام رسیدم که به آن حضرت سلام گفته، از مولود مسعود پرس و جو کنم. از روی گهواره ی نوزاد پرده را کنار زدم، گهواره خالی یافتم. به امام علیه السلام عرض کردم: سید و سرورم چه شده؟! فرمود:

- «یا عمه! استودعناه الذی استودعت ام موسی».

- «عمه جان! او را به خداوندی سپردیم که مادر موسی (علیه السلام) فرزندش را به او سپرد».

روز هفتم ولادت آن سـرور به محضـر امـام علیه السـلام رسـیدم، سـلام کردم و نشسـتم. فرمـود: پسـرم را بیاوریـد. آقـازاده را آوردنـد، در حـالی که به یـک پـارچه ی زرد رنگی پیچیـده بودنـد. امام علیه السـلام زبان مبارکش را در دهان آقا زاده نهاد، گویی به او شیر و عسل تغذیه می کرد، سپس فرمود:

[صفحه ۲۵۲]

پسر جان! سخن بگوی! آقا زاده ی گرامی سخن آغاز کرد و چنین گفت:

- «اشهد ان لا اله الا الله...».

- «به یکتایی خداونـد و رسالت جـد بزرگوارش و امامت پدران بزرگوارش، یکی پس از دیگری گواهی داد تا به پدر گرامی اش رسید. و آنگاه گفت:

- «بسم الله الرحمن الرحیم، و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الأرض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین و نمکن

لهم فی الأرض و نری فرعون و هامان و جنودهما منهم ما کانوا یحذرون».

- «به نام خداونـد بخشایشـگر بخشاینـده، و اراده کرده ایم که بر آنانکه در روی زمین به ضـعف کشـیده شده اند، منت نهاده، آنـان را پیشوایـان و وارثـان قرار داده، آنان را صاحب اختیار زمین قرار دهیم، به فرعون و هامان و سـپاهیان آنها آنچه را که از آن وحشت داشتند، بنمائیم». [۲۴].

۲۱۹- «اسـماعیل بن علی نوبختی می گوید: در آخرین روزهای زندگی امام حسن عسـکری علیه السلام به محضر آن حضرت مشـرف شـدم، آقا زاده ی گرامی، پدر بزرگوارش را کمک می کرد، تا وضو بگیرد، چون در اثر بیماری (مسـموم بودن) خود قدرت نداشت. آقا زاده ی گرامی بر سر مبارک و پاهای شریف آقا، مسح کرد چون کار وضو به پایان رسید، امام علیه السلام خطاب به نور دیده ی گرامی فرمود:

- «ابشـر یا بنی! فانت صاحب الزمان، و انت المهدی، و انت حجه الله فی ارضه، و انت ولدی و وصیی، و انا ولدتک، و انت «م. ح. م. د» بن الحسین بن علی بن محمـد بن علی بن جعفر بن محمـد بن علی بن الحسـین بن علی بن ابی طالب، علیهم السـلام. ولـدک رسول الله صـلی الله علیه و آله و سـلم و انت خاتم الأوصـیاء الأئمه الطاهرین، و بشـر بک رسول الله و سـماک و کناک بذلک عهد الی ابی عن آبائک الطاهرین».

[صفحه ۲۵۳]

- «مژده بـاد فرزنـدم! که تو «صـاحب الزمـان» هسـتی، تو «مهـدی» هستی، تو «حجت خـدا در روی زمین» هستی، تو پسـر من و جانشین من هستی، من ترا آوردم. تو «م. ح. م.

د» پس حسن، پسر علی، پسر محمد، پسر علی، پسر موسی، پسر جعفر، پسر محمد، پسر علی، پسر حسین، پسر علی، پسر ابوطالب (که درود خدا بر همه شان باد) هستی. تو پسر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هستی، تو آخرین وصی، از امامان طیب و طاهر هستی، رسول گرامی (صلی الله علیه و اله و سلم) برای تو بشارت داده، هم او نام و کنیه ات را بیان فرموده، و آن را توسط یکایک پدرانت با پدرم پیمان بسته است».

«اسماعیل نوبختی می گوید: چون سخنان امام حسن عسکری علیه السلام پایان یافت، در همان ساعت،،جان به جان آفرین تسلیم کرد». [۲۵].

۲۲۰-«ابراهیم بن مهزیار، یکی از نیکبختانی است که در غیبت صغری به زیارت کعبه ی مقصود و قبله ی موعود، نائل آمده است. وی در این تشرف فرازی از وصیتهای امام حسن عسکری علیه السلام را به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه از زبان خود آقا نقل کرده است، که با نقل متن آن، این بخش را حسن ختام می بخشیم:

- «اعلم یا ابا اسحاق! انه قال صلوات الله علیه: یا بنی! ان الله جل ثناءه لم یکن لیخلی اطباق ارضه، و اهل الجد فی طاعته و عبادته، بلا حجه یستعلی بها و امام یوتم به، و یقتدی بسبل سنته و منهاج قصده».

- «ای ابو اسحاق! بدان که پدرم صلوات الله علیه به من فرمود:

- «پسر جان!، خدای تبارک و تعالی هرگز اقطار زمین و تلاشگران در عبادت و اطاعت را بدون حجتی نمی گذارد که دانش و ایمان

[صفحه ۲۵۴]

آنها را بالا ببرد، و بدون امامی که به اقتدا کنند

و بدون پیشوایی که راه را به آنها نشان دهد».

- «و ارجو یا بنی ان تکون احد من اعده الله لنشر الحق و طی الباطل، و اعلاء الدین، واطفاء الضلال فعلیک یا بنی بلزوم خوافی الارض و تتبع اقاصیها، فان لکل ولی من اولیاء الله عزوجل عدوا مقارعا، و ضدا منازعا، افتراضا لمجاهده اهل یفاقه و خلافه، اولی الالحاد و العناد، فلا یوحشنک ذلک».

- «امیدوارم که فرزندم! تو از کسانی باشی که خداوند آنها را برای نشر حق و بر چیدن اساس باطل، اعلای دین و خاموش کردن شعله های باطل، آماده ساخته است».

- «ای فرزند! بر تو باد جاهای پنهان و دور دست، که همواره در جاهای دور دست و پنهان زندگی کن، که هر یک از دوستان خدا، دشمنی خطرناک، ملحدان و منکران است، که این امر موجب وحشت تو نباشد».

- «واعلم ان قلوب اهل الطاعه و الاخلاص، نزع الیک مثل الطیر اذا امت اوکارها، و هم معشر یطلعون بمخائل الذله و الاستکانه، و هم عندالله بره اعزاء یبرزون بأنفس مختله محتاجه، و هم اهل القناعه و الاعتصام. استنبطوا الدین فوازروه علی مجاهده الأضداد، خصهم الله باحتمال الضیم، لیشملهم باتساع العز فی دار القرار، وجبلهم علی خلائق الصبر، لتکون لهم العاقبه الحسنی، و کرامه حسن العقبی».

- «پسرم! دلهای مردم دیندار و با اخلاص، مانند پرندگانی که شیفته ی آشیانه ی خویش باشند، مشتاق لقای تو هستند. آنها در میان مردم با خواری زندگی می کنند ولی در پیشگاه خداوند عزیز و محبوب هستند. آنها خود را بیچاره و بی نقش نشان می دهند ولی اهل قناعت و خویشتن داری هستند. آنها دین خود

را به وسیله ی مبارزه با ضد دین، کامل نگه می دارند.

[صفحه ۲۵۵]

خداوند آنها را با پیکار در برابر بی عدالتی امتیاز داده، تا در سرای جاویدان، مشمول عزت و بی کران خودسازی، خداوند آنها را در برابر ناملایمات شکیبا آفریده، تا حسن عاقبت در جهان سرمدی از آن آنها باشد».

- «فاقتبس یا بنی! نور الصبر علی موارد امورک، تفز بدرک الصنع فی مصادرها، و استشعر العز فیما ینو بک تحظ بما تحمد علیه انشاء الله».

- «فرزندم! در هر کاری که بر تو پیش آید از نور صبر و مقاومت کسب نور کن، تا به امدادهای غیبی نائل شوی. در هر حادثه ای بر تو روی دهد عزت و شرف را پیشه ی خود ساز، تا عاقبتی نیکو و پسندیده از آن تو باشد، انشاء الله».

- «فکأنک یا بنی بتأیید نصر الله، قد ان، و تیسیر الفلح و علو الکعب قد حان، و کأنک بالرایات الصفر، و الأعلام البیض، تخفق علی اثناء اعطافک، ما بین الحطیم و زمزم. و کأنک بترادف البیعه و تصافی الولاء یتناظم علیک تناظم الدر فی مثانی العقود، و تصافق الأکف علی جنبات الحجر الأسود».

- «فرزندم! چنان می بینم که زمان تأیید تو با امدادهای الهی نزدیک است، پیروزی و سرفرازی تو با مددهای غیبی فرا رسیده است. روزی را با چشم خود می بینم که پرچمهای زرد و سفید، در میان حطیم و زمزم (در کنار کعبه) بر فراز دوشهایت به اهتزاز در آمده، دستها برای بیعت با تو در پی یکدیگر صف کشیده، دوستان در دوستی تو صفانشان می دهند و کارها را آن چنان به نظم و اسلوب

ردیف کرده اند، که همچون دانه های درّ گرانبها، که در رشته ای قرار می گیرد، شمع وجودت را احاطه کرده اند و دستهایشان برای بیعت تو، در کنار حجرالأسود به هم می خورد».

- «تلوذ بفنائک من ملأ برأهم الله من طهاره الولاء و نفاسه التربه مقدسه قلوبهم من دنس النفاق، مهذب افئدتهم من رجس الشقاق، لینه

[صفحه ۲۵۶]

عرائکهم للدین، خشنه ضرائبهم عن العدوان، واضحه بالقبول اوجههم، نضره بالفضل عیدانهم، یدینون بدین الحق و اهله».

- «قومی به آستانه ات گرد آیند که خداوند آنها را از سرشتی پاک و ریشه ای پاکیزه و گرانبها آفریده است، دلهایشان از آلودگی نفاق و پلیدی شقاق پاکیزه است. به فرمانهای دینی خاضع و منقاد هستند، دلهایشان از کینه و عداوت پیراسته است، رخسارشان برای پذیرش حق آماده، سیمایشان با نور فضل و کمال آراسته است. آیین حق را می پرستند و از اهل حق پیروی می کنند».

- «فاذا اشتدت ارکانهم و تقومت اعمادهم، قدت بمکاثفتهم طبقات الامم، اذ تبعتک فی ضلال شجره دوحه بسقت افنان غصونها، علی حافات بحیره الطبریه، فعندها یتلألأ صبح الحق، و ینجلی ظلام الباطل، و یقصم الله بک الطغیان، و یعید الایمان، و یظهر بک اسقام الآفاق و سلام الرقان، یود الطفل فی المهد لو استطاع الیک نهوضا، و نواسط الوحوش لو تجد نحوک مجازا».

- «هنگامی که پایه های آنها محکم شد و ستون فقرات آنها نیرومند گردید، با حملات پیاپی آنها اجتماعات ملتهای جهان در هم می شکند، و آن هنگامی است، که زیر درخت پر شاخ و برگی در کنار دریاچه «طبریه» (در فلسطین) با تو بیعت کنند، آنگاه صبح حق می دمد

و تیرگی باطل رخت برمی بندد. و خدای تبارک و تعالی به دست تو کمر طاغوتها را بشکند و راه و رسم ایمان را بازگرداند، و بیماریهای دیگران و سلامتی دوستان به دست تو آشکار گردد. کودکانی که در آغوش گهواره آرمیده اند، آرزو می کنند که ای کاش می توانستند برخیزند و به سویت بشتابند. درندگان دشت و صحرا آرزو می کنند که ای کاش راهی به کویت باز می یافتند».

- «تهتز بک اطراف الدنیا بهجه، و تهز بک اغصان العز نضره، و

[صفحه ۲۵۷]

تستقر بوانی العز فی قرارها، و توب شوارد الدین الی اوکارها، یتها طل علیک سحائب الظفر، فتخنق کل عدو، و تنصر کل ولی، فلا یبقی علی وجه الأرض جبار قاسط، و لا جاحد غامط، ولا شانی مبغض، ولا معاند کاشح، و من یتوکل علی الله فهو حسبه، ان الله بالغ امره، قد جعل الله لکل شی قدرا».

- «به وسیله ی تو اقطار و اکناف جهان از کران تا کران نزهت گیرد، و هر شاخه ی شکسته و خشکیده ای سرسبز گردد، معیارهای عزت و شرف در جای اصلی خود قرار گیرد، آنانکه از شاهراه هدایت روی برتافته اند، به آئین آرام بخش خود باز گردند، از ابرهای پیروزی و سرفرازی، بارانهای نصرت و رحمت فرو بارد، و دشمنان را در دره های هلاکت غرق سازد، و دوستان را به پیروزی و سرافرازی برساند. دیگر در روی زمین از ستمگر تجاوزگر، منکر عنادگر، دشمن حیله گر، و مخالف بد سیر، اثر و نشانی باقی نباشد. که «هر کس به خداوند توکل کند، خداوند او را بس است. خداوند امر خود را به

انجام رساننده است».

آنگاه فرمود: ای ابا اسحاق! این نشست ما در پیش تو مکتوم بماند، مگر از اهل صدق و برادران دینی با صدق و صفا. هنگامی که نشانه های ظهور آشکار شود خودت و برادران ایمانی ات بی درنگ به سوی ما بیائید و همراه با دیگر کسانی که به سوی مشعل یقین می شتابند به سوی انوار درخشان مشعلهای دین بشتابند، تا به حقیقت نائل گردید، انشاء الله». [۲۶].

از خداوند منان مسئلت داریم که ما را نیز توفیق دهد تا آن روز مسعود را ببینیم و همراه دیگر نیکبختان به سوی مشعل فروزان هدایت بشتابیم، و در محضر آخرین خورشید تابان امامت، با نیروهای اهریمنی به نبردی سخت پرداخته، در تأسیس جامعه ای ایده آل، بر اساس عدالت و آزادی واقعی بکوشیم، و بر ویرانه های کاخهای ستمگران، جهانی آباد و

[صفحه ۲۵۸]

آزاد بنیاد نهاده، عرصه ی گیتی را از پلیدهای ستم و ستمگران پاکیزه نموده، پرچم توحید را در سراسر جهان به اهتزاز در آوریم. به امید آن روز.

[صفحه ۲۶۱]

پاورقی

[۱] بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۱۶۱.

[۲] ارشاد مفید، ص ۳۴۹.

[۳] کمال الدین، ص ۳۸۴ و اعلام الوری، ص ۴۱۲.

[۴] همان مدرک، ص ۳۸۵ و اثباه الهداه، ج ۳ ص ۴۸۰.

[۵] اعلام الوری، ص ۴۱۳.

[۶] بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۱۶۱.

[۷] ارشاد مفید، ص ۳۴۹.

[۸] کمال الدین، ص ۴۰۸.

[۹] اثباه الهداه، ج ۳ ص ۴۸۱.

[۱۰] اثباه الهداه، ج ۳ ص ۴۸۲.

[۱۱] بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۱۶۱.

[۱۲] کمال الدین، ص ۴۰۸.

[۱۳] ارشاد مفید، ص ۳۴۹.

[۱۴] اعلام الوری، ص ۴۱۴.

[۱۵] اثباه الهداه، ج ۳ ص ۴۸۳.

[۱۶] بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۱۶۲.

[۱۷] اعلام الوری، ص ۴۱۴.

[۱۸] اثباه الهداه، ج

۳ ص ۴۸۳.

[۱۹] اعلام الوری، ص ۲۹۱.

[۲۰] اثباه الهداه، ج ۳ ص ۴۸۴.

[۲۱] همان مدرک.

[۲۲] اربعین خاتون آبادی، ص ۵۲.

[۲۳] اثباه الهداه، ج ۳ ص ۴۸۴.

[۲۴] غیبت شیخ طوسی، ص ۱۴۲.

[۲۵] اثباه الهداه، ج ۳ ص ۵۰۹.

[۲۶] بحارالانوار، ج ۵۲ ص ۳۵.

مهدی علیه السلام از دیدگاه خویشتن

«انا خاتم الأوصیاء، وبی یدفع الله البلأ عن اهلی و شیعتی».

«من آخرین وصی هستم. خداوند به وسیله ی من بلاها را از کسان و شیعیانم دفع می کند».

(امام زمان ارواحنا فداه) [۱].

در آخرین بخش از احادیث وارده از پیشوایان معصوم علیهم السلام سیری کوتاه و گذرا در سخنان دُربار حضرت بقیه الله ارواحنا فداه داریم، تا برنامه ی جهانی و نهضت اصلاحی آن مصلح غیبی و حجت الهی را از زبان خود آن سرور بشنویم. در این بخش فرازهای کوتاهی از متن توقیعات شریفی که به خط آن یکتا رهبر و تنها پیشوا، توسط چهار نائب خاص آن حضرت، در طول غیبت صغری شرف صدور یافته است، نقل خواهیم کرد. همچنین فرازهایی کوتاه از اقوال و احادیث آن پیشوای منتظر، که نیکبختان به هنگام تشرف به پیشگاه آن مهر تابان از آن حضرت شنیده اند،

[صفحه ۲۶۲]

نقل خواهیم کرد، که بیشتر آنها در حیات امام حسن عسکری علیه السلام و در حضور آن حضرت اتفاق افتاده است:

۲۲۱- «دو تن از خدمتگزاران دودمان امت، به نامهای «نسیم» و «ماریه» می گویند: هنگامی که حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه گام در این جهان نهاد، به حالت سجده روی دو زانو افتاد و انگشت سبابه ی خود را به سوی آسمان بلند کرد و عطسه ای

نمود و چنین گفت:

- «الحمدلله رب العالمین، و صلی الله علی

محمد و آله، زعمت الظلمه ان حجه الله ذاحضه، لو اذن لنا فی الکلام لزال الشک».

- «همه ی سپاس و ستایش از آن پروردگار جهانیان است، درودهای بیکران خداوندی بر محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) و اهل بیت او باد. ستمگران پنداشته اند که حجت خداوند رو به افول است، اگر به ما به اذن سخن گفتن داده شود همه ی تردیدها از بین می رود». [۲].

۲۲۲- «نسیم، خدمتگزار دودمان امام حسن عسکری علیه السلام می گوید: یک شب بعد از ولادت حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه که به خدمت ایشان رسیدم، مرا عطسه گرفته، چون عطسه کردم، به من فرمود: «یرحمک الله» بسیار شادمان شدم، فرمود: آیا ترا مژده بدهم در مورد عطسه؟ گفتم: بفرمایید: فرمود: عطسه نوید سه روز امن از مرگ است». [۳].

۲۲۳- «طریف، خادم امام حسن عسکری علیه السلام می گوید: به خدمت مولایم صاحب الزمان ارواحنا فداه شرفیاب شدم، فرمود: چوب صندل سرخ برای من بیاور، چون آوردم، فرمود: مرا می شناسی؟ گفتم: آری فرمود من کیستم؟ گفتم: شما سرور من و فرزند سرور من هستید فرمود: منظورم این نبود. گفتم: جانم به فدای شما، منظور خود را توضیح دهید. فرمود:

[صفحه ۲۶۳]

- «انا خاتم الأوصیاء، وبی یدفع الله البلأ عن اهلی و شیعتی».

- «من آخرین وصی هستم که به وسیله ی من اوصیاء خاتمه یافته، و به وسیله ی من خداوند بلاها را از اهلبیت و شیعیانم دفع می کند». [۴].

۲۲۴- «محمد بن عثمان (دومین نائب خاص) می گوید: چون حضرت مهدی ارواحنا فداه متولد شد، نوری از بالای سرش ساطع بود و تا اعماق آسمان می

درخشید، سجده ای کرد و چون سر از سجده برداشت، فرمود:

- «شهد الله انه لا اله الا هو و الملائکه قائما بالقسط، لا اله الا هو العزیز الحکیم. ان الدین عند الله الاسلام».

- «خداوند گواه است که جز او خدایی نیست، فرشتگان نیز گواهند که او یکتا و قائم به قسط است، جز او خدایی نیست که عزیز و فرزانه است. به راستی این در نزد خدا اسلام است و بس». [۵].

۲۲۵- «حکیمه خاتون، دختر امام جواد علیه السلام و عمه ی امام حسن عسکری علیه السلام می فرماید: در شب ۱۵ شعبان ۲۵۵ هجری حضرت قائم ارواحنا فداه متولد شد، مادرش نرجس خاتون، دختر پادشاه روم بود. چون دیده به جهان گشود، این آیه از نور در پیشانی مبارکش تجلی می کرد:

- «جاء الحق و زهق الباطل، ان الباطل کان زهوقا».

- «حق آمد و باطل نابود شد که باطل به راستی نابود شدنی است». [۶].

او را به محضر امام حسن عسکری علیه السلام آوردم، دست

[صفحه ۲۶۴]

مبارکش را بر صورت مولود گرامی کشید و فرمود: ای حجت خدا، سخن بگوی. ای وارث پیامبران سخن بگوی. ای خاتم اوصیاء، ای صاحب قیام درخشان، ای مشعل فروزان از اقیانوس بیکران، سخن بگوی. ای خلیفه ی پرهیزکاران، ای نور اوصیا سخن بگوی. آنگاه مولود مسعود چنین گفت:

- «اشهد ان لا اله الا الله، و اشهد ان محمدا عبده و رسوله، و اشهد ان علیا ولی الله».

- «گواهی می دهم که معبودی جز خدای یکتا نیست. گواهی می دهم که حضرت محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) بنده و فرستاده ی اوست. و گواهی می دهم که

علی (علیه السلام) دوست و ولی اوست».

«آنگاه به یکایک امامان گواهی داد». [۷].

۲۲۶- «کامل بن ابراهیم مـدنی می گوید: مرا جمعی از مفوضه به خدمت امام حسن عسـکری علیه السـلام فرسـتادند که از آن حضـرت پرسشـهایی بنمایم، با خود اندیشیدم که هنگامی که به خدمت امام عسکری علیه السلام رسیدم چه پرسشهایی بنمایم. به خدمت امام علیه السـلام وارد شدم و کنار دربی نشسـته بودم که پرده ای آویزان بود. بادی وزید و پرده را کنار زد، کودک چهار ساله ای را دیـدم که صورتش چون ماه شب چهارده بود. تا مرا دیـد مرا چنین صـدا کرد: «ای کامل بن ابراهیم»! موی بر بدنم راست شد و بدون اراده گفتم: لبیک ای مولای من!. فرمود:

- «آمده ای، از ولی خدا بپرسی که آیا جز کسی که به عقیده ی شما نباشد وارد بهشت نخواهد شد؟!».

گفتم: آری، به خدا سوگند برای همین آمده ام. فرمود:

- «در این صورت اهل بهشت بسیار کم خواهد بود، در صورتی که قومی به نام «حقیه» وارد بهشت می شوند»!.

[صفحه ۲۶۵]

پرسیدم: آنها کیانند؟ فرمود:

- «آنها از روی محبتی که به حضـرت علی (علیه السلام) دارند، به حق او سوگند یاد می کنند، ولی به خوبی حق او را نشناخته اند و مقام والای او را درک نکرده اند»! سپس فرمود:

- «و آمده ای از گفتار «مفوضه» بپرسـی. به خدا سوگند آنها دروغ می گویند. بلکه دلهای ما ظرفهای مشـیت حضرت احدیت است، هر گاه مشیت الهیی بر چیزی قرار بگیرد، ما نیز آنرا اراده می کنیم، چنانکه خدای تبارک و تعالی می فرماید: «آنها ارده نمی کنند، جز آنچه را که

پروردگار عالمیان آن را بخواهد». [۸].

«آنگاه امام حسن عسکری علیه السلام به من فرمود: دیگر منتظر چه هستی؟ پرسشهایت را پاسخ گفت». [۹].

احادیثی که در این بخش بازگو کردیم برخی شامل سخن گفتن حضرت بقیه الله ارواحنا فداه در نخستین روزهای تولد، و برخی شامل پاسخگویی آن حضرت به مسائل دینی و عقیدتی در دوران پدر بزرگوارش، که هنوز به پنج سالگی نرسیده بود، و هر دو مطلب اگرچه برای آنان که از شاهراه هدایت به دور افتاده اند، قابل تحمل نیست، ولی برای خوانندگان این کتاب که غالبا از عاشقان مکتب ولایت و شیفتگان آن پیشوای انس و جان هستند، مشکلی وجود ندارد، ولی به عنوان رفع استبعاد به این نکته اشاره می کنیم که امام صادق علیه السلام یک قرن پیش از ولادت حضرت بقیه الله ارواحنا فداه می فرماید:

- «هیچ معجزه ای نیست که توسط یک پیامبر و یا وصی یک

پیامبر تحقق یافته باشد، جز این که خداوند همانند آن را به دست قائم ما انجام خواهد داد، تا حجت بر دشمنان تمام شود». [۱۰].

روی این بیان معجزات انبیای سلف هر چه بوده، نظیرش توسط حضرت بقیه الله ارواحنا فداه نیز باید انجام پذیرد. یکی از معجزات پیامبران، سخن گفتن آنها در گهواره بود، چنانکه قرآن کریم از حضرت عیسی علیه السلام آن را نقل کرده است. [۱۱] و یکی دیگر از معجزات آنها مبعوث شدن آنها به رسالت در کودکی است، چنانکه قرآن در مورد حضرت یحیی علیه السلام می فرماید: «حکم (نبوت) را به او در حال کودکی عطا نمودیم». [۱۲].

با توجه به اینکه بعد از پیامبر صلی الله

علیه و آله و سلم دیگر پیامبری مبعوث نخواهد شد، تحقق این معجزه در مورد حضرت بقیه الله ارواحنا فداه به صورت اعطای «حکم امامت» به آن حضرت در سن کودکی است، که امامت امتداد رسالت است. روی این بیان سخن گفتن کودک چند روزه و چند ساعته از نظر قرآن نه تنها ممکن، بلکه واقع شده، و مطابق روایت امام صادق علیه السلام باید نظیر آن به دست حضرت بقیه الله ارواحنا فداه نیز واقع شود، چنانکه واقع شده است.

۲۲۷- «حمیری می گوید: به خدمت جناب «عمری» (دومین نائب خاص) رسیدم و از او پرسیدم: آیا او را دیده ای؟ گفت: بلی. و آخرین بار در کنار خانه ی خدا دیدم که می گفت:

- «اللهم انجزلی ما وعدتنی».

[صفحه ۲۶۷]

- بار الها! آنچه به من وعده فرمودی، امضا بفرما». [۱۳].

۲۲۸- «محمد بن عثمان (دومین نائب خاص) می گوید: آن حضرت را در «باب المستجار» دیدم که از استار کعبه آویخته، عرض می کند:

- «اللهم انتقم من اعدائی».

- «بار خدایا، انتقام مرا از دشمنانم بگیر». [۱۴].

۲۲۹- «مرد صالحی که توفیق تشرف داشته می گوید: از قافله عقب ماندم و از تشنگی نزدیک به مرگ شدم، جوان خوش روی و خوش بوئی را دیدم که آبی سردتر از یخ و شیرین تر از عسل به من داد و مرا او از هلاکت نجات داد. پرسیدم:سرورم، شما کی هستید؟ فرمود:

- «انا حجه الله علی عباده، و بقیه الله فی ارضه، انا الدی املأ الأرض قسطا و عدلا، کما ملئت جورا و ظلما».

- «من حجت خدا در میان بندگان، و یکتا بازمانده در روی زمین هستم. من کسی هستم

که روی زمین را پر از عدل و داد می کنم، آنچنان که پر از جور و ستم شده است». [۱۵].

۲۳۰- «یکی دیگر از نیکبختانی که سعادت تشرف پیدا کرده، می گوید: آقا فرمودند: مرا می شناسی؟ گفتم: نه. فرمود:

- «انا القائم من آل محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) انا الذی اخرج فی آخر الزمان بهذا السیف، فأملأ الأرض عدلا و قسطا کما ملئت جورا و ظلما».

- «من قائم آل محمد (صلی الله علیه و اله و سلم)، هستم، که در آخر الزمان با همین شمشیر قیام می کنم و روی زمین را پر از عدل و داد

[صفحه ۲۶۸]

می کنم، آن سان که پر از جور و ستم شده است». [۱۶].

۲۳۱- «علی بن ابراهیم بن مهزیار، ۲۰ بار به قصد زیارت و دیدار با آقا امام زمان ارواحنا فداه به حج خانه ی خدا مشرف شده، سرانجام به کعبه ی مقصود رسیده، و به کوی معشوق راه یافته، در پایان دیدار، می پرسد: سرورم این امر کجا واقع خواهد شد؟ می فرماید:

- «اذا حیل بینکم و بین سبیل الکعبه، و اجتمع الشمس و القمر، و استدار بهما الکواکب و النجوم».

- «هنگامی که میان شما و راه خانه ی خدا مانع ایجاد شود، و خورشید و ماه یکجا شود و ستارگان و سیارات در اطراف آنها گرد آیند». [۱۷].

۲۳۲- «ازدی، در اثنای طواف، محضر کعبه ی موعود رسیده، دیده جوانی بسیار زیبا، با اندامی بسیار متناسب که عطر از وجود مقدسش ساطع است، با او سخن می گوید، عرض کرده: شما کی هستید؟ فرموده:

- «انا المهدی، و انا صاحب الزمان، و انا القائم

الـذی املأ الارض عـدلا، کما ملئت جورا، و ان الأرض لا تخلو من حجه، و لا یبقی الناس فی فتره، فهـذه امانه لا تحدث بها الا اخوانک من اهل الحق».

- «من مهدی هسـتم، من صاحب الزمان هسـتم، من آن قائم هستم که روی زمین را پر از عدالت می کنم، چنانکه با بی عدالتی پر شـده باشد. هرگز روی زمین خالی از حجت نمی ماند و مردم در فترت نمی مانند. این امانت است پیش تو، جز به برادرانت از اهل حق مگو». [۱۸].

۲۳۳- «احمد بن اسحاق، که در محضر امام حسن عسکری

[صفحه ۲۶۹]

علیه السلام، آقا زاده ی بزرگوار را دیده، از آن حضرت چنین شنیده که می فرماید:

- «انا بقیه الله فی ارضه و المنتقم من اعدائه، فلا تطلب اثرا بعد عین».

- «من بقیه الله در روی زمین، و دست انتقـام خـدا از دشـمنان اویم. تـو نیز ای احمـد بن اسـحاق، پس از دیـدن، نشـان مطلب». [۱۹].

احمد بن اسـحاق، پس از مشاهده ی آن جمال الهی، به محضـر امام حسن عسـکری علیه السلام عرض کرده: آیا نشان دیگری نمی فرمایید تا بیشتر دلم مطمئن شود؟ امام عصـر ارواحنا فداه خود سـخن گفته، و در پایان اشاره می کند که نشانه پرسـیدن تا موقعی است که به مقصود راه نباشد، پس از دیدن کعبه ی مقصود، دیگر نشانه مفهومی ندارد.

۲۳۴- «به یکی از نیکبختانی که به محضر آن حضرت شرفیاب شده، فرمود:

- «انا صاحب الحق، لیس هذا اوان ظهوری، و قد بقی مده من الزمان».

- «من صاحب حقم، ولی اکنون هنگام ظهور نیست، مدتی از زمان باقی است». او عرض می کند: امر تو کی

ظاهر می شود؟ می فرماید:

- «علامه ظهور امری کثره الهرج و المرج و الفتن، و آتی مکه فاکون فی مسجد الحرام، فیقال: انصبوا لنا اماما. و یکثر الکلام حتی یقدم رجل من الناس فینظر فی وجهی ثم یقول: یا معشر الناس «هذا المهدی» انظروا الیه».

- نشانه ی ظهور من کثرت هرج و مرج و فتنه هاست. به مکه آمده، در مسجد الحرام می مانم. گفته می شود: برای ما امامی منصب کنید. سخن

بسیار گفته می شود. مردی جلو آمده، به صورت من خیره شده، می گوید: ای مردم! این مهدی (ارواحنا فداه) است، خوب نگاه کنید». [۲۰].

۲۳۵- «در فرازی از توقیع شریفی که به خط مبارک حضرت بقیه الله ارواحنا فداه از ناحیه ی مقدسه، توسط محمد بن عثمان عمری، دومین نائب خاص، شرف صدور یافته، آده است:

- «و اما ظهور الفرج فانه الی الله عزوجل، کذب الوقاتون».

- «و اما ظهور فرج، پس آن به اراده ی خدای تبارک و تعالی است و هر کس وقت تعیین کند، دروغ گفته است». [۲۱].

و در فرازی دیگر از همان توقیع شریف آمده است:

- «و اما الحوادث الواقعه فارجعوا فیها الی رواه احادیثنا، فانهم حجتی علیکم و انا حجه الله علیهم».

- و اما در مورد رویدادها، پس در آنها به راویان حدیث ما رجوع کنید که آنها حجت من بر شمایند و من حجت خدا بر آنها». [۲۲].

و در فرازی دیگر آمده است:

- «و اما وجه الانتفاع بی فی غیبتی فکا لانتفاع بالشمس اذا غیبها عن الأبصار السحاب».

- «و اما کیفیت بهره برداری مردم از من در زمان غیبت، همانند استفاده ی آنها از خورشید است، هنگامی

که در پشت ابرها نهان باشد». [۲۳].

۲۳۶- «و در توقیع شریفی که در شعبان ۳۲۹ هجری، شش روز پیش از وفات چهارمین نائب خاص، از ناحیه ی مقدسه صادر شده و در آن خبر رحلت علی بن محمد سمری دقیقا اعلام شده، می فرماید:

[صفحه ۲۷۱]

- «و سیأتی الی شیعتی من یدعی المشاهده، الا فمن ادعی المشاهده قبل خروج السفیانی و الصیتحه فهو کذاب مفتر».

- «آگاه باشید که برخی به سوی شیعیان آمده، خواهند گفت که ما او را دیدار کردیم. آگاه باشید، هر کس ادعای مشاهده کند پیش از خروج سفیانی و صحیحه ی آسمانی دروغگوست». [۲۴].

در مورد تشرفهای جمعی از بزرگان هرگز احدی از بزرگان شیعه تردید نکرده اند، و هیچ جای شبهه نیست که در زمان ما نیز گروهی از صلحا به دیدار آن مهر تابان نائل شده اند. و لذا توقیع شریف برای بزرگواری از سوء استفاده است، تا هر کس و ناکس ادعای نایب بر حق بودن نکند و راه برای همه ی مدعیان بسته شود. مرحوم شیخ حر عاملی (صاحب وسائل الشیعه) می فرماید:

«در زمان ما و در زمان گذشته دیدارهای فراوانی روی داده که به تواتر رسیده است، آنچه گفته می شود که در روایات آمده در زمان غیبت دیدار غیر ممکن است، حمل می شود به مواردی که علاوه بر دیدار ادعای دیگری هم همراه باشد». [۲۵].

اگر کسی ادعا کند که به محضر آن حضرت مشرف شده و از آن حضرت معجزاتی مشاهده کرده، که بعد از اجرا شدن با علایم قطعی بر او مسلم شده که حضرت بقیه الله بوده است، هیچ مانعی ندارد. و بزرگان شیعه،

شرح دیـدار جمعی از صالحـان را در زمـان غیبت کبری، در کتابهای خود درج کرده انـد، و برخی از بزرگان، کتابهایی را در این زمینه تألیف کرده اند، که از آن جمله است.

[صفحه ۲۷۲]

۱- جنه المأوی، تألیف: حاج میرزا حسین نوری، که در جلد ۵۳ بحارالانوار متن آن چاپ شده است.

۲- نجم الثاقب، به قلم: مرحوم نوری.

۳- بغیه الطالب فیمن رأی الامام الغائب، تألیف: شیخ محمد باقر بیرجندی.

۴- ملاقات با امام زمان، تألیف: دانشمند گرامی، صدیق ارجمند آقای حاج سید حسن ابطحی، که بیشتر به تشرفهای زمان با ما اختصاص دارد.

۵- تبصره الولی فیمن رأی المهدی، تالیف: سید هاشم بحرانی.

- «و در توقیع شریفی که برای احمد بن اسحاق صادر شده، آمده است:

۲۳۶- «و اذ اذن الله لنا فی القول ظهر الحق و اضمحل الباطل».

-«در هنگامی که خداوند به ما اجازه سخن گفتن بدهد، حق ظاهر می شود و باطل نابود می گردد». [۲۶].

۲۳۷- «و در توقیعی که توسط نائب اول آن حضرت صادر شده، آمده است:

- «الحق معنا فلا یوحشنک من قعدعنا، و نحن صنایع ربنا و الخلق بعد صنایعنا».

- «حق بـا ماست، هرکس از ما تخلف کنـد موجب وحشت شـما نگردد. ما ساخته های خداونـدیم و دیگر مردمان ساخته های ماست». [۲۷].

۲۳۸- «در فرازی از نـامه ی مبـارکی که به دست خط حضـرت بقیه الله ارواحنا فـداه در صـفر ۴۱۰ هجری به افتخار شـیخ مفید صادر شده چنین آمده است:

[صفحه ۲۷۳]

- «انا غیر مهملین لمراعاتکم، ولا ناسین لذکرکم، و لو لا ذلک لنزل بکم اللأواء واصطلمکم الأعداء، فاتقوالله جل جلاله».

- «ما هرگز شما را رها نکرده ایم و یادتان را از خاطر نبرده

ایم، و گرنه دشواریها بر شما فرود می آمد و دشمنان را لگدمال می کردند». از خداوند تقوی کنید». [۲۸].

۲۳۹- «و در نامه ی دیگری که در روز عید فطر سال ۴۱۲ به افتخار شیخ مفید صادر شده، چنین آمده است:

- «ولو ان اشیاعنا- وفقهم الله لطاعته - علی اجتماع من القلوب فی الوفاء بالعهد علیهم، لما تأخر عنهم الیمن بلقائنا، و لتعجلت لهم السعاده بمشاهدتنا علی حق المعرفه و صدقها منهم بنا. فما یحبسنا عنهم الا ما یتصل بنا مما نکرهه و لا نوثره منهم».

- «اگر شیعیان ما- که خداوند توفیقشان دهد- دلهایشان در وفا به عهد و پیمانی که با ما دارند، گردهم می آمد، از فیض دیدار ما محروم نمی شدند، و سعادت دیدار ما زودتر نصیبشان می شد؛ دیداری راستین و از روی معرفت. ما را از آنان چیزی باز نمی دارد، جز اخبار ناخوش آیند و غیر مترقبه ای که از آنها به ما می رسد». [۲۹].

۲۴۰- «و در فرازی از «دعای حکمت» که از ناحیه ی مقدسه صادر شده، چنین آمده است:

- «اللهم صل علی حجتک فی ارضک و خلیفتک فی بلادک، و الداعی الی سبیلک، و القائم بقسطک، و الثائر بامرک، ولی المومنین، و بوار الکافرین، و مجلی الظلمه، و منیر الحق، و الساطع بالحکمه و الصدق... الذی یملأ الأرض قسطا و عدلا، کما ملئت ظلما و جورا، انک علی کل شی ء قدیر».

[صفحه ۲۷۴]

- «بار خدایا، صلوات و سلام خود را بر حجت خود در روی زمین و خلیفه ی خود در شهرهای خود بفرست، که به سوی تو دعوت می کند و به عدالت قیام می

کنـد و به فرمان تو انتقام خونهای به ناحق ریخته را می گیرد، که دوسـتدار مومنان و نابود کننـده ی کافران است. که تاریکیها را از بین می برد و نور حق را آشـکار می کنـد و حکمت و راستی را جلوه گر می سازد... و زمین را پر از عـدل و داد می کند آنچنان که پر از جور و ستم شده است. که تو به هر چیزی توانا هستی». [۳۰].

در دعاهای واصـله از ناحیه ی مقدسه، معارف بسـیار والایی نهفته که عاشـقان حضرت بقیه الله ارواحنا فداه را به مداومت آنها دعـوت و توصـیه می کنیم. جـامع ترین کتـابی که دعاهـای واصـله از نـاحیه ی مقـدسه را گرد آورده، کتـاب پرارج: «صـحیفه المهدی» از برادر دانشمند آقای حاج شیخ عیسی اهری است.

و برای آشـنایی بیشتر با وظایف سـنگینی که در عهـد غیبت در برابر حضـرت بقیه الله ارواحنا فـداه به عهـده داریم، خوانندگان گرامی را به مطالعه ی کتاب گرانبهای: «مکیال المکارم» توصیه می کنیم.

و در مورد توقیعات شـریف و کلمات دربار حضـرت بقیه الله ارواحنا فداه جامعترین کتابی که در دست داریم، کتاب گرانقدر: «کلمه الامام المهدی» از دوست ارزشمندمان، شهید سید حسن شیرازی است.

[صفحه ۲۷۷]

پاورقی

[۱] بحارالانوار، ج ۵۲ ص ۳۰.

[۲] کمال الدین، ص ۴۳۰.

[۳] اثباه الهداه، ج ۳ ص ۶۶۸.

[۴] بحارالانوار، ج ۵۲ ص ۳۰.

[۵] کمال الدین، ص ۴۳۳.

[۶] سوره ی اسراء، آیه ی ۸۱.

[۷] اثباه الهداه ج ۳ ص ۶۹۸.

[۸] سوره ی تکویر، آیه ی ۲۹.

[۹] کمال الدین، ص ۴۹۹.

[۱۰] اثباه الهداه، ج ۳ ص ۷۰۰.

[۱۱] سوره ی مریم، آیه ی ۳۰.

[۱۲] سوره ی مریم، آیه ی ۱۲.

[۱۳] اعیان الشیعه،

جلد حضرت مهدی، ص ۱۰۵.

[۱۴] بحارالانوار، ج ۵۲ ص ۳۰.

[۱۵] اربعین خاتون آبادی، ۶۵.

[۱۶] بحارالانوار، ج ۵۲ ص ۴۱.

[۱۷] غیبت شیخ طوسی، ص ۱۶۱.

[۱۸] ینابیع الموده، ص ۴۶۴.

[۱۹] الزام الناصب، ج ۱ ص ۲۵۳.

[۲۰] بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۳۲۰.

[۲۱] غیبت شیخ طوسی، ص ۱۷۷.

[۲۲] بحارالانوار، ج ۵۳ ص ۱۸۱.

[۲۳] نکات لطیف این تشبیه را در کتاب: او خواهد آمد ص ۲۶-۱۷ بخوانید.

[۲۴] کمال الدین، ص ۵۱۶.

[۲۵] اثباه الهداه، ج ۳ ص ۶۹۹.

[۲۶] احتجاج طبرسی، ص ۴۶۹.

[۲۷] کلمه الامام المهدی،ص ۲۴۴.

[۲۸] احتجاج طبرسی، ص ۴۹۷.

[۲۹] بحارالانوار، ج ۵۳ ص ۱۷۷.

[۳۰] کلمه الامام المهدی، ص ۳۰۹.

مهدی علیه السلام از دیدگاه اهل سنت

«من کذب بالمهدی فقد کفر».

«هر کس منکر مهدی باشد کافر است».

(رسول اکرم صلی الله علیه و آله) [۱].

در بخشهای گذشته با احادیث اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در پیرامون غیبت و ظهور حضرت بقیه الله (روحی و ارواحی العالمین لتراب مقدمه الفدا) آشنا شدیم. در این بخش نمونه ای چند از احادیث وارده در پیرامون حضرت ولی عصر (صلوات الله علیه) را می آوریم که از طریق اهل سنت و جماعت به ما رسیده است. در اینجا تلاش ما بر این است که از کتابهای معروف اهل سنت نقل کنیم تا برای هر فرد غیر شیعی قانع کننده و اطمینان آور باشد.

برای اینکه خواننده ی گرامی با گستردگی احادیث مهدی در کتب اهل سنت آشنا شود تلاش بر این شده که از کتابهای متنوع نقل شود و لذا

[صفحه ۲۷۸]

احادیث این بخش از ۶۰ کتاب سنی نقل شده است.

نکته ی جالب تر اینکه از همه ی این کتابها بدون واسطه نقل شده است و مشخصات همه ی آنها در بخش

ببیلیوگرافی کتاب آمده است. [۲].

برای سهولت مراجعه، تیترهایی برای این بخش گذاشته شده است. و اینک متن احادیث:

پاورقی

[۱] عقدالدرر، ص ۱۵۷.

[۲] شناسنامه ی کامل این احادیث در کتاب «معجم احادیث المهدی» به قلم ویراستار این کتاب آمده است.

نسب حضرت مهدی علیه السلام

۲۴۱- «المهدی منا اهل البیت، یصلحه الله فی لیله».

- «مهدی از ما اهل بیت است، خداوند در یک شب کار او را فراهم می کند». [۱].

در احادیث اهل سنت در مورد نسب حضرت بقیه الله روحی فداه مشخصات زیر به صراحت آمده است:

۱- مهدی از قریش است.

۲- مهدی از بنی هاشم است.

۳- مهدی از اهل بیت است.

۴- مهدی از تبار رسول اکرم است.

۵- مهدی از نسل حضرت علی است.

۶- مهدی از اولاد فاطمه است.

۷- مهدی از اولاد امام حسین است.

و در برخی تصریح شده که نهمین فرزند اوست.

[صفحه ۲۷۹]

۸- مهدی از امامان اهل بیت است.

و در برخی تصریح شده که دوازدهمین آنهاست.

۲۴۲- «المهدی من عترتی من ولد فاطمه».

- «مهدی از عترت من از اولاد فاطمه است». [۲].

۲۴۳- «المهدی منا، یختم الدین بنا کما فتح بنا».

- «مهدی از تبار ماست. خداوند دین را با ما به پایان می رساند، چنانکه با ما آغاز کرده است». [۳].

۲۴۴- «یخرج رجل من اهل بیتی یواطی اسمه اسمی و خلقه خلقی، یملأها عدلا و قسطا کما ملئت ظلما و جورا».

- «مردی از اهل بیت من خروج می کند که نامش همنام من و خویش هم خوی منست. زمین را پر از عدل و داد می کند، آن چنان که پر از جور و ستم شده است». [۴].

۲۴۵- «لا تذهب الدنیا حتی یملک رجل من اهل بیتی، یواطی اسمه اسمی».

- «دنیا سپری نمی

شود جز اینکه مردی از اهل بیت من فرمانروای جهان شود که نامش همنام منست». [۵].

۲۴۶- «لا تذهب الدنیا حتی یملک العرب رجل من اهل بیتی یواطی اسمه اسمی».

- «دنیا سپری نمی شود جز اینکه مردی از اهل بیت من بر جهان عرب فرمانروا شود که همنام منست». [۶].

۲۴۷- «یلی رجل من بیتی یواطی اسمها اسمی».

- «مردی از اهل بیت من بر سریر فرمانروایی می نشیند که نامش همنام منست». [۷].

و در احادیث دیگر تصریح شده که کنیه اش نیز هم کنیه با رسول گرامی اسلام است.

پاورقی

[۱] نهایه ی ابن کثیر ج ۱ ص ۲۵.

[۲] معالم السنن ج ۴ ص ۳۴۴.

[۳] الصواق المحرقه ص ۱۶۱.

[۴] معجم کبیر ج ۱۰ ص ۸۳ (حدیث ۱۰۲۲۹).

[۵] حلیه الاولیاء، ج ۵ ص ۷۵.

[۶] مصابیح السنه ج ۱ ص ۱۹۳.

[۷] تحفه الأحوذی ج ۶ ص ۴۶ (حدیث ۲۳۳۲).

سیمای حضرت مهدی علیه السلام

۲۴۸- «المهدی رجل من ولدی، وجهه کالکوکب الدری».

- «مهدی مردی از تبار منست. صورتش همانند ستاره ی فروزان است». [۱].

۲۴۹- «انه رجل اجلی الجبین، اقنی الأنف، ضخم البطن...».

- «او مردی پیشانی باز، دماغ باریک و سینه ستبر است». [۲].

۲۵۰- «المهدی منی اجلی الجبهته، اقنی الأنف، یملأ الأرض قسطا و عدلا، کما ملئت ظلما و جورا».

- «مهدی از من، با پیشانی باز و بینی کشیده، زمین را پر از عدل وداد می کند، آنچنان که پر از جور و ستم شده باشد». [۳].

۲۵۱- «هو شاب مربوع حسن الوجه، یسیل شعره علی منکبیه یعلو نور وجهه سواد شعره و لحیته و رأسه».

- «او جوان چهارشانه و نیکو صورتی است که موهای سرش بر

[صفحه ۲۸۱]

شانه هایش فرو می ریزد و درخشندگی صورتش بر سیاهی

موی سر و صورتش غلبه می کند». [۴].

این حدیث صریح است که به هنگام ظهور رنگ محاسن و موی سر آن حضرت مشکی خواهد بود و در برخی از روایات به صورت جوان نورس تعبیر شده است.

۲۵۲- «المهدی منی، اجلی الجبهته، اقنی الأنف، یملأ الأرض قسطا و عدلا کما ملئت جورا و ظلما، یملک سبع سنین».

- «مهدی از منست، با پیشانی باز و بینی کشیده، زمین را پر از عدالت و داد می کند، آن چنان که پر از جور و ستم شده باشد. هفت سال سلطنت می کند». [۵].

پاورقی

[۱] فیض القدیر ج ۶ ص ۲۷۹.

[۲] شرح ابن ابی الحدید، ج ۱۹ ص ۱۳۰.

[۳] شرح المقاصد، ص ۳۰۷.

[۴] غالیه المواعظ، ج ۱ ص ۷۷.

[۵] مختصر سنن ابی داود ج ۶ ص ۱۶۰ (حدیث ۴۱۱۶).

سبب تسمیه ی حضرت مهدی علیه السلام

۲۵۳- «انما سمی «المهدی» لأنه یهدی الی امر خفی، و یستخرج التوراه و الانجیل من ارض یقال لها انطاکیه».

- «او را مهدی می گویند، زیرا به چیزی که از همگان پوشیده است راهنمایی می کند. او تورات و انجیل را از سرزمین انطاکیه بیرون می آورد». [۱].

از این حدیث استفاده می شود که تورات و انجیل تحریف نشده را حضرت بقیه الله روحی فداه از غاری در انطاکیه بیرون می آورد.

انطاکیه نام شهری در جنوب ترکیه نزدیک مزر سوریه است که قبر

[صفحه ۲۸۲]

سه تن از پیامبران در آن شهر زیارتگاه خاص و عام است. این قبور متعلق به پیامبرانی است که سرگذشت آنها در قرآن کریم در سوره ی «یس» آمده است. [۲].

پاورقی

[۱] عقدالدرر ص ۴۰.

[۲] سوره ی یس، آیه ی ۱۴.

عظمت حضرت مهدی علیه السلام

۲۵۴- «نحن ولد عبدالمطلب ساده الجنه: انا و حمزه و جعفر و علی و الحسن و الحسین و المهدی».

- «ما اولاد عبدالمطلب سروران اهل بهشتیم:

۱- من

۲- حمزه ی سید الشهداء

۳- جعفر طیار

۴- علی

۵- حسن

۶- حسین

۷- مهدی». [۱].

۲۵۵- «انت سید ابن سید و انت امام ابن امام، و انت حجه ابن حجه، و انت ابو حجج تسعه، تاسعهم قائمهم».

سلمان فارسی می گوید: به خدمت رسول اکرم (ص) شرفیاب شدم، امام حسین را روی زانویش نشانده، بر پیشانی اش بوسه می زد و می فرمود:

«تو سید و فرزند سیدی، تو امام و فرزند امامی، تو حجت و پسر حجتی، تو پدر ۹ حجتی، که نهمی آنها قائم آنهاست». [۲].

[صفحه ۲۸۳]

۲۵۶- «انا سید المرسلین و علی بن ابی طالب سید الوصیین، و ان اوصیائی بعدی اثنا عشر اولهم علی بن ابی طالب و آخرهم القائم».

- «من

سرور انبیا هستم و علی بن ابی طالب سرور اوصیاء است. اوصیاء بعد از من دوازده تن می باشد که نخستین آنها علی بن ابی طالب واپسین آنها قائم (علیه السلام) است». [۳].

۲۵۷- «انا و علی و الحسن و الحسین و تسعه من ولد الحسین مطهرون معصومون».

- «من، علی، حسن، حسین و نه تن از اولاد حسین پاک و پاکیزه و معصوم هستیم». [۴].

از نظر شیعه معصوم بودن حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت فاطمه ی زهرا سلام الله علیها و دوازده امام علیهم السلام قطعی و تردید ناپذیر است ولی از نظر اهل سنت این حدیث روشنترین حدیثی است که معصوم بودن امامان را به صراحت بیان فرموده است.

۲۵۸- «ان علی بن ابی طالب امام امتی و خلیفتی علیها بعدی، و من ولده القائم المنتظر الذی یملأ الأرض قسطا و عدلا، کما ملئت ظلما و جورا. و الذی بعثنی بالحق بشیرا و نذیرا، الثابیتن علی القول بامامته فی زمان غیبته لأعز من الکبریت الأحمر».

- «علی بن ابی طالب پیشوای امت من و خلیفه ی من بعد از منست و «قائم منتظر» که جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد آنچنان که پر از ظلم و ستم شده باشد، از اولاد اوست. سوگند به خدایی که مرا برای نوید دادن و بیم دادن فرستاده است، کسانی که در زمان غیبت در اعتقاد به امامت او

[صفحه ۲۸۴]

استوار بمانند از کبریت احمر [۵] گرانبهاترند». [۶].

۲۵۹- «یا فاطمه انا اهل بیت اعطیناست خصال لم یعطها احد من الأولین و لا یدرکها احد من الاخرین غیرنا اهل البیت، نبینا خیرالأنبیاء و هو ابوک،

و وصـینا خیر الأوصیاء و هو بعلک، و شهیدنا خیرالشهداء و هو حمزه عم ابیک، و منا سبطا هذه الأمه و هما ابناک، و منا مهدی الأمه الذی یصلی عیسی خلفه. ثم ضرب علی منکب الحسین (ع) فقال: من هذا مهدی الأمه».

- «ای فاطمه، ما اهل بیتی هستیم که خداوند شـش امتیاز به ما داده است که پیش از ما به احدی نداده و بعد از ما هم به کسـی نخواهد داد:

۱- پیامبر ما برترین پیامبران است و آن پدر تست.

۲- وصی ما بهترین اوصیاست و آن شوهر تست.

۳- شهید ما سرور شهیدان است و آن عموی پدرت حمزه است.

۴ و ۵- دو سبط این امت از ماست و آنها دو پسر تست.

۶- مهدی این امت که عیسی در پشت سرش نماز می خواند از ماست».

آنگاه با دست مبارکش بر شانه ی امام حسین (علیه السلام) زد و گفت: «مهدی امت از تبار اوست». [۷].

پاورقی

[۱] مطالب السئول ج ۲ ص ۱۲۶.

[۲] موده القربی، در ضمن ینابیع الموده ص ۲۵۸.

[۳] فرائد السمطین ج ۲ ص ۳۱۳.

[۴] فرائد السمطین ج ۲ ص ۳۱۳.

[۵] کـبریت احمر به گـوگرد سـرخ گفته می شـود که به غـایت کمیـاب است، هر چیزی که بسـیار کمیـاب باشـد و به سـختی تحصیل شود آن را به کبریت احمر تشبیه می کنند (دهخدا حرف کاف ص ۳۱۳).

[۶] الامامه و قائم القیامه ص ۲۸۷.

[۷] البیان، ص ۸۲.

ضرورت قیام حضرت مهدی علیه السلام

۲۶۰- «لو لم یبق من الدهر الا یوم لبعث الله رجلا من اهل بیتی یملأها عدلا، کما ملئت جورا».

[صفحه ۲۸۵]

- «اگر جز یک روز از روزگار باقی نباشد خداوند در آن روز مردی را از اهل بیت من

برمی انگیزد که جهان را پر از عدالت کند، پس از آنکه پر از ستم شده باشد». [۱].

۲۶۱- «لا تقوم الساعه حتی تملأ الأرض ظلما و عدوانا، ثم یخرج رجل من اهل بیتی- عترتی - فیملأها قسطا و عدلا کما ملئت ظلما و عدوانا».

- «قیامت بر پا نمی شود جز اینکه زمین پر از جور و ستم شود، آنگاه مردی از اهل بیت من خارج می شود و آن را پر از عدل و داد می کند، آنچنان که پر از جور و ستم شده است». [۲].

۲۶۲- «لا تذهب الدنیا حتی یأتی علی امتی رجل من اهل بیتی یملأ الأرض عدلا کما ملئت جورا».

- «دنیا سپری نمی شود جز اینکه مردی از اهل بیت من در میان امتم ظاهر شود که زمین را پر از عدالت کند آن چنان که پر از ستم شده باشد». [۳].

۲۶۳- «لا یزال هذا الذین عزیزا الی اثنی عشر خلیفه».

- «این دین تا دوازده خلیفه ی من هست عزیز و سرافراز است».

جابر بن سمره می گوید: آنگاه مردم تکبیر گفتند و سر و صدا کردند و رسول اکرم (ص) چیزی فرمود که من نشنیدم، از پدرم پرسیدم که چه فرمود؟ گفت: «کلهم من قریش»: «همگی از قریش است». [۴].

پاورقی

[۱] جامع الاصول من احادیث الرسول ج ۱۱ ص ۴۹ (حدیث ۷۸۱۱).

[۲] موارد الظمآن ص ۴۶۴.

[۳] خریده العجائب ص ۱۹۹.

[۴] سنن ابی داود ج ۴ ص ۲۰۷.

لزوم اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیه السلام

۲۶۴- «من کذب بالمهدی فقد کفر».

[صفحه ۲۸۶]

- «هر کس مهدی را انکار کند کافر می شود». [۱].

دهها تن از دانشمندان اهل تسنن در کتابهای حدیثی و کلامی به تواتر احادیث حضرت مهدی روحی فداه اعتراف

کرده اند و دهها تن از آنها بر طبق حدیث فوق فتوی داده اند که انکار حضرت مهدی کفر است.

یکی از علمای معروف اهل سنت به نام «شوکانی» [۲] برای اثبات تواتر احادیث حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف)کتابی به نام: التوضیح فی تواتر ما جاء فی المنتظر و المسیح و الدجال» تألیف کرده است.

پاورقی

[۱] الفتاوی الحدیثه ص ۳۷.

[۲] محمد بن علی شوکانی متوفای ۱۲۵۰ ه.

انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام

۲۶۵- «افضل العباده انتظار الفرج».

- «برترین عبادتها انتظار فرج است». [۱].

ناگفته پیداست انتظاری می تواند بهترین عبادتها به شمار آید که سازنده باشد، یعنی انسان را به عمل وادار کند.

کسی که منتظر ظهور آن دادگستر جهانی است هنگامی منتظر است که به مقدار طاقت خود در پیاده کردن اهداف عالیه ی آن حضرت تلاش کند. و گرنه نمی تواند خود را منتظر بنامد.

پاورقی

[۱] سنن ترمذی ج ۵ ص ۵۶۵ (حدیث ۳۵۷۱).

نقش امام زمان علیه السلام در عصر غیبت

۲۶۶- «و الذی بعثنی بالحق نبیا انهم یستضیئون بنوره و ینتفعون

[صفحه ۲۸۷]

بولایته فی کانتقاع الناس بالشمس اذا سترها سحاب. یا جابر! هذا من مکنون سرالله و مخزون علمه، فاکتمه الا عن اهله».

- «سوگند به خداوندی که مرا به پیامبری برانگیخت، آنها در زمان غیبت او از نور ولایت او برخوردار می شوند، چنانکه مردم از خورشید برخوردار می شوند هنگامی که پشت ابرها نهان شود».

- «ای جابر! این از اسرار پنهان و علوم نهانی خداوند است، آن را مخفی بدار، جز از اهلش». [۱].

روایت جابر بن عبدالله انصاری به همین تعبیر در احادیث شیعه نیز وارد شده است. [۲].

در این رابطه سه حـدیث دیگر از سه تن از امامان معصوم نیز وارد شـده که همه به یک مضـمون می باشد و در هر سه حدیث وجود مقدس حضرت ولی عصر روحی فداه در عصر غیبت به خورشید پنهان در پشت ابر تشبیه شده است:

۱- از امام زین العابدین علیه السلام. [۳].

۲- از امام صادق علیه السلام. [۴].

۳- از وجود مقدس حضرت ولی عصر در ضمن توقیع شریفی که توسط دومین نائب خاص حضرتش صادر شده است. [۵].

اما در مورد اینکه چرا آن خورشید فروزان

امامت در عصر غیبت به آفتاب پوشیده شده در پشت ابر تشبیه شده، مطالب زیادی گفته شده، که علامه ی مجلسی هشت وجه در دائره المعارف بزرگ بحار آورده است. [۶].

[صفحه ۲۸۸]

وجه دیگری نیز اخیرا ابراز شده که شاید از همه مقبول تر باشد. [۷].

پاورقی

[۱] ینابیع الموده ص ۴۲۲.

[۲] کمال الدین صدوق، ص ۱۴۶ و ۳۶۵.

[۳] نظریه الامامه، از دکتر احمد محمود صبحی، ص ۴۱۳.

[۴] بحارالانوار، ج ۵۲ ص ۹۲.

[۵] غیبت شیخ طوسی، ص ۱۸۸.

[۶] بحارالانوار، ج ۵۲ ص ۹۳ و ۹۴.

[۷] او خواهد آمد ص ۲۶-۱۷.

یاران امام زمان علیه السلام در عصر غیبت

۲۶۷- «الأبدال فی هذه الأمه ثلاثون رجلا قلوبهم علی قلب ابراهیم خلیل الرحمان، کلما مات رجل ابدل الله مکانه رجلا».

- «ابدال در میان این امت سی نفر هستند که دلهایشان چون قلب ابراهیم خلیل است. هر گاه یکی از آنها بمیرد خداوند یک نفر دیگر به جای او می گمارد». [۱].

در روایات شیعه آمده است که همواره سی تن از اخیار و اوتاد در محضر حضرت بقیه الله هستند که خداوند به وسیله ی آنها از وجود مقدس آن مهر تابان رفع غربت می کند. [۲].

مرحوم میرزای نوری می فرماید: اگر مقدر نباشد که این ۳۰ نفر چون حضرت بقیه الله روحی فداه از عمر طولانی برخوردار باشند، لازم است که در هر قرنی عوض بشوند و افراد دیگری جای آنها را بگیرند. به هرحال در هر قرنی ۳۰ نفر از مومنان پرهیزگار سعادت تشرف و مجاورت آن بزرگوار را دارند. [۳].

روی این بیان احتمال می رود که حدیث فوق نیز به همین موضوع مربوط باشد، خصوصا که در کتب اهل سنت این حدیث

همه جا در بخش

احادیث حضرت مهدی درج شده است.

این ۳۰ نفر که اصطلاحا «ابدال» نامیده می شوند چقدر سعادتمند

[صفحه ۲۸۹]

هستند که همواره در محضرآن مهر تابان هستند و آن سعادت بزرگی است که امامان معصوم نیز آن را آرزو کرده اند:

۲۶۸- «ولو ادرکته لخدمته ایام حیاتی».

- «امام حسین (ع) فرمود: «من اگر زمان او را درک می کردم تمام عمر خود را خدمت او به سر می بردم». [۴].

عین این تعبیر در احادیث شیعه از امام صادق علیه السلام وارد شده است. [۵].

پاورقی

[۱] عون المعبود ج ۱۱ ص ۳۷۷.

[۲] غیبت نعمانی ص ۹۹.

[۳] جنه المأوی بحارالانوار، ج ۵۳ ص ۳۲۰.

[۴] عقدالدرر، ص ۱۶۰.

[۵] بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۱۴۸.

روزگار رهایی

اشاره

۲۶۹- «و یدعی ذلک الیوم یوم الخلاص».

- «آن روز روز رهایی خوانده می شود». [۱].

جالب توجه است که علاوه بر احادیث اسلامی، در اناجیل نیز که نویدهای آن مصلح جهان به وفور آمده است، از آن روز موفور السرور به عنوان «روز رهایی» تعبیر شده است. و لذا نویسنده ی پرشور لبنانی: «کامل سلیمان» کتاب پرارج خود را «یوم الخلاص» نام نهاده است. [۲].

پاورقی

[۱] المنار المنیف ص ۱۵۱.

[۲] این کتاب توسط ویراستار به نام «روزگار رهایی» به فارسی برگردان شده است.

نخستین خطبه ی حضرت مهدی علیه السلام

۲۷۰- «فاذا خرج اسند ظهره الی الکعبه و اجتمع الیه ثلاثمأه عشر رجلا من اتباعه فاول ما ینطق هذه الآیه: «بقیه الله خیر لکم ان کنتم مومنین»،

[صفحه ۲۹۰]

ثم یقول: انا بقیه الله و خلیفته و حجته علیکم، فلا یسلم علیه احد الا قال: السلام علیک یا بقیه الله فی الأرض، فاذا اجتمع عنده العقد عشره آلاف رجل، فلا یبقی یهودی و لا نصرانی و لا احد ممن یعبد غیرالله تعالی الا امن و صدق و تکون المله واحده مله الاسلام، و کل ما کان فی الأرض من معبود سوی الله تعالی تنزل علیه نار من السماء فتحرقه».

- «چون ظاهر شود پشتش را به خانه ی کعبه تکیه می دهد و تعداد ۳۱۳ نفر از پیروانش در اطراف او گرد آیند. نخستین چیزی که به زبان می آورد این آیه ی شریفه است:

بقیه الله بهتر است برای شما اگر مومن باشید». [۱].

سپس می فرمود:

بقیه الله منم، خلیفه الله منم، حجه الله منم».

کسی بر او سلام نمی گوید جز اینکه بگوید: «السلام علیک یا بقیه الله فی الأرض».

- «هنگامی که لشکر ده هزار نفری گرد می

آید، دیگر یک نفر یهودی و مسیحی و پیروان دیگر ادیانی که جز خدا را می پرستند، باقی نمی ماند جز اینکه ایمان می آورد و تصدیق می کند و دین یکی می شود و آن، دین مقدس اسلام است. هر معبودی که در روی زمین باشد و جز خدا پرستیده شود، آتشی از آسمان می آید و می سوزاند». [۲].

۲۷۱- «اذا قام القائم من آل محمد یقول: یا ایها الناس نحن الذین وعدکم الله فی کتابه: الذین ان مکنا هم فی الأرض اقاموا الصلوه و اتوا الزکوه بالمعروف و نهوا عن المنکر».

- «چون قائم آل محمد (صلوات الله علیه) قیام کند می فرماید:

[صفحه ۲۹۱]

هان ای مردم! ما کسانی هستیم که خدای تبارک و تعالی در قرآن کریم وعده داده است: [۳].

- «آنها کسانی هستند که اگر در روی زمین متکی شوند، نماز را به پا می دارند، زکات را می پردازند، امر به معروف و نهی از منکر می نمایند». [۴].

پاورقی

[۱] سوره ی هود، آیه ی ۸۶.

[۲] نورالابصار ص ۱۷۲.

[۳] سوره ی حج، آیه ی ۴۱.

[۴] شواهد التنزیل ج ۱ ص ۴۰۰.

پرچم حضرت مهدی علیه السلام

۲۷۲- «علی رایه المهدی مکتوب: البیعه لله».

- «بر پرچم حضرت مهدی نوشته شده: البیعه لله». [۱].

چنانکه قرآن کریم بیعت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را بیعت با خدا تعبیر کرده است [۲] بیعت با آخرین خلیفه و حجت خدا نیز بیعت با خدا به شمار می آید چنانکه امام صادق علیه السلام در این رابطه می فرماید:

- «حضرت قائم علیه السلام پشتش را به کعبه تکیه داده دست مبارکش را دراز می کند و می فرماید: این دست خداست، از

آن خداست و برای خداست. آنگاه آیه ی شریفه ی «ان الذین یبایعونک انما یبایعون الله» را تلاوت می فرماید». [۳].

پاورقی

[۱] البرهان ص ۱۵۲.

[۲] سوره ی فتح، آیه ی ۱۰.

[۳] بحارالانوار ج ۵۳ ص ۸.

فرماندهان لشکری و کشوری آن حضرت

۲۷۳- «یبایعه بین الرکن و المقام عده اهل بدر».

[صفحه ۲۹۲]

- «در میان رکن و مقام به تعداد اصحاب بدر با او بیعت می کنند». [۱].

تعداد ۳۱۳ نفر که در اولین لحظات ظهور با آن حضرت بیعت می کنند، فرماندهان لشکری و کشوری آن حضرت در دولت حقه می باشند و گرنه تا شماره ی سپاهیان به ده هزار نفر نرسیده باشد از مکه حرکت نمی کنند.

۲۷۴- «لا یخرج القائم الا فی وتر من السنین، سنه احدی او ثلاث او خمس او سبع او تسع، و یقوم فی یوم عاشورا و یظهر یوم السبت العاشر من المحرم قائما بین الرکن و المقام، و شخص قائم علی یده ینادی: البیعه البیعه، فیسیر الیه انصاره من اطراف الأرض یبایعونه فیملأ الله تعالی به الأرض عدلا کما ملئت جورا و ظلما، ثم یسیر من مکه حتی یأتی الکوفه، فینزل علی نجفها، ثم یفرق الجنود منها الی جمیع الأمصار».

- «قائم علیه السلام جز در سال فرد خارج نشود، او در سالهای چون، یک، سه، پنج، هفت و نه در روز شنبه، روز عاشورا، دهم ماه محرم ظهور می کند و در میان رکن و مقام قرار می گیرد، شخصی بالا دست او بانک می زند: بیعت، بیعت. یاران او از اقطار و اکناف جهان به سوی او می شتابند و با او بیعت می کنند. خداوند روی زمین را به واسطه ی او پر از

عـدالت می کنـد، آن چنـان که پر از جور و سـتم شـده باشـد. آنگاه از مکه خارج می شود و به کوفه می رود. هنگامی که به نجف کوفه (نجف اشرف) رسید سپاهیانش را تقسیم کرده به تمام مناطق روی زمین می فرستد.» [۲].

۲۷۵- «لا تحشر امتی حتی یخرج المهدی، یمده الله بثلاثه الاف

[صفحه ۲۹۳]

من الملائکه و یخرج الیه الأبدال من لشام و النجبا من مصر و عصائب اهل الشرق حتی یأتوا مکه فیبایع له بین الرکن و المقام، ثم یتوجه الی الشام و جبریل علی مقدمته، و میکائیل علی یساره، و معه اهل الکهف اعوال له، فیفرح به اهل السماء و الأرض و الطیر و الوحش و الحیتان فی البحر و تزید المیاه و تمتد الأنهار و تضعف الارض اکلها، فیقدم الی الشام فیأخذ السفیانی، فیذبح تحت الشجره التی اغصانها الی بحیره طبریه».

- «امت من محشور نمی شوند تا مهدی خارج شود که خداوند او را با سه هزار فرشته یاری می کند. ابدال شام، نجیبان مصر و برگزیـدگان خاور زمین همراه او خارج می شونـد، همگی در مکه گرد می آینـد و در میان رکن و مقام با او بیعت می کننـد. آنگـاه به سـوی شـام حرکت می کننـد. جبرئیـل در پیشـاپیش آنهـا، میکائیـل در طرف چپ او، و اصـحاب کهف معاونـان آن حضـرت می باشـند. اهل آسمان و زمین از ظهور او خوشحال می شوند، پرندگان هوا، درندگان صحرا و ماهیان دریا شادمانی می کننـد. آبهـا فراوان می شود، رودخـانه هـا گسترده می شود، زمین میوه هـایش را چنـد برابر می کنـد. آن گاه به سوی شام پیش می رود و سفیانی

را دستگیر می کند و در کنار دریاچه ی طبریه [۳] در زیر درختی که شاخه هایش روی دریاچه گسترده است، او را سر می برد». [۴].

در برخی از احادیث اهل سنت آمده است که هنگامی که سفیانی دستگیر می شود او را در حالی که عمامه اش را به گردنش آویخته اند کشان کشان به خدمت آن حضرت می آورند. سفیانی تقاضای عفو می کند حضرت بقیهالله که فرزند رحمه للعالمین است او را مورد عفو قرار می دهد ولی اصحاب و یاران عرض می کنند: ای فرزند پیامبر! او که این همه از اولاد

[صفحه ۲۹۴]

حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم را کشته چگونه ممکن است مورد عفو قرار گیرد، ما هرگز نمی توانیم صبر کنیم. می فرماید: اختیار با شماست، هرچه خواستید انجام دهید. او را در کنار دریاچه ی طبریه سر می برند و شیعیان همه تکبیر می گویند و خدا را سپاس می گویند. [۵].

پاورقی

[۱] تلخیص البیان ص ۱۲۶.

[۲] اخبارالدول، ص ۱۱۸.

[۳] دریاچه ی طبریه در فلسطین قرار دارد.

[۴] لوائح الانوار الالهیه، ج ۲ ص ۷۸.

[۵] عقدالدرر، ص ۹۹.

ندای آسمانی

۲۷۶- «ینادی مناد باسمه فیسمع من بالمشرق و من بالمغرب حتی لا یبقی راقد الا استیقظ. علی مقدمته جبرائیل، و علی ساقته میکائیل، و یمدده الله بثلاثه الاف من الملائکه».

- «منادی آسمانی به نام او بانگ می زند و تمام مردم مشرق و مغرب آنرا می شنوند، هیچ خفته ای نمی ماند جز اینکه برمی خیزد. جبرائیل در پیشاپیش و میکائیل دوشادوش او حرکت می کنند خداوند او را با سه هزار ملائکه یاری می فرماید». [۱].

۲۷۷- «ان المهدی

یظهر اذا نـادی منـاد فی السـماء ان الحق فی آل محمـد، یظهر حینئـذ علی افواه النـاس و یشـربون حبه فلا یکون یکون لهم ذکر غیره».

- «چون فرمان ظهور مهدی برسد، منادی آسمانی ندا می کند که حق با آل محمد است. آنگاه نام مهدی بر سر زبانها می افتد و محبت او در دلها جای می گیرد، دیگر نام کسی جز او بر زبانها جاری نمی شود». [۲].

جالب است که از چند سال پیش نام مقدس آقا بر سر زبانها افتاده و منتظران واقعی لحظه ای از یاد آن حضرت غافل نیستند.

[صفحه ۲۹۵]

پاورقی

[۱] تلخیص البیان، در ضمن مجله «الهادی» سال هفتم شماره ی پنجم ص ۱۲۴.

[۲] الفتاوی الحدیثه ص ۴۰.

خروج سفیانی

۲۷۸- «یخرج رجـل یقـال له السـفیانی فی عمق دمشق، و عـامه من یتبعه من کلب، فیقتل حتی یبقربطون النساء و یقتل الصـبیان، فتجتمع لهم قیس فیقتلهـا، حـتی یبقر بطون النسـاء و یقتـل الصبیـان، فتجتمع لهم قیس فیقتلهـا، حتی لاـ یمنع ذنب تلعه، و یخرج رجل من اهل بیتی فی الحره، فیبلغ السفیانی، فیبعث الیه جندا من جنده فیهز مهم فیسیر الیه السفیانی بمن معه، حتی اذا صار ببیدأ من الأرض، خسف بهم فلا ینجو منهم الا المخبر عنهم».

- «مردی به نام سـفیانی از دمشق خروج می کنـد که همه ی پیروانش از قبیله ی کلب خواهـد بود، کشت و کشـتار می کنـد تا جائیکه شـکم زنها را می شـکافد و کودکان را می کشد و قبیله ی قیس در برابرش قیام می کنند و همه را طعمه ی شمشیر می سازد. آنگاه مردی از اهل بیت من از ناحیه ی حره [۱] خارج می شود

و خبر خروج او به سفیانی می رسد. سفیانی ارتشی را به سوی او می فرستد و او همه را شکست می دهد. آنگاه سفیانی با همه ی سپاهیانش به سوی او حرکت می کند. چون به سرزمین بیدا رسیدند خداوند همه ی آنها را در کام زمین فرو می برند و کسی از آنها نمی ماند، جز یک نفر که خبر آنها را گزارش دهد». [۲].

از نظر شیعه و سنی تردید نیست که ظهور آن حضرت از مکه ی معظمه خواهد بود، بحث از ناحیه ی حره در اطراف مدینه در این حدیث شاید به این معنی باشد که چون آن حضرت به ناحیه ی حره برسد سپاه سفیانی به سوی آن حضرت گسیل می شود.

۲۷۹- «العجب ان ناسا من امتی یومون بالبیت برجل من قریش،

[صفحه ۲۹۶]

قد لجأ بالبیت. حتی اذا کانوا بالبیداء خسف بهم».

فقلنا: یا رسول الله! ان الطریق قد یجمع الناس. قال:

- «نعم. فیهم المستبصر و المجبور و ابن السبیل، یهلکون مهلکا واحدا و یصد رون مصادر شتی. یبعثهم الله علی نیاتهم».

- «جای شگفت که گروهی از امت من به دنبال مردی از قریش که به بیت خدا پناهنده شده به سوی بیت هجوم می برند، چون به سرزمین بیدا برسند زمین آنها را در کام خود فرو می برد».

راوی می گوید: گفتیم ای رسول گرامی اسلام در این راه ممکن است افراد مختلفی باشد. فرمود:

- «آری، در میان آنها برخی آگاه، برخی مجبور و بر خی رهگذر هستند که همگی یک جا هلاک می شوند ولی در روز قیامت هر کسی بر طبق نیت خود برانگیخته می شود». [۳].

پاورقی

[۱] حره، نام

سرزمینی در نزدیکی مدینه است. (اعلام المنجد ص ۲۳۲).

[۲] کنز العمال، ج ۱۴ ص ۲۷۲ (حدیث ۳۸۶۹۸).

[۳] صحیح مسلم، ج ۴ ص ۲۲۱۱ (حدیث ۲۸۸۴).

حکومت بر سر تا سر جهان

۲۸۰- «ملك الدنیا مومنان و کافران، اما المومنان فذو القرنین و سلیمان، و اما الکافران فنمرود و بخت نصر، و سیملکها خامس من عترتی فهو المهدی».

- «تاکنون چهار نفر بر همه ی جهان سلطنت کرده اند که دو نفرشان مومن و دو نفرشان کافر بوده اند. آنها که مومن بودند عبارتند از: ذوالقرنین و حضرت سلیمان. آنها که کافر بودند عبارتند از: نمرود و بختنصر. یک نفر پنجمی هم بر سرتاسر جهان حکومت خواهد کرد که او عبارت است از مهدی که از عترت منست». [۱].

[صفحه ۲۹۷]

پاورقی

[۱] العطر الوردی ص ۷۰.

پایتخت حکومت جهانی

۲۸۱- «ان اسعد الناس بالمهدی اهل الکوفه».

- «خوشبخت ترین مردم در عصر حضرت مهدی مردم کوفه است». [۱].

آری کوفه در عهد آن حضرت پایتخت حکومتی خواهد بود که بر تمام شرق و غرب جهان حکومت خواهد کرد. و لذا در احادیث شیعه آمده است که جای یک پا در کوفه از یک خانه ی مسکونی در مدینه بهتر است.

پاورقی

[۱] طبقات ابن سعد، ج ۴ ص ۴.

روش حضرت مهدی علیه السلام

۲۸۲- «المهدی یقفو اثری و لا یخطی».

- «مهدی راه مرا دنبال می کند و هرگز گامی خطا نمی کند». [۱].

در روایات شیعه نیز تکیه شده که روش حضرت ولی عصر روحی فداه دقیقا طبق روش رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد. اما آنچه مشهور است که با دین جدید و کتاب جدید می آید به این معنی است که پیش از ظهور آن حضرت دین فرسوده می شود، معارف اسلام تحریف می شود، هنگامی که آن حضرت متن دین را پیاده می کند برای مردم تازه جلوه می کند.

۲۸۳- «یقسم المال، یعمل فی الناس بسنه نبیهم، و یلقی الاسلام بجرانه الی الأرض».

- «اموال را در میان مردم تقسیم می کند و در میان به سنت

[صفحه ۲۹۸]

پیامبر صلی الله علیه و آله رفتار می کند و اسلام را به طور کامل در روی زمین پیاده می کند». [۲].

پاورقی

[۱] مشارق الأنوار ص ۱۱۳.

[۲] التاج الجامع للاصول ج ۵ ص ۳۴۲.

تقسیم مساوی بیت المال

۲۸۴- «یقسم المال بالسویه، و یعدل فی الرعیه، و یفصل فی القضیه».

- «بیت المال را به طور مساوی در میان مردم تقسیم می کند، عدالت را در میان امت پیاده می کند و به هنگام داوری حق و باطل را دقیقا جدا می کند». [۱].

۲۸۵- «ابشرکم بالمهدی یبعث فی امتی علی اختلاف من الناس و زلازل، فیملأ الأرض قسطا و عدلا کما ملئت جورا و ظلما، یرضی عنه ساکن السماء و ساکن الأرض، یقسم المال صحاحا»

فقال له رجل: ما صحاحا؟ قال: «بالسویه بین الناس».

- «شما را نوید می دهم با مهدی که به هنگام اختلاف مردم و بحران زندگی در میان امت

من برانگیخته می شود و زمین را پر از عدل و داد کند، آن چنان که پر از جور و ستم شده است. ساکنان زمین و آسمان از او خشنود می شوند و مال را «صحاحا»؟ تقسیم می کند. یکی از اصحاب پرسید: «صحاحا» یعنی چه؟ فرمود: یعنی به طور مساوی در میان مردم». [۲].

پاورقی

[۱] الفتوحات المکیه ج ۳ ص ۱۰۶.

[۲] مسند امام حنبل، ج ۳ ص ۳۷.

بخشش بی نظیر

۲۸۶-«یجیی الیه رجل فیقول: یا مهدی اعطنی اعطنی. قال: فیحثی له فی ثوبه ما استطاع ان یحمله».

[صفحه ۲۹۹]

- «ابو سعید خدری می گوید: رسول اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمود: کسی می آید به خدمت حضرت مهدی و می گوید: ای مهدی! برای من انفاق کن. هر قدر بتواند ببرد به او عطا می فرماید». [۱].

در احادیث قبلی آمده بود که بیت المال را به طور مساوی تقسیم می کند، ولی این احادیث مربوط به بیت المال نیست، بلکه مربوط به اموال فراوانی است که در اختیار آن حضرت خواهد بود و هر کس مراجعه کند به مقداری که بتواند حمل کند به او عطا خواهد فرمود.

۲۸۷- «یأتیه الرجل فیقول یا مهدی اعطنی، و بین یدیه المال، فیحثی له فی ثوبه ما استطاع ان یحمله».

- «شخصی به خدمت او می آید و می گوید: ای مهدی به من عطا کن، در برابر او اموالی گذاشته شده، از آن اموال برمی دارد. و هر قدر بتواند حمل کند در لباس و ظرف او می گذارد و به او می دهد». [۲].

۲۸۸- «یکون فی آخر الزمان خلیفه یقسم المال و لا یعده».

- «خلیفه ای در آخر

الزمان خواهد بود که ثروت را در میان مردم تقسیم می کند بدون اینکه آن را بشمارد». [۳].

این تعبیر در روایات فراوانی آمده و بی ارزشی مال را در عهد آن حضرت بیان می کند. بسیار روشن است که در زمانی که زکاتها را در طبقها نهاده در کنار جاده ها بگذارند، دیگر حساب و کتابی در تقسیم اموال و عطایا مطرح نخواهد بود. و شاید لفظ نشمردن به معنای ارج ننهادن و ارزش قائل نشدن باشد.

[صفحه ۳۰۰]

پاورقی

[۱] سنن ترمذی، ج ۴ ص ۵۰۶ (حدیث ۲۲۳۲).

[۲] الیواقیت و الجواهر، مبحث ۶۵.

[۳] مصابیح السنه ج ۱ ص ۱۹۲.

فراوانی بی نظیر

۲۸۹- تنعم امتی فیها نعمه لم ینعموا مثلها، یرسل السماء علیهم مدرارا، و لا تدخر الأرض شیئا من النبات، و المال کدوس، یقوم الرجل فیقول: یا مهدی اعطنی، فیقول: خذ».

- «امت من در عهد او آن چنان متنعم می شوند که هرگز در تاریخ نظیر ندارد. آسمان سیل آسا بر آنها فرو می بارد و زمین چیزی از گیاهانش را ذخیره نمی کند، کسی بلند می شود و می گوید: ای مهدی به من عطا کن و او می فرماید: بگیر». [۱].

۲۹۰- «یخرج فی آخر امتی المهدی، یسقیه الله الغیث، و تخرج الأرض نباتها، و یعطی صحاحا، و تکثر الماشیه، و تعظم الامه، یعیش سبعا او تسعا».

- «در آخر امت من مهدی خارج می شود، خداوند باران رحمتش را بر او فرو می ریزد و زمین گیاهانش را برای او بیرون می فرستد. مال را به طور مساوی تقسیم می کند، دام بسیار فراوان می شود، امت اسلامی بسیار شکوهمند می گردد. هفت یا نه سال در میان

آنها حکومت می کند». [۲].

در این حدیث چون دهها حدیث دیگر مدت حکومت حضرت بقیه الله روحی فداه بین هفت الی نه سال تعیین شده است ولی در احادیث دیگر چهل، هفتاد و سیصد سال نیز آمده است. ولی توضیح این نکته ضروری است که در احادیث شیعه تصریح شده که در زمان حضرت بقیه الله روحی فداه هر سال معادل ده سال است و لذا هفت سال که حداقل

[صفحه ۳۰۱]

روایات است با سالهای ما معادل هفتاد سال خواهد بود. و از طرف دیگر اگر ارزش زندگی در چنین حکومتی را در نظر بگیریم هر لحظه اش با هزاران سال زندگی در زیر یوغ رژیمهای ستمگر، قابل مقایسه نیست.

۲۹۱- «یجتمع الیه ثلاثمأه و اربعه عشر رجلا فیهم نسوه، فیظهر علی کل جبار و ابن جبار، و یظهر من العدل ما یتمنی له الأحیاء امواتهم».

- «سیصد و چهارده نفر در اطراف او گرد می آیند که در میان آنها زن هم هست. آنگاه بر همه ی ستمگران و ستمگر زاده ها پیروز می شود و عدالتش در تمام جهان آشکار گردد. چون مردم آن عدالت را ببینند مردگان خود را آرزو می کنند که ای کاش آنها نیز زنده بودند و این روز شکوهمند را می دیدند». [۳].

جای تردید نیست که تعداد یاران اولیه ی حضرت ولی عصر روحی فداه ۳۱۳ تن می باشد، شاید در این حدیث یک نفر هم زن در نظر گرفته و با آن ۳۱۴ تن تعبیر کرده است و شاید هم این رقم از طرف راوی اشتباه شده است.

در مورد اینکه در نخستین بیعت ۳۱۳ تن با آن حضرت بیعت خواهند

نمود جای هیچ شک و تردید نیست ولی اینکه در میان آنها زن هم وجود داشته باشد فقط در همین حدیث آمده است. در روایات شیعه نیز فقط یک حدیث داریم که از وجود زن در میان آنها سخن گفته است. [۴].

۲۹۲- «یأوی الی المهدی امته کما تأوی النحل الی یعسوبها».

- «امت اسلامی در اطراف حضرت مهدی (علیه السلام) گرد می آیند، آنچنانکه زنبوران عسل در اطراف ملکه ی خود گرد می آیند و در

[صفحه ۳۰۲]

حوادث به او پناه می برند». [۵].

پاورقی

[۱] عقیده اهل السنه و الاثر، در مجله ی دانشگاه مدینه، سال اول، شماره ی سوم، ذیقعده ی ۱۳۸۸ ه.

[۲] نظره فی احادیث المهدی، در مجله ی التمدن الاسلامی، اکتبر ۱۹۵۰ م.

[۳] مجمع الزواید، ج ۷ ص ۳۱۵.

[۴] بحارالانوار ج ۵۲ ص ۲۲۳.

[۵] الحاوی للفتاوی، ج ۲ ص ۷۷.

قدرت بی نظیر

۲۹۳- «ان الله یلقی فی قلوب شیعتنا الرعب فاذا قام قائمنا و ظهر مهدینا کان الرجل أجرأ من لیث و امضی من سنان».

- «خداوند تبارک و تعالی ترس و لرز را در دل شیعیان ما می افکند (که تقیه کنند و خود را نگهدارند) چون قائم ما قیام کند و مهدی ما ظاهر شود، هر یک نفر از آنها از شیر دلیرتر و از نیزه نافذتر خواهد بود». [۱].

پاورقی

[۱] حلیه الأولیاء، ج ۳ ص ۱۸۴.

معجزات حضرت مهدی علیه السلام

۲۹۴- «یومی المهدی علیه السلام الی الطیر فیسقط علی یده، و یغرس قضیبا فی بقعه من الأرض، فیخضر و یورق».

- «مهدی علیه السلام به پرنده نگاه می کند در برابرش روی زمین قرار می گیرد. چوب خشک را در زمین می کارد، سبز می شود و برگ می آورد». [۱].

پاورقی

[۱] عقدالدرر ص ۱۳۹.

نزول حضرت عیسی

۲۹۵- «لن تهلک أمه انا فی اولها و المهدی فی اوسطها و عیسی فی آخرها».

- «امتی که من در اول آن، مهدی در وسط آن و عیسی در آخر آن باشد هرگز هلاک نمی شود». [۱].

[صفحه ۳۰۳]

تعبیر «عیسی در آخر آن» شاید به این مناسبت باشد که نزول حضرت عیسی علیه السلام بعد از ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا فداه خواهد بود، وگرنه معلوم نیست که حضرت عیسی تا زمان بعد از حضرت ولی عصر عجل الله فرجه الشریف باقی بماند.

۲۹۶- «و یمکث عیسی اربعین سنه و یصلی خلف المهدی».

- «حضرت عیسی مدت چهل سال در روی زمین می ماند و در پشت سر حضرت مهدی نماز می خواند». [۲].

ملا علی قاری، در کتاب پرارج «المشرب الوردی» برتری حضرت مهدی بر حضرت عیسی را اثبات می کند و نمازگزاران حضرت عیسی در پشت سر حضرت مهدی را یکی از دلایل افضلیت حضرت ولی عصر (عجل الله فرجه) بر حضرت عیسی علیه السلام شمرده است. [۳].

۲۹۷- «یجتمع المهدی و عیسی بن مریم فیجیی وقت الصلاه، فیقول المهدی لعیسی: تقدم، فیقول عیسی: انت اولی بالصلاه، فیصلی عیسی وراه مأموما».

- «حضرت مهدی با حضرت عیسی جمع می شوند، هنگام نماز فرا می رسید، حضرت مهدی به حضرت عیسی می فرماید: بفرمایید جلو حضرت عیسی می

فرمایـد: نه شـما برای امـامت نمـاز شایسـته تر هستیـد. آنگاه حضـرت عیسـی به او اقتـدا می کنـد و نماز را در پشت سـر او می خواند». [۴].

[صفحه ۳۰۴]

پاورقی

[۱] الاشاعه لأشراط الساعه ص ۱۱۲.

[۲] البدء و التاریخ ج ۱ ص ۱۹۲.

[۳] المشرب الوردی، برگ دوم -مخطوط-.

[۴] تذکره الخواص، ص ۳۲۵.

علایم ظهور

۲۹۸- «سـتکون فتن، القاعـد فیـا خیر من القـائم، و القـائم فیهـا خیر من الماشـی، و الماشـی فیها خیر من الساعی، من تشـرف لها تسبشرفه، فمن وجد ملجا او ملاذا فلیعذبه».

- «فتنه هایی پدید خواهد آمد که هر کس در آن روزگار نشسته باشد بهتر از آنست که بایسـتد. و هر کس ایستاده باشد بهتر از آنست که حرکت کند. و هر کس در حرکت باشد بهتر از آنست که تلاش کند. هر کس خود را در معرض آن فتنه ها قرار دهد، فتنه ها او را در کام خود فرو می برند. هر کس پناهگاه و محل امنی پیدا کند به آن پناه ببرد». [۱].

۲۹۹- «لیأتین علی العلماء زمان، الموت احب الی احدهم من الذهب الأحمر. و لیأتین احدهم قبر أخیه فیقول: لیتنی مکانه».

- «زمـانی برای دانشـمندان پیش می آیـد که مرگ برای آنهـا از طلاـی سـرخ محبوبـتر می شود و هر یـک از آنهـا بر سـر قـبر برادرش آمده می گوید: ای کاش من جای او آرمیده بودم». [۲].

۳۰۰- «بلاـء یصـیب هـذه الأمه، حتی لا یجـد الرجل ملجا یلجأ الیه من الظلم فیبعث الله رجلا من عترتی فیملأ به الأرض قسـطا و عدلا کما ملئت ظلما و جورا».

- «بلای جانکاهی براین امت روی می دهد که احدی پناهگاهی پیدا نمی کند که از ستمها به

آن پناه ببرد. آنگاه خداوند مردی را از تبار من می فرستد که زمین را پر از عدل و داد می کند، آنچنان که پر از جور و ستم شده است». [۳].

۳۰۱- «سیکون بعدی خلفاء، و من بعد الخلفاء امراء، و من بعد الأمراء

[صفحه ۳۰۵]

ملوک جبابره، ثم یخرج رجل من اهل بیتی یملأ الأرض عدلا کما ملئت جورا».

- «بعد از من خلفا، سپس امیران و بعد از آنها پادشاهان ستمگری خواهد بود. آنگاه مردی از اهل بیت من خارج می شود که زمین را پر از عدالت می کند، آنچنانکه پر از ستم شده است». [۴].

۳۰۲- «ویح هذه الامه من ملوک جباره کیف یقتلون و یطردون، الا من اظهر طاعتهم، فالمومن التقی یصانعهم بلسانه و یفر منهم بقلبه، فاذا اراد الله تعالی ان یعید الاسلام عزیزا قصم کل جبار عنید و هو القادر علی ما یشاء، و اصلح الامه بعد فسادها. یا حذیفه! لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد لطول الله ذلک الیوم حتی یملک رجل من اهل بیتی، الملاحم فی یدیه و یظهر الاسلام، و الله لا یخلف وعده، و هو سریع الحساب».

- «وای به حال این امت از زمامداران ستمگر، که می کشند و دور می اندازند، جز کسانی را که اظهار فرمانبری بکند. مومن پرهیزگار، با زبان با آنها سازش می کند ولی در دل از آنها بیزاری می جوید. هنگامی که خداوند بخواهد عزت اسلام را باز گرداند، ستمگران عنود را هلاک می سازد و کار امت را پس از تباهی اصلاح می نماید که او بر هر چیزی که بخواهد تواناست. (سپس فرمود): ای حذیفه! اگر از عمر

دنیا جز یک روز باقی نباشد خداوند به قدری آن را طولانی سازد که مردی از اهل بیت من سلطنت یابد و جنگهای سخت نماید و آیین اسلام را آشکار سازد، که خداوند هرگز در وعده ی خود تخلف ننماید و در حسابگری بسیار سریع است». [۵].

۳۰۳- «ینزل بامتی فی آخر الزمان بلاء شدید من سلطانهم، لم یسمع بلاء اشد منه، حتی تضیق علیهم الأرض الرحبه، و حتی یملأ الأرض جورا و

[صفحه ۳۰۶]

ظلما، لا یجد المومن ملجا یلتجی الیه من الظلم، فیبعث الله عزوجل رجلا من عترتی فیملأ الأرض قسطا و عدلا، کما ملئت ظلما و جورا، یرضی عنه ساکن السماء و ساکن الأرض، لا تدخر الأرض من بذرها شیئا الا اخرجته، و لا السماء من قطرها شیئا الا صبه الله علیهم مدرارا».

-«بر امت من در آخر الزمان بلای سختی از سوی زمامدارانشان نازل می شود که بلایی سخت تر از آن شنیده نشده است. زمین با همه وسعتش بر آنها تنگ می شود. زمین پر از جور و ستم می شود و شخص با ایمان پناهگاهی نمی یابد که به آن پناه ببرد. آنگاه خداوند مردی را از عترت من برمی انگیزد که زمین را پر از عدل و داد کند، آن چنان که پر از جور و ستم شده است. ساکنان آسمان و زمین از او خشنود می شوند. زمین چیزی از باران رحمتش را نگه نمی دارد جز اینکه سیل آسا بر آنها فرومی ریزد». [۶].

۳۰۴- «اذا صارت الدنیا هرجا و مرجا، و تظاهرات الفتن، و تقطعت السبل، و اغار بعضهم علی بعض فلا کبیر یرحم صغیرا، و لا صغیر یوقر کبیرا،

فیبعث الله عنـد ذلـک منهمـا (ای الحسـنین) من یفتـح حصون الضـلاله و قلوبـا غلفـا، یقوم بالـدین آخر الزمان کما قمت به اول الزمان، و یملأ الدنیا عدلا کما ملئت جورا».

- «هنگـامی که جهـان پر از هرج و مرج شـود، فتنه هـا آشـکار شـود و راههـا نـاامن شـود و برخی دیگر حمله ور شونـد، دیگر بزرگی بر کوچک ترحم نکند و هیچ کوچکی احترام بزرگ را رعایت نکند، خداوند از این فرزندم (حسن و حسین) کسی را برمی انگیزد که سنگرهای ضـلالت را در هم می شـکند و دلهای مهر خورده را می گشایـد. دین را در آخر الزمان بر پای می دارد آن چنـان که من در اول زمـان آن را بپـا داشـتم. زمین را پر از عـدل و داد می کنـد، آن چنان که پر از ظلم و سـتم شـده باشد». [۷].

[صفحه ۳۰۷]

در این حدیث تصریح شده که حضرت مهدی از نسل امام حسن و امام حسین است و آن صحیح است زیرا حضرت ولی عصر روحی فـداه از طرف پـدر از تبار امام حسـین و از طرف مادر از تبار امام حسن می باشـد، چون مادر امام باقر دختر امام حسـن مجتبی است که درود خدا بر همه ی آنان باد.

۳۰۵- «اذا تشـبه الرجال بالنساء بالرجال، و رکبت ذوات الفروج السـروج و امات الناس الصـلوات و اتبعوا الشـهوات، و اسـتخفوا بالـدماء و تعاملو برلربا و تضاهروا بالزنا، و شـیدوا البنأ و اسـتحلوا الکـذب و اخـذوا الرشا و اتبعوا الهوی و باعوا الـدین بالدنیا، و قطعوا الأرحام و ضنوا بالطعام، و کان الحلم ضعفا و الظلم فخرا، و الامرأ فجره و الوزراء کذبه و

الأمنـاء خونه و الأـعوان ظلمه و القراء فسـقه، و ظهر الجور و كـثر الطلاـق و بـد الفجور و قبلت شـهاده الزور و شـربت الخمور و ركبت الذكور و استغنت النساء بالنساء، و اتخذ الفيى مغنما و الصدقه مغرما، و اتقى الأشرار مخافه السنتهم، و خرج السفيانى من الشام و اليمانى من اليمن، و خسف البيـداء بين مكه و المـدينه، و قتل غلام من آل محمـد بين الركن و المقام و صاح صائح من السماء بأن الحق معه و مع اتباعه».

- «هنگـامی که مردهـا خود را به صورت زن در آورده، زنهـا به صورت مرد در آینـد، زنهـا بر زینها سوار شونـد، مردم نماز را ترک کنند و از شـهوات پیروی کنند، خونها را سـبک بشـمارند و از ربا نهراسـند، زنا علنی شود و ساختمانهای محکم و مرتفع سـاخته شود، دروغ مباح شـمرده شود و رشوه رائـج گردد، از خواسـته های نفس پیروی کننـد و دین را به دنیا بفروشـند، پیوند خویشاوندی را قطع کرده، از بذل طعام خودداری کنند، عقل و خود نگهداری نشانه ی ضـعف، و ظلم و ستم وسیله ی مباهات گردد. امیران بـدخو، وزیران دروغگو، امینـان خـائن، یـاران ظـالم و قاریان فاسق شونـد. سـتم علنی شـده، طلاق فراوان گشـته، روابط نامشروع شایع شده، گواهی دروغ پذیرفته می شود و مشروبات رائج می شود، همجنس بازی

[صفحه ۳۰۸]

رواج می یابـد و زنها نیز به یکـدیگر اکتفاء کننـد، بیت المال تاراج می شود و انفاق در راه خدا جریمه محسوب می شود و بد سرشتان برای ترس از زبانشان احترام می شوند، سفیانی از شام خارج می شود و یمانی از یمن خارج می کند،

سرزمین بیـدا در میان مکه و مـدینه خسف می شود و جوانی از آل محمد (صـلوات الله علیهم) در میان رکن و مقام به قتل می رسد و منادی آسمانی ندا سر می دهد که حق با او و پیروان اوست». [۸].

۳۰۶- «و لا یخرج حتی تخرب خوز و کرمان و روم و یونان».

- «حضرت مهدی علیه السلام ظهور نمی کند جز اینکه خوزستان، کرمان، روم و یونان خراب شوند». [۹].

ویرانی خوزستان با آغاز جنگ خانمان سوز ایران و عراق تحقق یافت.

۳۰۷- «یوشک اهل العراق ان لا یجیی الیهم قفیز و لا درهم. قلنا: من این ذلک؟ قال: من قبل العجم یمنعون ذلک».

- «انتظار می رود که یک قفیز گندم و یک درهم پول به مردم عراق نرسد». [۱۰].

ابونضره می گوید: من و دیگر حاضران پرسیدم: چرا و چگونه؟ گفت: از ناحیه ی «عجم» که جلوگیری می کنند».

«قفیز» واحـد وزن است که در زمانهـای مختلـف متغیر بود که طبق قـانون مصوب ۱۳۰۴ شمسـی یک قفیز مساوی یک دکامتر مربع است. [۱۱].

[صفحه ۳۰۹]

«عجم» به معنای غیر عرب است ولی معمولا در مورد ایرانیان به کار می رود.

این حدیث نیز با جنگ ایران و عراق تا حدی تحقق یافته است.

۳۰۸- «اذا رأیتم الرایات السود قد جائت من قبل خراسان فأتوها فان فیها خلیفه المهدی».

- «هنگامی که پرچمهای سیاه از جانب خراسان به اهتزاز درآمد به سوی آنها بشتابید که خلیفه ی خدا حضرت مهدی در میان آن است». [۱۲].

این روایت که به مضـمون آن دهها روایت از طریق اهل سـنت نقل شده است، اگر صحیح باشد ممکن است اشاره به قیام سید حسنی باشد که اهل خراسان

است.

۳۰۹- «یخرج ناس من المشرق، فیوطئون للمهدی».

- «گروهی از خاور زمین برمی خیزند و راه را برای مهدی علیه السلام هموار می کنند». [۱۳].

با توجه به اینکه در احادیث فراوانی تعبیر مشرق در مورد خراسان به کار رفته است می توان این حدیث را نیز با جناب سید حسنی تطبیق نمود که طبق روایات شیعه از خراسان برمی خیزد و سپاهی فراهم می آورد و همه را یک جا به محضر مقدس حضرت بقیه الله روحی فداه تقدیم می کند.

۳۱۰- «تجیی فتنه غبراء مظلمه ثم یتبع الفتن بعضها بعضا حتی یخرج رجل من اهل بیتی یقال له المهدی، فان ادرکته فاتبعه و کن من المهتدین».

[صفحه ۳۱۰]

- «فتنه ی تیره و تاری پدید می آید که افق زندگی را تاریک می سازد، آنگاه فتنه ها پشت سر هم می آیند تا مردی از اهل بیت من به نام «مهدی» ظهور کند. اگر او را درک کردی از او پیروی کن تا از هدایت یافتگان باشی». [۱۴].

۳۱۱- «لا یخرج المهدی حتی تطلع مع الشمس آیه».

- «مهدی ظهور نمی کند جز اینکه نشانه ای با خورشید ظاهر شود». [۱۵].

این نشانه در احادیث شیعه به دو گونه نقل شده است:

۱- سینه و صورتی همراه خورشید در آسمان ظاهر می شود. [۱۶].

۲- دستی در آسمان ظاهر می شود. [۱۷].

تحقق این نشانه در حدیث فوق از علایم حتمی معرفی شده است.

۳۱۲- «ان لمهدینا آیتین لم یکونا منذ خلق الله السماوات و الأرض، ینکسف القمر لأول لیله من رمضان و تنکسف الشمس فی النصف منه».

- «برای قائم ما دو نشانه است که هرگز از زمان آفرینش آسمانها و زمین چنین حادثه ای

روی نداده است: ماه در اول رمضان می گیرد و خورشید نیز در وسط آن گرفته می شود». [۱۸].

۳۱۳- «یطلع نجم من المشرق قبل خروج المهدی له ذنب تضیی».

- «پیش از خروج حضرت مهدی ستاره ی دنباله داری از سمت مشرق طلوع می کند دنباله اش درخشان است». [۱۹].

[صفحه ۳۱۱]

چون تعداد یاران حضرت ولی عصر عجل الله تعالی الفرجه الشریف سیصد و سیزده تن می باشند، ما نیز تعداد احادیث این کتاب را تیمنا و تبرکا ۳۱۳ قرار دادیم، امیدواریم که هر چه زودتر آن روز شکوهمند فرا رسد و دیدگان نگران مشتاقان با دیدار آن مهر تابان و کعبه ی خوبان منور گردد، و همه ی خوانندگان این کتاب در ردیف بهترین یاران آن حضرت در حکومت حقه و دولت عادله ی جهانی آن مصلح الهی قرار بگیرند. انشاء الله. [۲۰].

پاورقی

[۱] صحیح بخاری، ج ۴ ص ۲۲۵.

[۲] فتح الباری ج ۱۳ ص ۷۶.

[۳] مشکاه المصابیح ص ۱۸۴.

[۴] اسد الغابه، ج ۱ ص ۲۵۹.

[۵] اربعین ابو نعیم ص ۵۴ (حدیث ۲۸).

[۶] مستدرک صحیحین، ج ۴ ص ۴۶۵.

[۷] الاذاعه ص ۱۳۶.

[۸] نورالابصار ص ۱۷۲.

[۹] فیض القدیر، ج ۶ ص ۲۷۷.

[۱۰] مسند امام احمد بن حنبل، ج ۳ ص ۳۱۷.

[۱۱] فرهنگ معین، ج ۲ ص ۲۷۰۲.

[۱۲] مرقاه المفاتیح ج ۵ ص ۱۸۵.

[۱۳] سنن ابن ماجه، ج ۲ ص ۱۳۶۸ (حدیث ۴۰۸۸).

[۱۴] الحاوی للفتاوی ج ۲ ص ۶۷.

[۱۵] المصنف ج ۱۱ ص ۲۸ (حدیث ۲۰۷۷۵).

[۱۶] یوم الخلاص، ص ۵۱۸.

[۱۷] بحارالانوار، ج ۵۲ ص ۲۳۳.

[۱۸] تذکره قرطبی ص ۶۱۹.

[۱۹] الحاوی للفتاوی ج ۲ ص ۸۲.

[۲۰] ویرایش این بخش در بیستم ربیع الثانی ۱۴۰۵ هجری در حوزه ی علمیه قم

پایان یافت.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹